

شهاب میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
«گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی»

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی
شناسه پستی ۳۷۱۵۷
تلفن: ۸ - ۷۷۴۱۹۷۰
نمابر: ۷۷۴۳۶۳۷
www.marashilibrary.com...or net or org
E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر سید محمود مرعشی نجفی
سرپرست: محمد اسفندیاری
زیر نظر شورای سردبیری

- میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است و در ضمن آن به مسائل ذیل می پردازد:
- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

- هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
- مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.
- میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
- میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

فهرست مطالب

طلوع مجدد آفتاب از ساحل اسکندریه	سید محمود مرعشی نجفی ۳
تحفة الفاطمیین فی أحوال قم والقمیین	حسین بن محمد حسن قمی ۲۹
فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ	
حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی	ابوالفضل حافظیان بابل ۴۰
مادّة تاریخ	سید حسن فاطمی ۷۱
رساله‌ای در استخاره	ملا احمد نراقی ۸۱
بازتاب دیار	 ۹۱
(یادگارنوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه)	
نامه‌ها	 ۹۶
(گزیده‌هایی از نامه‌های دانشوران به کتابخانه)	
خبر	 ۹۹

گزارش سفر مصر
در اواخر مهرماه ۱۳۸۱
اکتبر ۲۰۰۲
بخش دوم

طلوع مجدد آفتاب از ساحل اسکندریه

دارالکتب والوثائق القومية

سید محمود مرعشی نجفی

بازگشت از اسکندریه به قاهره

چون اینجانب در قاهره برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای داشتم که در ادامه این گزارش آمده است، صبح روز بعد از مراسم افتتاحیه کتابخانه اسکندریه، عازم قاهره شدم و به اقامتگاه دفتر حفاظت منافع ایران رهسپار شدم. پس از استراحت شب، فردای آن روز، عازم زیارت حرم مطهر رأس الحسین (علیه السلام) شدم که دارای حرم و مسجد بزرگی به صورت مستطیلی با ۷۴ ستون بلند است. قبلاً در مورد این حرم در برخی از جراید، مطالبی آورده‌ام. چند سال، مستمراً، جهت خرید کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره به مصر سفر کرده و در هر سفر، چندین بار به زیارت آن مرقد مطهر مشرف شده بودم.

پس از زیارت آنجا، عازم مرقد مطهر حضرت زینب کبری (علیها السلام) شدم. به نظر مرحوم والد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی -رحمة الله علیه- مرقد حضرت زینب کبری در قاهره واقع شده، نه در دمشق. آنجا نیز دارای حرم

و مسجد بزرگی است. عجیب است که وقتی انسان، آن جمعیت زیاد را در کنار ضریح مطهر حضرت زینب و رأس الحسین -که برای طلب حاجات خود به گرد آن ضریح می‌آیند- مشاهده می‌کند، فکر می‌کند تمام زائران، شیعی مذهب‌اند، در صورتی که همه آنان، شافعی مذهب‌اند و عجیب است که مصری‌ها به اهل بیت (علیهم السلام) عشق می‌ورزند. در این حررها بسیاری از مردم با مشاهده اینجانب، بلافاصله سلام کرده، اظهار می‌داشتند «از ذریه آل‌البیت (علیهم السلام) هستی» و دست خود را بر شانه من می‌ساییدند.

خاطرم هست که مرحوم پدر بزرگوارم در نخستین سفری که حدود سی سال قبل به قاهره داشتم، پس از مراجعت، با دقت به گزارش سفر من توجه داشتند و می‌فرمودند یکی از خواسته‌های ایشان، رفتن به مصر و زیارت مرقد مطهر آن بزرگواران است، که متأسفانه تا پایان عمر بابرکت خود، موفق به این مهم نشدند.

باری! پس از زیارت، عازم مرقد مطهر حضرت نفیسه خاتون شدیم. در سفرهای قبلی بارها به زیارت این حرم رفته بودم و چندان وضعیت مناسبی نداشت؛ لیکن در این سفر مشاهده کردم که وزارت اوقاف مصر با کمک برخی از



ملاقات با دکتر السباعی در دانشگاه قاهره

افراد نیکوکار، این حرم را توسعه داده و ساختمان مفصل و آبرومندی برای آن ساخته‌اند.

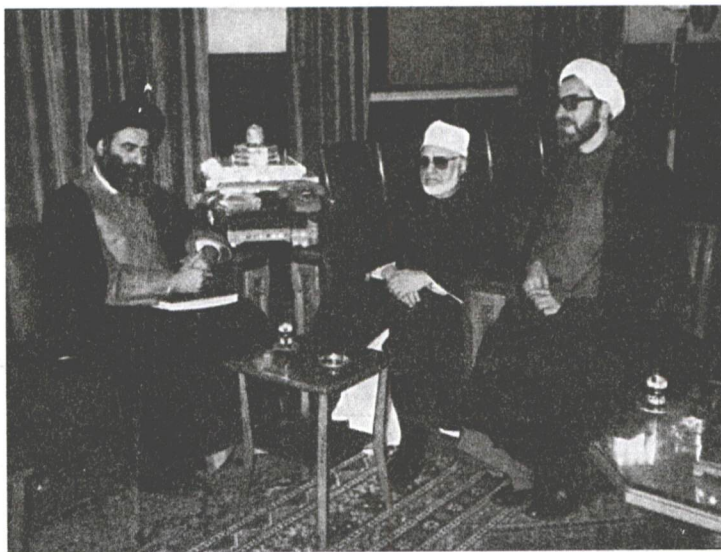
یکشنبه ساعت یازده صبح

طبق قرار قبلی، روز یکشنبه ساعت یازده صبح برای ملاقات دکتر السباعی محمد السباعی، رهسپار مرکز الدراسات الشرقية، وابسته به دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره شدیم. اینجانب، حدود هشت سال قبل با ایشان - که رئیس مرکز فوق بود - تفاهم‌نامه‌ای برای

سباعی و مرحوم دکتر ابراهیم دسوقی شتا - که او نیز استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قاهره بود - آشنا شده بودم. مرحوم دکتر دسوقی شتا، فارسی خوب صحبت می‌کرد و کتابهای بسیاری نوشته و همچنین صحیفه نور حضرت امام

همکاری‌های فرهنگی متقابل امضا کرده بودیم که تاکنون نیز اعتبار دارد. در جزوه‌ای که مربوط به فعالیتهای این مرکز بود، نام کتابخانه بزرگ آية الله العظمی مرعشی نجفی، در بخش روابط خارجی آنجا با دیگر مراکز علمی، آمده بود.

خمینی علیه السلام را به عربی ترجمه نموده است. او نیز چندین بار به مناسبت همایشهایی به ایران سفر کرده بود و در سفر آخری خود که به اتفاق همسرش از کتابخانه ما بازدید کرد، بسیار مرا تشویق و ترغیب به ادامه و توسعه امور کتابخانه می‌کرد و متأسفانه، حدود دو سال قبل، به دنبال یک بیماری در قاهره درگذشت. به هر حال، در آن سفرهای قبلی با مرحوم دکتر جاد الحق علی جاد الحق، شیخ الأزهر نیز ملاقات داشتم که طی این ملاقات، من یک دوره کتاب المسلسلات را که شامل اجازات روایتی مرحوم



ملاقات با دکتر جاد الحق علی جاد الحق (شیخ الأزهر) به همراهی همکار فقید محمد علی حائری خرم‌آبادی، در یکی از سفرهای مصر

آية الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام از علمای امامیه و اهل سنت و زیدی است، به او هدیه نمودم و فوق‌العاده خشنود شد و از من خواست تا یک دوره کامل از کتب اربعه، شیعه را برای او ارسال نمایم که پس از مراجعت، از طریق سفارت مصر در

دکتر سباعی، استاد زبان و ادب فارسی در دانشگاه قاهره است و تألیفات بسیاری در این زمینه دارد و چند سال قبل نیز به ایران سفر کرده است. من در یکی از سفرهای قبلی خود در دفتر کار دکتر مأمون سلامه، رئیس سابق دانشگاه قاهره، با دکتر

تهران، ارسال نمودم. نیز در یکی از سفرهای قبل برای دیدار فیلسوف و متکلم و نویسنده و متفکر اسلامی، مرحوم شیخ محمد الغزالی - که مؤلف بیش از پانصد کتاب است - به منزلش رفتم که به ما فوق‌العاده احترام نمود و در پایان ملاقات، یک اجازه کتبی به من داد.

به هر حال، دکتر سباعی اظهار داشت که برای ما کتابهای

قبل نگاشته و منتشر کرده است. او فارسی را خوب صحبت می‌کرد، زیرا مدتی در افغانستان زیسته بود. آخرین باری که او را ملاقات کردم، حدود ۴ سال قبل در سفر به ازبکستان در شهر سمرقند به مناسبت همایش امام بخاری بود، که از کتابخانه ما زیاد شنیده بود و گفت خیلی مایل است روزی بتواند از کتابخانه ما بازدید کند.

بسیاری را ارسال داشته است و هیچ‌کدام متأسفانه به دست ما نرسیده بود. ما نیز برای او کتابهای مورد نیاز را فرستاده بودیم که آنها نیز نرسیده بود. امیدوارم از این پس، مرسولات، صحیح و سالم برسد؛ زیرا من دو هفته قبل از سفر به مصر، برای شرکت در مراسم افتتاح ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه، مجموعه‌ای از انتشارات کتابخانه خودمان را برای آن کتابخانه با پست هوایی ارسال داشته بودم که روز حرکت به قاهره، طی یک نامه رسمی از مدیر کتابخانه اسکندریه، اعلام وصول گردید.

فرزند دکتر سباعی به نام دکتر محمد السباعی - که در دفتر کار پدرش حضور داشت - کتابی به عنوان الحیات الفکرية فی عصر رضا شاه به عنوان رساله دکترای خود نگاشته است. وی به تشویق پدر خود، زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه قاهره فرا گرفته است. به هر حال، مقرر شد بر مبنای تفاهم‌نامه قبلی کتابخانه ما با آن مرکز، کتابهایی را ارسال نماییم و ایشان نیز کتابهایی برای کتابخانه ما ارسال نمایند. در همان ملاقات، چند جلد از انتشارات مرکز الدراسات الشرقية را به من داد. ناگفته نماند طبق اظهار دکتر سباعی، در کتابخانه آن مرکز، تعداد چهار هزار کتاب چاپی وجود دارد که چهار هزار جلد آن، فارسی و شش هزار جلد، ترکی و اردو و بقیه به زبانهای دیگر است. متأسفانه، خبر درگذشت مرحوم دکتر نصرالله مبشر الطرازی را که از استادان و کتابشناسان برجسته از یکی الاصل ساکن قاهره بود، از دکتر سباعی شنیدم. وی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه قاهره را حدود پنجاه سال

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد الغزالي

الحمد لله... والصلاة والسلام على رسول الله ووالله
وبعد فقد رغبت الى حجة الاسلام الدكتور السيد محمد المرعشي النجفي
ابن المرحوم آية الله العظمى المرعشي النجفي
انه اجيزه في رواية هذا الفاء الله على به بعلمه العليم، وقد استصنفت
شأنی، وأعلم من نفسي اني دونه ما ينظمه بـ
ولكنني تغرب الى الله با شاعة المعرفة بسرف انه اجيز الدكتور حجة الاسلام
السيد محمد المرعشي النجفي، برواية ما يعرفه كتبي بعد التثبت والظفر
الفاصل، سبحانه لا اعلم لنا الا ما علمنا انك انت العليم الحكيم
ولعننا نمر عنده الله خدمه المدينه، واحبنا بالرسول والكن
وأخبر عوانا انه الحمد لله رب العالمين
القاهرة ١٥ رجب ١٤١٤

اجارة دانشمند و متفکر بزرگ جهان اسلام، مرحوم استاد محمد غزالی به اینجانب

یکشنبه بیستم اکتبر

طبق قرار قبلی در ساعت یک بعد از ظهر، با دکتر صلاح فضل، رئیس شورای مرکزی دارالکتب و الوثائق القومية و رئیس آن مرکز در دفتر کارش در آن کتابخانه ملاقات کردم. در این ملاقات، آقای حسن شاه حسینی کارشناس علمی دفتر حفاظت منافع ایران در مصر، مرا همراهی می‌کرد. همچنین دکتر رفعت حسن هلال، رئیس مراکز تحقیقاتی دارالکتب که دارای پنج مرکز تحقیقاتی از جمله: مرکز ترمیم و بازسازی نسخه‌ها و اسناد، مرکز میکروفیلم و تصویر، مرکز تحقیق میراث و ... است.

در این ملاقات که با گرمی بسیار همراه بود، دکتر صلاح فضل، نام کتابخانه ما را شنیده بود و با اشتیاق بسیار، مایل به توسعه روابط آن مرکز با این کتابخانه بزرگ بود.

اینجانب در بیش از سی سال قبل، سفری به مصر داشتم و طی آن با مسئول آن زمان دارالکتب تفاهم‌نامه همکاری منعقد کردیم که در سفرهای بعدی به آن استناد می‌کردیم.

متأسفانه، وضعیت ارسال کتاب و یا نامه به وسیله پست، همراه با دشواری است. به همین سبب، رئیس فعلی آن مرکز، مایل بود تا قرارداد جدید رسمی برای همکاری فرهنگی متقابل برقرار سازیم. در این زمینه، مذاکره شد و قرار شد پس از مراجعت اینجانب به ایران، مواد موردنظر قرارداد همکاری را تهیه کنم و برای آنان ارسال کنم تا چنانچه مشکلی

باشد) و بیش از دو میلیون و نیم کتاب چاپی، بیش از سه هزار پاپیروس، پنج هزار سند دستنویس بر روی پوست، شش هزار عنوان نشریه و ۲۷ هزار مواد سمعی و بصری را در خود جا داده و از لحاظ نسخه‌های خطی نفیس اسلامی، بعد از کتابخانه سلیمانیه در استانبول ترکیه، دومین کتابخانه جهان اسلام به‌شمار می‌آید. کتابخانه دارالکتب در بیستم ذی‌حجه

سال ۱۲۶۸ ق/ ۲۳ مارس ۱۸۷۰ م، بنابر پیشنهاد علی مبارک، وزیر معارف وقت حکومت مصر و موافقت اسماعیل پاشا، خدیو مصر، با جمع‌آوری کتابهای مختلف در مساجد و منازل و مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها و غیر آنها تأسیس گردید و در ۲۴ دسامبر همان سال رسماً جهت استفاده عموم گشایش یافت. نخستین ساختمان آن در سرای درب الجمامیز (قصر مصطفی فاضل پاشا) قرار داشته و در سال ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴ م، به میدان احمد ماهر (باب الخلق) منتقل شد و در



ملاقات با دکتر صلاح فضل، رئیس دارالکتب قاهره و دکتر رفعت حسن هلال معاون وی

سال ۱۹۳۷ م، به علت ضیق مکان، دولت وقت، زمینی به مساحت پانزده هزار متر مربع در کنار رودخانه نیل برای آن اختصاص داد و موجودی کتابخانه به سال ۱۹۷۱ م، به ساختمان جدیدی که در آن زمین بنیاد شده و کامل نگردیده بود، انتقال یافت.

این کتابخانه از بدو تأسیس تاکنون به نامهای متعددی شناخته می‌شده، بدین ترتیب:

۱. کتبخانه الخدیویه (تا ۱۹۱۱ م).
۲. دارالکتب الخدیویه (۱۹۱۱ - ۱۹۱۶ م).
۳. دارالکتب السلطانیة (۱۹۱۶ - ۱۹۲۷ م).
۴. دارالکتب المصریة (۱۹۲۷ - ۱۹۵۶ م).
۵. دارالکتب و الوثائق القومیة (۱۹۵۶ - ۱۹۷۱ م).

نداشت، اقدام شود و طی یک نشست در قم یا در قاهره، این سند را امضا کنیم و به موجب آن، بتوانیم ارسال کتابهای چاپ شده در مصر و ایران، مبادله تصویر و میکروفیلم موجود در هر یک از این دو مرکز، تبادل کارشناسان مربوط و متخصصان مرمت و میکروفیلم و فراهم آوردن زمینه سفرهای مسئولان دو مرکز و بازدید آنان از مراکز یکدیگر و ... را برقرار سازیم. ضمناً فهرست جدیدی از انتشارات دارالکتب، با عنوان: «دلیل إصدارات دارالکتب و الوثائق القومیة» مربوط به سالهای ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ م، را به اینجانب داد تا هر کدام از آنها را که کتابخانه ما بدانها نیاز دارد، انتخاب و دریافت نمایم. در خاتمه این ملاقات، با دکتر صلاح فضل و دکتر حسن هلال در دفتر کارش عکس به یادگار گرفتیم.

کتابخانه دارالکتب یا کتابخانه ملی دولتی مصر، بالغ بر هفتاد هزار نسخه خطی دارد^۱ (البته دکتر صلاح فضل، تعداد نسخه‌های خطی موجود آن را بالغ بر یکصد هزار جلد بیان می‌کرد که شاید منظورش همه کتابهای خطی حتی قبطی‌ها هم

۱. دکتر ایمن فؤاد سید، فرزند مرحوم فؤاد سید، رئیس سابق دارالکتب قاهره، تعداد نسخه‌های خطی دارالکتب را در پنج سال پیش در کتاب تاریخیچه دارالکتب شصت هزار جلد اعلام کرده و نمی‌دانیم کدام یک از این تعداد، صحیح است.

۶. هیئته المصریة العامة للكتاب (۱۹۷۱ م تاکنون).

این کتابخانه، یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین مجموعه قرآنهای بسیار کهن و نفیس را داراست. اینجانب، شخصاً برخی از نسخه‌های نفیس آن را از نزدیک مشاهده نمودم، از جمله، یکی از کهن‌ترین نسخه‌های قرآن کوفی بر روی پوست را که بالغ بر یک‌هزار برگ داشت و در اواخر سده نخست ق، کتابت شده و یکی از استادان مرمت آن کتابخانه، آن را بازسازی کرده بود.

دارالکتب قاهره، در حال حاضر، وابسته به وزارت فرهنگ مصر است. و همان‌گونه که اشاره شد، تعداد نسخه‌های خطی اسلامی این مجموعه، بالغ بر هفتاد هزار جلد است^۱ که در میان آنها، نسخه‌های بسیار کهن از سده‌های سوم هجری به بعد و نیز چندین قرآن کریم از سده‌های نخستین وجود دارد و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، آن کتابخانه را از لحاظ کمی و کیفی، پس از مجموعه سلیمانیه در استانبول، در ردیف دوم کتابخانه‌های اسلامی جهان قرار داده است.

این کتابخانه، از چند مجموعه شکل گرفته و به‌صورت فعلی درآمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: قَوْلَه، که محمدعلی پاشا، آن را در شهر قَوْلَه بنیاد نهاد و دارای ۳۴۴۰ نسخه خطی بوده و به سال ۱۹۲۹ م، آن را به دارالکتب، اهدا نموده است.

کتابخانه امیر ابراهیم حلیم، که تعداد نسخه‌های خطی آن ۶۴۱ جلد است.

کتابخانه خلیل آغا که تعداد نسخه‌های خطی آن ۶۸۶ جلد است.

کتابخانه شیخ محمد عبده، که دارای ۱۰۸ نسخه خطی است. کتابخانه احمد طلعت بک، که شامل ۹۵۴۹ نسخه خطی است.

کتابخانه تیموریه که کتابهای آن را احمد تیمور پاشا جمع‌آوری کرده و آنها را که بالغ بر ۸۶۷۳ نسخه خطی بوده، پس از درگذشت وی به دارالکتب اهدا نموده‌اند.

کتابخانه زکیه که احمد زکی پاشا کتب آن را جمع‌آوری کرده و در زمان حیات خود، به سال ۱۹۳۵ م، که تعداد آن بالغ بر ۱۴۸۲ نسخه خطی بوده، به دارالکتب اهدا نموده است. کتابخانه سیداحمد حسینی، که تعداد ۲۴۵ نسخه خطی دارد. بجز این کتابخانه‌ها چند مجموعه کوچک دیگر نیز به

دارالکتب اهدا شده، از جمله کتابخانه‌های سید وجیه عمری، سید عمر مکرم، شیخ احمد ابی‌خطوة و سید علی جلال حسینی و غیر آنها.

تاکنون از مجموعه نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی این کتابخانه، فهرستهای مختلفی منتشر شده است که برخی از آنها را به ترتیب زیر برمی‌شمارم:

۱. فهرست الکتب الموجودة بالکتابخانه الخدیویة المصریة الکبری الکائنة بسرای درب الجمامیز العامرة بمصر القاهرة، قاهره، ۱۲۸۹ م، ۳۳۳ ص.

۲. فهرست الکتب العربیة المحفوظة بالکتابخانه الخدیویة الکائنة بسرای درب الجمامیز بمصر المحروسة، ۸ جزء در ۷ ج، قاهره، ۱۳۰۱ - ۱۳۰۸ ق / ۱۸۸۴ - ۱۸۹۱ م.

۳. فهرست الکتب التریکیة و الفارسیة و الجاویة الموجودة فی الکتابخانه الخدیویة، ۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹ م.

۴. فهرست الکتب الفارسیة و الجاویة المحفوظة بالکتابخانه الخدیویة المصریة، علی حلمی داغستانی، قاهره، ۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹ م، ۵۵۹ ص.

۵. فهرس الکتب العربیة الموجودة بالدار لغایة سنة ۱۹۲۱ إلى سنة ۱۹۳۰ م، ۹ ج، قاهره، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۳ ق / ۱۹۵۹ - ۱۹۶۳ م. (این مجموعه نه جلدی، شامل کتابهای خطی و چاپی به ترتیب الفبایی است).

۶. فهرست المخطوطات، ج ۱ (مصطلح الحدیث)، قاهره، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م، ۳۷۱ ص.

۷. فهرست المخطوطات، نشره بالمخطوطات التی اقتنتها الدار من سنة ۱۹۳۶ - ۱۹۵۵ م، ۳ ج، قاهره، ۱۳۸۰ - ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ م.

۸. قائمة بالمخطوطات العربیة المصورّة بالمیکروفیلم من الجمهوریة العربیة الیمنیة، قاهره، ۱۹۶۷ م.

۱. دکتر ایمن فؤاد سید، دوست اینجانب و فرزند کتابشناس برجسته مصری مرحوم فؤاد سید - که او و پدرش مدتها مسئول دارالکتب بوده‌اند - در کتاب دارالکتب المصریة تاریخها و تطوّرها این تعداد را آورده و معتقد است تعداد نسخه‌های خطی عربی در تمام کشور مصر، بالغ بر ۱۲۵ هزار نسخه است (همان، ص ۳۰)، ولی اینجانب عقیده دارم خیلی بیش از این تعداد خواهد بود؛ زیرا تنها در دارالکتب و کتابخانه‌های الأزهر و اسکندریه و دانشگاه مصر و برخی کتابخانه‌های دیگر، بیش از این تعداد نسخه خطی وجود دارد و یقیناً مقداری نیز نزد اشخاص و کتابخانه‌های شخصی است که در آمارها نیامده است و نمی‌دانم با اطلاعات گسترده‌ای که ایشان نسبت به مجموعه‌های نسخ خطی کشور مصر دارد، این تعداد را بر چه مبنایی ارائه داده است؟

- ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳ م.
۲۵. فهرس مكتبة مكرم، قاهره، ۱۳۵۱ ق/ ۱۹۳۳ م.
۲۶. فهرس الكتب الفارسية (شامل كتابهای فارسی و اردوی خطی و چاپی)، ج ۲، علی حلمی داغستانی، قاهره، ۱۹۳۹ م.
۲۷. فهرس المخطوطات الفارسية التي تفتنيها دارالكتب المصرية حتى عام ۱۹۶۳ م، نصرالله مبشر طرازی، ج ۲، (ج ۱)، ۱۹۶۶ م، ۳۵۸ ص و ج ۲، ۱۹۶۷ م، ۳۶۸ ص (این فهرست، دارای ۲۵۴۲ عنوان کتاب فارسی است).
۲۸. الفهرس الوصفی للمخطوطات الفارسية المزينة بالصّور و المحفوظة بدارالكتب المصرية، نصرالله مبشر طرازی، قاهره، ۱۹۶۸ م، ۱۹۱ ص.
۲۹. فهرست الكتب التركية الموجودة في المكتبة الخديوية، علی حلمی داغستانی، قاهره، ۱۸۸۹ م.
۳۰. فهرس المطبوعات التركية العثمانية التي اقتنتها دارالكتب القومية منذ إستانها عام ۱۸۷۰ م حتى نهاية عام ۱۹۶۹ م، نصرالله مبشر طرازی، ج ۲ (ج ۱)، قاهره، ۱۹۸۲ م، ۳۶۷ ص و ج ۲، ۱۹۸۲ م، ۳۹۲ ص).
۳۱. فهرست المخطوطات التركية العثمانية التي اقتنتها دارالكتب القومية منذ عام ۱۸۷۰ م حتى نهاية ۱۹۸۰ م، ج ۴، قاهره، ۱۹۸۷ - ۱۹۹۲ م، ۳۷۳، ۳۴۶، ۳۲۵ و ۲۷۹ ص.
۳۲. قائمة بيلوجرافية لفهارس المخطوطات العربية و الشرقية المحفوظة بدارالكتب و المكتبات الملحقة بها، قاهره، ۱۹۵۹ م، ۳۶ ص.
۳۳. فهرست نامگري نسخه‌های خطی فارسی دارالكتب قاهره، انتشارات کتابخانه بزرگ آية الله العظمی مرعشی نجفی، با همکاری مرکز اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۲ م.
34. List of Catalogues of Oriental Manuscripts, Qahera, 1959.
35. Catalogue of Workmen's Library, London, Cheffiris, 1858. (شامل ۱۲۷۲ عنوان)
36. Catalogue De La Section Europeenne L _ Egypte, Le Caire 1892, 2 Edition Le Caire, 1901.
37. Egypt _ Subiect Catalogue, I _ III Caire _ Egyptian National Library Press 1957 _ 1963, 1098 Pages. (در سه جلد)
۹. فهرس المخطوطات العلمية المحفوظة بدارالكتب المصرية، دیوید کنج، ج ۲، مرکز مطالعات امریکایی در مصر، ۱۹۸۱ - ۱۹۸۶ م، ۱۲۹۹ ص، رحلی بزرگ.
۱۰. فهرس مخطوطات دارالكتب العربية المتعلقة بالطب و الصيدلة، سامی خلف حمارة، ج ۲ (جلد اول، شامل مجموعه خليل آغا، و جلد دوم، مجموعه حلیم)، قاهره، دارالمحاسن، ۱۹۶۷ م.
۱۱. فهارس مخطوطات دارالكتب المصرية، قائمة بمخطوطات الحكمة و الفلسفة بمكتبات حلیمو تیمور و طلعت بدارالكتب المصرية (منتشر شده در مجله المورد، ج ۵، عدد ۴، ۱۹۷۶ م، ص ۲۳۸ - ۲۴۸).
۱۲. فهارس مخطوطات دارالكتب المصرية، قائمة بالمخطوطات الطبية (منتشر شده در مجله المورد، ج ۹، عدد ۳، ۱۹۸۰ م، ص ۲۸۵ - ۳۲۴).
۱۳. نشرة بأسماء كتب الموسيقى و الغناء و مؤلفيها المحفوظة بدارالكتب المصرية، قاهره، ۱۳۵۰ ق.
۱۴. ابن سینا: مؤلفاته و شروحها المحفوظة بدارالكتب المصرية، فؤاد سید، قاهره، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۰ م.
۱۵. ابن خلدون: قائمة بمؤلفاته و بعض المراجع التي كتبت عنه، قاهره، ۱۹۶۲ م.
۱۶. نورالدین عبدالرحمان الجامی: فهرس مؤلفاته المخطوطة التي تفتنيها دارالكتب المصرية، قاهره، ۱۹۶۴ م.
۱۷. قائمة بأوائل المطبوعات العربية المحفوظة بدارالكتب حتى سنة ۱۸۶۲ م، قاهره، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م، ۴۰۳ ص.
۱۸. التاريخ العربي، قائمة بيلوجرافية، قاهره، ۱۹۶۸ م، ۵۹۲ ص.
۱۹. عبدالله النديم: سيرته مع بيلوجرافية مختارة، قاهره، ۱۹۹۵ م، ۹۶ ص.
۲۰. أبوحیان التوحیدی: بيلوجرافية مختارة، قاهره، ۱۹۹۵ م، ۱۱۸ ص.
۲۱. فهرس الدوريات العربية التي تفتنيها الدار (ج ۱ و ۲)، قاهره، ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ م، ۷۹ ص.
۲۲. قائمة الدوريات الجارية ۱۹۹۴، قاهره، ۱۹۹۵ م.
۲۳. فهرس الخزنة التيمورية، ج ۴ (شامل نسخه‌های خطی و چاپی کتابخانه تیموریه که به دارالكتب منتقل شده است)، قاهره، ۱۳۶۶ - ۱۳۶۹ ق / ۱۹۴۷ - ۱۹۵۰ م.
۲۴. فهرس مكتبة قولة، ج ۴، قاهره، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ ق /

آن، بویژه اینکه برخی از فهرستها به زبانهای مختلف است، این مهم به تعویق افتاده است.

38. List of Current Periodicals, Caire National Library Press 1959, 86 Pages.

39. The Arab History "A Bibliographical List" Cairo, The National Library Press 1966, 292 Pages.

40. Fine Arts Subject Catalogue, I _ II, Cairo National Library Press 1962 _ 1963, 591 Pages.

۴۱. فهرست برخی از قرآنهای کهن به خط کوفی و ثلث و نسخ، و نسخه‌های کهن عربی و فارسی کتابخانه خدیویه مصر (باعنوان لاتین).

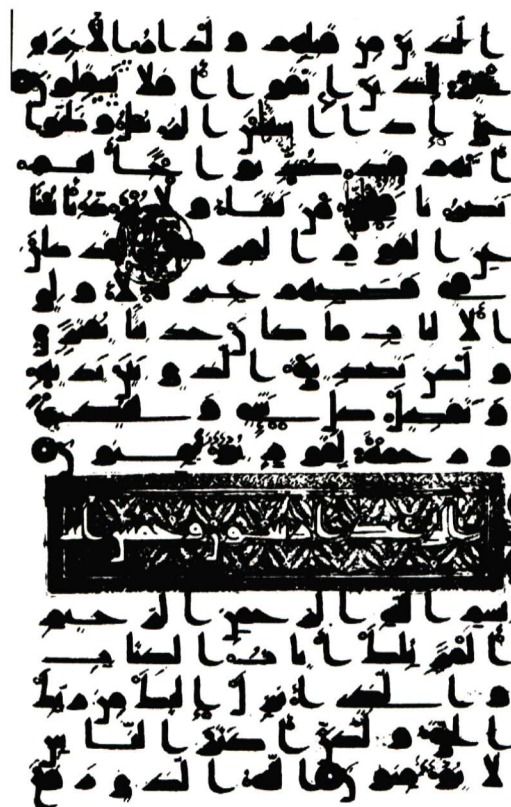
گزیده‌ای از نسخه‌های خطی عربی در دارالکتب قاهره

۱. قرآن کریم (نیمه نخست)، خط کوفی بر روی پوست، نسخه کهن منسوب به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ۲۰۹ برگ، نوزده سطری ۲۲×۳۴ سانتیمتر، «ش ۱ مصاحف».

۲. قرآن کریم، خط کوفی بر روی پوست، ۵۶۸ برگ (که ۳۴۰ برگ آن مربوط به

سده نخست هجری، در هر صفحه دوازده سطر و ۳۴۰ برگ دیگر، چند سده بعد کتابت شده است. این نسخه، بسیار نفیس و کهن از جمله دو نسخه‌ای است که مقریزی در کتاب الخطط خود از آن نام برده است و خط آن منسوب به عثمان است و در این انتساب تردید وجود دارد)، قطع ۵۴×۶۰ سانتیمتر، «ش ۱۳۹ مصاحف».

۳. قرآن کریم، چند برگ کوفی بر روی پوست (این نسخه به سال ۲۷۰ ق، وقف مسجد جامع دمشق شده است)، «ش ۷/۱، ۱۸۸».



قرآن کوفی

این فهرست، در یک جلد بسیار بزرگ و قطور و سنگین‌وزن، در قطع سلطانی، در حدود یکصد سال قبل در قاهره به زبان لاتین و با چاپ و تصاویر آغاز یا انجام برخی از نسخه‌های خطی منتشر شده و بسیار نفیس و نایاب است و بحمدالله، یک نسخه از آن در کتابخانه بزرگ آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است.

خوشبختانه، بیشتر فهرستهای یاد شده، در کتابخانه بزرگ آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی موجودند. در هیچ‌یک از کتابخانه‌های ایران و حتی

۱. انتساب این قرآن و برخی قرآنهای دیگر از جمله قرآنهای موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس به ائمه اطهار علیهم السلام نادرست است. اینجانب با پژوهشهایی که بیش از چهل سال در مورد نسخه‌های خطی اسلامی داشته‌ام، برخی قرآنهای کوفی منسوب به ائمه اطهار علیهم السلام در کتابخانه آستان قدس را از نزدیک مشاهده نموده‌ام و یقیناً انتساب آنها صحیح نیست و با کارشناسی‌ای که داشته‌ام، مربوط به سده سوم هجری‌اند. در این زمینه، اینجانب گزارشی در فصلنامه میراث شهاب آورده‌ام و با ارائه دلایلی، این انتسابها را رد کرده‌ام. همچنین دکتر صلاح الدین المنجد، دانشمند کتابشناس لبنانی، در گزارشی که منتشر شده است، دلایل رد انتساب این قرآنرا به ائمه اطهار علیهم السلام ارائه نموده است. اینجانب، نسخه کتابخانه دارالکتب را مشاهده نکرده‌ام؛ لیکن به احتمال زیاد، انتساب آن به امام صادق علیه السلام و دیگر امامان، نادرست باشد.

خاورمیانه و مصر، این تعداد فهرست نسخه‌های خطی اسلامی که در این کتابخانه بزرگ موجود است، وجود ندارد؛ زیرا از حدود چهل و پنج سال قبل، مرحوم پدر بزرگوارم و اینجانب، هر آنچه از فهراس کتابخانه‌های مختلف را که یافته‌ایم، جمع‌آوری کرده، در کتابخانه قرار داده‌ایم. در نظر است در آینده، یک جلد فهرست فهراس نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جهان که در کتابخانه بزرگ آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است، آماده و منتشر سازیم. مقدمات این کار تا حدودی فراهم شده، ولی نظر به گستردگی

۴. قرآن کریم، خط کوفی بر روی پوست، بدون نقطه به خط ابوسعید حسن بصری به سال ۷۷ ق (این نسخه بسیار نفیس و کهن در مسجد جامع عتیق عمرو بن العاص قرار داشته است)، ش «۵۰ مصاحف / طلعت».

۵. قرآن کریم، خط کوفی بر روی پوست، قطع کوچک
۱۵×۹ سانتیمتر، مورخ اواخر سده نخست هجری، ش «۲۱۷»
مصاحف».

۶. قرآن کریم، خط
کوفی بر روی پوست، قطع
کوچک ۱۳×۹ سانتیمتر،
۶۰ برگ، کتابت اوایل سده
دوم هجری، ش «۲۲۰»
مصاحف».

۷. قرآن کریم، خط
کوفی بر روی پوست، قطع
کوچک ۱۴×۹ سانتیمتر،
پنج سطر، ۴۰ برگ،
مورخ سده دوم هجری، ش
«۲۱۶ مصاحف».

۸. قرآن کریم، خط
کوفی بر روی پوست، ۶۲
برگ، قطع کوچک
۱۳/۵ × ۸/۵ سانتیمتر، مورخ
سدهٔ دوم هجری، ش «۱۹۴
مصحاف».

۹. قرآن کریم، خط کوفی بر روی پوست، به شیوهٔ ابوالأسود دُلی، ۶۵ برگ هفت سطری، قطع ۶۵×۴۸ سانتیمتر، مورخ سدهٔ دوم هجری، ش «۱۱۵ مصاحف».

۱۰. قرآن کریم، خط کوفی از عصر حکومت عباسی در بغداد، با زیرنویس فارسی^۱، ۹۱ برگ ۱۵ سطری در ۳۰×۱۹ سانتیمتر، ش «۱۸۵ مصاحف».

۱۱. قرآن کریم، خط کوفی، ۷۷ برگ پنج سطری، ۸/۵ × ۱۲/۵ سانتیمتر، کتابت سده سوم هجری، ش «۱۹۳ مصاحف».

۱۲. قرآن کریم، به خط ابوعلی محمد بن مقله (وزیر و خطاط مشهور اسلامی در اوائل سده چهارم هجری)، کتابت

۳۰۸ ق، نسخه مذهب، ش «۱/۱۳، ۶۴».

۱۳. قرآن کریم، کتابت ۴۶۹ ق، از اوّل قرآن تا پایان سورۃ الصافات، ش «۸/۱، ۲۲۷».

١٤. الإبانة عن معاني الفرائث، مكّي بن ابی طالب حمّوش بن محمّد اندلسی قیسی (م ٤٣٧ ق)، کتابت ٤٣٥ ق، (در حیات مؤلف)، ش «١٩٦٤ ب».

۱۵. اجازة ابراهيم بن محمود
بن أحمد بن محمود المرعشى،
(زنده تا ۱۲۶۰ ق)، نسخه
اصل به خط مجيز در ۱۹
محرّم ۱۲۶۰ ق، ش
«۹۶/ تیمور».

۱۶. أحكام القرآن، ابوبکر محمد بن عبد اللہ بن أحمد معافری اندلسی اشبیلی مالکی (ابن عربی)، کتابت سدہ ششم یا ہفتم ہجری، ۲۰۹ برگ، ش «۱۰۹۷ تفسیر».

١٧. أخبار سيويه المصري،
أبو محمد حسن بن إبراهيم
(ابن زولاق مصري)
(م ٣٨٧ق)، نسخة أصل به
خط مؤلف، ش «٣٥٤»
تاريخ.

١٨. اختلاف العلماء،

(ج اول)، ابوبکر حمد بن منذر نیشابوری شافعی (م ۳۱۸ق)، کتابت سده چهارم هجری، به خط نسخ قدیم، ۱۳۰ برگ، ش «۳۷ حدیث».

۱۹. اختلاف الفقهاء، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)، کتابت سده چهارم هجری به خط نسخ قدیم، ۱۱۳ برگ، ش «۶۴۵ فقه حنفی».

۱. ترجمه و زیرنویس فارسی این قرآن، یکی از کهن‌ترین متون فارسی در جهان است. گرچه احتمال دارد این ترجمه، یکی دو سده پس از کتابت متن نگاشته شده باشد؛ لیکن کهن بودن آن مسلم است. ای کاش این قرآن در کشور ما می‌بود. اینجانب این‌گونه زیرنویس فارسی کهن در یک قرآن که متن آن به خط کوفی است، کمتر در جایی دیده‌ام.

[illegible]

قرآن کوفی، مورخ سده دوم هجری

۲۰. أدب الکاتب، عبدالله بن مسلم (ابن قتیبة دینوری) (م ۲۷۶ ق)، کتابت ۵۱۴ ق، به خط نسخ حمزة بن علی بن حسین علوی، ش «۱۵۸۷۴ ز».

۲۵. أشعار النساء، محمد بن عمران مرزبانی (م ۳۸۴ ق)، کتابت سده چهارم هجری، ش «۸ ادب ش».



قرآن کوفی، بازنویس فارسی

از حد فر استند
او ما را به سبب
از ما حدی من حدی
هر حدی و ما را
سند و ما را الله
لک و سبب ما
حدی و ما را الله
سند و ما را
حدی و ما را
سند و ما را
حدی و ما را
سند و ما را

قرآن کوفی، مورخ اوایل سده سوم هجری

۲۶. الأصل، محمد بن حسن شیبانی (م ۱۸۹ ق)، کتابت سده چهارم هجری، ش «۳۸۲ فقه حنفی».

۲۷. أصول الأحكام فی الحلال والحرام، المتوکل علی الله أحمد بن سلیمان (یکی از امامان زیدیه یمن م ۵۶۶ ق)، کتابت آخر ربیع ثانی ۶۸۶ ق، (در شهر حوث یمن)، ش «۲۵۴۹۸ ب».

۲۸. أصول صناعة الأحكام، ابوالحسن کوشیار بن لبان بن باشهری جیلی، کتابت ۶۱۹ ق، ش «۲۲۲ اطم».

۲۹. أصول صناعة الأحكام^۱، کوشیار بن لبان باشهری جیلی، کتابت ۷۵۰ ق، ش «۷۷ ق».

۳۰. أصول الفقه، مؤلف ناشناخته، کتابت ۴۷۷ ق، به خط نسخ ابونصر عمر بن محمد اصفهانی، ۸۵ برگ، ش «۶۰۴ اصول فقه».

۲۱. أدبیات العرب و مقالات الحكماء، ابوعلی أحمد بن محمد بن یعقوب (ابن مسکویه)، (خازن اصفهانی م ۴۲۱ ق)، کتابت شوال ۶۹۲ ق، به خط احمد بن سهروردی، ۱۸۴ برگ، ش «۴۴۱۹ ادب / طلعت».

۲۲. الأسباب والعلامات (کتاب الأغذية والأسباب والعلامات)، نجیب الدین أبو حامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی، (م ۶۱۹ ق)، کتابت ۶۲۳ ق، به خط نسخ، ۸۹ برگ، ش «۲ طب».

۲۳. الأسطراب، ابوالحسن کوشیار بن لبان بن باشهری جیلی، کتابت ۶۷۹ ق، خط نسخ عبدالرحمان بن دیان، ش «۲ و ۳۱ ط».

۲۴. اشتقاق أسماء الله تعالی و صفاته المستنبطة من التنزیل و ما یتعلق بها من اللغات و المصادر و التأویل، ابوالقاسم عبدالرحمان بن اسحاق (زجاجی)، (م ۳۳۷ ق)، کتابت ۴۳۴ ق، ش «۳ ش».

۱. نسخه بسیار نفیس و کهنی که در اواخر سده ششم یا اوائل سده هفتم هجری کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است.

۴۲. الألباب فی معرفة الأنساب، ابوالحسن احمد بن محمد بن ابراهيم اشعري يمني (م ح ۵۵۰ ق)، کتابت ۱۱۴۳ ق، به خط نسخ، ش «۹۴۵ تاریخ».

۴۳. الأمالی، اسماعیل بن قاسم (ابوعلی قالی) (م ۳۵۶ ق)، کتابت سده پنجم هجری، به خط مغربی بر روی پوست، ۱۶۲ برگ، ش «۱۸۵۹ ادب».

۴۴. الأوائل، ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل بن سعید عسکری (م بعد از ۳۹۵ ق)، کتابت ذی حجه ۶۵۱، به خط نسخ احمد بن ... مقری المؤدب، ۱۹۱ برگ، ش «۱۸۸۸ تاریخ / طلعت».

۴۵. الايثار بمعرفة رواة الآثار، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، نسخه اصل به خط ابن حجر، ش «۱۵۶ مصطلح».

۴۶. ايضاح الوقف والابتداء فی کتاب الله عز وجل، ابوبکر محمد بن قاسم بن محمد بن بشار انباری (ابن بشار) (م ۳۲۸ ق)، کتابت اوایل سده پنجم هجری، به خط نسخ، ۲۵۷ برگ، در پایان نسخه چند سماع به تاریخ ۴۵۴ ق، ش «۱۰ قرائات».

۴۷. اوراق بردی، ۴۴۴ برگ، مورخ ۸۶ ق.

۴۸. بحر الأنساب، کمال الدین احمد بن علی (ابن غنیه داوودی) (م ۸۲۸ ق)، ۱۳۷ برگ، ش «۳۹ تاریخ».

۴۹. بردیه، کتابت ۱۴۲ ق، به خط معروف بن عبدالله، ش «۳۵۱/۱».

۵۰. البصائر والذخائر (بصائر القدمات و سرائر الحكماء) (ج ۱ و ۴ و ۵)، ابوحيان توحیدی (م ۴۰۰ ق)، کتابت ۶۲۹ ق، خط نسخ (نسخه هنری نفیس)، ۷۶، ۹۱ و ۹۶ برگ، ش «۹۱۰۴ ادب».

۵۱. البصر و البصيرة فی علم العين و عللها و مداواتها، ابوالحسن ثابت بن قره حرانی (م ۲۸۸ ق)، کتابت ۵۹۲ ق، به خط عبدالرحمان بن یونس انصاری، ش «۱۰۰ طب / تیمور».

۵۲. کتاب البعث، ابوبکر عبدالله بن داوود (ابن داوود سجستانی) (م ۳۱۶ ق)، کتابت ۵۹۲ ق، به خط محمد بن احمد بن حسین هکاری (که از روی نسخه مورخ ۳۹۴ ق کتابت کرده است)، دارای چند سماع، ش «۲۳۷۳۶ ب».

۵۳. البرهان فی أصول الفقه، امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی شافعی نیشابوری

۳۱. أصول الهندسة لأقلیدس، خواجه نصیرالدین الطوسی (م ۶۷۲ ق)، ش «۷۸۹ ه ۱۰۷ طر».

۳۲. الأصيلی فی الأنساب^۱، محمد بن علی بن طباطبا طقطقی (م ۷۰۹ ق)، کتابت ۹۰۶ ق، ۱۶۲ برگ، ش «۹۳۰ تاریخ».

۳۳. الإعجاز فی القرآن العظیم، ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر قاضی باقلانی، (م ۴۰۳ ق)، کتابت ۶۰۰ ق، به خط نسخ، ۱۵۰ برگ، ش «۱۵ تفسیر م».

۳۴. إعراب القرآن (البرهان فی تفسیر القرآن)، ابوالحسن علی بن ابراهيم بن یوسف حوفی (م ۴۳۰ ق)، کتابت سه شنبه ۲۷ ربیع الاول ۵۸۵ ق، به خط محمد بن هارون مقری کیال، ش «۲۰۵۰۳ ب».

۳۵. الأعضاء الآلمة لجالینوس، ترجمة عربی از حنین بن اسحاق (م ۲۶۰ ق)، کتابت سده ششم هجری، به خط اندلسی قدیم، ضمن مجموعه ش «۳۱۱ طب».

۳۶. الأغانی (ج ۲، ۴ و ۱۱)، علی بن حسین بن محمد بن احمد بن هيثم مروانی اموی قرشی (ابوالفرج اصفهانی)، کتابت ۶۱۴ ق، به خط نسخ محمد بن ابی طالب بدری (این نسخه توسط سيف الدولة حمدانی اهدا شده است)، ش «۵۷۹ ادب».

۳۷. الإقتضاب فی شرح أدب الکتاب لابن قتیبة (ج ۳)، عبدالله بن محمد بن السید بطلیوسی (م ۵۲۱ ق)، کتابت ربیع ثانی ۵۵۳ ق، به خط نسخ، ۲۱۵ برگ (نسخه، مقابله و تصحیح شده است)، ش «۲۴۳ ادب».

۳۸. الإعتضاد فی الفرق بین الظاء والضاد، ابن مالک طائی (م ۶۷۲ ق)، کتابت ۲۰ ذی حجه ۷۱۰ ق، ش «۵۸۳۰ ه».

۳۹. إكمال تهذيب الکمال فی أسماء الرجال، منسوب به علاء الدین مغلطای بن قلیچ بن عبدالله بکجری (م ۷۶۲ ق)، کتابت ۷۵۰ ق (در عصر مؤلف)، ش «۱۵ مصطلح».

۴۰. الإكمال فی رفع الإرتیاب عن المؤلف و المختلف من الأسماء و الکنی و الأنساب، امیر ابونصر علی بن هبة الله بن علی بن جعفر بن علی بن محمد (ابن ماکولا) (م ۴۸۷ ق)، کتابت ۲۵ شوال ۵۹۱، به خط عبدالکریم بن حسن بن جعفر بن خلیفه بعلبکی (که از روی نسخه مورخ ۴۹۶ ق، کتابت کرده است)، ش «۸».

۴۱. الإكمال فی المختلف و المؤلف من أسماء البغدادی، حافظ ابونصر علی بن هبة الله بن علی بن جعفر (ابن ماکولا) (م ۴۷۵ ق)، کتابت ۵۹۱ ق، به خط عبدالکریم بن حسن بعلبکی.

۱. این کتاب براساس یک نسخه بسیار نفیس کهن مورخ سده هشتم هجری در کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله برای نخستین بار توسط واحد انتشارات آن کتابخانه زیر نظر اینجانب، منتشر شده است.

(م ۴۷۸ ق)، کتابت ۲۵ شوال ۶۳۵، به خط عثمان بن یحیی بن عثمان صقلی قرشی، ش «۲۵۸۷۵ ب».

۵۴. البول، یعقوب بن اسحاق بن سلیمان اسرائیلی (م ۳۲۰ ق)، کتابت سده ششم هجری، به خط اندلسی قدیم، ش «۳۱۱ طب / تیمور».

۵۵. بهجة المجالس و أنس المجالس، ابو عمرو یوسف بن عبدالبر بن عاصم نمری قرطبی (م ۴۶۳ ق)، کتابت حدود ۷۰۰ ق، ش «۱۶۲۷ / اذ».

۵۶. البیزة، بازیار عزیز فاطمی، کتابت اوائل سده چهارم هجری، به خط کوفی، ش «۷۶۲ طبیعیات».

۵۷. تاج العروس فی شرح القاموس، ابو الفیض محمد بن عبدالرزاق حسینی زبیدی (مرتضی) (م ۱۲۰۵ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در مصر، ۱۱۸۴ ق، ۲۴۷ برگ، ش «۵۰۱ لغت / تیمور الف».

۵۸. تاج العروس، جلد دیگر، نسخه اصل به خط مؤلف در مصر، رجب ۱۱۸۴ ق، ۱۱۵ برگ، ش «۵۰۱ لغت / تیمور ب».

۵۹. تاریخ الإسلام و طبقات مشاهیر الأعلام، (ج ۱ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۸)، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی ترکمانی فارقی دمشقی (م ۷۴۸ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۲۴۶ و ۲۶۶ برگ، ش «۴۲ تاریخ».

۶۰. تاریخ الطبری (ج ۱۱)، ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق)، کتابت سده هفتم هجری، خط نسخ قدیم، ۲۲۲ برگ، ش «۱۶۰۲ تاریخ».

۶۱. تاریخ مدینه دمشق (ج ۶)، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله (ابن عساکر) (م ۵۷۱ ق)، کتابت سده ششم هجری، ش «۳۲۷۱ تاریخ».

۶۲. تاریخ مدینه دمشق (جزء ۹ - ۸۰)، کتابت اوائل سده هفتم هجری، دارای سماع، مورخ ۶۱۶ ق.

۶۳. تاریخ مدینه دمشق (جزء ۲۰۷ و ۲۰۸)، کتابت سده ششم هجری، ش «۱۷ م تاریخ».

۶۴. تاریخ مدینه دمشق (جزء ۴۸۲ - ۵۰۰)، کتابت سده ششم هجری، دارای سماع، مورخ ۵۶۰ ق.

۶۵. تاریخ مدینه دمشق (جزء ۵۲۱ - ۵۳۰)، کتابت سده ششم هجری، دارای سماع، مورخ ۵۹۶ ق.

۶۶. تاریخ مدینه دمشق، جلد دیگر، مورخ سده هفتم هجری، ش «۴۳ م تاریخ».

۶۷. تاریخ مدینه السلام (الجزء الثالث بعد المئه)، ابوبکر

احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)، کتابت اوائل سده پنجم هجری، ۱۰۰ برگ، ش «۲۳۳۲ تاریخ».

۶۸. تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبه، کتابت ۳۷۹ ق.

۶۹. البصرة فی علم الهیئة، ابو محمد عبدالجبار بن محمد ثابتي حرّفی، کتابت ۵۵۰ ق، ش «۳۸۳ طک».

۷۰. التبيين فی انساب القرشيين، موقّ الدین عبدالله بن محمد بن قدامه مقدّسی حنبلی (م ۶۲۰ ق)، کتابت سده هفتم هجری، ش «۳۴۹ تاریخ».

۷۱. تحديق النظر فی أخبار الامام المنتظر عليه السلام، محمد بن عبدالعزيز بن محمد بن مانع (م ۱۳۸۵ ق)، (مؤلف در مدرسه اثريه به سال ۱۳۳۷ ق، این کتاب را نگاشته است)، کتابت جمادی ثانی ۱۳۳۸ ق، (در حیات مؤلف)، به خط شیخ احمد بن یوسف بن جابر بن عبدالله، ۲۵ برگ، ش «ب ۲۰۳۵۹».

۷۲. تحديد نهايات الأماكن لتصحيح مسافات المساكن، ابوریحان بیرونی، کتابت ۴۱۶ ق (در غزنه)، احتمالاً نسخه اصل بن خط بیرونی.

۷۳. تحرير أصول الهندسة لأقلیدس^۱، خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق)، کتابت ۷۸۹ ق، ش «۱۳۷ ق».

۷۴. التحرير فی شرح التنبیه فی فروع الشافعية لأبی اسحاق الشیرازی، محی الدین ابوزکریا یحیی بن شرف نووی (م ۶۷۶ ق)، کتابت ۶۹۰ ق (که با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده است)، به خط محمد بن عبدالمنعم شافعی، ش «۲۵۳۱۲ ب».

۷۵. تحرير المجسطی، خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق)، کتابت ۶۵۰ ق، (در حیات خواجه)، ش «۹۱ ق».

۷۶. تذكرة ابن العديم (ج ۵ - ۱۱۲)، کمال الدین عمر بن احمد بن هبة الله بن ابی جرادة (ابن عديم) (م ۶۶۰ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۶۳۷ ق، ۲۰۵ برگ، ش «۲۰۴۲ ادب».

۷۷. تذكرة الألباب بأصول الأنساب، ابو جعفر احمد بن عبدالعزيز بن عبدالمولی بتي^۲ (م ۴۸۸ ق) (نسخه بسیار کهن و نفیس)، ش «۸۹ / تیمور».

۷۸. تذكرة ابن العديم (ج ۵ و ۶)، کمال الدین عمر بن احمد بن

۱. این کتاب، نخستین بار به سال ۱۵۹۴ م، با متن اصلی عربی در چاپخانه مدیچی در رم (ایتالیا) منتشر شده است که ارزش و اعتبار آن که بیش از چهارصدسال قبل چاپ شده، کمتر از نسخه خطی آن نیست. دو نسخه اصلی این چاپ در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته موجود است. ۲. بتي، منسوب به بته، روستایی در منطقه اندلس قدیم.

عبدالمعز بن عثمان بن عبدالمکمل بن عبیدالله بن احمد بن سعید
رمانجیر (ابن افضل کرجی)، ۲۲۱ برگ، ش «۳ لغت».

۹۰. تهذیب إصلاح المنطق لابن السکیت، ابوزکریا یحیی بن
علی خطیب تبریزی (م ۵۰۲ ق)، کتابت ۴۹۱ ق، (در عصر
مؤلف) ش «۱۸۹/۱».

۹۱. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال (ج ۱)، حافظ
ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمان بن یوسف قضاعی کلبی مزنی
(م ۷۴۲ ق)، کتابت در حیات مؤلف به سال ۷۴۱ ق، به خط
نسخ دولتشاه بن قلیچ بک بن عبدالله (در مشهد الربوه در
دمشق)، ۳۹۱ برگ، در برگ آغازین، سماع به خط مؤلف،
ش «۲۵ مصطلح الحديث».

۹۲. التیسیر فی علم التفسیر، عبدالعزیز بن احمد بن سعید
دمیری (دیرینی) (م ۶۹۴ ق)، کتابت در حیات مؤلف به سال
۶۷۳ ق، ۱۱۹ برگ، ش «۸۰ تفسیر».

۹۳. الثقات فی أسماء الرجال، حافظ ابوحاتم محمد بن حبان
بن احمد بن حبان بستی تمیمی (م ۳۵۴ ق) (نسخه بسیار نفیس
و کهن)، ۱۸۳ برگ، ش «۲۰۸ / طلعت».

۹۴. الجامع الصحيح (صحيح البخاری)، کتابت اواخر سده
پنجم هجری، دارای یک سماع به تاریخ ۴۹۵ ق.

۹۵. الجامع فی الحديث، ابو محمد عبدالله بن وهب بن مسلم
فهری مصری، (م ۱۹۷ ق) (نسخه بسیار کهن)، مورخ اوایل سده
سوم هجری، خط نسخ، ۱۸۲ برگ، بر روی برگهای بردی، ش
«۲۱۲۳ حدیث».

۹۶. جامع المبادئ والغایات^۱، ابوعلی حسن بن علی بن عمر
مراکشی، کتابت ۹۰۰ ق، ش «۳۴۶ ق».

۹۷. جزء حدیث الإمام ابی علی حنبل بن اسحاق بن حنبل بن
هلال بن اسد شیبانی ابن عم الامام احمد بن حنبل و تلمیذه
(م ۲۷۳ ق)، کتابت سده هفتم هجری، ش «۱۹۱۴۲».

۹۸. کتاب الجمعة، عبدالرحمان احمد بن شعيب نسایی
(م ۳۰۳ ق)، کتابت سده پنجم هجری، دارای چند سماع به
سالهای ۴۷۰ و ۵۱۴ ق، ش «۴۸۵ حدیث».

۱. این کتاب از آثار اخترشناسی قدیم و بسیار قابل توجه است. یک نسخه
بسیار نفیس و کهن آن که در سده هفتم هجری کتابت شده، در کتابخانه بزرگ
آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله موجود است و آن را دو سال قبل، اینجانب
با تعدادی نسخه نفیس دیگر در یکی از شهرستانها برای این کتابخانه بزرگ،
خریداری نمودم.

هبة الله حلبی (م ۶۶۰ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف و دارای
سماع به تاریخ ۶۳۷ ق، ۲۰۸ برگ، ش «۲۰۴۲ ادب».

۷۹. تذکره الکخالین المنتخب فی علم العین، ابوالقاسم عمار بن
علی موصلی متطبب (م بعد از ۴۰۰ ق)، کتابت ۵۹۲ ق، به
خط عبدالرحمان بن یونس انصاری، ش «۱۰۰ طب / تیموری».

۸۰. تذکره الکخالین، علی بن عیسی کخال (م ۴۰۰ ق)، کتابت
۵۹۲ ق، به خط نسخ قدیم، ش «۱۰۰ طب / تیمور».

۸۱. تهذیب التهذیب، حافظ شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸ ق)،
کتابت رجب ۷۳۶ ق، (در حیات مؤلف)، به خط علی بن
عبدالرحمان بن شبيب حرانی حنبلی، ۱۹۹ برگ، ش «۶۲».

۸۲. تعالیک من مغازی الواقدی، حافظ شهاب الدین احمد بن
علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، نسخه اصل به خط
ابن حجر، ۷۴ برگ، ش «۵۲۲ تاریخ».

۸۳. التعليقات والنوادر، ابوعلی هارون بن زکریا هجری (از
دانشمندان اواخر سده چهارم هجری)، کتابت عصر فاطمیین
مصر، ۲۴۳ برگ، ش «۳۴۲ لغت».

۸۴. تعلیق من تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، حافظ شهاب الدین
احمد بن علی بن احمد بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، نسخه
اصل به خط ابن حجر، ش «۵۲۲».

۸۵. تفسیر الغریین، ابو عبید احمد بن محمد بن محمد بن
عبدالرحمان هروی عبدی باشانی (م ۴۰۱ ق)، کتابت ۵۲۶ ق،
به خط عبدالله بن خلف بن عبدالله کفرطایی، ۲۴۷ برگ، ش
«۱۶۷ تفسیر».

۸۶. تفسیر القرآن الکریم (ج ۱)، ابو جعفر احمد بن محمد بن
اسماعیل بن یونس مرادی مصری (نخاس) (م ۳۳۸ ق)، کتابت
سده چهارم هجری، به خط نسخ، ۲۳۲ برگ، ش «۳۸۵ تفسیر».

۸۷. تفسیر مقولات ارسطوطاليس، ابوالفرج عبدالله بن طیب
(م ۴۳۵ ق)، کتابت جمعه ۲۰ شعبان ۴۸۰ ق، به خط نسخ معرب
هبة الله بن مفضل بن هبة متطبب، ۱۸۷ برگ، ش «۱ فلسفه م».

۸۸. تکملة شرح ابن سید الناس الیعمری علی الجامع الصحيح
للإمام الترمذی، حافظ زین الدین عبدالرحیم بن حسین بن
عبدالرحمان (حافظ عراقی)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۲۵۶
برگ، ش «۲۵۰۴ حدیث».

۸۹. التکملة والذیل والصله (ج ۲)، رضی الدین حسن بن
محمد بن حسن بن حیدر عدوی عمری صاغانی (م ۶۵۰ ق)،
کتابت در حیات مؤلف به سال ۶۴۱ ق، به خط نسخ محمد بن

۹۹. جوامع کتاب جالینوس فی الأمراض الحادثة فی العین، جالینوس، کتابت ۵۹۲ ق، نه برگ، ش «۱۰۰ طب / تیمور».

۱۰۰. جواهر القرآن (الأربعین فی اصول الدین)، ابو حامد محمد بن غزالی طوسی (م ۵۰۵ ق)، کتابت اواخر صفر ۶۵۰ ق، به خط نسخ محمد بن عمر بدوی، ۱۸۷ برگ، ش «۲۳ تفسیر قوله».

۱۰۱. جوامع کتاب جالینوس فی البول، جالینوس، کتابت سده ششم هجری، ش «۱۷۸۳ طب».

۱۰۲. الحجة فی قرائات الأئمة السبعة، ابو عبدالله حسین بن خالویه (م ۳۷۰ ق)، کتابت ۴۹۶ ق، به خط نسخ در ذی حجه در شهر بغداد، ۲۰۹ برگ، ش «۱۳۴ قراء / طلعت».

۱۰۳. الحیل و المخارج علی المذهب الحنفی، ابوبکر احمد بن عمر خصاف (م ۲۶۱ ق)، کتابت محرم ۴۹۶ ق، به خط نسخ قدیم منصور بن هبة الله بن محمد بن حسین موصلی، ۱۰۹ برگ، ش «۱۵۴ فقه حنفی».

۱۰۴. الخصائص العربیة، ابو الفتح عثمان بن جنى (م ۳۹۲ ق)، (جزء ۱ و ۲)، مورخ جمادی اول ۴۳۰ ق، به خط تعلیق معرب حسن بن فرج بن ابراهیم، ۱۶۲ برگ، ش «۱۱۰ نحو».

۱۰۵. حماسة أبی تمام، ابو تمام حبیب بن اوس بن حارث طائی (م ۲۳۱ ق)، کتابت ۵۷۴ ق، به خط نسخ، ۱۳۷ برگ، ش «۱۱۴۱ شعر / تیمور».

۱۰۶. دُرر الأبقار فی وصف الصفوة الأخیار، ابو الفتح بن صدقة بن منصور سرمینی (م ۸ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ذی حجة ۷۲۱، ۱۴۸ برگ، ش «۱۰۱ تاریخ».

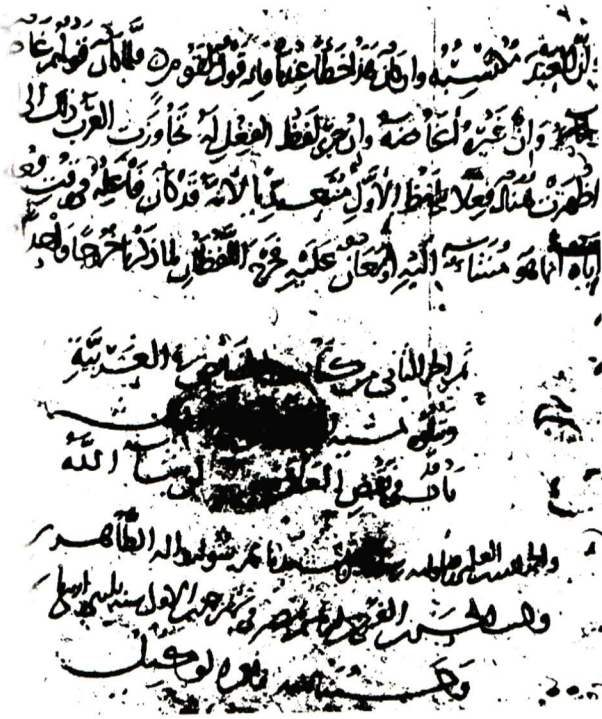
۱۰۷. درر التوہج بتعریب مؤامرات الزیج (ترجمة عربی زیج النویک)، حسن بن محمد (قاضی احسن)، کتابت سده یازدهم هجری، ش «۸۹ ش».

۱۰۸. دغل العین، ابوزکریا یوحنا بن ماسویة متطبب (م ۲۴۳ ق)، کتابت ۵۹۲ ق، ش «۱۰۰ طب / تیمور».

۱۰۹. دلائل الأحکام من أحادیث النبی (ص)، ابو العز یوسف بن رافع اسدی حلبی شافعی (ابن شداد)، کتابت آخر رجب ۶۴۵، ۱۶۲ برگ، ش «۲۵۰۶ حدیث».

۱۱۰. دیوان الأبیوردی، کتابت ۶۰۹ ق، به خط نسخ ابوبکر بن شرف شاه، ۱۳۱ برگ، ش «۸۴۵ / ادب».

۱۱۱. دیوان الأدب (الجامع ل دیوان الأدب) ۱، ابو ابراهیم اسحاق بن ابراهیم فارابی (م ۳۵۰ ق)، کتابت رجب ۵۷۴ ق، به خط



برگ پایانی الخصائص العربیة

نسخ ابو حاسد بن علی بن محمد بن حسین حدنی، ۲۲۲ برگ، ش «۲۵ لغت».

۱۱۲. دیوان الأدب، فارابی، مورخ شوال ۶۲۹ ق، ۴۰۶ برگ، ش «۳۸۳ لغت».

۱۱۳. دیوان الأرتجانی، ناصح الدین ابوبکر احمد بن محمد بن حسین رجائی (م ۵۴۴ ق)، کتابت ۶۴۱ ق، به خط نسخ اسماعیل بن کونج مازکردینی (۵)، ۲۴۵ برگ، ش «۲۰۴۱ ادب».

۱۱۴. دیوان الثلعفری، شهاب الدین ابو عبدالله محمد بن یوسف بن مسعود شیبانی (م ۶۷۵ ق)، کتابت ۶۵۳ ق، به خط نسخ، ۴۹ برگ، ش «۵۱۰۳ ادب».

۱۱۵. دیوان الحاجری، حسام الدین عیسی بن سنجر بن بهرام بن جبرئیل اربلی (حاجری) (م ۶۳۹ ق)، کتابت ۶۵۴ ق، به خط نسخ در ۷۱ برگ، ش «۵۱۰۳ ادب».

۱. چند نسخه کهن و نفیس از این اثر در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است که یکی از آنها در اواخر سده پنجم و دیگری در سده ششم هجری کتابت شده است.

۱۲۹. رساله فی أنساب القبائل التي سكنت مدينة صعدة باليمن، محمد بن احمد بن علی بن موسی دواری، کتابت ۱۱۴۳ ق، به خط نسخ، ش «۹۴۵ تاریخ».

۱۳۰. رساله فی بیان طریق القضاء و أسماء القضاة بمصر المحروسة و أقالیمها مده الفرنسيين، احمد مرعشی (قاضی عسکر مصر در ایام هجوم فرانسویان به مصر به سرکردگی ژنرال فرانسوی عبداللہ مینو)، نسخه اصل به خط مؤلف، ش «۳۱۵۱ تاریخ».

۱۳۱. رساله فی علم الخط و القلم، وزیر محمد بن علی بن حسین (ابن مقله) (م ۳۲۸ ق)، نسخه اصل به خط ابن مقله.

۱۳۲. رساله فی منافع الأعضاء الانسانية، علاء الدین علی بن ابی حزم قرشی متطبب (ابن نفیس) (م ۶۸۷ ق)، کتابت ۶۷۳ ق (در حیات مؤلف)، به خط نسخ، ۵۸ ص، ش «۲۰۹ مجامیع».

۱۳۳. روضة الألباب و تحفة الأحاب و نخبه الاحساب لمعرفة الأنساب^۲، محمد بن عبداللہ بن علی بن حسین (ابن المؤید) (م ۱۰۳۱ ق)، کتابت ۱۱۴۳ ق، خط نسخ، ش «۹۴۵ تاریخ».

۱۳۴. الروض الباسم فی حوادث العمر و التراجم، ابوالمکارم زین الدین عبدالباسط بن خلیل بن شاهین ملطی قاهری حنفی (ابن وزیر) (م ۹۲۰ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ۸۹۰ ق، ۸۶ برگ، ش «۲۴۰۳ تاریخ / تیمور».

۱۳۵. ریاض النفوس فی طبقات فقهاء مدينة القيروان، ابوبکر عبداللہ بن محمد مالکی، کتابت ۶۴۵ ق، به خط یوسف بن محمد بن عبدالوهاب بن یوسف مالکی، ۲۳۴ برگ، ش «۱۱۶ تاریخ».

۱۳۶. الزوائد و النظائر و فوائد البصائر، ابوعبداللہ حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی (م ۴۷۸ ق)، کتابت ۴۶۷ ق (در حیات مؤلف)، به خط نسخ ابوالحسن عبدالرحمان بن محمد رازی، ۱۴۴ برگ، ش «۱۳۰ تفسیر».

۱. دو جزء از قرآن کریم به خط ابن بواب که در سال ۳۹۲ ق، کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله موجود است. این نسخه، قبلاً در کتابخانه ناصرالدین شاه قاجار قرار داشته و نهایتاً در اختیار مرحوم شیخ المحدثین حاج شیخ عباس محدث قمی، مؤلف کتاب مفاتیح الجنان قرار گرفته است و اینجانب، سالها قبل آن را برای این کتابخانه بزرگ، خریداری نمودم.

۲. یک نسخه دیگر از این کتاب در یکی از کتابخانه های استانبول در ترکیه موجود است که حدود سی سال قبل، تصویر آن را اینجانب در سفر به ترکیه تهیه و به تعداد پنجاه نسخه با یک مقدمه یک صفحه ای از مرحوم پدر بزرگوارم آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله چاپ کردم و به برخی کتابخانه ها اهداء نمودم.

۱۱۶. دیوان الحادرة، قطبة بن اوس بن محصن بن حبیب بن عبدالعزی (حادره)، کتابت ۴۲۳ ق، به خط خوشنویس برجسته اسلامی علی بن هلال (ابن بواب)^۱ در ۲۵ برگ هشت سطری، ش «۲۱۴۵ ادب».

۱۱۷. دیوان الحماسة، ابوتمام حبیب بن اوس بن حارث طائی (م ۲۳۱ ق)، کتابت ذی حجة ۵۹۹، به خط مغربی احمد بن عبداللہ بن سلیمان، ۱۰۷ برگ، ش «۹۴ ادب».

۱۱۸. دیوان العصفوری، ابوبکر عصفوری (م ۱۱۰۳ ق)، نسخه اصل به خط شاعر، ۲۱۴ برگ، ش «۴۲۹ شعر / تیمور».

۱۱۹. دیوان کشاجم، ابوالفتح محمود بن حسین بن سندی بن شاهک (کشاجم) (م ۳۶۰ ق)، کتابت ۶۰۳ ق، ۱۷۴ برگ، ش «۴۵۷۹ ادب».

۱۲۰. دیوان الممتبی، کتابت سده هفتم هجری، ش «۴۵۲۱ ز».

۱۲۱. ذیل الشقائق النعمانية، ملا پیر محمد (عاشق چلبی بن علی بن زین العابدین نطاع بغدادی) (م ۹۷۹ ق)، خط نستعلیق، ۹۲ برگ، ش «۱۸۶۱ تاریخ / طلعت».

۱۲۲. الرجال، تقی الدین حسن بن علی بن داوود حلی شیعوی. کتابت ۹۷۳ ق، ۲۸۴ صفحه، ش «۴۷۵ تاریخ».

۱۲۳. رجال البخاری و مسلم (ج ۱)، شهاب الدین احمد بن موسی هکاری (م ۷۶۳ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ش «۵۴۳ تاریخ / تیمور».

۱۲۴. رحلة الإمام الشافعی، رواية ابوبکر محمد بن المنذر عن الربیع بن سلیمان، نسخه نفیس و کهن به خط محمد بن احمد بن محمد اصفهانی دارای دو سماع به تاریخهای ۵۸۴ و ۶۳۰ ق، ش «۵۷۸ تاریخ / تیمور».

۱۲۵. رسائل اخوان الصفا، کتابت ۶۰۰ ق، ش «۳۸۳ طک».

۱۲۶. رساله فی الأشراف الکیلانیين الحمویين القاطنین بالهند، احمد بن علی حنفی هندی رامغوری (م بعد از ۱۳۱۳ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۱۳ برگ، ش «۱۳۷۷ تاریخ».

۱۲۷. الرسالة فی أصول الفقه، محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ ق)، کتابت ۲۶۵ ق، به خط نسخ قدیم ربیع مرادی معری (از شاگردان مؤلف)، ۸۱ برگ ۲۸ سطری، ش «۴۱ اصول فقه م».

۱۲۸. رساله فی أنساب القبائل التي سكنت مدينة زيد باليمن، محمد بن علی مدهجی قرشی نسابه (م بعد از ۸۹۰ ق)، کتابت ۱۱۴۳ ق، به خط نسخ، ش «۹۴۵ تاریخ».

۱۳۷. الزیج الجامع و البلیغ، کوشیار بن لبان جیلی، کتابت ۶۵۰ ق، ش «۶۹۱ دم».
۱۳۸. الزیج الجامع و البلیغ، کوشیار بن لبان، کتابت ۷۰۰ ق، ش «۴۵ ق».
۱۳۹. سزانحو، ابواسحاق ابراهیم بن سری بن سهل زجاج (م ۳۱۱ ق)، کتابت سده چهارم هجری (در برگ پایانی نسخه، قرائتی به سال ۳۵۱ ق آمده است که نسخه خوانده و تصحیح شده است)، ش «۱۱۵/۲».
۱۴۰. سزانحو، ابواسحاق ابراهیم بن سری بن سهل زجاج (م ۳۱۱ ق)، کتابت اوایل سده چهارم هجری، به خط نسخ قدیم، ۹۹ برگ، ش «۱۴۹ نحو».
۱۴۱. السموم و دفع مضارها، ابوموسی جابر بن حیان بن عبدالله صوفی کوفی ازدی (م ۲۰۰ ق)، کتابت ۶۳۹ ق، به خط نسخ و تملک صلاح الدین صفری، ۱۹۵ برگ، ش «۳۹۳ طب / تیمور».
۱۴۲. سند المرعشی بالأذان، یتهی فی الی بلال الحبشی، محمود بن احمد بن محمود مرعشی.
۱۴۳. سنن أبی داود (ج ۲)، ابوداود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر ازدی سجستانی (م ۲۷۵ ق)، کتابت ۵۰۷ ق، به خط نسخ (در شهر فسطاط مصر)، ۲۳۱ برگ، ش «۶۴۷ حدیث».
۱۴۴. السنن و الآثار (السنن الکبری)، ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی (م ۴۵۸ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در سده چهارم هجری (بسیار نفیس)، ۳۹۲ برگ، ش «۲۶۷ حدیث».
۱۴۵. سوق العروس، ابو معشر عبدالکریم بن عبدالصمد بن محمد بن علی بن محمد طبری قطان شافعی (حافظ مقرئ)، کتابت ۶۱۸ ق، در پایان چند سماع، مورخ ۶۳۳ ق، ۲۹۵ برگ، ش «۶۰۶ قرائات».
۱۴۶. السهم المصیب فی کبد الخطیب (الرد علی الخطیب البغدادی)، عیسی بن ابی بکر بن ایوب شرف الدین (م ۶۲۴ ق)، کتابت ۶۲۳ ق، به خط نسخ، ۱۴۲ برگ، ش «۱۵۳ تاریخ».
۱۴۷. سیاسة البدن، محمد بن رستم گیلانی طبیب، نسخه اصل به خط مؤلف در ۸۵۹ ق (در شهر رشت)، ش «۱۷۸۱ طب».
۱۴۸. شأن الدعاء و تفسیر الادعیه الماثوره، احمد بن محمد بن ابراهیم خطابی (م ۳۸۸ ق)، کتابت قبل از سال ۴۶۰ ق، ش «۲۹۵ حدیث».

۱۴۹. الشامل (ج ۱)، ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی (م ۴۵۸ ق)، کتابت جمادی ثانی سال ۵۲۲ ق، به خط حسین بن حسین خرقی، ۳۵۸ برگ، ش «۲۲۵ فقه حنفی».
۱۵۰. الشامل فی الطب، علاء الدین علی بن ابی الحزم قرشی (ابن نفیس) (م ۶۸۷ ق) کتابت سده هشتم هجری، ش «۶۰۵۷ ل».
۱۵۱. شجرة الأشراف المتصل نسبهم لجدهم السيد علی زنفل الکائن ضریحه بمجلة ابی علی القنطرة، مؤلف ناشناخته، ۱۰۹ برگ، ش «۴۵۱۷».
۱۵۲. شرح الأربعین حدیثا فی أصول الدین و الأخلاق، شمس الدین محمد بن یوسف بن حسن زرندی (م ۷۴۷ ق)، کتابت ۸ ذی قعدة ۷۴۲ (در حیات مؤلف)، ۱۷۵ برگ، ش «۷۴۲ حدیث / طلعت».
۱۵۳. شرح جمع الأصول فی مشهور المنقول، زین الدین ابوالحسن علی بن سعید دیوانی واسطی (م ۷۴۳ ق)، کتابت شب ۲۱ رمضان ۷۴۲ (در حیات مؤلف که از روی نسخه اصل کتابت شده است)، کاتب: علی بن حسن بن احمد بن مظاهر (در مدرسه واسط در عراق)، ش «۲۰۷۸۷ ب».
۱۵۴. شرح الرسالة البهائیه، عبدالرحمان بن ابی بکر مرعشی، کتابت ۱۲۳۴ ق، نسخه چاپ نشده به خط حسن بن ابراهیم، ش «۱۲۰ ق».
۱۵۵. شرح شهاب الأخبار للقضای (م ۶ ق)، کتابت ۵۷۴ ق، به خط ابورضا محمود، ش «۷۸۵ حدیث».
۱۵۶. شرح عمدة الحافظ و عدة الالفاظ، ابوعبدالله جمال الدین محمد بن عبدالله بن مالک طائی جیانی (م ۶۷۲ ق)، کتابت ۶۹۰ ق، به خط نسخ، ۱۹۴ برگ، ش «۵۷۸ نحو / تیمور».
۱۵۷. شرح الغایة فی القرائات العشر و عللها، حسن بن احمد بن عبدالغفار (ابوعلی فارسی) (م ۳۷۷ ق)، کتابت ۴۱۳ ق، به خط نسخ، ش «۳۴۴ تفسیر».
۱۵۸. شرح کتاب الثمرة لبطلیموس، ابوجعفر احمد بن یوسف، کتابت ۶۰۰ ق، ش «۳۶۹ ص».
۱۵۹. شرح المقامات الحریریة، مظهر الدین حسین زبدانی (م ۷ ق)، کتابت ۶۹۵ ق، ش «۴۷۶۷ ادب».
۱۶۰. شرح نخبة الفکر فی مصطلح أهل الأثر لابن حجر العسقلانی، عمر بن خطاب (م ۱۳ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۶۱ برگ، ش «۸ حلیم».

۱۶۱. شفاء العلیل فی القیاس و التعلیل، ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی (م ۵۰۵ ق)، کتابت ۵۷۳ ق، به خط نسخ صالح بن علی، ۸۵ برگ، ش «۱۵۴ اصول فقه».
۱۶۲. صور الدرج و الحكم علیها فیما تدل علیه احوال المولودین و ما یتعلق بهم، تنگلو شافقانی بابلی، کتابت ۷۰۰ ق، ش «۱۰۷ ق».
۱۶۳. ضرائر الشعر، محمد بن جعفر قزاز قیروانی تمیمی (م ۴۱۲ ق)، کتابت ۴۳۱ ق، ش «۱۸۳۰ ادب».
۱۶۴. طبقات الفقهاء، ابواسحاق ابراهیم بن یوسف شیرازی شافعی (م ۴۷۶ ق)، کتابت اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری، ش «۸۰۷۳ ح».
۱۶۵. طبقات النحویین و اللغویین، ابوبکر محمد بن حسن زبیدی اشبیلی (م ۳۷۹ ق)، کتابت ۳۵۸ ق، به خط احمد بن علی بن اسماعیل بن محمد بن هشام لخمی اشبیلی، ش «۸۷۶ تاریخ».
۱۶۶. العقد المنظوم فی ذکر أفاضل الروم (ذیل بر کتاب الشقاق النعمانیة)، علی بن لالی بالی رومی حنفی (بمق) (م ۹۹۲ ق)، ۱۱۱ برگ، ش «۱۸۶۳ تاریخ / طلعت».
۱۶۷. العقد الیمانی فی حل زیج الإبلخانی^۱ احمد بن ابراهیم بن خلیل حلبی، کتابت ۸۹۴ ق، در حلب سوریه، ش «۹۷ ق».
۱۶۸. علل الزیجات، عبدالله بن مسرور حاسب، کتابت ۶۰۰ ق، ش «۹۹ تر».
۱۶۹. العلل و الأعراض لجالینوس، ترجمة عربی از حنین بن اسحاق طبیب (م ۲۶۰ ق) (نسخه بسیار کهن و نفیس)، ش «۹۵ طب / تیمور».
۱۷۰. عمدة الطالب فی الاعتقاد الواجب، جمال الدین محمد بن عبدالرحمان بن عمر بن عبدالله حبیشی مذهب حنبلی و صابی، کتابت ۹۸۵ ق، ۱۷۸ برگ، ش «۳۸۴۸ تصوف و اخلاق دینی».
۱۷۱. عمدة الطالب فی نسب آل ابی طالب (ع)، جمال الدین احمد بن علی بن حسین بن علی بن مهنا بن عنبه داودی (م ۸۲۸ ق)، کتابت ۹۰۶ ق، ش «۹۲۰ تاریخ».
۱۷۲. عمدة المتحل و بلغة المرتحل (شامل تراجم مکین و مدنین)، تقی الدین ابوالفضل محمد بن فهد هاشمی مکی شافعی (م ۸۷۱ ق)، ۱۰۸ برگ، ش «۱۷۵ مجامیع م».
۱۷۳. عمل شکل مجسم ذی أربع عشرة قاعدة تحیط به کرة معلومة، ثابت بن قرة حرانی صابی (م ۲۸۸ ق)، کتابت ۳۷۰ ق، ش «۱۰۴۷ میقات».
۱۷۴. غریب الحدیث، ابو عبید قاسم بن سلام هروی بغدادی (م ۲۲۴ ق)، کتابت ۳۱۱ ق.
۱۷۵. الغریبین (غریب القرآن و غریب الحدیث)، ابو عبید قاسم بن سلام هروی بغدادی، کتابت سده چهارم هجری، ش «۱۰۱۶ تفسیر».
۱۷۶. فتح الوصید بتاریخ علماء مراغة الصعید (مراقی اوج البلاغة بتاریخ علماء مراغه)، محمد بن محمد بن حامد مراغی جرجاوی، (م نیمه دوم ق ۱۴ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ۱۳۵۵ ق، ۶۰ برگ، (در پایان، فهرست کتاب آمده است)، ش «۶۵۴۱ ح تاریخ».
۱۷۷. فتوح الإسلام لبلاد العجم و خراسان، ابو عبدالله محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق)، کتابت ۸۳۳ ق، به خط نسخ حسن بن عبدالرزاق ناسخ، ۷۱ برگ، ش «۱۹۰۴ تاریخ».
۱۷۸. الفصول الخمسون، ابوالحسین زین الدین یحیی بن عبدالمعطی بن عبدالنور زواوی جزائری مغربی (م ۶۲۸ ق)، کتابت ۷۲۵ ق، ۵۳ برگ، ش «۱۷۶۰ نحو».
۱۷۹. فضائل بیت المقدس، ابوبکر محمد بن احمد بن محمد واسطی مقدسی، کتابت ۵۸۳ ق، ۵۱ ص، ش «۷۸۱ مجامیع».
۱۸۰. الفهرست الأوسط من المرویات، شمس الدین محمد بن احمد بن طولون صالحی (م ۹۵۳ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۲۲۳ برگ، ش «۴۱۰ مصطلح».
۱۸۱. القانون فی الطب، ابوعلی شرف الملک حسین بن عبدالله بن سینا (م ۴۲۸ ق)، کتابت سده پنجم هجری، به خط نسخ قدیم، ۱۹۳ برگ، ش «۵۰۸ طب».
۱۸۲. القانون المسعودی، ابوریحان بیرونی، کتابت ۶۷۳ ق، ش «۸۶۶ دم».
۱۸۳. قبول الأخبار و معرفة الرجال، ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود کعبی بلخی خراسانی (م ۳۱۹ ق)، کتابت اواخر سده پنجم یا اوایل سده ششم هجری، به خط نسخ، ۱۱۱ برگ، ش «۱۴ مصطلح الحدیث».
۱۸۴. فشر الفسر عن دیوان ابی الطیب المتنبی، ابوسهل محمد بن حسن زوزنی، کتابت ۴۷۵ ق، به خط ابوالقاسم بن ابی بکر بن احمد بن عبدالله مفضل بن عباس، ش «۴۴۸۰ ادب».

۱. کتاب زیج ایلخانی، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق) است و تاکنون چاپ نشده است. همان گونه که ضمن این گزارش آمده است، یک نسخه بسیار کهن و نفیس آن که در عصر خواجه کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله موجود است.

۲۱۰. مختصر غریب الحديث لأبي عبيد قاسم بن سلام، علی حسین استرآبادی، کتابت ۴۶۴ ق، ش «۲۲۶۵ حدیث».
۲۱۱. مختصر فی علم الهيئة، اثیرالدین ابهری، کتابت ۷۰۰ ق، ش «۱ ظ / ۶۲ و».
۲۱۲. مختصر کتاب البیطرة لأحمد بن الحسن الأحنف، مؤلف: ناشناخته، کتابت ۶۰۵ ق، به خط نسخ علی بن حسن بن هبة الله در بغداد، ش «۸ طب / خلیل آغا».
۲۱۳. مختصر کتاب العین للخلیل بن احمد الفراهیدی، ابوبکر محمد بن حسین بن عبدالله زبیدی اندلسی (م ۳۷۹ ق)، کتابت ۸۸۵ ق، به خط ابراهیم بقاعی، ش «۶۴۴۵».
۲۱۴. المختصر المحتاج الیه من تاریخ بغداد، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی ترکمانی فارقی شافعی (م ۷۴۸ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ۷۰۴ ق، ش «۳۲۴ تاریخ».
۲۱۵. مختصر مناقب الامام أحمد بن حنبل، عبدالرحمان بن علی بن محمد بن علی (ابن جوزی) (م ۵۹۷ ق)، کتابت ۵۸۲ ق، (در عصر مؤلف)، به خط نسخ ابراهیم بن عبدالله مقدسی ذنابی، ۷۳ برگ، ش «۷۵۲ تاریخ».
۲۱۶. المختلف و المؤلف فی أسماء الرجال، حافظ ابو الحسن علی بن عمر دارقطنی بغدادی (م ۳۸۵ ق)، کتابت ۵۲۶ ق، ش «۵۴۶ تاریخ».
۲۱۷. المدخل إلى صناعة الموسيقى، ابونصر فارابی (م ۳۳۹ ق)، کتابت ۶۵۴ ق، ش «۱۷۹۶».
۲۱۸. المدخل إلى أحكام النجوم، ابونصر حسن بن علی قمی (از اخترشناسان نیمه ۴ ق)، کتابت ۶۱۹ ق، ش «۲/۲۲۲ طم».
۲۱۹. مراح الأرواح، بدرالدین محمود بن احمد عینی (م ۸۵۵ ق)، نسخه اصل بن خط مؤلف در اوایل ربیع ثانی ۷۸۳ ق (در ۲۱ سالگی)، ۱۱۰ برگ، ش «۵۸۱۳ ه».
۲۲۰. مسائل الامام أحمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، کتابت ۵۸۳ ق، ش «۲۱۸۸ ب».
۲۲۱. المستدرک علی کتاب الإكمال لابن ماکولا، خودابن ماکولا (م ۴۸۷ ق) (نسخه بسیار کهن و نفیس)، ۱۶۰ برگ، ش «۱۰».
۲۲۲. المسند الصحيح، ابو الحسن مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری (م ۲۶۱ ق)، کتابت ۵۴۸ ق (در بغداد در مدرسه حطامیه)، به خط نسخ عبدالرحیم بن حمد بن عبدالرحیم بن مهتز نهاوندی، ۲۳۲ برگ، ش «۲ حدیث ق».

۲۰۱. مثير الغرام الساکن إلى اشرف الأماكن، ابو الفضائل جمال الدین ابو الفرج عبدالرحمان بن ابی الحسن علی بن محمد بن عمر بن جوزی (م ۵۹۷ ق)، کتابت سده هفتم هجری، ش «۱۴۳۲ تاریخ».
۲۰۲. المجالسة و جواهر العلم، ابوبکر احمد بن مروان دینوری مالکی (م ۳۱۰ ق)، کتابت اوایل سده هفتم هجری، دارای سماعات بسیار، ۳۶۴ برگ، ش «۲۰۸۸۸ ب».
۲۰۳. مجموعة تراجم علماء القرن الثالث عشر الهجري، عارف حکمت بن ذی الفقار بن نافذ هرسکی (م ۱۳۲۱ ق)، نسخه اصل بن خط مؤلف، ۱۱۷ برگ، ش «۲۱۱۴ تاریخ / طلعت».
۲۰۴. مجموعة الرسائل و المکاتبات «من نظم و نثر» التي دارت بين الشريف الرضي و بين أبي اسحاق ابراهيم بن هلال صابی، ش «۱۹۴۷۸ ز».
۲۰۵. مجموع فی أمراض العین (شامل هشت کتاب بدین ترتیب: ۱. جوامع کتاب جالینوس فی الأمراض الحادثة فی العین، ۲. کتاب البصر و البصيرة فی علم العین و عللها، ثابت بن قره - م ۲۸۸ ق، ۳. تشريع العین و أشکالها، علی بن ابراهیم، ۴. کتاب المنتخب، علی بن عمار موصلی، ۵. کتاب ترکیب العین و عللها و علاجها علی رأی البقراط و جالینوس، حنین بن اسحاق، ۶. جوامع کتب جالینوس فی أمراض العین، ۷. محنة الکحالین، یحیی بن ماسویه متطبب، ۸. کتاب العین - دغل العین -، یحیی بن ماسویه، کتابت ۲۶ ربیع ثانی ۵۹۲، به خط نسخ عبدالرحیم بن یونس بن ابی الحسن انصاری، ۲۲۵ برگ ۲۷ سطری، ۱۶×۲۳ سانتیمتر، ش «۱۰۰ طب / تیمور».
۲۰۶. المجسطی لبطلمیوس و الأعمال المتعلقة به، ترجمه: حنین بن اسحاق (م ۲۶۰ ق)، کتابت در شوال ۶۱۸، به خط مغربی ابراهیم بن محمد (شرفی)، ش «۷۱ هیئت».
۲۰۷. محنة الإمام أحمد بن حنبل، تقی الدین عبدالغنی بن عبدالواحد بن سرور جماعلی مقدسی حنبلی (م ۶۰۰ ق)، کتابت ۶۴۲ ق، ش «۳۴۵ تاریخ».
۲۰۸. مختارات أشعار العرب، اختارها ابو السعادات هبة الله بن علی بن محمد (ابن شجری بغدادی)، نسخه اصل به خط مؤلف در اواخر سده پنجم هجری، ۱۱۶ برگ، ش «۵۸۵».
۲۰۹. مختصر أمثال الشريف الرضي، مجدالدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عمر اربلی حنفی (م ۶۷۷ ق)، کتابت ۶۹۰ ق، ش «۱۵۰۰ ادب».

۲۲۳. مشکل إعراب القرآن، مکی بن ابی طالب قیسی، کتابت ۴۹۰ ق، ش «۱۵۷».

۲۲۴. مشکل القرآن، ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ ق)، کتابت ربیع ثانی ۳۷۹، به خط نسخ محمد بن احمد بن یحیی، ۸۵ برگ، ش «۶۶۳ تفسیر».

۲۲۵. مشیخة ابن التحاس (کتاب المشایخ)، ابو محمد عبدالرحمان بن محمد بن سعید بزاز (ابن نحاس)، کتابت سده هفتم هجری (نسخه نفیس و کهن)، ۴۱ برگ، ش «۱۵۴ حدیث».

۲۲۶. المصادر فی اللغة (به عربی و فارسی)، ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی (م ۴۸۶ ق)، کتابت جمادی ثانی ۷۶۱ ق، به خط نسخ مُعرب، ۱۰۱ برگ، ش «۱۰۱».

۲۲۷. مصباح المجتهد و کفایة المنفرد (ج ۱)، محمد بن حسین بن محمد تنوخی (ابن نقاش) (م بعد از ۵۹۹ ق)، کتابت ۵۶۹ ق، به خط نسخ مؤلف، نسخه اصل در ۲۴۱ برگ، ش «۹۴۳ تصوف».

۲۲۸. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن الکریم، ابو عبدالله محمد حسین بن مسعود فراء بغوی (م ۵۱۰ یا ۵۱۶ ق)، کتابت جمادی اول ۶۷۹، ش «۲۰۵۵۶».

۲۲۹. معانی القرآن، ابو جعفر احمد بن اسماعیل بن یونس (ابن نحاس)^۱ (م ۳۳۸ ق)، کتابت سده پنجم هجری، ۲۳۳ برگ، ش «۲۵۵۰۲».

۲۳۰. معانی القرآن (ج ۱)، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سَری (زجاج)، کتابت سده پنجم هجری، ش «۳۸۵ تفسیر».

۲۳۱. معانی القرآن (ج ۲) ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سَری (زجاج)، (م ۳۱۰ ق)، کتابت سده چهارم هجری.

۲۳۲. معتمد الشیعة فی احکام الشریعة^۲، ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۲ ق)، کتابت ذی قعدة ۱۲۲۹، به خط مهدی اصفهانی.

۲۳۳. معجم ما استعجم، وزیر ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن ابی مصعب اوینی بکری (م ۴۸۷ ق)، کتابت ۶۶۲ ق، در سه جلد به خط علی بن عبدالله بن مسعود قاری اندلسی، ش «۴۰۴ جغرافیا».

۲۳۴. المعجم المشتمل علی أسماء الشیوخ النبیل، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله دمشقی شافعی (ابن عساکر) (م ۵۷۱ ق)، کتابت ۶۳۵ ق، ش «۱۷۴۹».

۲۳۵. المعجم المشتمل علی أسماء الکتب الستة، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله دمشقی شافعی (ابن عساکر)، (م ۵۷۱ ق) (نسخه بسیار کهن و نفیس)، ش «۳۳۷».

۲۳۶. معرفة المجروحین من المحدثین، ابوحاتم محمد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ ق)، نسخه کهن مورخ ۳۲۴ ق، به خط مغربی، ش «۱۹۵۹۸».

۲۳۷. معین الطلاب علی عمل الأسطلاب، ابو حفص عمر بن یوسف بن عمر بن علی بن رسول اشرف رسولی (ملک اشرف) (م ۶۹۶ ق)، کتابت ۶۹۲ ق (دارای دو اجازه از ابراهیم بن ممدود جلاذ موصلی حاسب به سال ۶۹۰ ق و حسن بن علی فهری مظفری اشرفی به سال ۶۹۲ ق) در عصر مؤلف، ش «۱۰۵ ریاضیات / تیمور».

۲۳۸. مغانی الأخبار فی رجال معانی الآثار، بدرالدین محمود بن احمد بن موسی عینی (م ۸۵۵ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف، ۱۵۹ برگ، ش «۷۲ مصطلح حدیث».

۲۳۹. المغرب فی حلی المغرب (ج ۳)، نورالدین ابی الحسن علی بن موسی بن سعید مغربی (م ۶۷۳ یا ۶۸۵ ق)، کتابت ۶۴۷ ق، به خط نسخ (جلد چهارم و پنجم و پانزدهم آن نیز در همان سال ۶۴۷ کتابت شده است، با همان شماره ثبت) ش «۱۰۳ تاریخ».

۲۴۰. المغنی فی أصول الدین، قاضی القضاة عبدالجبار بن احمد معتزلی (م ۴۱۵ ق)، کتابت سده پنجم هجری، ش «۲۵۵۰۱».

۲۴۱. المفضل فی شرح المفضل للزمخشری، ابوالحسن علم الدین علی بن محمد بن عبدالصمد همدانی مصری سخاوی شافعی (م ۶۴۳ ق)، کتابت به سال ۶۲۷ ق (در حیات مؤلف)، ۲۰۸ برگ، ش «۴۸۶ نحو / طلعت».

۲۴۲. المقامات الحریریة، نسخه بسیار نفیس که به سال ۵۰۴ ق، بر مؤلف خوانده شده، ش «۴۴۷۹ ادب».

۲۴۳. المقامات الحریریة، ابو محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان حریری بصری (م ۵۱۶ ق)، کتابت اوایل سده ششم هجری،

۱. نسخه بسیار نفیس و کهنی از آن که در اوائل سده ششم هجری کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است.

۲. کتاب معتمد الشیعة در فقه نگاشته شده و تاکنون به چاپ نرسیده است. آن گونه که فیض در دیگر اثر خود، مفاتیح الشرائع آورده است، معتمد الشیعة، بسیار مفصل بوده، تنها موفق به نگاشتن جلد اول آن گردیده و چون وقت بسیاری برای ادامه آن بایستی صرف می‌کرد، از ادامه آن منصرف شده و کتاب مفاتیح الشرائع را که در یک جلد است، نگاشته و آن نیز منتشر شده است. پس از فیض کاشانی، یکی از نوادگانش به نام جمال الدین اسحاق، فرزند ملا محمد علم الهدی فرزند فیض کاشانی، کتاب معتمد الشیعة را ادامه داده و موفق شده است بخشهایی را به تدریج بنویسد و نسخه اصل آن به خط ایشان در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است و آن نیز تاکنون منتشر نشده است.

احتمالاً در عصر مؤلف به خط نسخ مُعرب مبارک احمد بن عبدالعزیز بن معمر انصاری، ۴۶ برگ، ش «۱۰۵ ادب م».

۲۴۴. المقتضب من کتاب جمهرة النسب لابن هشام الکلبی، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله رومی حموی بغدادی (م ۶۴۶ ق)، ۱۱۷ برگ (نسخه کهن و نفیس)، ش «۱۰۵ تاریخ م». ۲۴۵. المقصود و الممدود، ابوعلی اسماعیل بن قاسم بن عیدون بن هارون بن عیسی قالی (م ۳۵۶ ق)، کتابت ۵۵۶ ق، به خط مغربی قدیم، ش «۱۸۴ لغت».

۲۴۶. الملاح فی اظهار عیصات المراح (ملاح الألواح فی شرح مراح الأرواح)، بدرالدین محمود بن احمد عینی (م ۸۵۵ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در اوایل ربیع ثانی ۸۷۶ (در ۲۱ سالگی)، ۱۱۰ برگ، ش «۵۸۱۳ ه».

۲۴۷. مناقب الأبرار و محاسن الأخیار، مجدالدین حسین بن نصر بن محمد (ابن خمیس موصلی) (م ۵۵۲ ق)، کتابت ۵۸۵ ق، به خط نسخ (در شهر اسکندریه مصر)، ش «۱۳۶۹ تاریخ».

۲۴۸. مناقب الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) من کتاب الفصول المهمة فی معرفة الاثمة، نورالدین علی بن محمد بن صباغ مالکی مکی (م ۸۵۵ ق)، کتابت سده دهم هجری، ش «۳۳۹ تاریخ».

۲۴۹. المناقب و المثالب (مناقب بنی هاشم و مثالب بنی امیه)، ابوحنیفه بن نعمان بن محمد مغربی (م ۳۶۳ ق)، (از آثار نایاب فاطمیان مصر)، کتابت ۸۵۲ ق، ش «۲۰۶۸ تاریخ».

۲۵۰. منتخب صوان الحکمة، ابو محمد طاهر بن بهرام سجری (از دانشمندان اواخر سده ۴ ق)، کتابت ۶۳۹ ق، ش «۶۶۴۳ ح». ۲۵۱. منتخب کتاب الغافی فی الأدویه المفردة، جمال‌الدین گریغوریوس بن هارون ملطی سریانی (ابن عبری) (م ۶۸۵ ق)، کتابت ۶۸۴ ق، ۱۴۲ برگ، ش «۳۸۹ طب / تیمور».

۲۵۲. المنجد فی اللغة، ابوالحسن علی بن حسن هُنایی ازدی (کُراع النمل) (م ۳۱۰ ق)، کتابت شعبان ۵۸۵ ق، به خط نسخ مُعرب محمد بن هبة الله حموی (در مصر)، ۱۰۹ برگ، ش «۲۶۵ لغت».

۲۵۳. منهل الأولیاء و مشرب الأصفیاء من سادات الموصل الحدباء، محمد امین بن خیرالله خطیب عمری موصلی (م ۱۲۰۶ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ۱۰۸۱ ق، ۱۷۵ برگ، ش «۲۰۷۳ تاریخ / طلعت».

۲۵۴. المنهل الروی فی الحدیث النبوی، بدرالدین محمد بن

ابراهیم بن سعدالله بن جماعه (م ۷۳۳ ق)، کتابت پنجشنبه اول ذی‌قعدة ۷۴۱ ق، در شهر طوس خراسان، ۳۹ برگ، ش «۲۱۷ / طلعت».

۲۵۵. المؤلف و المختلف فی أسماء نقلة الحدیث، ابو محمد عبدالغنی بن سعید بن علی بن سعید ازدی مصری (م ۴۰۹ ق)، کتابت دوشنبه ۲ ربیع ثانی ۶۴۰، ۱۲۱ برگ، ش «۱۸ حلیم». ۲۵۶. نزهة المشتاق فی إختراق الآفاق، ابوعبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريس ادريسی حسنی طالبی (م ۵۶۰ ق)، کتابت ذی‌قعدة ۷۴۸، به خط نسخ، ۱۵۴ برگ، ش «۱۵۰ جغرافیا».

۲۵۷. النکت الحائرة لحل الرامزة، زین‌الدین ابوالعز طاهر بن حسن بن عمر بن حبیب حلبی (م ۸۰۸ ق)، نسخه اصل به خط مؤلف در ۷۸۶ ق، ۴۸ برگ، ش «۵۷۷۸ ه».

۲۵۸. نهج البلاغة، کتابت ۶۸۲ ق، به خط نسخ حسین بن محمد حسنی در حرم امام علی بن ابی‌طالب (ع) (که برای خزانه سلطان غیاث الحق نگاشته است)، ش «۴۸۴۰ ادب».

۲۵۹. الوسيط فی المذهب، ابو حامد محمد بن محمد بن غزالی طوسی (م ۵۰۵ ق)، کتابت ذی‌حجة ۶۱۹، به خط نسخ ابن احمد بن ابی‌عبدالله بن حسین بن احمد، ۱۹۵ برگ، ش «۳۱۶ فقه شافعی».

۲۶۰. الوسيط بین المقبوض و البسيط (ج ۲)، ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن علی بن متویة واحدی (م ۴۶۸ ق)، کتابت ۵۴۹ ق، به خط عبدالغفور بن عبدالغفار بن ابی‌بکر واعظ بغدادی، ۳۷۵ برگ، ش «۱۳۱ تفسیر م».

۲۶۱. الهیلاج و اکد خداه، ابومعشر بلخی منجم، کتابت ۶۴۴ ق، ش «۲۴۳ - ۲ طم».

گزیده‌ای از نسخه‌های کهن و نفیس فارسی و ترکی دارالکتب قاهره

۱. اخلاق الأشراف، عبید زاکانی قزوینی (این اثر را به سال ۷۴۲ ق، نگاشته است)، کتابت ۷۳۶ ق (در عصر مؤلف)، خط محمد بن محمد ابهری، برگ ۱۰۵ - ۱۳۳ مجموعه ش «۹۳ ادب فارسی / طلعت».

۲. اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۲۷ ق)، کتابت ۵ رمضان ۷۳۴، خط نسخ، ۱۸۰ برگ، ش «۳۰ تصوف فارسی».

۳. اخلاق ناصری، نسخه دیگر مورخ ۸۷۴ ق، ۱۹۶ برگ، ش «۲۹ تصوف فارسی».
۴. اخلاق ناصری، نسخه دیگر مورخ اوایل ذی‌قعدة ۸۶۷، ۲۱۴ برگ، ش «۵ اخلاق فارسی / طلعت».
۵. اشجار و اثمار، علی‌شاه بن محمد بن قاسم خوارزمی (علاء‌الدین منجم بخاری)، کتابت شنبه ۲۷ ربیع ثانی ۷۳۰، ش «۸ معارف اسرار فارسی / طلعت».
۶. تاج المصادر، ابوجعفر احمد بن علی (جعفرک مفری بیهقی) (م ۵۴۴ ق)، کتابت ۷۳۹ ق، ۱۹۳ برگ، ش «۳ معاجم فارسیه / تیمور».
۷. تاریخ ایران، از قبل از اسلام تا آخر سلسله قاجاریه، سیدمهدی معین‌زاده اصفهانی، نسخه اصل به خط مؤلف ذی‌حجة ۱۳۲۸ (در عصر احمدشاه قاجار)، ۱۱۱ برگ، ش «۱۴۷ تاریخ فارسی».
۸. تحفة الصدور، محمد بن عبدالکریم غزنوی (ق ۸ ق)، کتابت ۷۷۰ ق، ۱۱۱ برگ، ش «احساب فارسی».
۹. ترجمه ترکی تذکرة الأولیاء عطار، مترجم: ناشناخته، کتابت ۱۳۲۰ ق، ۴۷۵ برگ، ش «۱۱۷ ترکی / طلعت».
۱۰. ترجمه ترکی قابوسنامه عنصر المعالی، مترجم: ناشناخته، کتابت ذی‌قعدة ۸۶۳، ۱۰۷ برگ، ش «۲۲ م فنون متنوع ترکی».
۱۱. ترجمه ترکی کیمیای سعادت غزالی، مترجم: ناشناخته، کتابت ۲۹ جمادی ثانی ۱۲۸۷، ش «۱۴۸ مجامیع ترکی / طلعت».
۱۲. ترجمه دیگر ترکی کیمیای سعادت، مترجم: ناشناخته، کتابت ذی‌قعدة ۹۷۰، ش «۱۰ - م تصوف ترکی».
۱۳. تفسیر سوره‌آبادی، ابوبکر عتیق سوره‌آبادی هروی^۱، کتابت ۱۹ ذی‌قعدة ۸۶۶ ق، به خط احمد بن محمد بن علی حافظ، قزوین، ۳۰۸ برگ، از آغاز سوره فاتحه تا سوره انعام، ش «۱۰ تفسیر فارسی / طلعت».
۱۴. توضیح زیج ایلخانی، حسن بن حسین بن حسن شاهنشاه سمنانی (این اثر به سال ۷۹۵ ق، نگاشته شده است)، کتابت اوایل ذی‌حجة ۸۴۵ (در شهر هرات)، ش «۱۳ نجوم فارسی / طلعت».
۱۵. خلاصة خلاصة سلطانی در اعمال زیج جدید گورکانی، مؤلف: ناشناخته، (نسخه کهن و نفیس)، ۷۸ برگ، ش «۷ میقات فارسی / طلعت».
۱۶. خمسة امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ ق)، مورخ یکشنبه ۴ جمادی اول ۷۵۶، ۱۹۶ برگ (نسخه نفیس کهن مذهب

- و مرصع ممتاز)، به خط نستعلیق خوش عبدالرحمان بن محمد بن ابراهیم (عماد)، ش «۵۵ ادب فارسی / طلعت».
۱۷. رساله سر سماع، احمد بن محمد بن احمد بیابانکی، (علاء‌الدوله سمنانی) (م ۷۳۶ ق)، مورخ ۷۸۷ ق، در سمنان (نسخه نفیس کهن)، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».
۱۸. رساله فوائد، منسوب به علاء‌الدوله سمنانی، کتابت ۸۷۸ ق، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».
۱۹. رساله در تفسیر آیات قرآن (در موضوع صبر و احسان)، علاء‌الدوله سمنانی (نسخه بسیار نفیس و ارزشمند و اصل)، به خط مؤلف در سال ۷۱۴ ق، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».
۲۰. رساله در تصوف، مؤلف: ناشناخته، کتابت دوشنبه غرة شعبان ۶۲۹، به خط ابوالمعالی سعید المذکور، ش «۱۹۳ مجامیع / تیمور».
۲۱. رساله در صرف، نظیری اصفهانی، کتابت ۶۶۰ ق، ش «۶۰۳ مجامیع / طلعت».
۲۲. رساله در صرف، مؤلف: ناشناخته، کتابت ۶۶۰ ق، ش «۶۰۳ مجامیع / طلعت».
۲۳. روضة المنجمین، شهرمدان جیلی، کتابت سده هشتم هجری، ش «۱۱ نجوم فارسی / طلعت».
۲۴. سربال البال لذوی الحال، علاء‌الدوله سمنانی (م ۷۳۶ ق)، کتابت ۷۱۴ ق، نسخه بسیار نفیس و اصل به خط مؤلف، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».
۲۵. شاهنامه فردوسی، کتابت ۷۰۵ ق، ش «۴۹ تاریخ فارسی».
۲۶. شاهنامه فردوسی، نسخه دیگر مورخ ۷۷۳ ق، ش «۱۸ تاریخ فارسی».
۲۷. شاهنامه فردوسی، نسخه دیگر مورخ شوال ۷۴۱، ش «۶۰۶ س».
۲۸. عتبة الکعبة، مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی (صاحب دیوان)، کتابت ۶۷۱ ق، ش «۱۹ ادب فارسی».
۲۹. عشاقنامه، عبید زاکانی، کتابت ۱۵ رجب ۷۳۶، به خط محمد بن محمد ابهری (در عصر عبید)، ش «۹۳ ادب فارسی / طلعت».

۱. یکی از کهن‌ترین نسخه‌های خطی این تفسیر که در نیمه دوم سده پنجم هجری کتابت شده و آیات قرآن با خط کوفی است، در کتابخانه بزرگ آیه‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود است. این نسخه، همچنین یکی از کهن‌ترین نسخه‌های کهن فارسی به شمار می‌آید.

۳۰. فالنامه و رساله در فضیلت تلاوت قرآن، مؤلف: ناشناخته، کتابت رجب ۷۱۲، ش «۱۱۶ مصاحف / طلعت».

۳۱. فتح المبین لأهل الیقین، علاءالدوله سمنانی، کتابت ۷۱۴ ق، به خط مؤلف (نسخه بسیار نفیس)، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».

۳۲. فرحة العالمین و فرجة الکاملین، علاءالدوله سمنانی نفیس به خط مؤلف (نسخه بسیار نفیس)، مورخ ۷۰۳ ق، ش «۱۱ م مجامیع فارسی».

۳۳. کیمیای سعادت، ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ق)، کتابت ۱۲ ربیع اول ۸۳۵ ق، ش «۱۲ م تصوف فارسی».

۳۴. کیمیای سعادت، غزالی، مورخ ربیع اول ۷۷۴ ق، ش «۱۳ م تصوف فارسی».

۳۵. کیمیای سعادت، غزالی، مورخ ۸۹۳ ق، به خط اسحاق بن مسلم بن محمود، ش «۱۲ تصوف فارسی / طلعت».

۳۶. کیمیای سعادت، غزالی، مورخ ۹۱۱ ق، ش «۱۴ م تصوف فارسی / طلعت».

۳۷. کیمیای سعادت، مورخ ۸۵۰ ق، به خط ابراهیم بن علی بن احمد بن عبدالوهاب، ش «۶۰ تصوف فارسی / طلعت».

۳۸. کیمیای سعادت، مورخ سده هشتم هجری، ش «۶۲ تصوف فارسی / طلعت».

۳۹. کیمیای سعادت، مورخ ۱۵ رجب ۶۰۰ ق، ش «۷۲ تصوف فارسی / طلعت».

۴۰. کیمیای سعادت، مورخ غره جمادی ثانی ۶۸۹ ق، ش «۲۷۸ تصوف / تیمور».

۴۱. کیمیای سعادت، مورخ سده هشتم هجری، ش «۵۵ تصوف فارسی».

۴۲. کیمیای سعادت، مورخ یکشنبه ۵ محرم ۵۷۶، در ۲۱۴ برگ، به خط عبدالله بن ابی قاسم فقهی (نسخه بسیار نفیس و کهن)، ش «۴۶ تصوف فارسی».

۴۳. مثنوی معنوی، مورخ اواخر شعبان ۶۶۸ (در عصر مؤلف)، به خط محمد بن عیسی حافظ مولوی قونوی (نسخه کهن)، ش «۱۷ م تصوف فارسی».

۴۴. مثنوی، نسخه دیگر مورخ ۲۸ ربیع ثانی ۸۶۴ ق، ش «۱۶ م تصوف فارسی».

۴۵. مثنوی، نسخه دیگر مورخ ۸۷۴ ق، به خط مولوی میرک شیرازی، ش «۱۸ م تصوف فارسی».

۴۶. مثنوی، نسخه دیگر مورخ ۸۷۳ ق، به خط محمد بن جلال سایبی رشیدی، ش «۱۸ تصوف فارسی».

۴۷. مثنوی، نسخه دیگر مورخ ۶۷۶ ق، ش «۲۳ تصوف فارسی».

۴۸. مثنوی ولدی در بیان اسرار احدی (ولدنامه)، کتابت اواخر رمضان ۶۹۳، ش «۲۲ تصوف فارسی».

۴۹. مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی، کتابت رجب ۶۸۶ ق، ش «۲۸ م تصوف فارسی».

۵۰. نظام التواریخ، ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی شیرازی (م ۶۸۵ ق)، کتابت ۷۱۲ ق، ش «۳۹۴ مجامیع / طلعت».

۵۱. الهادی للشادی، ابوالفضل احمد بن محمد میدانی (م ۵۱۸ ق)، کتابت ۷۹۳ ق، به خط سلیمان بن داوود بن عبدالعزیز آنقروی، ش «۱ م نحو فارسی».

۵۲. کلیله و دمنه، ترجمه فارسی: ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید (م ۵۱۲ ق)، مورخ ۷۴۴ ق (نسخه بسیار نفیس و هنری فوق العاده دارای چند نگاره زیبا و ارزشمند به سبک مغولی)، ش «۶۱ ادب فارسی».

۵۳. شاهنامه فردوسی، (م ۴۱۶ ق)، مورخ ۷۹۶ ق، در شیراز، به خط لطف الله بن یحیی بن محمد (نسخه بسیار ممتاز هنری دارای ۶۷ نگاره رنگین فوق العاده نفیس)، ش «۷۳ تاریخ فارسی».

۵۴. شاهنامه فردوسی، نسخه دیگر مورخ ذی قعدة ۸۴۴، به خط محمد سمرقندی (مشهور به مُعینی)، (نسخه نفیس دارای ۱۶۶ نگاره رنگین فوق العاده ارزشمند که آن را کاتب برای خزانه امیر شمس الدوله پیر محمد بن غیاث الدین یوسف خواجه بهادر بن امیر مظفرالدوله شیخ علی بهادر کتابت نموده است)، ش «۵۹ تاریخ فارسی».

۵۵. شاهنامه فردوسی، نسخه دیگر مورخ شوال ۹۰۵ ق (دارای ۴۲ نگاره بسیار نفیس)، ش «۷۹ ادب فارسی».

۵۶. دیوان سلمان ساوجی (م ۷۷۸ ق)، مورخ جمعه ۲۵ رمضان ۸۴۱، به خط عماد خباز ابرقویی (دارای دو نگاره بسیار نفیس به سبک نگاره‌های سده نهم هجری، ش «۱۵۶ م ادب فارسی».

۵۷. خمسه اشرفیه، اشرف (از شاعران نیمه نخست ق ۹ ق)، مورخ ۳۰ ذی قعدة ۸۸۵ ق (دارای نه نگاره بسیار نفیس از سده نهم هجری)، ش «۴۳۲۰ س».

۵۸. گوی و چوگان (حالنامه)، محمود عارفی هروی (از شاعران شاهرخ تیموری ق ۹ ق) مورخ اول جمادی اول ۸۸۹ ق (دارای شش نگاره نفیس ارزنده مکتب تیموری)، ش «۱۸ مجامیع فارسی». ۵۹. دیوان حافظ شیرازی (م ۷۹۱ ق)، کتابت ۸۹۱ ق، (نسخه نفیس هنری فوق العاده، دارای چهار نگاره زیبای رنگین)، ش «۳۵ م ادب فارسی».

۶۰. بوستان سعدی (م بین ۶۹۰ و ۶۹۴ ق)، کتابت اواخر رجب ۸۹۳، کاتب: سلطان علی هروی (از خوشنویسان مشهور و نامدار سده نهم هجری که در برگه نخستین، مهر شاه عباس اول مشهود است)، نسخه بسیار نفیس و هنری مرصع و دارای اشکال هندسی رنگین ارزشمند، صفحات با آب طلا دندان موشی شده و دارای شش نگاره بسیار مهم و نفیس از کارهای بهزاد، بزرگترین نگارگر نامدار اسلامی است که آنها را به سال ۸۹۴ ق ترسیم کرده است).

۶۱. خمسه امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ ق)، مورخ پنجشنبه ۲۰ شعبان ۸۹۵، به خط حسن بن حسین بن محمد هادی حسینی یزدی (نسخه بسیار نفیس هنری، دارای شانزده نگاره رنگین نفیس به سبک تیموری)، ش «۱۴۴ م ادب فارسی».

۶۲. مهر و مشتری، محمد عصار تبریزی^۱، مورخ ۱۲ ربیع ثانی ۸۹۸ (نسخه نفیس دارای ده نگاره رنگین)، ش «۱۶۸ م ادب فارسی».

۶۳. مهر و مشتری، نسخه دیگر مورخ ۱۹ رمضان ۸۹۸، به خط میرحسین کاتب (نسخه بسیار نفیس و ارزشمند، دارای چهارده نگاره رنگین بسیار نفیس به سبک تیموری)، ش «۱۶۹ م ادب فارسی».

۶۴. بوستان سعدی، مورخ اواخر سده نهم یا اوایل سده دهم هجری (نسخه نفیس هنری، دارای پنج نگاره رنگارنگ بسیار نفیس و گرانبها از کارهای سبک تیموری مکتب بهزاد)، ش «۶۰۷ س».

۶۵. دیوان حافظ، مورخ سده نهم یا اوایل دهم هجری (نسخه هنری نفیس دارای هفت نگاره رنگارنگ نفیس)، ش «۲ ادب فارسی / خلیل آغا».

۶۶. دیوان حافظ (نسخه هنری مرصع، دارای دو نگاره رنگین از اوایل سده دهم هجری)، ش «۴۱ ادب فارسی / طلعت».

۶۷. یوسف و زلیخا، عبدالرحمان جامی (م ۸۹۸ ق)، مورخ اوایل سده دهم هجری (نسخه هنری مرصع، دارای چهار نگاره

رنگین نفیس سبک تبریز)، ش «۴۶ - م ادب فارسی».

۶۸. کلیات سعدی، مورخ اواخر شعبان سال ۹۱۰، به خط مرشدالدین محمد (نسخه هنری مرصع نفیس دارای هجده نگاره رنگین بسیار نفیس سبک تیموری)، ش «۷۹ ادب فارسی». ۶۹. مجموعه اشعار فارسی (از قافیه الف تار، از شاعرانی چون: جامی، حافظ شیرازی، صائب تبریزی، بیدل، جلال الدین رومی و ...)، مورخ جمادی ثانی ۹۲۱، (نسخه بسیار نفیس هنری ارزشمند، دارای شصت نگاره رنگارنگ زیبا)، ش «۶۰ ادب فارسی».

۷۰. صفات العاشقین، محمد بن عبدالله استرآبادی (متخلص به هلالی) (م ۹۳۶ ق)، مورخ ۹۲۹ ق، به خط خوشنویس برجسته سده دهم هجری میر علی هروی (نسخه بسیار نفیس هنری بی نظیر، دارای دو نگاره رنگین بسیار نفیس سبک تیموری)، ش «۱۱۴ م ادب فارسی».

۷۱. یوسف و زلیخا، جامی، مورخ سال ۹۴۰ ق، (نسخه هنری نفیس و ارزشمند دارای هفت نگاره بسیار نفیس سبک بهزاد و مکتب تبریز)، ش «۴۵ - م ادب فارسی».

۷۲. گلستان سعدی، مورخ ربیع اول ۹۴۴، (نسخه نفیس هنری مرصع دارای سه نگاره نفیس رنگارنگ)، ش «۷۶ ادب فارسی / طلعت».

۷۳. کلیات سعدی، مورخ جمعه ۱۶ رمضان ۹۵۳، به خط خوشنویس برجسته سده دهم هجری محمدرضا امامی (نسخه بسیار نفیس هنری ارزشمند، دارای نه نگاره بسیار نفیس رنگین)، ش «۵۸۶۴ س».

۷۴. مهر و مشتری، مورخ ۱۶ رمضان سال ۹۶۱، به خط حسن شریف کاتب شیرازی (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع دارای پنج نگاره رنگین سبک صفوی)، ش «۱۷۰ م ادب فارسی».

۷۵. خردنامه اسکندری (اسکندرنامه)، عبدالرحمان جامی (م ۸۹۸ ق)، مورخ جمادی اول ۹۶۸ ق، به خط محمد حسین حسینی باخرزی (از خوشنویسان مشهور دربار سلطان حسین بایقرا). (نسخه بسیار نفیس ارزشمند مذهب و مرصع دارای سه نگاره نفیس رنگین سبک صفوی)، ش «۸۲ م ادب فارسی».

۷۶. سجة الأبرار، جامی، مورخ رمضان ۹۶۹، (نسخه بسیار نفیس هنری ارزشمند، دارای سه نگاره رنگین نفیس سبک صفوی)، ش «۱۰۵ م ادب فارسی».

۱. در برخی منابع، احمد عصار، برخی دیگر محمد احمد و برخی نیز احمد عطار آمده است.

۷۷. دیوان حافظ، مورخ رمضان ۹۷۳ به خط حیدر الحسینی در تبریز، (نسخه نفیس هنری ارزشمند، دارای دو نگاره نفیس رنگین)، ش «۳۶ م ادب فارسی».

۷۸. عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، زکریا بن محمد بن محمود موکویی قزوینی (م ۶۸۲ ق)، (نسخه نفیس هنری ارزشمند، دارای تصاویر رنگین بسیار از حیوانات)، ش «۲۱ - م تاریخ فارسی».

۷۹. دیوان حافظ، مورخ محرم ۹۷۶، (در روستای رزه از توابع باخرز)، به خط محمد بن علاءالدین رزه، (نسخه بسیار نفیس هنری ارزشمند، دارای دو نگاره سبک صفوی).

۸۰. خمسة نظامی گنجوی (م ۵۹۶ یا ۵۹۷ یا ۵۹۹ ق)، مورخ ۹۸۳ و ۹۸۷ ق، (نسخه نفیس هنری، دارای نوزده نگاره رنگین نفیس)، ش «۱۴۲ م ادب فارسی».

۸۱. لیلی و مجنون، جامی، مورخ جمادی اول ۹۸۸، به خط شجاع الدین محمد شیرازی، (نسخه بسیار نفیس هنری ارزشمند، دارای هفت نگاره رنگین زیبا)، ش «۱۲۸ م ادب فارسی».

۸۲. گلستان سعدی، به خط خوشنویس نامدار سده دهم هجری سلطان محمد نور (م ح ۹۵۰ ق)، در هرات، مشهدی الاصل از شاگردان سلطانتعلی مشهدی دیگر خوشنویس برجسته (نسخه بسیار نفیس و ارزشمند، دارای چهار نگاره نفیس رنگین، جلد سوخت)، ش «۱۱ م ادب فارسی».

۸۳. گلستان سعدی، مورخ اواخر سده دهم هجری، به خط امیر حسن، (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع، دارای چهار نگاره نفیس رنگین سبک صفوی)، ش «۱۶ م ادب فارسی».

۸۴. خمسة نظامی، مورخ اواخر سده دهم هجری، صفحات چهار ستونی، (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع، دارای نه نگاره رنگین نفیس)، ش «۱۲۰ م ادب فارسی».

۸۵. خمسة امیر خسرو دهلوی، مورخ نهم ربیع اول ۱۰۰۲، (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع، دارای نوزده نگاره رنگین سبک صفوی)، ش «۱۴۵ م ادب فارسی».

۸۶. مثنوی، جلال الدین محمد رومی (م ۶۷۲ ق)، مورخ ۲۰ رمضان ۱۰۱۱ (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع، دارای نه نگاره رنگین نفیس)، ش «۲۶ تصوف فارسی / طلعت».

۸۷. یوسف و زلیخا، جامی، مورخ ۳ شوال سال ۱۰۱۲، به خط خوشنویس مشهور سده یازدهم هجری، محمد یوسف کابلی، (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع، دارای ده نگاره رنگین

نفیس)، ش «۷۷ ادب فارسی».

۸۸. کلیات سعدی شیرازی، مورخ شوال ۱۰۲۵، (نسخه بسیار نفیس هنری مرصع ارزشمند، دارای بیست نگاره نفیس رنگین سبک صفوی هندی)، ش «۷۸ ادب فارسی».

۸۹. خمسة نظامی، مورخ چهارشنبه ۱ شوال ۱۰۴۲، (نسخه نفیس هنری مرصع، دارای چهار نگاره رنگین نفیس سبک هندی متأثر از سبک اروپایی)، ش «۱۳۷ م ادب فارسی».

۹۰. ترجمه صور الکواکب صوفی (به فارسی)، حسن بن سعد قائمی، مورخ ۲۷ ربیع اول ۱۰۴۳، به خط نسخ عبدالله بن محمد شریف بن عبدالرب سمنانی، (نسخه نفیس هنری، دارای ۸۴ صورت رنگین ستارگان که بر هر تصویر، مهر نواب مرتضی قلی خان قورچی‌باشی مشهود است)، ش «۹ م میقات فارسی».

۹۱. شاهنامه فردوسی، مورخ یکشنبه شعبان سال ۱۰۶۶، به خط صفی قلی بن فرهاد، (نسخه هنری مرصع رنگین ارزشمند، دارای دوازده نگاره نفیس رنگین)، ش «۵۳ تاریخ فارسی».

۹۲. دیوان حافظ، مورخ سده یازدهم هجری، خط نستعلیق (نسخه نفیس هنری مرصع، دارای ۵۲ نگاره رنگین نفیس سبک مغولی هندی)، ش «۵۹ ادب فارسی / طلعت».

۹۳. یوسف و زلیخا، جامی، مورخ سده یازدهم هجری (نسخه نفیس هنری، دارای ۲۲ نگاره نفیس رنگین)، ش «۱۲۱ ادب فارسی».

۹۴. یوسف و زلیخا، جامی، مورخ سده دوازدهم هجری (نسخه نفیس هنری ارزشمند مرصع، دارای سه نگاره سبک ایرانی)، ش «۱۲ ادب فارسی».

۹۵. خمسة نظامی، مورخ محرم ۱۲۴۹، به خط نستعلیق زین العابدین شیرازی (دارای ۳۷ نگاره زیبای رنگین سبک هندی مغولی)، ش «۱۴۱ م ادب فارسی».

۹۶. شاهنامه فردوسی، مورخ سده دوازدهم هجری، صفحات چهار ستونی، خط نستعلیق (نسخه هنری بسیار نفیس مرصع، دارای ۵۱ نگاره رنگین بزرگ)، ش «۱۸ تاریخ فارسی».

۹۷. یوسف و زلیخا، جامی، نسخه نفیس هنری مورخ سده دوازدهم هجری (دارای هشت نگاره نفیس رنگین سبک هندی)، ش «۸۷ ادب فارسی».

۹۸. قران السعیدین، امیر خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی (م ۷۲۵ ق)، مورخ ۱۱۲۳ ق (نسخه نفیس هنری، دارای دو نگاره رنگین)، ش «۶۹ ادب فارسی / طلعت».

۹۹. حیدرنامه (منظوم)، مؤلف: ناشناخته، مورخ سده دوازدهم هجری، نسخه نفیس هنری دارای ۹۴ نگاره رنگین، ش «۸۰ تاریخ فارسی».
۱۰۰. آلبوم، دارای هفتاد نگاره رنگین بسیار نفیس به سبک مغولی هندی از سده دوازدهم یا سیزدهم هجری، ش «۶۶ تاریخ فارسی».
۱۰۱. آلبوم نگاره‌ها (بسیار نفیس دارای ۷۲ نگاره رنگین از آثار نگارگران ایرانی، هندی و ترکی، همچون یوسف، بهزاد، شاهیپور، مانی، تیمور، بهلول کشمیری، ولی کابلی، رضا فاریابی، اسدالله شیرازی، میرزا کوچک اصفهانی، محمود هندی، ابراهیم سامی و بهاء‌الدین نقشبندی و دیگران)، ش «۴۱ م تاریخ فارسی».
۱۰۲. مرقع (شامل نگاره‌ای از مانی، خطوط میر عماد حسنی، مالک، درویش عبدالله، عبدالباقی عارف، محمد حسین تبریزی، عبدالمجید، مشکین قلم، احمد حسینی، ولی‌الدین عبدالغفار، زرین قلم به سال ۱۰۱۸ ق، حمدالله حریمی به سال ۹۹۵ ق، حسنخان شاملو، رضا، میر اسکندر، میر علی، عبدالحسین به سال ۱۲۵۸ ق، رشید و محمدعلی خوشانی، ش «۲۳۹ م مرقعات».
۱۰۳. مجموعه شامل نگاره‌های ایرانی، هندی و مغولی، دارای ۳۶ نگاره رنگین نفیس از سده دوازدهم هجری از بهزاد و دیگران، ش «۴۲ - تاریخ فارسی».
۱۰۴. مرقع، دارای قطعات خط و نگاره‌های نفیس رنگین (که برای شاه‌عباس صفوی در سده یازدهم هجری ساخته شده و آثاری از هنرمندان مشهور از جمله: بهزاد، مانی، میرعماد حسنی، زرین رقم، قطب یزدی، عبدالله حسنی، مظفر حسین، میرعلی هروی، محمدحسین تبریزی، محمد صالح، محمد حسین کشمیری، علی کاتب و ولی‌خان را در خود جای داده است)، ش «۲۶۱ م مرقعات».
۱۰۵. مرقع خطوط، خوشنویسان: محمد امیر خلیفه، به سال ۱۱۵۱ ق، حسین خفاف‌زاده، به سال ۱۱۳۰ ق، راشد به سال ۱۱۹۵ ق، و محمد العارف، ش «۲۴۰ م مرقعات».
۱۰۶. مجموعه خطوط و نگاره‌ها، شامل نگاره‌هایی از مانی و خطوط ولی و دیگران، ش «۲۵۹ م مرقعات».
۱۰۷. رساله معینه (به فارسی)، خواجه نصیرالدین طوسی، کتابت ۸۶۹ ق، ش «۱ دهف».
۱۰۸. زیج ایلخانی^۱، خواجه نصیرالدین طوسی، مورخ ۶۹۲ ق (نسخه بسیار نفیس و کهن که در شهر مراغه در کنار رصدخانه‌ای که خواجه ساخته، کتابت شده)، ش «۱ دمف».
۱۰۹. زیج خاقانی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، کتابت ۹۵۳ ق، ش «۱۴۹ تر».
۱۱۰. زیج الغ بیک یا زیج سلطانی، کتابت ۸۵۰ ق، ش «۱۸ م طقف».
۱۱۱. بیست باب در معرفت اسطرلاب، خواجه نصیرالدین طوسی، کتابت ۸۹۱ ق، ش «۹۶۶ ه طح».
۱۱۲. روضة المنجمین، شهرمدان بن ابی‌الخیر رازی، کتابت ۸۰۰ ق، ش «۱۱ طف».
۱۱۳. اشجار و اثمار، علیشه بن محمد بن قاسم خوارزمی، کتابت ۹۱۰ ق، ش «۱۱۳ طقف».
۱۱۴. لطائف الکلام فی احکام الأعوام، محمدحسین منجم، کتابت ۹۰۹ ق، ش «۲/۳ طقف».
۱۱۵. کتاب المائة والعشرين علی طریق جدول الستین، مؤلف: ناشناخته، کتابت ۷۰۰ ق، ش «۱/۸ ممف».
۱۱۶. کلیله و دمنه، عبدالله بن مقفع (م ۱۴۲ ق)، ترجمه فارسی، کتابت ۷۴۴ ق، ۱۰۲ برگ، ش «۶۱ ادب فارسی».
۱۱۷. اختیارات بدیعی، علی بن حسن زین‌الدین انصاری، کتابت ۸۸۳ ق، ش «۱ طب م فارسی».
۱۱۸. اسرار نماز، محمد بن حاجی حسین، کتابت ۸۶۴ ق، ۱۲۴ برگ، ش «۵ مجامیع / طلعت فارسی».
۱۱۹. الأشجار والأثمار فی الأحکام، علی‌شاه بن محمد خوارزمی، کتابت ۸۴۰ ق، ش «۱۳ فلك و نجوم / طلعت فارسی».
۱۲۰. بهارستان، جامی، مورخ ۸۹۰ ق، ش «۴۳ آداب / طلعت فارسی».
۱۲۱. بیان القافیه، حبش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی، کتابت ۶۲۹ ق، ش «۲ لغت فارسی».
۱۲۲. تاریخ‌گزیده، حمدالله مستوفی، کتابت ۷۵۰ ق، ش «۲۵ تاریخ م فارسی».
۱۲۳. تاریخ الوزراء، کتابت ۷۰۷ ق، ش «۷ تاریخ / طلعت فارسی».
۱۲۴. تحفة الأحرار، عبدالرحمان جامی، مورخ ۸۸۶ ق، ش «۴۹ تصوف / طلعت فارسی».

۱. مهم‌ترین آثار خواجه نصیرالدین طوسی در اخترشناسی، کتاب زیج ایلخانی است که تاکنون چاپ نشده و نسخه‌های نفیس آن، اندک است. یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های آن، نسخه‌ای است که در نیمه دوم سده هفتم هجری در عصر خواجه، احتمالاً در همان مراغه کتابت شده است. و هم اکنون در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته موجود است. نسخه کتابخانه دارالکتب نیز بسیار نفیس و ارزشمند است.

۱۴۷. طرب المجالس، حسین بن عالم بن محمد بن حسین، کتابت ۸۹۳ق، ۳۳۹ برگ، ش «۱۵۰ ادب م فارسی».
۱۴۸. عتبة الکعبة، اتابک جوینی، نسخه مورخ ۶۷۱ق، ش «۱۹ ادب فارسی».
۱۴۹. فصل الخطاب، محمد بن محمود حافظی بخاری، مورخ ۸۷۴ق، ۳۰۷ برگ، مورخ ۸۷۴ق، ش «۳ تصوف / طلعت فارسی».
۱۵۰. فضائل الأنام، امام غزالی، مورخ ۸۰۶ق، ۶۵ برگ، ش «۶۶ آداب / طلعت فارسی».
۱۵۱. کشف الاسرار القدسیة، مؤلف ناشناخته، مورخ ۶۶۳ق، ش «۱ تصوف فارسی».
۱۵۲. کلیات عطار نیشابوری، مورخ ۸۰۸ق، ش «۱۳۹ ادب م فارسی».
۱۵۳. مثنوی معنوی، مورخ ۸۰۲ق، ش «۲۳ تصوف م فارسی».
۱۵۴. مناهج العباد الی المیعاد، سعدالدین محمد بن احمد فرغانی، کتابت ۶۸۶ق، ش «۲۸ تصوف م فارسی».
۱۵۵. مجالس النفائس، امیر دولتشاه سمرقندی، مورخ ۸۹۲ق، ش «۱۴۳ ادب م فارسی».
۱۵۶. مجموعه اشعار فارسی، مورخ ۸۸۸ق، ۱۷۲ برگ، ش «۱۸۵ ادب م فارسی».
۱۵۷. مفتاح البدایع، وحید تبریزی، کتابت ۸۹۸ق، ش «۵ عروض / طلعت فارسی».
۱۵۸. مفتاح الفتوح، امیر خسرو دهلوی، کتابت ۸۲۰ق، ش «۶۴ ادب فارسی».
۱۵۹. مقطعات ابن یمین، کتابت ۸۳۶ق، ش «۱/۱۵۱ ادب م فارسی».
۱۶۰. مناسک الحج، از عبدالرحمان جامی، مورخ ۸۷۷ق، ۲۶ برگ، ش «۸ فقه حنفی فارسی».
۱۶۱. مناظرات خمسة، عبدالعزيز محمد، مورخ ۸۶۳ق، ۱۵۷ برگ، ش «۱۷۷ ادب م فارسی».
۱۶۲. منطق الطیر، عطار، مورخ ۸۷۷ق، ش «۹ ادب م فارسی».
۱۶۳. مهر و مشتری، محمد عصار تبریزی، کتابت ۸۹۸ق، ۱۹۷ برگ، ش «۱۶۹ ادب م فارسی».
۱۶۴. ولدنامه، احمد بن جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین قونوی، مورخ ۶۹۳ق، ش «۲۲ تصوف فارسی».
۱۶۵. ولدنامه، نسخه دیگر مورخ ۷۹۱ق، ش «۱۵۸ ادب م فارسی».
- «ادامه دارد»

۱۲۵. تحفة الاحرار، عبدالرحمان جامی، مورخ ۸۹۸ق، ش «۸ ادب م فارسی».
۱۲۶. تحفة الصدور فی علم الحساب، محمد بن عبدالکریم غزنوی، کتابت سال ۶۷۰ق، ش «احساب فارسی».
۱۲۷. ترغیب الصلاة، محمد بن احمد زاهد، کتابت ۸۶۸ق، ۱۱۹ برگ، ش «۱ فقه / طلعت فارسی».
۱۲۸. جام جهان نما، غیاث الدین بن منصور حسینی شیرازی، مورخ ۸۴۴ق، ۱۴۳ برگ، ش «۳۳ مجامیع / طلعت فارسی».
۱۲۹. خمسة امیر خسرو دهلوی، مورخ ۷۰۶ق، ش «۵۵ ادب / طلعت فارسی».
۱۳۰. خمسة امیر خسرو دهلوی، مورخ ۸۰۱ق، ش «۱۴۸ ادب م فارسی».
۱۳۱. خسرونامه، عبدالرحمان جامی، مورخ ۸۶۸ق، ۷۸ برگ، ش «۸۲ ادب م فارسی».
۱۳۲. ده نامه، اوحدالدین اصفهانی، مورخ ۸۶۱ق، ش «۹۸ ادب م فارسی».
۱۳۳. دیوان امیر خسرو دهلوی، کتابت ۸۷۷ق، ش «۲۴ ادب م فارسی».
۱۳۴. دیوان امیر خسرو دهلوی، مورخ ۸۰۹ق، ش «۲۵ ادب م فارسی».
۱۳۵. دیوان جامی، کتابت ۸۹۳ق، ش «۴۴ آداب / طلعت فارسی».
۱۳۶. دیوان جامی، مورخ ۸۹۸ق، ش «۶۸ ادب م فارسی».
۱۳۷. دیوان خاقانی، مورخ ۸۸۵ق، ش «۸۵ ادب م فارسی».
۱۳۸. دیوان سلمان ساوجی، کتابت ۷۸۶ق، ش «۱۳ ادب فارسی».
۱۳۹. دیوان سلمان ساوجی، مورخ ۸۴۱ق، ش «۳۸ ادب م فارسی».
۱۴۰. دیوان سلمان ساوجی، مورخ ۸۷۰ق، ش «۱۵۵ ادب م فارسی».
۱۴۱. دیوان شاهی، مورخ ۸۸۸ق، ش «۳۹ ادب م فارسی».
۱۴۲. دیوان قاسم انوار، مورخ ۸۰۷ق، ش «۴ آداب / طلعت».
۱۴۳. دیوان قاسم انوار، مورخ ۸۶۹ق، ش «۳۱ ادب م فارسی».
۱۴۴. الزبدة فی الهيئة، موفق قیصری، کتابت ۷۴۰ق، ش «۱ هیئت فارسی».
۱۴۵. شواهد النبوة، عبدالرحمان جامی، مورخ ۸۹۸ق، ش «۱۹ تاریخ م فارسی».
۱۴۶. صد کلمه، منسوب به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، کتابت ۸۹۳ق، ش «۱۱۰ ادب م فارسی».

تحفة الفاطمیین فی أحوال قم و القمیین

تألیف حسین بن محمد حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش هفتم

بقعه مستوفی الممالک^۱

اصل این بنا نیز از شاه اسماعیل صفوی است که در سنه ۱۲۶۱ [هجری قمری] که میرزا حسن مستوفی الممالک آشتیانی وفات کرد، پسر او میرزا یوسف مستوفی، این بقعه را از جهت مدفن والد خود، تعمیر نمود و دو حجره از حجرات مدرسه را خراب نموده، داخل بقعه کرد و بر مرافق بقعه افزود، و قبر مستوفی در وسط بقعه واقع است و این قطعه که «ماده تاریخ» اوست، بر روی سنگ روی قبر - که سنگ مرمر بسیار ممتازی است - مرقوم است:

افسوس که مستوفی دیوان ممالک

رانداز روش کیلک قضا، کوکبه در خاک

دستور حسن، اسم حسن، رسم که نامد

جمع و هنرش کس را در دفتر ادراک

بر مُلک فنا زد قلم همت و بگذشت

شد با خط اقلیم بقا چابک و چالاک

من ذلک ایوان [هنر]^۲ طی شد و خلقی
ماندند دل از غم چه زبان قلمش چاک
طی کرد اجل فرد جلالی که همی بود
حشو ورقش بارد نه دفتر افلاک

۱. میرزا حسن بن میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک (۱۲۹۰ یا ۱۲۹۲ - ۱۳۵۱ ق/ ۱۸۷۴ یا ۱۸۷۵ - ۱۳۵۱ م)، سومین پسر میرزا یوسف است که در اوایل ۱۲۹۹ ق، در شش یا هفت سالگی پدرش او را با لقب «مستوفی الممالک» به جای خویش به سمت رئیس دفتر استیفا (وزارت دارایی) تعیین نمود. در آن هنگام، خود میرزا یوسف مستوفی الممالک، وزیر اعظم، داخله و مالیه بود. در ۱۳۰۳ ق، که میرزا یوسف درگذشت، کارها و مشاغلی که داشت، برحسب امر شاه به پسر خردسالش به نیابت میرزا هدایت‌الله، وزیر دفتر، که مدت شش سال از کار کناره کرده بود، واگذار شد. میرزا حسن مستوفی الممالک در سال ۱۳۱۸ ق، در زمان سلطنت مظفرالدین و در ۲۶ سالگی به اروپا رفت و مدت هشت سال در آنجا و بویژه در پاریس ماند. او پس از بازگشت به ایران، بارها رئیس الوزراء شد. وی در دوره مشروطیت، بیش از پانزده بار وزیر شد و یازده بار نخست‌وزیر گردید. وی سرانجام در ششم شهریور ۱۳۱۱ (۲۵ ربیع اول ۱۳۵۱) در حدود شصت سالگی درگذشت و در مقبره خانوادگی‌شان در ونک به خاک سپرده شد. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۲۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۵ - ۵۶۶؛ تربت پاکان، ج ۱، ص ۹۳ - ۹۴؛ انجم فروزان، ص ۱۱۶؛ راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶ - ۶۷).

۲. تکمیل از کتاب: کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه (ع)، ص ۷۲.

صاحب قلمی را که دو صد غاشیه کش بود
چون صاحب دی مرگ زدش دست به فتراک
رفت آن که بر اعدای فریدون زمان رفت
آن از قلمش ^۱ کز عَلمِ کاوه به ضحاک
رفت آن که لعاب دم مارِ قلمش بود
بر جسم ^۲ ملک زهر و بر احبابش تریاک
سر رشته جمع هنر و خرج مکارم
او داشت، چرا دل نبود در هم و غمناک؟
آن جمع هنر را چه به دیوان عدالت
این خرج نماید ز حسابش چه بود باک
القِصّه چه کرد از ورق باطله تن
مستوفی دیوان ممالک، خط جان پاک
بنوشت «شهاب» از پی تاریخ وفاتش
«طوبی و تبارک لک بالجنة مأواک» ^۳
و مزرعه شاه آباد و کز استان [کذا] وقف بر مصارف این بقعه
است و قبر میرزا کاظم، والد میرزا حسن مستوفی، در ایوان
طلای حضرت معصومه علیها السلام واقع است و میرزا یوسف
مستوفی در ونک طهران مدفون است.
از جمله مدفونین این بقعه، زوجه حاجی میرزا عیسی
وزیر و زوجه فرمانفرمای ناصرالدوله و زوجه میرزا
هدایت الله وزیر - که صبا یای میرزا حسن مستوفی باشند - که
قبور ایشان ملصق به قبر مستوفی است. ^۴
بر روی سنگ قبر زوجه حاجی میرزا عیسی وزیر، این
قطعه مرقوم است:

کریمه‌ای ز شبستان دودمان اجل
به خاک تیره فرو بُرد دستبرد اجل
به روزگار جوانی برفت و با خود بُرد
هزارگونه امید و هزارگونه اَمَل
سفید گشت به سر، موی در مصیبت او
ز دیده خون دلش موج زد بر اوج زُحَل
فغان از این فلک دیوسار و دستاَن باز
که هیچ کس را خورما ^۵ نداد بی حنظل
مشو فریفته رنگ و بوی او، زنهار!
که زیر گِل بودش خار و زهر زیر عسل
نهفت چهره گل، مهر بُرج عفت را
بدان گهی که رود آفتاب سوی حَمَل

بدان زمان که درختان به بر کنند حُلّی
زمانه کرد کفن در برش به جای حُلّ
نهاد لاله به دل داغ و چاک زد گل، جَبَب
سُرور مرغ بهاری به نُدبه گشت بدل
هزار و دو صد و هشتاد و سه ز هجرت بود
که تاج خانم در قصر خُلد کرد محل
وزیده باد آبَر خوابگاه او جاوید
نسیم رحمت پروردگار عزّ و جلّ
و ایوان این بقعه، کتیبه‌ای دارد که این اشعار بر آن کتیبه،
ثبت است:

تبارک الله از این روضه بهشت سرشت
که سر زند ز شرف خاکش از سرشت بهشت
ز بهر افسر فرّاش آستانه اوست ^۶
که تار اطلس افلاک و دست قدرت رشت
شد از ادات او [کذا] ^۷ خسرو ز گنبد عالیش
چه آفتاب عیان صد هزار زرین خشت
ستوده فتحعلی شه که در حدیقه دل
بجز نهال هوای نبی و آن نکشت
دعای دولت او باد در صبح و مسا
دروّ شیخ حرم با سرود پیر کُنِشت

بقعه نظام الدوله ^۸

بقعه‌ای است مَثَمَن و در طرف جنوب شرقی، جنب ایوان طلا

۱. در اصل: «علمش».

۲. در اصل: «خضم».

۳. این مصراع به حروف ابجد، مساوی با عدد ۱۳۶۱ است که سال مرگ
مستوفی الممالک است.

۴. از دیگر مدفونین در این بقعه، می‌توان به تاج خانم (م بهار ۱۲۸۳ ق)، جانی
بیگم (م ۱۲۶۹ ق)، حبیبه خانم مسعود همدان السلطنه، دختر میرزا یوسف
مستوفی الممالک (م ۱۲۸۸ ق)، نگار الدوله، دختر شاهزاده ناصرالدوله
فرمانفرما (م ۱۳۲۴ ق)، انور السلطنه، دختر ناصرالدوله فرمانفرما،
(م ۱۳۵۱ ق) و شوکت خانم دختر عبدالحسین خان یاور و همسر سلطان
حمید میرزا ناصرالدوله (م ۱۳۱۰ ق) اشاره کرد. (ر.ک: کتّابه‌های حرم مطهر
حضرت معصومه علیها السلام، ص ۷۳).

۵. خرما که به تناسب آهنگ شعری، «خورما» آمده است.

۶. در گنجینه آثار قم (ج ۱، ص ۵۶۶) آمده: «ز بهر آستر فرش آستانش بود».

۷. چنین است در اصل متن و گویا مؤلف نتوانسته است چند کلمه از این
مصراع را درست بخواند.

۸. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۷۲.

واقع است. گنبد و بقعه نظام‌الدوله، در مجاورت شرقی ایوان طلا، در ضلع جنوبی صحن عتیق واقع است که اصل بنا از شاه بیگم صفوی است و سراپا مزین به گچبری است که هشت سانتیمتر برجستگی دارد و پوشش آن، تخت و آراسته به گل و بوته برجسته و خوشه‌های انگور و گنبد آن عرقچینی و بین دو سقف، غرفه‌ای است که مدتی دایر بوده است.

قاعده گنبد، مثنی مختلف الأضلاع به دهانه ۵/۳۰ در پنج متر و ارتفاع تقریبی ۸ متر و در دو ضلع شرقی و غربی دو شاه‌نشین به دهانه ۳/۵۰ متر و عرض یکی ۱۰/۵۰ متر و دیگری ۸۰ سانتیمتر می‌باشد. این گنبد، سابقاً کفشداری بود و مدخل آن به رواق آینه باز بوده است ولی جلو آن مشبکی برنجی و ثابت نصب گردیده است.

و در جهات فرعی آن چهار صفة محرابی به دهانه ۱/۱۰ متر ساخته شده است که در کمرگاه آنها پوششی افزوده، آنها را دو طبقه ساخته‌اند و گچبری‌های این صفة‌ها ممتاز است. جلو مقبره، ایوانی است با ازاره مرمری و بغله‌ها و پوشش رومی، مزین به کاشیکاری معرق عصر صفوی که در برابر باد و باران، به مرور، ریزشهایی یافته است که تعمیر گردیده است.

اصل بنای بقعه و ایوان آن از شاه اسماعیل است و در این بقعه، چند نفر مدفون می‌باشند، از جمله آنها: محمد ابراهیم خان نوری، ملقب به «نظام‌الدوله»^۱ است که در سنه ۱۳۱۴ [هجری] وفات نموده و در وسط بقعه مدفون است.

از جمله، قبر زینت الحاجیه، ضبیعة نظام‌الدوله^۲ است که این اشعار بر روی سنگ قبر او مضبوط است:

حیف و صد حیف که ایام جفا گستر کرد

زینت الحاجیه را جامه شادی کفنا
داشت منزل به مقام شرف ابراهیم
رفت از آنجا به حریم حرم ذوالمنا
بلبل خوش‌سخن باغ خلیل دولت

بود و ناگاه فرو بست لب از هر سُخنا
آه از آن دم که ز جورِ فلک گردون کار
جان پاکیزه او گشت جدا از بدنا
اهل عصمت، همه از فرقت او در ماتم
اهل دولت، همه از ماتم او در مَحنا

نام او آسیه و رفت به فردوس برین
گشت با آسیه پاک روان مُقترنا
همسر طوبی گل‌های بهشتی شد اگر
بود در باغ جنان همسر سرو چَمنا
بود مرغ چمن دولت، ناگاه پرید
به فضای چمن خلد برین زین چَمنا
گنبد دنیای فنا از تن او پیراهن
پس بپوشید ز دیبای بقا، پیرَهنا
چشم بر بست ز دیبای جهان تا به جنان
جامه ز استبرق فردوس بپوشد به تن
الغرض، چون ز جفای فلک و حکم قضا
عازم مُلک بقا گشت از این انجمنا
زد رقم از پی تاریخ وفاتش «افسر»
«زینت الحاجیه را مُلک بقا شد وطننا»^۳

۱. محمد ابراهیم خان، پسر میرزا رضا خان، پسر میرزا زکی خان نوری، ملقب به «سهام‌الملک» و «سهام‌الدوله» و «نظام‌الدوله»، تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما نوشته‌اند که وی در سال ۱۲۷۳ ق، که سرتیپ سه فوج (هنگ) اصفهان بود، به لقب «سهام‌الملک» ملقب گردید و در سال ۱۲۹۱ ق، ملقب به «سهام‌الدوله» شد. وی در اوایل سال ۱۳۰۰ ق، به جای حاج غلامرضا شهاب‌الملک آصف‌الدوله شاهسون، از طرف کامران میرزا نایب‌السلطنه، حاکم مازندران شد و در سال ۱۳۰۲ ق، به تهران احضار گردید.

وی بعد از سال ۱۳۰۴ ق، تا ۱۳۰۷ ق، حاکم کردستان شد و در سال ۱۳۰۶ ق، از کردستان به تهران آمد و سپس به محلّ مأموریت خود بازگشت و در همان زمان که به تهران آمده بود، ملقب به «نظام‌الدوله» شد و از ترس اینکه کامران میرزا اموالش را پس از مرگ، مصادره کند، همه مایملک خویش را وقف کرده و در سال ۱۳۱۰ ق، به جای امین نظام محمد صادق خان شامیبانی، امیر توپخانه شد و در ۱۳۱۴ ق، دیده از جهان فرو بست و در مقبره شماره شانزده صحن عتیق حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. بر سنگ قبر وی نوشته است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَاِنْ، هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوت ... وفات مرحمت پناه و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه، جناب جلالت مآب امیر الأمراء العظام، الملّقب به نظام‌الدوله دولت قوی شوکت علیّه ایران، محمد ابراهیم خان نوری - طاب ثراه - فی سنه ۱۳۱۴ داعی حق را لبیک گفت». (شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۳، ص ۲۹۱ - ۲۹۳؛ کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه (ع)، ص ۷۸ - ۷۹).

۲. زینت الحاجیه آسیه خانم، دختر نظام‌الدوله، در ۱۲۸۹ ق، درگذشته است. (کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه (ع)، ص ۷۸). وی ملقب به شرف‌الدوله و مادر امیر نظام السلطان رضا مؤید همایون بود. (رجال ایران، بامداد، ج ۵، ص ۱۷).

۳. این مصراع به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۲۸۹ که سال مرگ اوست.

بسی تیر و دیمه و اردیبهشت
بیايد که ما خاک باشیم و خشت.

قبر سردار مسعود

قبر سردار مسعود، پسر خازن‌الملک^۵، جنب قبر خازن‌الملک
واقع است. در سنه ۱۳۳۹ [هجری] به خاک رفته [است]:
با من فلک از خشم بسی دندان زد
هر زخم که زد چه^۶ پُتک بر صندان^۷ زد
تیری ز قضا راست مرا بر جان زد
دشوار آمد مرا که سخت آسان زد.
در خارج این بقعه، قبر حاجی محمد علی نامی است. بر
روی [سنگ مزار وی این اشعار نوشته شده است]:
ای شده مغرور نفس، در همه سال و مه
تا کی از انسان کُنی عمر به غفلت، سیه؟
پیک اجل در رسید، موی سیه شد سفید
چند ببافی به هم بند سفید و سیه؟
قافله‌سالار مرگ، زد ز جگر «الرحیل»
باز فزایی بُنه بر سر بار کُنه
قصد اقامت نکرد کس به سپنجی‌سرای
حاصل جمع سپنج نیست بجز پانزده
نوح نبی پایدار زیست در این عرصه؟ لا
خضر زید جاودان بر سر این چشمه؟ نه

۱. از دیگر کسانی که در این مقبره مدفون‌اند، می‌توان از: امیر اصلان خان
نوری، نظام‌الدوله، فرزند میرزا محمد خان موقرالدوله و نوه میرزا آقا خان
نوری (م ۱۳۱۷ ش) و زهرا افتخار السلطنه ناصری قاجار، فرزند ناصرالدین
شاه (م ۱۲۶۹ ش) نام برد که دختر صدر اعظم، ملقب به «اشرف‌الدوله» است.
(کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام، ص ۷۸-۷۹).
۲. مصرع: «بود ماه جنان درخشنده»، به حروف تهجی، مساوی است با عدد
۱۳۲۵ که سال مرگ وی را نشان می‌دهد.
۳. از چند تن به عنوان «علیخان قاجار» در منابع و مآخذ عصر قاجاری یاد شده
است که هیچ‌یک از آنها در قم، دفن نشده‌اند و نتوانستم شرح حالی از این
علیخان قاجار، در منابع بیابم.
۴. راجع به خازن‌الملک نیز در منابع عهد قاجاری و پس از آن، مطلبی
یافت نشد.
۵. در مورد سردار مسعود، پسر خازن‌الملک که در کنار قبر پدرش
خازن‌الملک، به خاک سپرده شده نیز در منابع و تاریخیهای دوره قاجاریه
و پس از آن، مطلبی پیدا نشد.
۶. چو.
۷. سندان.

از جمله، قبر دختر صدر اعظم نوری^۱ است که در سنه ۱۳۲۵
[هجری] وفات نموده است و سنگ قبر او به این قطعه مزین است:
زینهار از سپهر کج رفتار
که نه مولا شناخت نه بنده
کس نیامد در این سرای سپنج
که بُود پایدار و پاینده
دختر صدر اعظم نوری
اشرف‌الدوله، ماه تابنده
غرّه ماه در ربیع دوم
رفت و دلها ز غم شد آکنده
شد درخشنده خانم از دنیا
با دلی پاک و طبع زیننده
بعد پنجاه و هفت سال تمام
رفت و خوش ماند نام او زنده
هاتفی گفت ز بهر تاریخش
«بود ماه جنان درخشنده».^۲

بقعه علیخان قاجار^۳

طرف جنوب غربی صحن مطهر، جنب ایوان طلا واقع است.
مدفونین در این بقعه، از جمله علیخان قَجَر است که در سنه
۱۲۹۱ [هجری] وفات نموده است.

قبر خازن‌الملک

قبر خازن‌الملک^۴ در وسط این بقعه واقع است. در سنه
۱۳۳۹ [هجری] به خاک رفته و بر روی سنگ مزارش، این
قطعه، به خط خوش نوشته:
بیا ای برادر! نصیحت شنو
که دنیا نیرزد به یک نیم جو
که این گردش گنبد آبنوس
بسی پادشاهان با طبل و کوس
کشیده به خاک سیه حالشان
که دیگر نمانده از آنها نشان
تفوح‌کنان بر هوا و هوس
گذشتیم بر خاک بسیار کس
دریغاکه بی ما بسی روزگار
بروید گل و بشکفد نوبهار
کسانی که از ما به غیب اندرند
بیایند و بر خاک ما بگذرند

بقعه نایب الصدر

این بقعه، مُحاذی و مقابل بقعه قهرمان میرزا واقع است. مدفونین این بقعه، نایب الصدر قزوینی^۳ است و چند نفر از

۱. مصرع: «حاج محمد علی یافت بفردوس ره» به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۲۵۲ که سال فوت حاج محمد علی است.

۲. کریاس زیر غرفه مشرق الشمسین بین صحن عتیق و مدرسه فیضیه، دارای دو سکو است که قبلاً جایگاه دربانان بوده است. این سکوها با نصب در سه لنگه ارسی از کریاس مجزا شده و به صورت مقبره درآمده‌اند که قبر قهرمان میرزا، فرزند عباس میرزا نایب السلطنه پسر فتحعلی شاه قاجار، در سکو غربی آن واقع شده و پیش از آن، این سکو، مدتی کنشکن مقبره فتحعلی شاه بوده و در بین آنها هنوز به حال خود باقی است. هیئت ساختمان این سکو یا مقبره، پنج ترکی است که هرگاه با سکو مقابل پیوست بخورد، به صورت گنبد هشت ترکی متساوی الاضلاع درمی‌آید. جدار این مقبره، آراسته به نقوش رنگین و دارای چند طاقچه است و بغله‌ها و اسپرشان مزین به کنده کاری گچی و گچبری زیبا و پوشش آن، مقرنس و پوشش مقرنس گچی منقش و ستاره‌نشان از آینه است و در مرکز آن، نیمه شمشه‌ای گچبری شده است دارای شانزده پرتو و در نقطه مرکزی آن، خورشیدی برجسته و آینه‌پوش پیداست.

روی مرقد قهرمان میرزا، لوحی است از مرمر، آراسته به ریزه کاریهای فراوان که یک مجسمه نیم تنه متوفا به ارتفاع چند سانتیمتر در متن آن حجاری شده و دو فرشته بر فراز سر او از دو جانب، گُل در دست در حال فرود آمدن‌اند و در اطراف مجسمه در حاشیه لوح، کتیبه‌ای است به خط نستعلیق برجسته و ممتاز از مهدی ملک‌الکتاب که روی آن ابیات یاد شده در متن کتاب، حجاری شده است. در پایین تصویر مجسمه، عبارات زیر حک شده است: «مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا ابن مرحوم نائب السلطنه عباس میرزا، ابن الخاقان المغفور، فتحعلی شاه قاجار، ۱۲۵۷». (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۷۳-۵۷۴؛ تربت پاکان، ج ۱، ص ۹۴؛ تاریخ نو، جهانگیر میرزا، ص ۲۸۵؛ تاریخ قم و مختار البلاه، ص ۱۱۰؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷).

۳. میرزا محمدحسین بن زین‌العابدین رحمت علی شاه بن حاج معصوم بن حاج محمد حسن قزوینی شیرازی (۱۲۵۵-۱۲۹۵ ق/ ۱۸۳۹-۱۸۷۸ م)، ملقب به «منصور علی» و معروف به «نایب الصدر قزوینی» یا «نایب الصدر شیرازی» از عرفای طریقه شاه نعمت‌اللهی است.

وی در شب دوشنبه دوم شعبان ۱۲۵۵ در شیراز دیده به جهان گشود و نزد پدر، دانش و آداب سلوک را فرا گرفت و در علوم عقلی و نقلی و حکمت نظری و عملی به کمال رسید و خط نسخ و نستعلیق و ترسلات را خوب می‌نوشت و جواب نامه‌هایی را که به پدرش نوشته می‌شد، پاسخ می‌داد. وی در ۱۲۷۳ ق، در خدمت پدرش، به کرمان رفت و پس از مرگ پدرش به فقر بسیار گرفتار گردید. از این رو، عازم تهران شد و به وسیله حاج میرزا رحیم نامی که به وی ارادت داشت و از مقربان درگاه ناصرالدین شاه بود، به حضور شاه معرفی شد و ناصرالدین شاه او را ملقب به «نایب‌الصدر» نمود و منصب پدرش را به وی داده و دو ثلث از مرسومات پدرش را به او و برادرانش داد. منصور علی، به شیراز برگشت؛ اما فقر و بی‌چیزی دامگیر او بود. از این رو، به عتبات عالیات رفت و سپس به تهران بازگشت و در هفده صفر ۱۲۹۵، در تهران دیده از جهان فرو بست و جسد وی به قم منتقل شد. حاج آقا محمد

رشته طول آمل، جادّت سوء ایل
عُقدت آن از غرور، جَدوت این از سَفَه
گرچه ز اردیبهشت، باغ شود چون بهشت
رونق بستان بُرد فصل خزان مهر و مَه
خفته به خاک هلاک، لاله‌رُخان داغدار
رفته به باد فنا، خرمن خوبان چه گَه
گرچه به زندان خاک، پیکر پاکش نهفت
روح برفت آن چنین جانب آرامگه
حاج محمد علی، نوگل باغ سپاس
آن که در اقلیم جُود، بود یکی پادشه
کیلک مورخ نگاشت، مصرع تاریخ وی
«حاج محمد علی، یافت بفردوس ره»^۱

بقعه قهرمان میرزا^۲

این بقعه در کریاسی است که بین صحن مطهر و مدرسه واقع است و ملصق به بقعه فتحعلی شاه است. بقعه کوچکی است، قبر شاهزاده قهرمان میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه، در این بقعه می‌باشد و تمثال آن شاهزاده را بر روی تخته سنگی که روی قبر است، حجاری نموده و در کتیبه دور آن سنگ، این قطعه را نوشته است که [از] لسان اوست:

منم گذشته جوان، قهرمان بن عباس
که تاخت مرگ به من آن چنان که نحس به سعد
به باز پس نگران رفتم از کنار جهان
چه خسرو از بر شیرین، رُباب از برِ وحد
به نابکامی من دان سرشک راندنِ ابر
به ناامیدی من دان خروش کردنِ رعد
نه ممکن است که بینند مر مرا دیدار
که اوفتاد به محشر، من و شما را وعد
مرا کنید به «الحمد» و «قل هو الله» یاد
کنید چون به سرِ خاک من گذر زین بعد
هزار و دو صد و پنجاه و هفت بگذشتم
به دوّم و دهه سیم از مَه ذی‌قعد.
در پایین سنگ قبر نوشته است: «مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا، ابن مرحوم نایب‌السلطنه عباس میرزا، ولیعهد ابن الخاقان المغفور فتحعلی شاه قاجار».

و قبر دیگری در کنار این بقعه واقع است و آن، قبر اکبر میرزا ابن قهرمان میرزا است که در سنه ۱۳۱۰ [هجری] وفات یافت.

اهل بهشت می‌باشند. این بقاعی که مذکور شد، از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود.

اما بقاعی که بانی آنها صاحبان بقاع می‌باشند:

بقعه محمد شاه قاجار^۱

بقعه محمد شاه قاجار، طرف غربی جنوبی صحن مطهر واقع است، از بناهای ناصرالدین شاه قاجار است که دو حجره از حجرات صحن را در سنه ۱۲۶۴ [هجری] خراب نموده و این بقعه را بنا فرموده و بر روی مقبره او، سنگی از مرمر است که تمثال آن پادشاه را بر روی آن حجاری نموده‌اند.

بر دور آن تمثال، کتیبه‌ای به خط آقا سید حسین خوشنویس‌باشی^۲ [است] که این اشعار شمس الشعراء میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی^۳ را [بر آن] نوشته‌اند:

خدایو جهان، شاه یزدان پرست

که بودش سپهر برین، زیر دست

محمد شه، آن شاه انجم سپاه

که بودش فلک تخت و پروین، کلاه

هزار و دو صد سال با شصت و چار

چه از دور هجرت بشد روزگار

→ بن آقا مسعود مجتهد کرمانشاهی بر جنازه وی نماز خواند و در محاذی بقعه قهرمان میرزا، در صحن پیش رو (عتیق) به خاک سپرده شد. وی حواشی بسیاری بر کتابهای ادبی و منطق و حکمت و هیأت و نجوم نوشت و شعر می‌گفت و تخلص وی «منصور» بود. محمد معصوم شیرازی (معصوم علی شاه) برادر اوست. (طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۳۹۵-۳۹۶).

۱. بقعه محمدشاه قاجار در ضلع غربی صحن عتیق، جنب مدخل مسجد بالای سر واقع شده که در جای آن، قبلاً دو حجره از آثار فتحعلی شاه بوده است که چون محمد شاه وفات یافت، جسد او را در زیر درگاه، حدفاصل بین دو حجره، دفن کردند و بعدها به دستور ناصرالدین شاه، فرزند وی، میرزا تقی خان امیرکبیر به خرابی آنها و بنای گنبد و بقعه کنونی همت گماشت و مدت هفت سال ساخت آن به طول انجامید و در سال ۱۲۷۰ ق، تکمیل شد. قاعده گنبد، مثنی مختلف الاضلاع، به دهانه شش و ارتفاع ده متر که مشتمل بر چهار شاه‌نشین، به دهانه ۲/۵۰ و عرض‌های مختلف، یک متر و ۱/۴۰ متر و چهار صفا، به دهانه نود سانتیمتر، همگی به شکل پنج ترقی و ارتفاع ۵ متر که در کمرگاه آنها پوشش تخت افزوده، آنها را به دو طبقه تختانی و فوقانی منقسم ساختند و جهات اصلی آن به اندازه ۳/۵۰ و جهات فرعی‌اش به اندازه ۱/۹۰ متر و جرزهای فاصل بین هر شاه‌نشین با صفا، به قطر یک متر و به شکل منحنی است و بالای آنها صورت ساختمان به شکل شانزده ترقی متساوی درآمد است و پوشش مقرنس آینه روی آن قرار دارد.

تزیینات داخلی گنبد، متنوع و مجموعه‌ای از گچ‌بری و آینه کاری و قاب

آینه و نقاشی و حجاری و منبت و خاتمکاری است که هر یک در نوع خود جالب توجه‌اند.

در وسط این بقعه، مرقدی است به ارتفاع پنجاه سانتیمتر با جدار مرمری و بر روی آن لوحی است نفیس از مرمر، که حدود سه سانتیمتر از زمینه، برجستگی دارد و از شاهکارهای هنری، به شمار می‌آید. طول این لوح ۲/۷۰ متر و عرضش ۱/۴۰ متر است که در متن آن، علاوه بر مجسمه پادشاه در لباس رسمی بر فراز سر وی دو فرشته تاجدار در حال پروازند و در حاشیه آن، کتیبه‌ای به خط نستعلیق مرغوب و برجسته، متضمن دوازده بیت، حجاری شده است. در پایین مجسمه، عبارات: «ترتیب یافته محمدشاه رضوان مکان، سید حسین عمل بنده درگاه، محمدعلی اصفهانی، ۱۲۷۰» به چشم می‌خورد. (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۷-۵۶۱؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷؛ فرهنگ ایران زمین (گنجینه آستانه قم)، ج ۲۲، ص ۴۰۱؛ انجم فروزان، علی اکبر فیض، ص ۱۱۰، ۱۱۶؛ راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۰۹).
۲. سید حسین خوشنویس‌باشی (م ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۳-۱۸۸۶ م) یکی از خطاطان معروف تهرانی که بیشتر عمر خود را در تبریز گذراند و در آنجا به عنوان معلم خط شاهزادگان قاجار، مشغول به کار بود. وی در خط نستعلیق، استاد مسلم بود و شاگردان خوبی هم تربیت کرد که میرزا علی محمد تبریزی، میرزا مهدی خان، اسماعیل امیر خیزی و یوسف میرزای قاجار، از جمله شاگردان وی هستند. قطعات گوناگون آثارش از قلم شش دانگ تا نیم دو دانگ عالی و ممتاز است که تاریخ کتابت آنها بین سالهای ۱۲۷۱ تا ۱۲۹۵ ق، و با رقم «میرحسین» است. روی سنگ قبر محمد شاه قاجار در قم، در اطراف تمثال او کتیبه‌ای است به خط همین میرحسین. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، ج ۵، ص ۷۵؛ اطلس خط، ص ۵۹۰-۵۹۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ المآثر والآثار، اعتماد السلطنه، ص ۲۱۲؛ الزآفرینان، ج ۲، ص ۳۷۰).

۳. میرزا محمد علی، فرزند قنبر علی اصفهانی سدهی، متخلص به «سروش» و ملقب به «شمس الشعراء» (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ق / ۱۸۱۳-۱۸۶۸ م)، در سده اصفهان دیده به جهان گشود و مقدمات علوم را در همان جا فرا گرفت و تحت توجه و زیر نظر حاج سید محمد باقر رشتی قرار گرفت. سپس از اصفهان به گلپایگان عزیمت کرد و بعد از آنجا به تهران آمد و پس از چندی همراه شاهزاده محسن میرزا، متخلص به «دارا»، به تبریز رفت و به دربار ناصرالدین میرزای ولیعهد، راه یافت و مورد احترام و تکریم قرار گرفت و ملقب به «شمس الشعراء» گردید. او در تبریز به مدت چهارده سال اقامت نمود و پس از مرگ محمد شاه در سال ۱۲۶۴ ق، همراه ناصرالدین شاه، به تهران آمد و به دستور بهمن میرزا، پسر چهارم عباس میرزا نایب السلطنه، سروش اشعار عربی «ألف ليله و ليله» را به فارسی بلیغ و شیوایی ترجمه کرد. او در تهران وفات و در همان جا به خاک سپرده. آثار وی عبارت‌اند از: قصاید و فتحنامه‌ها و مثنوی‌های: اردیبهشت‌نامه، ساقی‌نامه، الهی‌نامه و روضة الأنوار در ذکر واقعه کربلا، کتابی به نام شمس المناقب، حاوی قصایدی در مدح و منقبت رسول اکرم و خاندان وی و دیوانی به نام زینة المدايح. (ر.ک: حدیقه الشعراء، ج ۱، ص ۷۶۷-۷۷۳؛ المآثر والآثار، ص ۲۰۵؛ ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۲۰؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۴۰۱-۴۲۹؛ مکارم الآثار، ج ۳، ص ۷۵۶-۷۵۸؛ یادداشت‌های فردوسی، ج ۸، ص ۱۹۱؛ بیغما، سال ۴، ش ۹۳، ص ۱۳۳-۱۴۰، ۱۸۶-۱۸۸، ۲۰۱-۲۰۴، ۳۴۷-۳۵۲، ۳۹۸-۴۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی، خانبابا مشار، ج ۴، ص ۲۶۷-۲۶۹؛ از صبا تا نایما، ج ۱، ص ۸۶-۹۳؛ الذریعة، ج ۹، ص ۴۴۳-۴۴۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۲۶۶؛ فرهنگ سخنوران، ص ۴۵۰؛ گنج سخن، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۹؛ الزآفرینان، ج ۳، ص ۲۳۹).

ششم روز شوال، نهفت چهر

تنش از زمین شد روان بر سپهر

سپهری نهان گشت در زیر خاک

فرو رفت خورشیدش اندر مُغاک

به گِل شد علی‌رغم آن کس که گفت

که: «خورشید بر گِل نشاید نهفت»

خطا گفتم او زنده بر تخت زر

نشسته است، لیکن به شکل دگر

ز یک گلبن است آن که در هر بهار

گلی چون گل رفته آرد به بار

ز شمع چه شمع دگر بفروخت

نیازی بحق گفت کان شمع سوخت

که شمع نخست است گر تا قیام

دو صد شمع روشن کنی زان مدام

الهی که این شمع بیگانه‌سوز

بُود تا شب حشر، گیتی‌فروز.

قبوری که در این بقعه واقع است:

قبر والدۀ محمد شاه

قبر والدۀ محمد شاه، ضمیمۀ عباس میرزای نایب السلطنه که

در زاویۀ بقعه واقع است. وفاتش در سنۀ ۱۲۷۳ [هجری]

روی داده [است].

قبر دختران عباس میرزا

قبر دو نفر از صباای عباس میرزا که خواهرهای محمد شاه

باشند که در یکی از صفّهای بقعه واقع است. وفات یک نفر

از آنها در سنۀ ۱۲۸۸ [هجری] روی داده و دیگری را تاریخ

وفات او را نتوانستیم بخوانم.

قبر رکن الدوله^۱

قبر محمد تقی میرزای رکن الدوله، فرزند محمد تقی میرزا ابن

محمد شاه که طرف جنوب بقعه واقع است در ۱۳۳۵ [هجری]

وفات نموده است. بر روی سنگ قبر او این قطعه را نوشته‌اند:

چون تقی بن تقی بن محمد شاه ثانی

ناگهانی شد به اقلیم بقا زین ملک فانی

آن که رکن الدوله عون الدوله بود و چون نیاکان

دین و دولت را به ستواری او محکم مبانی

چون پدر والا گهر، پاکیزه‌خوی و عدل‌پرور

در خراسان و لرستان داد داد از حکمرانی

زد رقم شیخ‌الرئیس از بهر تاریخ وفاتش

«وای دیدی رُکنِ دولت، منهدم شد ناگهانی»^۲.

قبر شاهزاده عبدالصمد میرزا^۳

قبر شاهزاده عبدالصمد میرزا، الملقب به «عزّالدوله، فرزند

محمد شاه، در طرف شمالی بقعه واقع است و در سنۀ

۱۳۴۸ [هجری] وفات نموده است و در صدر و ذیل سنگ قبر

۱. محمد تقی میرزا رکن الدوله، فرزند چهارم محمد شاه قاجار، هشت پسر و شش دختر داشته و پسر بزرگ وی: «علی‌نقی میرزا رکن الدوله» است و در بین فرزندان وی، کسی به نام محمد تقی رکن الدوله وجود ندارد. به احتمال زیاد، مؤلف، نام محمد تقی را به جای علی نقی نوشته است. به هر حال، علی نقی رکن الدوله در سال ۱۳۰۹ ق، ملقب به «عین‌الملک» و در ۱۳۱۸ ق، پس از مرگ پدرش محمد تقی میرزا، ملقب به لقب پدرش «رکن‌الدوله» شد و در ۱۳۲۱ ق، به حکومت خراسان منصوب گردید و تا سال ۱۳۲۲ ق، حاکم خراسان بود و بعد، حاکم کرمان شد. در ۱۳۳۰ ق، که محمد علی شاه قاجار از روسیه وارد ایران شد، وی حاکم خراسان بود و بعد، از این سمت برکنار گردید و معلوم نیست که پس از این برکناری، به سمتی انتخاب شده باشد و گویا تا آخر عمرش - که در ۱۳۳۵ ق، بوده - منزوی بوده است. نوشته‌اند که علی نقی میرزا رکن الدوله، در مقام مقایسه با پدرش محمد تقی میرزا رکن الدوله، باسوادتر و فهمیده‌تر بوده است؛ اما همانند پدر خود، قدری بی‌حال بوده است. تنها پسری که از وی باقی ماند، محمد علی میرزا حشمت السلطان نام داشت. (فرهنگ رجال قاجار، ص ۸۰ - ۸۱؛ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۴۹۸ - ۴۹۹).

۲. مصرع: «وای دیدی رُکنِ دولت منهدم شد ناگهانی» به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۳۳۵ که سال مرگ محمد تقی میرزا رکن الدوله است.

۳. عبدالصمد میرزا عزّالدوله، پسر سوم محمد شاه قاجار و برادر صلیب ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۱ - ۱۳۴۸ ق / ۱۸۴۵ - ۱۹۲۹ م) از رجال سیاسی عصر ناصری و مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار است. وی در ۱۲۹۰ ق، در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا همراه وی بود و تا همین سال، مقامهای حکومتی درجۀ دوم و سوم مانند: حکومت قزوین، زنجان، بروجرد، همدان، ملایر، تویسرکان و نهاوند به او واگذار می‌شد. او پس از چند سال گوشه‌گیری در ۱۲۹۹ ق، حاکم همدان گردید و در ۱۳۰۲ ق، وزیر عدلیه شد و در ۱۳۰۸، حاکم همدان و در ۱۳۰۹ ق، حاکم ملایر، تویسرکان و نهاوند گردید. وی سخت مخالف مشروطیت بود و تحت حمایت روسها قرار داشت. او مردی متمول، بسیار منظم، با عقل معاش و صرفه‌جو بود و زبان فرانسه و انگلیس را خوب می‌دانست. وی ۸۷ سال زندگی کرد و پس از درگذشت، جسدش را به قم منتقل کردند و در آستانۀ حضرت معصومه (ع) به خاک سپردند. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲۶۸ - ۲۷۰؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۱۹ - ۱۲۰؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۹ و ج ۳، ص ۱۷۷۲، ۱۷۹۶، ۱۸۴۴، ۱۸۷۵، ۱۹۳۳، ۱۹۴۰، ۱۹۷۱ و ۲۰۶۳).

قبر فخرالملوک^۳

قبر فخرالملوک، صبیّه بزرگ ناصرالدین شاه، ضعیفه میرزا مهدی خان اعتضادالدوله که در سنه ۱۳۱۱ [هجری] وفات نموده است و ماده تاریخ آن بر روی تخته سنگی از مرمر حجاری شده و به دیوار منصوب است: دردا که بوستان بزرگی و مجردا باد فغان وزید و زمان خزان رسید

۱. مهد علیا خدیجه، دختر امیر قاسم خان قاجار، داماد فتحعلی شاه قاجار، همسر محمد شاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه که با عنوان «مهد علیا» خوانده می شد، در ۱۲۹۰ ق، دیده از جهان فرو بست و از زنان قدرتمند و پرنفوذ عهد محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و با دسیسه های وی، امیر کبیر - که داماد وی بود - کشته شد.

مقبره و بقعه مهد علیا، در جهت غربی و عقب گنبد محمد شاه واقع شده و مدخل آن از درون مقبره همسرش است و در غربی آن مقبره مشابیهی است که بیوات مسجد اعظم، جلو نورگیر آن را بسته اند و سابقاً در سراسری واپسی آن به محوطه مدرسه مادر شاه گشوده می گشت. این مقبره مربع مستطیل، طولش از شمال به جنوب ۶/۲۰ و عرضش ۳/۵۰ و ارتفاعش ۴/۵۰ متر با پوشش تخت درزیر طاق قوسی، تمام جدارش از آزاره و جرز و طاقچه ها و پوشش آراسته به بهترین گچبری های برجسته آینه نشان، از شاهکارهای استادان فن و در بین آن با مقبره مشابه مجاور، پنج درگاه دو طبقه با ستونهای استوانه ای و سر ستون های گچبری و رنگین ساخته شده است.

لوح نفیس مقبره وی، سنگ مرمر شفاف و روشنی است به طول دو و عرض یک متر که بسیار جالب و جلوه گاه هنری و گنبد بدایع حجاری است. بر این سنگ، قطعه شعری است سروده شاهزاده سام میرزا شمس العرفاء، فرزند محمد علی میرزای ملک آرای، پسر فتحعلی شاه قاجار که روی آن حکاکی شده است. تولیت این بقعه، مدتی به عهده میرزا کاظم خان پسر حاج آقا رضا خان خواجه بوده است که به جای پدر خود به این سمت انتخاب شده بود. (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۱-۵۶۴؛ سفرنامه افضل الملک ص ۶۳؛ فرهنگ ایران زمین (گنجینه آستانه قم)، ج ۲۲، ص ۴۰۱؛ تربت پاکان، ج ۱، ص ۹۱-۹۲؛ انجم فروزان، ص ۱۱۷؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۱۰؛ راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷).

۲. در پایین این اشعار، چنین نوشته شده بود: «عمل حاجی محمد علی حجار تهرانی و میرزا علی اکبر حجار، ولد مشار الیه ۱۲۹۰، کتبه العبد غلامرضا ۱۲۹۶». این دو تاریخ می رساند که مدت هفت سال روی آن کار شده است. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۴).

۳. فخرالملوک، دختر ناصرالدین شاه قاجار، از گلین خانم، اولین همسر عقدی وی است. او در ۱۲۶۳ ق، دیده به جهان گشود و چون به سن بلوغ رسید، همسر محمد مهدی خان اعتضادالدوله شد که در دربار ناصرالدین شاه، سمت کشیکچی باشی را داشت و در ۱۲۸۶ ق / ۱۸۸۹ م، درگذشت. فخرالملوک، نخستین دختر ناصرالدین شاه است. او در ۱۳۱۱ ق، دیده از جهان فرو بست و جنازه وی به قم منتقل و در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. (ر.ک: تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۸ و ج ۳، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۲۵؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۱).

او این دو بیت مضبوط است:

بهشتی بُدی گیتی با رنگ و پوی

اگر مرگ و پیری نبودی در او

سرایمی است گیتی گشاده دو در

یکی آمدن یا شدن را دگر.

حسب الأمر ناصرالدین شاه، سالی یک هزار و دوست تومان

نقد و هشتاد خروار جنس غله برای مصارف مخارج بقعه

محمد شاه، تعیین شده است و قریه کَهِک - که در سه فرسخی

قم واقع است - تیول این بقعه است.

بقعه مهد علیا^۱

بقعه مهد علیا، مشهور به بقعه مادر شاه، عقب بقعه محمد شاه واقع است. والده ناصرالدین شاه است و بانی این بقعه، ناصرالدین شاه است که در سنه ۱۲۹۰ [هجری] جهت مدفن والده خود بنا نموده است و مبلغ هشتصد تومان از جهت مصارف مخارج این بقعه قرار داده است و قریه و شنوه - که در شش فرسخی قم واقع است - تیول این بقعه است. قبر مهد علیا در وسط بقعه واقع است. سنگ مرمر بسیار خوبی بر روی قبر است که حجاری بسیار عالی ممتازی از آن شده و قطعه ای به خط بسیار خوب بر روی سنگ نوشته که در سنه ۱۲۹۰ [هجری] تاریخ آن است:

دختِ امیر یگانه، قاسم قاجار

آن که چه گنجی به زیر خاک نهان شد

راد نیایش بود فتحعلی شه

آن که چهل سال زیب تخت کیان شد

جفت محمد شه آن که همچو سلیمان

زیر نگین اندرش زمین و زمان شد

مادر صاحبقران عصر که مُلکش

از مَلِک العرش با هزار، قران شد

شه پسر و شه نیا و شاهش شوهر

خود نه شگفتی بود که شاه زنان شد

مغفرت و رحمت از خدای طلب کرد

سوی جنان رفت و هرچه خواست، چنان شد

رفته نمود از پس هزار و دو صد سال

رو به محمد، خدیجه ای ز جهان شد.^۲

قبوری که در این بقعه واقع است:

گردون رُبود نوگلی از گِلستان شاه
کز داغ عارضش ز دل لاله خون چکید
آن کس که بود سنبل رویش طراز مُلک
دست قضایش آوخ همچون بنفشه چید
یا آنکه عندلیب بود از ریاض خلد
بر شاخسار طوبی زین آشیان پرید
یا آنکه تنگ بُد ز بزرگی برون جهان
خود رخت از این جهان به جهان دگر کشید
فخرالملوک، اختر گردون خسروی
کز روی و رای پرده خورشید و مه درید
در شام دویسم رمضان نوبت سحور
آن روح پاک سوی بهشت برین خمید
در صحن پاک حضرت معصومه شد دفین
کان را خدای، غرفه‌ای از جنت آفرید
کِلک «حکیم» خواست چه تاریخ زد رقم
دفتر سیاه کرد و زبانِ قلم بُرید
نقصان نمود پنج «ز تاریخ سال و»^۱ گفت:
فخرالملوک جای به صحن جنان گزید.

قبر فخرالدوله

قبر فخرالدوله^۲، یکی از صباای ناصرالدین شاه است. سنگ
قبر او به این قطعه، مزین است:
دریغ از انقلاب آسمانی
نماند هیچ کس را کامرانی
مرو بر سُفره گردون که این دون
پشیمان می‌شود از میزبانی
مشو ای گوسفند از گرگ، ایمن
که از گرگان نیاید گله‌بانی
در این دنیای فانی کس ندیدم
مگر کز بعدِ چندی گشت فانی
صفای غنچه در گلزار خوش بود
نبودی مگر ز پی باد خزان
کنی این پند را چون حلقه در گوش
اگر این لوح بر خاکم بخوانی
مرا از فخر فخرالدوله گفتند
گلی بودم ز باغ خسروانی

پدر بُد ناصرالدین شاه قاجار
که بُد زیبنده بر تاج کیانی
مرا اندر سفرها و حَضَرها
همی می‌پرورید از مهربانی
بُدم خوشدل که می‌گفتند خلقی
که این خانم ندارد هیچ ثانی
به ناگه در هزار و سیصد و نه
بِلا اولاد در سنّ جوانی
ز صیّاد اجل خوردم یکی تیر
چنان گشتم به خاک ناتوانی
توهم ای آن که بر قبرم گذشتی
چه من هرگز نمانی جاودانی
بیا بر تربتم از روی اخلاص
به «الحمد»ی مددکن گر توانی.

قبر افسرالدوله^۳

افسرالدوله نیز صبیّه ناصرالدین شاه است. در سنّه
۱۳۱۹ [هجری] دار فانی را وداع نموده است و این قطعه، بر
روی سنگ مرمر روی قبر نوشته است:

بُردی ای آسمان کم‌فرصت
اختری را که بود مَه طلعت
وَه چه ماهی ز شرم رخسارش
سَر فرو برده مهر از خجلت
آفتاب از سپهر چار ندید
سایه‌اش زآنکه بود باعفت

۱. جمله «ز تاریخ سال و» به حروف ابجد مساوی با ۱۳۱۱ می‌شود که سال
مرگ فخرالملوک است.

۲. فخرالدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار و همسر مجددوله مهدی قلی
خان قاجار و پسر عیسی خان والی اعتمادالدوله بود. گویا وی در جوانی
دیده از جهان فرو بسته و صاحب اولادی نشده است. (ر.ک: تاریخ منتظم
ناصری، ج ۲، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۵۱).

۳. افسرالدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار و همسر ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله
ابن سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، در ۱۲۷۵ ق، در تهران دیده به جهان
گشود و در همان‌جا در سال ۱۳۱۹ ق، درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل شد
و در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. (ر.ک: تاریخ منتظم
ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۸ و ج ۳، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال
قاجار، ص ۱۸۸).

نخبه‌ای از بنات شاه شهید
ناصرالدین شه فلک‌رفت
در حرمخانه او نظیر نداشت
از حیا و جلالت و عصمت
«افسرالدوله» اش لقب فرمود
شاه غازی فراخور خدمت
درگذشت از جهان به سال هزار
سیصد و نوزده پس از هجرت
بشد اندر بهشت، جاویدان
با دلی داغدار و پُرحسرت
رفت در قم جوار معصومه
تا شود شافعی مر آن حضرت
به یقین دان ز حب آل رسول
منزل خاص اوست در جنت
بارالها! بساز محشورش
تو به معصومه از ره رحمت.

بقعه معتمدالدوله^۱

بقعه معتمدالدوله، طرف غربی شمالی صحن مطهر واقع است. بنایی است مثنی و مرتفع در کمال استحکام و رزانت و حاکی از علو مقام بانی که گمان مؤلف کتاب این است که بقعه‌ای به این متانت و خوبی، در این آستانه مقدسه بنا نشده باشد.

ازاره آن، سنگ مرمر منقش به نقوش بسیار عالی و مزین به طلا، و دو کتیبه دارد که آقا مهدی ملک الکتاب تهرانی، به خط نستعلیق بسیار ممتاز، به طلا نوشته. کتیبه‌ای که در طاق واقع است، چشم به خواندن آن وفا نکرد؛ اما شعر مقطع آن - که ماده تاریخ وفات معتمد است - این است:

کَلک کوکب زد رقم تاریخ سالش را چنین

«جایگاه معتمد دایم بفردوس برین».

و کتیبه‌ای که در زیر دَف واقع است، به این قطعه اشعار مزین است:

کدامین معتمد خان منوچهر، آن که از رفعت
که در آن داد یزدان همچه عیسی معتمد را جا
شهشه ناصرالدین، آن که از ذات همایونش
هویدا آنچه از چشم کلیم از سینه سینا

برای معتمد آمد ز داوود سلیمان، فر
به پایان بقعه‌ای در قم که چرخ هفتمش آوا
همایون بقعه‌ای کز نقش سقف و خط دیوارش
ز صورت رستگان واله، به معنا بستگان شیدا

۱. منوچهر خان گرجی، ملقب به «معتمدالدوله» (م ۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م)، یکی از سیاستمداران و رجال فرهنگی دوره قاجار در دوره‌های فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار است. وی از اسیران گرجی بود که آقا محمد خان قاجار وی را از تفریس به ایران آورد. او در آغاز، جزو خواجگان حرمسرای فتحعلی شاه بود، سپس به عنوان ایچ آقاسی (خواجگه‌باشی) و ایشیک آقاسی (رئیس تشریفات) انتخاب شد و در ۱۲۳۹ ق، به وزارت و پیشکاری یحیی میرزا پسر چهل و سوم فتحعلی شاه که کودکی هفت ساله بود، حاکم اصفهان شد و در جنگ دوم ایران و روس (۱۲۴۱-۴۳ ق) برای جلوگیری از حمله روسها به حکومت گیلان منصوب شد و پس از مرگ فتحعلی شاه، وقتی محمد شاه از تبریز عازم تهران بود، منوچهر خان از رشت خود را در زنجان به محمد شاه رساند و با تقدیم هدایا و پیشکشی، جای پای خویش را نزد شاه محکم نمود و در ۱۲۵۱ ق، به وزارت فارس منصوب شد و در ۱۲۵۲ ق، حکومت کرمانشاه، لرستان، و خوزستان و از ۱۲۵۴ ق، تا زمان مرگش حاکم اصفهان بود و در روزگاری که در اصفهان بود، از سید علی محمد باب پذیرایی کرد. وی آنگاه که حاکم گیلان بود، با نیای بزرگ آقا بزرگ تهرانی، حاج محسن تاجر، دوستی عمیقی پیدا کرد و به کمک وی، چاپخانه‌ای در تهران به نام «چاپخانه معتمدی» تأسیس کرد و کتابهای بسیاری به چاپ رساند که به نام کتابهای چاپ معتمدی معروف‌اند. وی مردی مدبر و سختگیر و تاحدودی شقی و از ثروتمندان درجه اول زمان خود بود و اموالش را پس از مرگش مصادره کردند. به هر حال، وی پس از اینکه دیده از جهان فرو بست، به قم منتقل شد و در بقعه‌ای در ضلع غربی صحن عتیق، قریه گنبد و بقعه محمد شاهی، کنار مهمانسرای آستانه قبلی حضرت معصومه علیها السلام، به خاک سپرده شد. او بانی ایوان و غرفه‌های گنبد امامزادگان خاکفرج نیز بود.

سبک ساختمان گنبد و بقعه وی با گنبد محمد شاه قاجار، یکنواخت است، اما به واسطه ضیق مکان، اجرای نقشه کامل آن در این ساختمان امکان نداشت؛ در نتیجه، دارای یک شاه‌نشین در جانب غربی است. گنبد وسط به دهانه ۵/۱۰ در ۵/۱۰ متر و طول بقعه با افزایش شاه‌نشین غربی به ده متر می‌رسد و ارتفاع آن یازده متر است. ازاره گنبد، آراسته به بهترین سنگهای مرمر منقش و خوش‌رنگ معادن اصفهان، به ارتفاع ۱/۱۰ متر، مرکب از حاشیه و متن، که حاشیه آن مانند قابی گیلونی و ابزارزده فنیله‌دار است. این گنبد و بقعه، از جنبه تزیینات بی‌نیاز و متضمن یک رشته نفایس حجاری و نقاشی و دارای مقرنس آینه و گچی و دو منظره دورنمای ابریشمی و سه تابلو زیبای قلمی است.

یک شاهکار حجاری دیگر در این گنبد، لوح قبر معتمدالدوله با مجسمه نیم تنه وی در لباس رسمی و کتیبه‌های متعدد است که متأسفانه در انقلاب مشروطه، به دست مجاهدین با تبر شکسته و ذره ذره شده است. (دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۸۷۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۷-۵۷۱؛ دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۶، ۱۵۴ و ۳۶۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۵۵).

چه بر سقفش نظر آری، سراسر لاله سوری
چه بر صحنش گذر آری، بیابی عنبر سارا
قم آمد چرخ چارم مهر آن معصومه اطهر
.....^۱

بلی در حشر آید پیکرش چون زهره نورانی
هر آن مقبل که جُست از جان پناه زاده زهرا
چه خاک بقعه اش شد نوربخش دیده غلمان
چه گرد روضه اش شد زیب بخش طره حورا
پی تاریخ اتمامش بهار آورد این مصرع
«ز داود فک چاکر بقم این بقعه شد برپا».^۲

نام معتمدالدوله، منوچهر خان است که در وسط بقعه مدفون است. بانی بنای این بقعه، بنابه وصیت خود معتمدالدوله، میرزا داوود خان، برادرزاده معتمد است که در سنه ۱۲۶۴ [هجری] این بنا به اتمام رسید و دو تمثال او را که نقاش به طرز خوشی کشیده، در بالای دف مقابل یکدیگر، منصوب است. از حقوق سابق این بقعه بی اطلاع، فعلاً سالی یکصد تومان حقوق دیوانی دارد.^۳

مجملی از حالات منوچهرخان این است که اجداد و نیاکانش از طایفه ارامنه جلفای اصفهان بودند. پدرش به شرف اسلام تشرف جسته و خودش هم یکی از رجال مهمه

ایران بوده و در جنگها فتوحاتی نموده و جنگ عربستان و شوشتر و دزفول - که از جنگهای بزرگ ایران است - فتح آن بر دست او بوده و در هر جنگی فاتح شده و در اوایل عمر، در اصفهان و لرستان و عربستان^۴ حکومت کرده و چندی هم به وزارت فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، مفتخر بوده و خدمات او به مملکت اسلامی در کتب تواریخ، مسطور است و در السنه و افواه مشهور است و سنین عمرش هشتاد و چهار سال^۵ بوده [است].

۱. این مصرع در اصل، محو شده است. از این رو، مؤلف، آن را ثبت نکرده است.
۲. مصرع: «ز داود فلک چاکر بقم این بقعه شد برپا» با سال مرگ وی (۱۲۶۴) برابر است.

۳. در جهات فرعی مقبره، سه صفه است که جلو آنها دری نصب شده که خاتمکاری و منبتکاری شده اند و ابیاتی روی آنها به خط نستعلیق خاتمکاری و قسمتی منبت گردیده که ابیات باقی مانده آنها این است:

چو انجم به تاریخ این در بگفت	در بقعه معتمد شد پدید
که دارد سرورش پسر آمده	دری بین به رحمت فراز آمده
بنایی چو قصر بهشت از نکویی	اساسی چو کاخ فلک در منانت
در بقعه باد از درهای رحمت	که باد احترامش به جاننا قیامت.

۴. خوزستان.

۵. بر این مبنای، سال تولد وی باید سال ۱۱۸۰ ق، بوده باشد.



نسخه‌های عکسی

(فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی)

ابوالفضل حافظیان بابلی

بخش اول

و مراکز علمی خارج از کشور و یا در دست اشخاص نگهداری می‌شود. تعداد اندکی از این تصاویر نیز از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی داخل کشور تهیه شده است. کار جمع‌آوری و انتخاب و انتقال کتب عکسی مستلزم تلاش و کوشش مستمر و تحمّل زحمات و مشقّات بسیار در طی مسافرت‌های پی‌درپی به نقاط گوناگون جهان و بازدید از کتابخانه‌ها و مراکز علمی بوده است که این مهم با همت و پشتکار تولیت محترم کتابخانه، جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی - وفقه الله تعالی - انجام پذیرفته است.

این اقدام فرهنگی ارزنده پس از مطالعه فهرس نسخ خطی و رؤیت اصل نسخه‌های خطی و بازدید از کتابخانه‌های معتبر جهان تحقق یافته است. در این زمینه، کتابخانه‌های ترکیه، یمن، دانشگاه‌های امریکا، «موزه بریتانیا» در انگلیس، «دارالکتب» قاهره، «ظاهریه» دمشق، «کتابخانه ملّی» پاریس، «اسکوریا» اسپانیا، «امپروزیانا» میلان، کتابخانه واتیکان، «توبینگن» آلمان، آموزشکده نسخه‌های خطی آذربایجان، آموزشکده نسخه‌های خطی ازبکستان، کتابخانه «چستربیتی» در ایرلند جنوبی، «مؤسسه خاورشناسی لنینگراد» روسیه و کتابخانه‌های داخلی هم‌چون کتابخانه «مجلس»، «ملّی»، «ملک»، «دانشگاه تهران»، «مدرسه سپهسالار»، «آخوند غرب» همدان، «آستان قدس رضوی»، «مدرسه فیضیه»،

مقدمه

یکی از اهداف والای مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی در بنیان‌گذاری کتابخانه بزرگش - در کنار گردآوری نسخه‌های خطی - تهیه و جمع‌آوری تصویر و ریز فیلم از نسخه‌های خطی نفیس اسلامی بوده که در صد سال اخیر از ایران و یا کشورهای اسلامی خارج شده و در کتابخانه‌های ملل غربی جای گرفته است. تمرکز نسخه‌های عکسی از کتاب‌های اسلامی، که در کشور ما نسخه‌ای از آن‌ها یافت نمی‌شود، دستیابی پژوهشگران را به منابع اسلامی آسان کرده و راه تحقیق و پژوهش در این آثار را هموار می‌سازد. بدین‌روی، این بخش نزد علاقه‌مندان به کتاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

گنجینه کتب عکسی کتابخانه بزرگ آیه‌الله مرعشی نجفی (ره) یکی از گنجینه‌های مهم و باارزش این کتابخانه به‌شمار می‌رود. این بخش دربرگیرنده عکس‌هایی از نسخه‌های خطی مهم است که اصل دست‌نویس آن‌ها در کتابخانه‌ها

«مسجد اعظم» قم، «کتابخانه ملی» تبریز و «مدرسه نمازی» خوی و ... مورد مراجعه و استفاده قرار گرفته‌اند.

بنابه اظهار متولی محترم کتابخانه، اکنون بیش از چهار هزار مجلد نسخه عکسی از نسخه‌های خطی نفیس در بایگانی بخش نسخ عکسی کتابخانه نگهداری می‌شوند و هم‌چنان بر این تعداد افزوده می‌گردد و این کتابخانه بر آن است تا با جمع‌آوری نسخه‌های عکسی بیشتر، امکان دستیابی به تصاویر منابع مهم اسلامی را برای اندیشمندان در حد وسیع‌تر و گسترده‌تری فراهم آورد که این کار هدف بانی و مؤسس کتابخانه نیز بوده است.

کار فهرست‌نگاری تفصیلی نسخه‌های عکسی از سال ۱۳۶۹ ش شروع شده و در بین سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ ش دو جلد از فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه به قلم دانشمند فقید مرحوم حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی حائری خرم‌آبادی منتشر گشتند. در این دو جلد، تعداد یک هزار نسخه از نسخه‌های عکسی کتابخانه به شیوه‌ای فنی و عالمانه معرفی شده‌اند. اما مرحوم حائری پس از انتشار فهرست مذکور، کار تحقیق و تصحیح کتاب گران‌سنگ مرآت الکتب را وجهه همت خود قرار داد و پس از انتشار پنج جلد از آن، در مهرماه ۱۳۸۱ ش داعی حق را لبیک گفت و به رحمت ایزدی واصل گشت.

به هر روی، ادامه کار فهرست‌نویسی نسخه‌های عکسی و وظیفه‌ای گشت برعهده راقم سطور، که پیش از این نیز چند صباحی با نسخه‌های خطی و کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری سر و کاری داشته است.

در نگارش و تنظیم فهرست نسخه‌های عکسی، اساس و شیوه کار مطابق با روش فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است و از دو بخش کلی کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی تشکیل می‌شود. در بخش کتاب‌شناسی هر کتاب کدها و اطلاعات ذیل ثبت می‌شوند:

۱. نام کتاب و ذکر نام‌ها و عناوین دیگری که در منابع گوناگون، کتاب را بدان نام‌ها معرفی کرده‌اند؛
۲. زبان و لغتی که کتاب بدان زبان نگاشته شده است؛
۳. موضوع کتاب، و در مواردی که یک کتاب با چند موضوع ارتباط دارد موضوع اصلی در ابتدا و موضوعات فرعی در بخش معرفی تفصیلی کتاب تذکر داده می‌شود؛

۴. معرفی تفصیلی کتاب؛ در این بخش، به زندگی مؤلف و آثار او اشاره می‌شود و ابواب و فصول کتاب گزارش می‌گردند و کارهای انجام شده درباره کتاب، اعم از شرح و ترجمه و حاشیه و چاپ و تحقیق و تصحیح آن، در حد امکان، با استفاده از منابع و مصادر بیان می‌شوند. در این بخش، سعی می‌شود با استفاده از بیانات مؤلف، هدف و انگیزه مؤلف از تألیف و جایگاه و اهمیت کتاب و این‌که مؤلف کتاب را به نام چه کسی نوشته و به چه کسی تقدیم نموده است و تاریخ شروع و پایان تألیف و شیوه‌ای که مؤلف در تهیه و تنظیم کتاب به کار بسته، مشخص گردد.

۵. منابع؛ در این بخش، به مصادر و مآخذی که درباره کتاب یا مؤلف بحث نموده‌اند، اعم از کتاب‌های تراجم، دائرةالمعارف‌ها، کتاب‌های تاریخی و غیر آن‌ها و فهرسی که در آن‌ها نسخه‌هایی از کتاب معرفی شده، ارجاع داده می‌شود. ذکر اسامی و نشانی منابع نشان می‌دهد که فهرست‌نگار با احاطه بر تمام مطالب گفته شده درباره کتاب و با در نظر گرفتن آراء و نظرات کتاب‌شناسان و فهرست‌نگاران دیگر، به معرفی کتاب پرداخته است. علاوه بر این پژوهشگرانی که طالب اطلاعات بیشتر درباره مؤلف یا کتاب مورد بحث باشند، به آسانی بر منابع بحث اطلاع یافته، به مقصود خود نایل می‌شوند.

۶. آغاز و انجام کتاب؛ یکی از شاخص‌های مهم در شناسایی نسخه‌های خطی، در نظر گرفتن آغاز و انجام کتاب‌ها است. چه بسیار کتاب‌هایی که در فهرس گوناگون، گمنام و مجهول‌المؤلف باقی مانده‌اند، ولی محققان تیزهوش با دقت در آغاز و انجام نقل شده در فهرست، به نام کتاب و مؤلف آن پی می‌برند. البته لازم است فهرست‌نگار در نقل آغاز و انجام، ضمت نورزد و مقداری را که راهنما و راهگشای کار محققان در شناسایی کتاب است، نقل نماید. البته در مواردی که نسخه مورد بحث افتادگی دارد، آغاز و انجام نسخه نیز باید در فهرست درج گردد.

۷. مباحث موجود؛ در مواردی که یک کتاب مشتمل بر چند جلد است و یا از بخش‌هایی تشکیل می‌شود، باید مباحث یا جلد‌های موجود در نسخه مشخص گردند. البته جای طرح این بند در بخش نسخه‌شناسی است، ولی به سبب اهمیت آن و برای این‌که بهتر به چشم بیاید، در پایان بخش کتاب‌شناسی نیز تذکر داده می‌شود.

در بخش نسخه‌شناسی نیز اطلاعات ذیل ثبت می‌شوند:

۱. نوع خط؛ انواع خط‌های مورد استفاده در کتابت نسخه‌های خطی عبارتند از: نسخ، نستعلیق، شکسته نستعلیق، تعلیق، ثلث، مغربی، تحریری و غیر آن‌ها. اعراب‌گذاری و شکل‌دار بودن کلمات نیز باید تذکر داده شود.

۲. نام کاتب؛ در مواردی که کاتب به نام خود اشاره نکرده، در این بند تذکر داده می‌شود که این نسخه بدون نام کاتب است و در جایی که کاتب نسخه خود مؤلف کتاب باشد، گفته می‌شود این نسخه به خط مؤلف است. گاهی تکمیل نسخه به دست فرد جدیدی انجام گرفته است که به عنوان «نویس» معرفی می‌شود.

۳. تاریخ کتابت؛ این تاریخ اعم از روز و ماه و سال است که غالباً به تاریخ هجری قمری می‌باشد. در مواردی که به تاریخ کتابت تصریح نشده، با استفاده از قراین از جمله نوع کاغذ و خط و مرکب و یادداشت‌های درون نسخه، تاریخ کتابت تخمینی درج می‌شود. البته در نسخه‌های عکسی قراین کمتری وجود دارند و کار در این زمینه دشوارتر است.

۴. ویژگی‌های نسخه؛ لازم است فهرست‌نگار به همه فواید جانبی نسخه از جمله تزیینات، حواشی و تعلیقات، یادداشت‌ها، مهرها و تملکات، تصحیحات و بلاغ‌ها و سماعات و اجازات اشاره نماید.

۵. تعداد برگ‌ها و سطرها و اندازه و قطع کتاب و نوع جلد؛ در فهرست نسخه‌های خطی، ذکر این موارد معمول و مرسوم است، ولی در فهرست نسخه‌های عکسی قطع اصلی کتاب و نوع جلد آن از دسترس فهرست‌نگار خارج است و مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

۶. نشانی محل نگه‌داری نسخه اصل و شماره نسخه در کتابخانه محل نگه‌داری و نشانی فهرستی که مستقیماً به معرفی نسخه مورد بحث پرداخته؛ این‌ها از جمله اطلاعاتی هستند که تنها در فهرست نسخه‌های عکسی کاربرد دارند.

افزون بر مطالب پیش گفته، در فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، دسترسی به اصل نسخه و تسلط بر آن و در هم بودن کتاب‌های رایج و مشهور با کتاب‌های منحصر و نفیس و موجود بودن نسخه‌های متعدد از کتاب‌های مورد بحث در کتابخانه‌های داخل کشور و معرفی آن‌ها در فهرست و منابع چاپی فارسی و عربی و مانوس بودن فهرست‌نگار با عناوین کتاب‌ها کار را بر فهرست‌نگار سهل و آسان می‌کند.

درباره نسخه‌های عکسی، باید گفت: وقتی مراکز علمی و کتابخانه‌های مشهور و مهمی هم‌چون «کتابخانه بزرگ آیه‌الله مرعشی نجفی (ره)» با وجود مخزن عظیم نسخه‌های خطی با صرف وقت و هزینه سنگین اقدام به تهیه تصویری از نسخه‌ای می‌نمایند، به دنبال دستیابی به منابع نفیس و ناباب هستند و اهمیت و نفاست نسخه را از جهات گوناگون در نظر می‌گیرند. از این‌رو، غالب نسخه‌های عکسی موجود در این گنجینه مربوط به نسخه‌های کهن از سده‌های چهارم تا هشتم هجری و نسخه‌های منحصر به فرد و ممتاز هستند و غالباً در منابع رایج نامی از آن‌ها به میان نیامده و در فهرست نسخه‌های خطی، نسخه دومی از آن‌ها معرفی نشده است و حتی برخی از نسخه‌ها از کتابخانه‌هایی تهیه شده‌اند که اساساً فهرستی برای نسخه‌های آن کتابخانه به چاپ نرسیده و یا فهرست آن‌ها در حد لیست و سیاهه‌ای است فاقد هرگونه اطلاعات.

کوتاه سخن این‌که اهل تحقیق با مراجعه به فهرست حاضر، درمی‌یابند که بسیاری از کتاب‌های مورد بحث برای نخستین بار به صورت تفصیلی و تحقیقی معرفی می‌شوند و با دقت در اسامی کتاب‌ها و مؤلفان آن‌ها، در فضای بحث که آشکارا در تفاوت با جغرافیای مباحث موجود در فهرست کتابخانه‌های داخل کشور است، قرار می‌گیرند. البته راه‌نمایی‌های سودمند و دعای خیر استادان و فضلا راهگشا و تحفه‌ای مغتنم در ادامه مسیر است. ربّ انعمت فزد.

در پایان گفتنی است که شماره‌های درج شده، شماره نسخه عکسی مورد بحث در مخزن عکسی کتابخانه حاضر است و این فهرست از نسخه شماره (۱۰۰۱) شروع می‌شود و برخی از شماره‌های ترک شده در میان کار مربوط به مجموعه‌هاست. معرفی مجموعه‌های موجود در مخزن پس از این خواهد آمد.

(۱۰۰۱) أعلام الحكم النبویة في إعلام الاحکام الطبیة
(= منتخب طب النبوی) (طب - عربی)

از: عبدالوهاب احمد بن محمود رومی (قرن ۷ ق).

منتخبی است از کتاب الطب النبوی ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی^۱ (۴۳۰ ق). نسخه‌هایی از این کتاب در

۱. ابونعیم اصفهانی آثار بسیاری دارد که از معروف‌ترین آن‌ها حلیة الاولیاء و اخبار اصهبان بارها به چاپ رسیده‌اند.

کتابخانه «ظاهریه» دمشق و «اسکوریال» مادرید^۱ محفوظ است و تاکنون به چاپ نرسیده. اصفهانی در این اثر از دو استادش، ابی‌بکر بن خلاد و عبدالله بن جعفر، روایت می‌کند و از کتاب الطب ابی‌بکر احمد بن محمد بن اسحاق سنی دینوری تأثیر پذیرفته است.

گزینش دیگری از کتاب مذکور با عنوان اربعون حدیثاً منتقاة من الجزء الرابع من کتاب الطب لابی‌نعم، از ابوبکر بن علی بن ابی‌الحزم بن ابی‌بکر صقلی قلانسی شافعی معروف به «ابن سراج» (تألیف در ۶۹۶ ق) جزء نسخه‌های «مجامیع المدرسة العمریة» در «دارالکتب ظاهریه» نگه‌داری می‌شود.

عبدالوهاب رومی^۲ در این منتخب، از سبک و ترتیب مؤلف پی‌روی نموده و کتاب را در چهار مقاله تلخیص کرده است،^۳ البته با اندکی تغییر و با حذف اسانید روایات و حذف مکررات. وی نام این منتخب را اعلام الحکم النبویة فی اعلام الاحکام الطبیة نهاده و به خط خود در ابتدای نسخه و در متن کتاب به این نام تصریح نموده، ولی در فهرست آربری، کلمه «اعلام» از ابتدای نام کتاب حذف شده است.

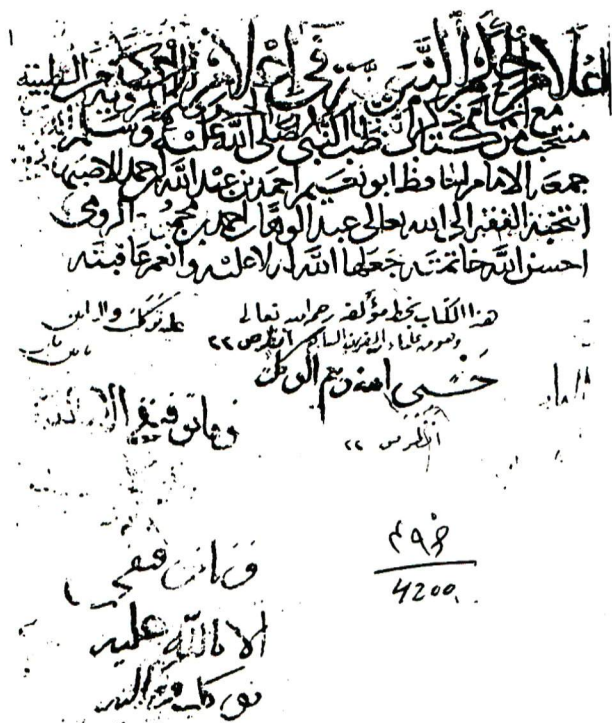
رومی روایات دیگری نیز بر کتاب افزوده؛ چنان‌که در مقدمه آورده است: «آنچه از کتاب الرد علی من انکر التداوی ابی‌الحسن ابن محمودیه یزدی آوردم با علامت «یه» به قلم سرخ بر روی آن مشخص نمودم و آنچه از کتاب ابی‌منصور بن شیرویه بن شهردار حافظ دیلمی همدانی افزودم، علامت «می» به قلم سرخ بر بالای آن قرار دادم و آنچه که از کتاب ابی‌الخیر احمد بن اسماعیل قزوینی نقل کردم علامت «ین» به خط قرمز در بالای آن کشیدم و روایاتی که از کتاب ابی‌عبدالله محمد بن عبدالواحد حافظ حنبلی مقدسی اخذ نمودم، با علامت «سی» مشخص کردم و منقولات از کتاب‌های عبداللطیف بن یوسف حکیم بغدادی را با نشانه «ق» علامت‌گذاری نمودم.»

این منتخب شامل چهار مقاله و هر مقاله در چند باب است: مقاله اولی در ۹ باب، مقاله ثانیه در ۲۵ باب، مقاله ثالثه در ۲۵ باب، مقاله رابعه در [؟] باب.

نسخه دیگری از این منتخب شناسایی نشده و نسخه حاضر نیز متأسفانه ناقص است و تا باب ۱۹ از مقاله ثالثه را دربردارد.

مباحث موجود در نسخه^۴

المقالة الاولى: باب ۱ - ما جاء فی تعلّم الطبّ والحثّ علیه والامر بالتداوی؛ ۲ - فی احضار الاطباء لمداواة المرضى و فی المعالجة ...؛ ۳ - معرفة الامراض بالحس و مقدارها؛ ۴ - فی تقديم المعرفة فی صناعة الطب و تضمین الطبيب اذا جنى؛ ۵ - اباحة مداواة النساء الرجال غیر ذوات المحارم؛ ۶ - النہی



اعلام الحکم النبویة

۱. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی: ۳۸۳/۲ نسخه شماره ۹۰۲.

۲. ترجمه و نام آثار دیگر وی به دست نیامد، جز این‌که خود وی در جایی از کتاب حاضر می‌گوید: «اخیرنا شیخنا الامام العالم المفتی شرف‌الدین ابوالمحامد محمود بن عبدالرحمن الطرازی رحمته الله بقرائتی علیه فی شهر رمضان سنة اثنين و سبعین و ستمائة بمحروسة سیواس ...» این سخن دلالت می‌کند بر این‌که کتاب حاضر پس از سال ۶۷۲ ق تألیف شده و مؤلف از دانشمندان سده هفتم هجری بوده که ممکن است تا اوایل قرن هشتم نیز زندگی نموده باشد.

۳. مرحوم حائری در فهرست نسخه‌های عکسی، الطب النبوی اصفهانی را در هفت مقاله و مرتب بر چهار جزء دانسته است.

۴. عناوین باب‌ها در نسخه اصل به مرکب شگرفت تحریر شده و برخی از کلمات در نسخه عکسی خوانا نیستند.

الظهر والكبد والطحال وكيفية شرب الماء؛ ١٣- اوجاع البطن والذرب من الهیضة والاستسقاء والمعص؛ ١٤- فی القولنج ووجع الكلية والتكمید؛ ١٥- فی الشوصة وذات الجنب؛ ١٦- فی الجبر والوقی والسقطات وحفظها من مس الماء واخراج الدم عقبها والحسم والبطوم بمسك الدم وتغمیز الظهر؛ ١٧- ما فی الرحم والهیضة والاستحاضة وما تقطع رائحة الدم وتنشف الرطوبة ویزید فی الباء واوقات المجامعة والترغیب فیها وتدبیر النفساء والخیالی؛ ١٨- فی البواسیر والنقرس؛ ١٩- فی الحكة والشرأ والقمل ومعالجة ... والنملة والقوبا والدمامل والثلیل والبثور والعدسة.

منابع: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ٦، ص ٣٣٦ - ٣٤٠؛ كشف الظنون، ج ١، ص ١٠٩٥؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية (الطب و الصيدلة)، الجزء الثاني، ص ٨٩ و ١٥٧ - ١٥٩؛ فهرست المخطوطات المصورة (معهد المخطوطات العربية - قاهره)، الجزء الثالث (العلوم)، القسم الثاني (الطب)، الكتاب الثاني، ص ١٥١؛ مجلة معهد المخطوطات، س ٥، ش ٢٧١؛ فهرس المخطوطات العربية المصورة الموجودة بمكتبة المخطوطات بجامعة الكويت، الجزء الثاني، ص ١٣٥؛ فهرس مجاميع المدرسة العمرية فی دارالکتب الظاهرية بدمشق، ص ٤٠٣؛

آغاز: بسمله «وبه نستعين الحمد لله مبدع الاشياء من الموت والاحياء وخالق الداء والدواء وفالق الحب ومظهر النواء الذي اظهر بدائع مصنوعاته وغرائب مبتدعاته بدلائل الصنع على لطائف الوضع».

انجام افتاده: «عن بعض ازواج النبی ﷺ دخل عليها فقال عندك ذرية قالت نعم فدعا بها فوضعها على بثره من اصبعين من اصابع رجله ثم قال اللهم مطفي الكبير ومصغر الكبير اطفها قال فطفيت عن ... ان النبی ﷺ رخص فی ...».

نسخ، به خط مؤلف، قرن ٧، در حاشیه تصحیح شده و متن خط خور دگی دارد. نام کتاب و مؤلف به خط مؤلف در صفحه عنوان ثبت شده است. عناوین شنگرف درشت، برخی کلمات اعراب گذاری شده و پایان هر روایت با دایره ای مشکی مشخص شده است، علامت های «یه»، «می»، «سی» و «ق» به مرکب قرمز در روی برخی روایات قرار گرفته که رمز مصدر حدیث است. معنای برخی از لغات در حاشیه درج شده اند. ٥٤ صفحه، ٢٠ سطر.

عن التداوی بالحرام؛ ٧- فی معرفة الادوية بالاوصاف؛ ٨- فی استعمال الفراسة والاستدلال فی صناعة الطب؛ ٩- فی اصل معرفة الاقاقر.

المقالة الثانية: باب ١ - فی خلق الانسان وتركيب البدن وتشريح الاعضاء وما يتعلّق بها؛ ٢- فی ذکر الاعصاب واتصالها بالعظم واللحم وبالرباط والمفاصل و... والعروق والمعدة؛ ٣- فی العضو الرئيس فی الانسان؛ ٤- منزلة سائر الجوارح من القلب؛ ٥- تدبیر الصحة وفضيلتها؛ ٦- ... ليلة الجمعة؛ ٧- توقی الحركة فی فصول السنة المعهوه ومعرفتها؛ ٨- اختيار البلدان الصحيحة التربة وتوقی الوبئة؛ ٩- توقی كثرة الجلوس فی الشمس؛ ١٠- التبرّد بالماء فی شدة الحر؛ ١١- اوقات النوم المحموده والمكروهه؛ ١٢- منع اكل الطين؛ ١٣- دفع مضار الاغذية بالحركة وغيرها؛ ١٤- استعمال المعاجين والعسل والحلواء والاترج؛ ١٥- دفع مضار الاطعمة والاشربة وتعاهد العادات؛ ١٦- الامتناع من الاطعمة التي لم تجربها العادات ومما لا تشتهي النفس؛ ١٧- اسهال الطبيعة فی حال الصحة؛ ١٨- فی السعوط والدود والعلق؛ ١٩- الفصد والحجامة وبيان اوقاتها وایامها ومنافعها ومضارها وما فی معناها؛ ٢٠- ما یخضب البدن ویسمّنه؛ ٢١- منافع الحمام والقى؛ ٢٢- الاحتراس من السموم والسحر؛ ٢٣- تعاهد الطیب والاكتحال وما فی معناها؛ ٢٤- تعاهد السواك وغسل الثياب من الوسخ وتسكين الشعر والتدهن؛ ٢٥- ذکر الالوان واللباس وانواعها والخاتم والزينة واصنافها والمشط والنعل وما شاكلها.

المقالة الثالثة: باب ١ - ذکر انواع العلل وعلاجاتها؛ ٢- الحيلة فی دفع الاحزان والهموم وما فی ذکر الموت؛ ٣- فی الصداق والشقیقة وکیفيتها وما تنفع فیها وما ورد فی ثواب المصدّق؛ ٤- اوجاع العين وادويتها وما ورد فیها؛ ٥- الاکحال والاكتحال واوقاتها وکیفيتها؛ ٦- الرمد ومنافعها والمداواة بالبراق والضمد ونفح الماء وما يتورث من الاغذية والجماع؛ ٧- ذکر ادواء الانف والعطاس والزكام وما ینفع من الخشام؛ ٨- الشوكة وتصفية اللون والكلفة ووجع الاذن؛ ٩- فی اوجاع الفم والحلق والانسان والنکهة واللثة وتخليلها؛ ١٠- ادوية العذرة وضمد الدغین و فی بعض الرقی والعین؛ ١١- السعال و اوجاع الصدر والمعدة والفؤاد والخفقان وما ینفع فی النسیان والبول؛ ١٢- فی الرطوبة والبلغم و اوجاع

نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دبلین، ایرلند جنوبی، ش ۴۲۰۰، آربری، قائمه المخطوطات فی مکتبه تشستریتی، ج ۵، ص ۶۳؛ همو، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبه تشستریتی، ترجمه محمود شاکر سعید، ج ۲، ص ۶۷۳؛

(۱۰۰۳) بغیة العلماء والرواة (= ذیل رفع الإصر عن قضاة مصر)، (تراجم، عربی)، از: شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن عبدالرحمن بن محمد سخاوی شافعی (۹۰۲ ق).

ذیل و تکمله‌ای است بر کتاب استادش احمد بن علی کنانی مشهور به «ابن حجر عسقلانی» (۸۵۲ ق)، موسوم به رفع الاصر عن قضاة مصر^۱ که در آن شرح حال متولیان امر قضاوت در مصر از زمان فتح مصر به دست مسلمانان تا عصر ابن‌حجر به ترتیب طبقات سال‌ها و در هر طبقه، به ترتیب الفبا درج شده است.^۲ قابل ذکر است که ابن‌حجر، خود ۲۲ سال صاحب منصب قضاوت بوده است.

سخاوی در این ذیل، شرح حال ۴۹ تن از کسانی را که پس از ابن‌حجر می‌زیستند یا معاصر با او بودند ولی نامشان در رفع الاصر نیامده، یا این‌که اسمی از آن‌ها به میان آمده ولی شرح حال تفصیلی‌شان بیان نشده آورده است و همان‌گونه که در پایان نسخه حاضر کاتب به نقل از خط وی آورده، این ذیل را بغیة العلماء و الرواة فی الذیل علی کتاب شیخی فی القضاة نامیده است. وی در ضمن شرح حال افراد، ترجمه فرزندان و بعضاً پدران و اجدادشان را نیز بیان نموده و در مناسبت‌های گوناگون، مباحث نحوی، فقهی و مانند آن‌ها را مطرح کرده و به بررسی اقوال علما پرداخته است.

این کتاب به تحقیق دکتر جوده هلال و محمد محمود صبح و مراجعه علی بجاوی، به همت «دارالمصریة للتألیف و الترجمة» در ۴۰ + ۵۹۰ صفحه وزیری بزرگ در مصر به چاپ رسیده است.

محققان مذکور در تصحیح کتاب، از دو نسخه خطی و یک نسخه عکسی مربوط به کتابخانه‌های «سوهاج» و «دارالمکتب المصریة» بهره برده‌اند. در نسخه چاپی، تفاوت‌هایی در برخی عبارات با نسخه حاضر به چشم می‌خورد.

نسخه‌های شناسایی شده از این کتاب عبارتند از:

۱- مکتبه طه‌طهاوی، مصر، رقم ۱۳/تاریخ، کتابت ۸۸۰ ق به خط محمد بن محمد حنفی ازهری انصاری؛^۳

۲- مکتبه عارف حکمت، مدینه منوره، رقم عام ۳۷۸۰، رقم تصنیف ۹۰۰/۳۴، کتابت ۹۲۹ ق؛^۴

۳- خزانه عامه رباط، مغرب، کتابت ۱۳۱۱ ق؛

۴- مکتبه خدابخش پتنه هند، رقم ۲۴۸۲ - ف ۳۰۸۸، به خط علی بن احمد بن عمر مقری یمنی شوایطی در ۸۹۴ ق که خط مؤلف در چند موضع آن دیده می‌شود.^۵

۵- مکتبه مدینه، رقم ۵۰۲ - ف ۹۵۵، به خط احمد بن ابی‌مالکی از روی خط مؤلف، در ۹۷۳ ق.^۶

مشخصات نسخه اخیر مطابق با نسخه عکسی حاضر است، ولی در ابتدای تصویر حاضر یادداشت شده: «اصل نسخه در کتابخانه‌های استانبول در ترکیه»، در ابتدای نسخه نیز مهر کتابخانه مدرسه «محمودیه مدینه منوره» مشاهده می‌شود. در مراجعه به فهرس مخطوطات المکتبه المحمودیه، نام کتاب بغیة العلماء... یا الذیل علی رفع الاصر به دست نیامد.

گفتنی است گزیده‌ای از بغیة العلماء موسوم به تراجم الملتقة من بغیة العلماء و الرواة در کتابخانه «ندوة العلماء لکهنو»،

۱. رفع الاصر عن قضاة مصر با تحقیق حامد عبدالمجید و محمد مهدی ابی‌سنة و محمد اسماعیل صاوی و مراجعه ابراهیم ابیاری و با مقدمه حامد عبدالمجید، به همت مطبعة امیریة در قاهره مصر به سال ۱۹۵۷ م به چاپ رسیده است. (ر.ک: الکتب الموجودة بالمکتبة الازهریة، ج ۸، ص ۳۸۹).

نسخه‌هایی خطی از کتاب مذکور در کتابخانه‌های «مکتبه محمودیه» در مدینه منوره (رقم ۲۵۴۶) و «ملی پاریس» و «آصفیه حیدرآباد» هند (۹۰ تراجم - ف ۳۱۸۱) و «خدابخش پتنه» هند (۲۴۸۳ - ف ۳۰۹۲) محفوظند و تصاویر دو نسخه اخیر در «معهد المخطوطات العربیة» نگه‌داری می‌شود. ر.ک: فهرس مخطوطات المکتبه المحمودیه، ص ۱۰۹؛ فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربیة)، الجزء الثاني (التاریخ)، القسم الثالث، ص ۱۶۵.

۲. در الکتب الموجودة بالمکتبة الازهریة، ج ۸، ص ۳۸۹، ترتیب کتاب به نحو مذکور در فوق بیان شده است، ولی در نسخه چاپی رفع الاصر، تنها ترتیب الفبایی مشاهده می‌شود.

۳. یوسف زیدان، فهرس مخطوطات مکتبه رفاة رافع الطه‌طهاوی، الجزء الثاني، ص ۴۲۸.

۴. فهرس مخطوطات مکتبه عارف حکمت المدینه، ص ۲۹۷؛ فهرس المخطوطات المصوّرة، الجزء الثاني (تاریخ)، القسم الثالث، ص ۴۷.

۵. تصویر نسخه مذکور در «الجامعة الاسلامیة بالمدینه المنورة» نگه‌داری می‌شود. ر.ک: فهرس کتب التراجم فی مکتبه المصغرات القلمیة فی قسم المخطوطات فی عمادة شؤون المکتبات فی الجامعة الاسلامیة، ص ۶۵ و ۶۶.

۶. تصویر نسخه مذکور در «معهد المخطوطات العربیة» نگه‌داری می‌شود. ر.ک: فهرس المخطوطات المصوّرة، (تاریخ)، ج ۳، ص ۴۷.

۷. تصویر نسخه مذکور در «معهد المخطوطات العربیة» نگه‌داری می‌شود. ر.ک: فهرس المخطوطات المصوّرة (تاریخ)، ج ۱، ص ۴۹.

ش ۱۸۱۲ محفوظ است.^۱

اسامی قضات مُترجم در ذیل رفع الاصر عبارتند از:

- ۱- برهان‌الدین ابراهیم ابن الدیری؛ ۲- احمد ابراهیم کنانی
- عسقلانی؛ ۳- احمد بن احمد انصاری خزوجی؛ ۴- احمد بن احمد اسیوطی؛ ۵- احمد بن عبدالله کنانی عسقلانی (ابن حجر)؛
- ۶- احمد بن محمد دمیری؛ ۷- احمد بن محمد حبشی؛
- ۸- احمد بن محمد اذرعی؛ ۹- احمد بن ناصر باعونی دمشقی؛
- ۱۰- احمد بن نصرالله کرمانی؛ ۱۱- حسن بن علی حصنی حموی؛
- ۱۲- سعد بن محمد بن الدیری نابلسی؛ ۱۳- زکریّا بن محمد انصاری؛
- ۱۴- سلیمان بن ابی‌العزا ذرعی؛ ۱۵- صالح بن عمر کنانی عسقلانی؛
- ۱۶- عبدالله بن شریک؛ ۱۷- عبدالقادر دمیری؛
- ۱۸- علی بن محمد آدمی؛ ۱۹- علی بن محمود سلمی حموی؛
- ۲۰- علی بن محمد سخاوی؛ ۲۱- علی بن یوسف مصری؛
- ۲۲- عمر بن ابی‌بکر محمد؛ ۲۳- عمر بن عبدالوهاب؛
- ۲۴- عمر بن محمد رازی؛ ۲۵- محمد بن احمد کحکاوای؛
- ۲۶- محمد بن احمد بساطی؛ ۲۷- محمد بن احمد اسدی؛
- ۲۸- محمد بن احمد تنسی؛ ۲۹- محمد بن احمد شافعی؛
- ۳۰- محمد بن اسحاق سلمی مناوی؛ ۳۱- محمد بن ابی‌بکر مالکی؛
- ۳۲- محمد بن عبیدالله کریزی؛ ۳۳- محمد بن عثمان کردادی؛
- ۳۴- محمد بن علی قایانی؛ ۳۵- محمد بن عمار مصری؛
- ۳۶- محمد بن عمرو حلبی؛ ۳۷- محمد بن عمر قاهری؛
- ۳۸- محمد بن ابی‌بکر سدرش؛ ۳۹- محمد بن محمد مصری؛
- ۴۰- محمد بن محمد کنانی؛ ۴۱- محمد بن محمد بن صافی؛
- ۴۲- محمد بن محمد سنباطی؛ ۴۳- محمد بن محمد بغدادی؛
- ۴۴- محمد بن محمد شافعی؛ ۴۵- محمد بن محمد بن شهاب غازی؛
- ۴۶- محمد بن محمد حنفی؛ ۴۷- محمود بن احمد عنتابی؛
- ۴۸- یحیی بن محمد عناوی؛ ۴۹- محمد بن احمد بن مزهد.

منابع: کشف الظنون، ج ۱، ص ۹۰۹ و فهرس یاد شده در پاورقی‌ها.

آغاز: بسمله «قال سیدنا الحافظ العمدة خادم السنّة النبویّة شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن الشیخ العلامة عبدالرحمن بن ابی‌بکر المقرئ السخاوی المصری القاهری رحمه الله تعالى الحمد لله الحکیم العدل الشامل کلاً من خلقه بالجلود والفضل ... و بعد فهذا جزء افردت فيه بالذكر من تأخر عن شیخنا من کبار القضاة بالقاهرة و مصر و کذا من کان بزمه

ممن لم یره بأصله مسطوراً أو اثبتته ولكن طوی أكثر خبره لکونه لم یکن عنده مشهوراً ... و رتبته كأصله الترتیب المألوف علی الحروف».

انجام: «ثم دفن بترتبه و لم یلبث ان استقرّ ولده البدری محمد فی وظيفته و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم».

نسخ احمد بن ابی‌بکر نسفی مالکی، ظهر سه‌شنبه ۱۴ شوال ۹۷۳، عناوین و نشانی‌ها: شنکرف، بلاغ مطالعه و قرائت به تاریخ ۱۰۳۸ ق در آخر نسخه ثبت شده است. در اول نسخه، فهرست اسامی صاحبان ترجمه در کتاب حاضر آمده است و نیز چند تملک و عبارت «وقف کتابخانه مدرسه محمودیه» و مهر بیضوی به سجع: «وقف کتابخانه مدرسه محمودیه فی المدينه المنورة»؛ ۱۷۰ صفحه، ۲۷ سطر.

(۱۰۰۵) المنتخب من کنايات الادباء و اشارات البلغاء (بلاغت - عربی) از: قاضی ابوالعباس احمد بن محمد بن احمد جرجانی شافعی (۴۸۲ ق).

کنايات مربوط به امور گوناگون که به نظم یا نثر بوده، در این کتاب گردآوری شده‌اند. در فهرس الكتب الموجودة بالمکبة الازهریة با استفاده از مقدمه مؤلف، کتاب چنین توصیف شده است: «جمع فيه من کلّ ممّتع من الکنايات الفائقة و الاشارات اللطيفة و النوارد البديعة و الرموز الملیحة و الحکایات و الاشعار و المعانی و النکت و رتبته علی اربعة و عشرين باباً». مؤلف در معنی و غرض از «کنايه» در مقدمه می‌گوید: «اعلم، انّ الاصل فی الکنايات عبارة الانسان عن الافعال التي تستر عن العیون عادة من نحو قضاء الحاجة و الجماع، بالفاظ تدلّ علیها غیر موضوعه لها، تنزّهاً عن ایرادها علی جهتها و تحرّراً عما وضع لأجلها إذ الحاجة الی ستر أقوالها کالحاجة الی ستر أفعالها، فالکناية عنها حرز لمعانها ...».

عناوین ابواب ۲۴ گانه کتاب: ۱- فی الکنايات الواردة فی القرآن و الآثار؛ ۲- فی الکناية عن الزنا و ما يتعلّق به؛ ۳- فی الکناية عن الجماع و الآلة و قوتها و ضعفها؛ ۴- فی الکناية عن الصفات کالثیوبة و البکاره؛ ۵- فی الکناية عن إتيان النساء فی

وَأَنَّ اللَّيْلَ إِذَا مَا لَمْ يَفِ قَرِيبٌ مَسِطَحٌ بَوَلَّهَ الْبَرْقُ الْفَنَارَ
ثَاوَدَ الْمَنُورُ بِحَقِّ مَنْ مَسَّ الْعَقَبِيَّ فِي مِيلٍ أَيْ سَلَّمَ فَانْتَدَى
تَرِيدَنْ كَيْفَا تَجْعَلِي وَخَالِدًا وَمَلَّجَعَ السِّقَا وَجَلَّ فِي غَدَا
وَشَاوَرُ مُسْلِمٍ بِنِ قَيْمَتِهِ فَقَالَ لَوْ كَانَ فِيهَا الْمَنَةُ الْأَلَا اللَّهُ لَمَسَدْنَا
مَابٌ فِي كُنَايَاتٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَفُتُونٌ
سَهَا حَقْلَةً هـ

يَسْأَلُ فَلَانٌ مَنْ تَوْمُ مَوْعِي إِذَا كَانَ مَبْلُوكًا أَشَانًا لِي
قَوْلَهُ عَالِيٍّ وَأَذَلْتُمْ يَا نَوْحِي لَنْ صَبْرٍ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ إِلَّا لِبَاءِ
فِي أَشْرِ لَمْ يَكُنْ خَلِيلٌ وَلَا الْفَاحِلِيلُ كَلَامًا
إِذَا كُنْتُمْ تَوْمُ مَوْعِي نَهْمٌ لَا صَبْرٍ عَلَى طَعَامٍ

قَالَ الْقَبَّاسُ بِالْأَخْفَفِ
«سَمِعْتُ مَا يُعْرَفُ بِرَأْيِ وَيَقُولُ لَيْسَ لِمَا لَمْ يَلْعَلْ الْعَامِدُ
فَاحِشًا وَدُمُوعَ عَيْنِي بِحُجْمٍ حُرِّيٍّ عَلَى الْحَدِّ عَزَّ وَجَلَّ
يَا فَوْزَلَهُ عَزَّ كِلَالًا لَمْ يَعْزُضْ وَلَا لِحَالًا وَاشْرَحَ حَسَابًا
لَكُنِّي حُرِّيَّتَكُمْ فَوْجَكُمْ لَا تَصْبِرُونَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ

المنتخب من كنايات الادباء

المواضع المنهى عنها؛ ٦- في الكناية عن الاجارة واللواطة؛
٧- في الكناية عن التفخيز والجلد والسحق؛ ٨- في الكناية عن
البغاء والابنة؛ ٩- في الكناية عن قلة غيرة الازواج؛ ١٠- في
الكناية عن القيادة؛ ١١- في الكناية عما ينقض الوضوء كريح؛
١٢- في انواع الكنايات؛ ١٣- في العدول عن الالفاظ المتطير
بها؛ ١٤- في التخلص من الكذب بالتورية؛ ١٥- في الكناية عن
الصفة الخسيسة؛ ١٦- في وصف الاشياء بغير صفتها؛ ١٧- في
تأدية المعاني الى المخاطب بما يخفى على الحاضر؛ ١٨- في
الفاظ باطنها خلاف ظاهرها؛ ١٩- في الرموز الجارية بين
الادباء في المداعبات؛ ٢٠- في المسمى والمكنى؛ ٢١- في
الكناية عن الاطعمة والمأكولات؛ ٢٢- في من تمثل بشعر
كناية عن امر؛ ٢٣- في كنايات مختلفة وفنون متفرقة؛
٢٤- في الفاظ متخيرة تجرى مجرى الكنايات.

در كشف الظنون از اين كتاب به عنوان كنايات الادباء
و اشارات البلغاء ياد شده، ولي در چاپ‌های متعدد، نام كتاب در
روی جلد به منتخب كنايات الادباء ... درج شده است.

چاپ‌های کتاب

١. مصر، مطبعة السعادة، ١٣٠٨ و ١٣٢٦ ق (ضمن مجموعه)؛
٢. لبنان، بيروت، دار صعب، بدون تاريخ و دارالكتب
العلمية، ١٤٠٥ به ضمیمه الكناية و التعريض ثعالبي؛
٣. حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانية، ١٤٠٣ ق، به تحقيق
دکتر محمد شمس الحق شمسى؛ اين چاپ بهترين طبع از کتاب
مذکور است که مقدمه و تعليقات فنی دارد.

در نسخه چاپ مصر از دو نسخه خطی موجود در
«دارالکتب المصرية» قاهره و نسخه ترکیه استفاده شده است.
منابع: كشف الظنون، ج ٢، ص ١٥١١؛ هدية العارفين، ج ١،
ص ٨٠؛ معجم المؤلفين، ج ٢، ص ٦٦؛ فهرس الكتب الموجودة
بالمكتبة الازهرية، ج ٥، ص ٢٧١ و ج ٨، ص ١٩٣.
طرفین نسخه افتاده و از اوایل باب اول تا واسطه باب ٢٣
را شامل است.

آغاز افتاده: «غالباً و العرب تقول في الكناية عن عفة ...
و روى ان النبي ﷺ كان اذا دخل العشر الاواخر من رمضان
ايقظ اهله و شد الميزر».

انجام افتاده: «قال لقيت علياً عليه السلام يوم الجمل فلما رآني قال
يابن صرد تنانات ... قلت يا امير المؤمنين، الشوط بطين و قد

بقی من الامور ما تعرف به».

نسخ زیبا و معرب؛ عناوین نسخ جلی؛ بدون نام کاتب
و تاریخ کتابت (قرن ٧ ق)؛ علامت بلاغ دارد. ٢٩٦
صفحه، ١٥ سطر.

(١٠٠٦) جامع المناسك (فقه - عربی)
از: حسام‌الدین محمود بن درویش علی حلّی نجفی (زنده
در ١٠٦٨ ق)

رساله مختصری است در بیان احکام و مناسک حج.
مؤلف گوید: چون خدای کریم توفیق حج بیت‌الحرام را نصیب
کرد، دوست داشتم که رساله‌ای در جمع فقه حج بنویسم و لذا،
رساله حاضر را نگاشتم. حسام‌الدین حلّی در مقدمه
و اختتامیه کتاب، به نام خود تصریح نموده و نام کتاب را در
مقدمه جامع المناسک آورده و پایان تألیف در عصر روز
دوشنبه ٨ شعبان ١٠٤٦ در نجف اشرف بوده است. در رساله
حاضر احکام حج به صورت فتوایی مطرح شده و در موارد
اندکی به ادله روایی اشاره شده است. عناوین رساله «فصل»

المرسلين وهدانا لولاية خلفائه الائمة المعصومين واراننا مناسكنا وجعلنا لحج بيته ولزيارة نبيّه وآله من الموقّنين».
انجام: «يضطجع فيه ليلاً مرّ به او نهراً وليكن هذا آخر ما اردناه في هذا المنسك حامدين لله و شاكرين وقد اتفق الفراغ من تأليفه ... وصلى الله على سادتنا محمد وآله الطاهرين. تم بحمد الله».

نسخ: برخی کلمات معرب؛ احمد بن قاسم حسینی نجفی، ۱ ربيع الاول ۱۰۷۸ در اصفهان، با دو واسطه از روی نسخه مؤلف نگاشته چنانکه کاتب در آخر نوشته: «نقلاً من نسخة نقلت من نسخة نقلت من نسخة المصنّف». نشانی‌ها: مشکي؛ در حاشیه تصحیح شده و حواشی به لفظ «منه» دارد و در موارد اندکی نسخه بدل دعاها در حاشیه ذکر شده است. ۶۶ صفحه، ۱۷ سطر.
نسخه اصل: کتابخانه «واتیکان»، رم، ایتالیا. ش ۱۷۶۰، فهرست المخطوطات العربية الاسلامية بمكتبة الفاتيكان، لیفی دلافیدا، الجزء الثاني، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

(۱۰۰۸) شرح الخطبة الشقشقية^۵ (شرح حدیث - عربی) از: میرزا ابوالمعالی بن محمد ابراهیم کلباسی (۱۳۱۵ ق) شرحی است بر خطبه «شقشقیه» منسوب به امام علی علیه السلام، با عناوین «قوله - قوله» که بیش‌تر به جنبه‌های ادبی پرداخته است. تألیف این شرح در ۲۳ رمضان ۱۲۸۶ به پایان رسیده است. از مهم‌ترین خطبه‌های حضرت علی علیه السلام که در آن از حقانیت خود و ناحق بودن دیگر خلفا سخن می‌گوید، خطبه «شقشقیه» است. برخی اعتبار سندی این خطبه را انکار کرده و آن را از ساخته‌های سید رضی، گردآورنده نهج البلاغه، دانسته‌اند. در مقابل، کسانی هم چون ابن ابی‌الحدید، این ادعا را رد کرده‌اند^۶ و برخی دیگر هم چون ابن‌میثم، با اشاره

و «القول في ...» است.

نمونه‌ای از عناوین کتاب: فصل: ينبغي لمن اراد الحج ان يقطع العلائق ...؛ فصل: فاذا بلغت احد المواقيت ...؛ القول في الاحرام؛ القول في الطواف؛ القول في ركعتي الطواف؛ القول في السعي؛ فصل: واما افعال الحج فثلاثة عشر ...؛ القول في الاحرام بالحج؛ القول في الوقوف بعرفات؛ القول في الوقوف بالمشعر؛ القول في افعال مني؛ القول في زيارة البيت لطواف الحج؛ القول في مبیت لیالی التشريق و ما يتبعه من رمي الجمار؛ فصل: ويستحب العود الى مكة لطواف الوداع و دخول البيت؛ القول في دخول البيت؛ القول في الوداع؛ فصل: يستحب التعريس.

پس از اختتامیه، ملحقی از مؤلف با عنوان «تذنیب فی العمرة المفردة» به رساله افزوده شده است.

مؤلف از علمای بزرگ شیعه در قرن یازدهم هجری و از شاگردان شیخ بهائی بوده و شیخ جعفر بن کمال‌الدین بحرانی از او روایت کرده است. افندی در ریاض العلماء از او به نام شیخ «حسام‌الدین درویش علی چلبی نجفی» یاد کرده و گفته: او در اجازه‌اش به سید محمود نجفی، خود را «حسام‌الدین بن درویش علی چلبی نجفی» معرفی کرده است.^۱ سید علی‌خان مدنی نیز در ابتدای شرح صحیفه سجّادیه از او نام برده و او را شیخی فاضل و زبده مجتهدین معرفی کرده است.^۲ در اعیان الشیعه از او به عنوان «حسام‌الدین بن درویش علی حلی نجفی» یاد شده و نامش «محمود» دانسته شده است.^۳ در طبقات اعلام الشیعه و الذریعه، میزان المقادیر از تألیفات وی معرفی شده که در ۱۰۵۶ ق تألیف و به سال ۱۳۰۰ ق در بمبئی به چاپ رسیده است.^۴ علامه تهرانی می‌افزاید: دو اجازه از وی به شیخ محمد بن دنانه کعبی در نسخه‌ای از من لا یحضره الفقیه به خط مجاز دیده که تاریخ یکی از آن‌ها ذی‌حجه ۱۰۶۸ بوده است. ادلة الاحکام و هداية المسترشدين و حاشية تهذيب الوصول و حاشية زبدة الاصول از دیگر تألیفات حسام‌الدین حلی است و نیز در ماه رمضان ۱۰۳۲ اجازه‌ای برای سید یحیی بن اعرج حسینی نوشته است.

منابع: ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۳۷؛ طبقات اعلام الشیعة؛ الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، ص ۱۳۴؛ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۰۵؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۲۵.
آغاز: «الحمد لله الذي منّ علينا بشريعة محمد ﷺ سيّد

۱. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۴۹.

۳. اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

۴. الذریعه، ج ۲۳، ص ۳۲۱.

۵. «شقشقیه» پاره گوشتی است که شتر هنگام بانگ کردن از دهان بیرون کند و چون درنگ پاره گوشت در بیرون از دهان شتر در مدتی اندک است، امام شکوه خود را بدان همانند فرموده است و در پاسخ ابن عباس اظهار داشت: «يا بن عباس، تلك شقشقة هدرت ثم قوت».

۶. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۹.

به همین اختلاف، هر چند ساختار ظاهری خطبه را از آن امیرمؤمنان (علیه السلام) نمی‌دانند، ولی محتوایش را می‌پذیرند.^۱ علامه مجلسی با ارائه سندهای متعدد، از آن به عنوان خطبه‌ای مشهور میان عامه و خاصه یاد می‌کند.^۲ علامه امینی در کتاب الغدير، به طور مفصل، سند این خطبه را بررسی می‌کند و آن را از خطب امام علی (علیه السلام) می‌شمارد. او در اثبات مدعای خود، ۲۸ طریق دیگر جز طریق سید رضی برمی‌شمرد که بعضی از آن‌ها مربوط به روزگار پیش از سید رضی‌اند و برخی هر چند مربوط به روزگار پس از رضی‌اند، اما سلسله راویان آن‌ها متفاوت است.^۳ امتیاز علی‌خان عرشی در کتاب گرانقدر استاد نهج البلاغه می‌نویسد: خطبه ششقیه بیش از همه خطبه‌ها هدف نقد و ایراد قرار گرفته است؛ زیرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این خطبه، از موضوع خلافت سخن می‌گوید و از اسرار غصب خلافت پرده برمی‌دارد...، این خطبه را بسیاری از متفکران و نویسندگانی که قبل از رضی می‌زیسته‌اند در کتاب‌ها و آثار خود ثبت کرده‌اند.^۴

درباره این خطبه در دانشنامه امام علی (علیه السلام) به تفصیل بحث شده و دانشمندان شیعه و سنی ده‌ها شرح و ترجمه و رساله به زبان‌های عربی، فارسی و اردو بر آن نگاشته‌اند. علامه تهرانی از هشت شرح بر خطبه مذکور نام می‌برد که قدیمی‌ترین آن‌ها شرح سید مرتضی است و پس از او شروح سید علاءالدین گلستانه، مولی هادی بنابی، سید علی اکبر نقوی لکنهوی، سید محمد عباس تستری، سید علی محمد نقوی لکنهوی و میرزا ابی‌المعالی کلباسی را نام می‌برد.

غیر از شروح مذکور، نسخه‌ای از شرح محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی قمی در کتابخانه «دانشگاه تهران» موجود است.^۵ و نیز نسخه‌هایی از شرح شریف بن نورالله حسینی^۶ و شرح منظوم محمد تقی بن امیر مؤمن حسینی^۷ در کتابخانه بزرگ «آیه‌الله مرعشی نجفی (ره)» محفوظ است. هم‌چنین شرح محمدرضا بن محمد رشید نائینی در کتابخانه «مجلس» نسخه‌ای دارد.^۸ و نسخه‌های متعددی از شروح ناشناخته در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی ایران موجودند. از شروح چاپی جدید، می‌توان از شرح محمدرضا حکیمی و شرح محمدباقر زنجانی سخن به میان آورد.

منابع: الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۲۲؛ دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۵، ص ۱۵۸-۱۶۴ و ج ۱۲، ص ۶۲-۶۴.

آغاز: «قوله أما بالفتح والتخفيف حرف التنبيه نحو ألا والمعربون يعبرون عنها على ما يظهر من المغنى بحرف الاستفتاح وتكثر قبل القسم على ما صرح به فيه قوله (علیه السلام) لقد تقمصها اللام لام جواب القسم».

انجام: «قد بالغت فيه في التدبر والتعمق بما لا يسعني تحريره ولا تقريره وشرح الكفاية في الفروع وهو قليل الآن وشرط في التفسير وغيرهما أنه جواد كريم لا يخيب لديه الآمال والحمد لله على كل حال».

نسخ؛ متن خطبه معرب؛ متن خطبه در بالای صفحات درج شده است. عناوین و نشانی‌ها: سنگرف، با حواشی مؤلف به امضای «منه عفی عنه»؛ ۹۸ صفحه، ۱۱ سطر. نسخه اصل: کتابخانه «آیه‌الله گلپایگانی»، قم، ش ۱۰، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰.

(۱۰۰۹) مکارم الاخلاق (اخلاق - فارسی)

از: رضی‌الدین ابوجعفر محمد نیشابوری، (۵۹۸ ق) چهل باب است در بیان فضایل و مکارم اخلاقی به شیوه‌ای ادبی و دلنشین که به نام «مجیرالدین نجم بن محمد (یا نصر بن احمد) دهستانی» ساخته است. این کتاب به همت مرحوم دانش‌پژوه در ضمن دو رساله در اخلاق به سال ۱۳۴۱ ش، به همت دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

دانش‌پژوه در مقدمه تحقیق آورده است: مکارم الاخلاق رضی‌الدین نیشابوری، که به روش نصیحة الملوك غزالی به نگارش درآمده، آمیخته است با داستان‌ها و حکایات و آثار مذهبی و متکی است به تجارب و ملاحظات اجتماعی

۱. ابن‌میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. علی انصاریان، شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الانوار للعلامة المجلسی، ج ۱، ص ۶۰.

۳. عبدالحسین احمد امینی نجفی، الغدير فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۷، ص ۸۲.

۴. امتیاز علی‌خان عرشی، استاد نهج البلاغه، ص ۲۱-۲۰.

۵. فهرست دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۲۴۸، ش ۲۴۷۹ رساله سوم مجموعه.

۶. فهرست کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ج ۸، ص ۱۹۳، ش ۳۰۰۸، رساله نوزدهم مجموعه.

۷. همان، ج ۲۸، ص ۴۴۸، ش ۱۱۲۹۴ رساله نهم مجموعه.

۸. فهرست کتابخانه مجلس، ج ۲۳، ص ۳۳۴، ش ۱۰۳۲ رساله سی و پنجم مجموعه.

اَسْكُرْهُمْ مَدَنِيًّا وَشُكْرًا عَنِّي عَفْوِي اِذَا انْفَضَى حَقِّي
وَبِأَيِّ كِتَابٍ بِرَجْهَلٍ يَابُغَاذُ شَدَّ وَاللَّهِ الْمُرْتَبِ
بَابُ در فضيلت كَرِيمِ عَلِيٍّ
بَابُ در اقسام خلق و ماهيت آن
بَابُ در تطهير نفس از اخلاق ذميمة و كسب اخلاق حميدة
بَابُ در سخاوت و بخل
بَابُ در عزت و ذلت و ايداء و استهزاء
بَابُ در خالت و كبر
بَابُ در تواضع و تكبر
بَابُ در ثبات و تردد

مكارم الاخلاق

و آراسته به سخنان بزرگان آموخته و گرم و سرد چشیده و نزدیک به فهم توده مردم که نتایج نیک و بد رفتار و کردار آدمی را با تمثیل به حکایات مشهود می‌سازد.

در این کتاب، که از شاهکارهای ادبی قرن ششم هجری در زبان فارسی است، در هر باب، ابتدا روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس اشعاری به عربی یا فارسی و متناسب با موضوع حکایات و قصص مطرح شده است. ابواب کتاب حتی الامکان به ترتیب حروف تهجی ابتدای موضوعات مرتب شده و عناوین آن‌ها بدین قرارند: ۱- در فضیلت و خلق؛ ۲- در اقسام خلق و ماهیت آن؛ ۳- در تطهیر نفس از اخلاق ذمیه و کسب خصال حمیده؛ ۴- در سخاوت و بخل؛ ۵- در عزت و ذلت و ایداء و استهزاء؛ ۶- در بطالت و کسل؛ ۷- در تواضع و تکبر؛ ۸- در ثبات و تردد؛ ۹- در جد و جهد؛ ۱۰- در حیا و شرم؛ ۱۱- در حزم؛ ۱۲- در حسد و حقد؛ ۱۳- در خلف و وعد؛ ۱۴- در دنائت و ضد آن؛ ۱۵- در حفظ الغیب و مذمت غیبت؛ ۱۶- در مرحمت و قسوت؛ ۱۷- در صدق و کذب؛ ۱۸- در صمت و ضد آن؛ ۱۹- در شجاعت و بزدلی؛ ۲۰- در صبر؛ ۲۱- در ضرر و عنا و نمیمت (تهمت) و قطیعت و نفع مسالمت و طیب سخن و اصلاح ذات البین؛ ۲۲- در طمع؛ ۲۳- در عدل و ضد آن؛ ۲۴- در عتاب؛ ۲۵- در عجب؛ ۲۶- در عشق؛ ۲۷- در عفو؛ ۲۸- در عفت؛ ۲۹- در حلم و غضب؛ ۳۰- در فکرت؛ ۳۱- در رفق و ضد وی؛ ۳۲- در قناعت و حرص؛ ۳۳- در شکر و کفران؛ ۳۴- در کتمان سر؛ ۳۵- در لعب و لهو؛ ۳۶- در مشورت؛ ۳۷- در سعایت و نمیمت؛ ۳۸- در وفا؛ ۳۹- در هدایت؛ ۴۰- در یقین.

منزوی پنج نسخه از کتاب مذکور شناسانده است:

۱- کتابخانه عمومی «بور دور» در شهر انطالیه که دارای نسخه کهنی از این کتاب است و فیلم آن در دانشگاه تهران (ش ۲۳۴۷) موجود است. (فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۰۴؛ نشریه نسخه‌های خطی، دفتر اول، ص ۲۲۴)؛

۲- کتابخانه «مدرسه سپهسالار»، ش ۱۶۶ مشیر، به خط امین‌الله محرز، کتابت ۱۲۸۸ ق و فیلم آن به شماره ۹۲۱ در دانشگاه تهران موجود است. (فهرست سپهسالار، ج ۵، ص ۶۴۷؛ فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۰۴)؛

۳- کتابخانه «سعید نفیسی»، کتابت ۱۲۹۳ ق؛ مرحوم دانش‌پژوه در تصحیح کتاب از سه نسخه مذکور استفاده کرده

است. (نشریه نسخه‌های خطی، دفتر اول، ص ۲۲۴)؛

۴- کتابخانه «امیرکبیر کاشان»، ش ۳۱۱، سده ۱۱ و ۱۲

(نشریه نسخه‌های خطی، دفتر چهارم، ص ۳۵۸)؛

۵- کتابخانه «ملی تبریز»، ش ۳۵۴۱، کتابت ۱۲۹۸ ق

(نشریه نسخه‌های خطی، دفتر چهارم، ص ۳۱۳)؛

نسخه حاضر قدیمی‌ترین نسخه موجود و شناخته شده از کتاب بوده و برگ آغاز آن افتاده است. این نسخه از نظر آیین کتابت در سده هفتم هجری، حایز اهمیت است؛ از جمله آن‌که بسیاری از کلمات فارسی اعراب‌گذاری شده و در بین جملات، علایمی هم چون دایره نهاده شده و مصرع‌های ابیات با سه نقطه (:) از هم جدا گردیده و در کنار (ی) دو نقطه قرار داده شده است: (ی) و هجدهم، هشدهم نگاشته شده است. بیان خصوصیات اعمال شده در کتابت این نسخه، مقاله مستقلی می‌طلبد.

منابع: کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۵۱۱؛ منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۶۹۰-۱۶۹۱؛ مشار، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۴، ص ۴۹۰۳؛ الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۴۶.

بَابُ دَرَجَاتِ وَصْدَانِ هَشْتِ عَشْرٍ
قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ صَمْتِ نَبِيٍّ
مَنْ كَرِهَ كَوْنَهُ سِرّاً مِنْ جَمَلِهِ مَعَالِدُ إِيْمَانٍ يَأْتِي
وَعَبْدَ اللَّهِ تَعَفَّى كَقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
كُنْتُمْ حَدِيثِي بِأَمْرِ غَنَمٍ بِمَنْ مَرَّ بِكَارِيٍّ دَلَّكَ لَكَ
كُنْ دَرَجَتِي نَوْزَ وَجْهٍ بِدَفْعِهِ سَارِمٌ فَرَمُودٌ مُلَاقِي اللَّهِ
ثُمَّ اسْتَمَّ بِرُؤُوسِهِ كَارِخُودًا دَانٍ وَجَاهُ أَمْرٍ وَغَنِيٍّ
دَانٍ رُوحٍ بِرُكْنِهِ بِأَرْسُولِ اللَّهِ مَا خُوفٌ كَانُ عَلَى
أَيِّ يَمِينٍ خَلَّ بِرُؤُوسِهِ بِرُؤُوسِهِ فَاخْذِلْنِي عَالِمًا

مکارم الاخلاق

آغاز افتاده: «نصر الدهستانی دست داده بود ذکر آن تمنی تازه شد باتمام اجازت فرموده و بر لفظ گهربار و اندکی دیباجة آن بذکر من مطرّز باید کرد اشارت او را بامثال تلقی کرده آمد.» انجام: «در فضیلت یقین فرموده است من اقل ما اوتیتم الیقین و عزيمة الصبر و من اوتی حظّه منهما لم یبال ما فاته من قیام اللیل و صیام النهار و الله الموفق و الهادی الی الرشاد.» نسخ زیبا؛ عناوین اشعار و ابواب به خط درشت؛ نشانی‌ها و علایم نگارش: شنگرف؛ عبداللطیف بن حسن مکتبی به «ابی بکر»؛ ربیع الاول ۶۷۹ به امر نجم‌الدین محمود؛ در حاشیه تصحیح دارد. کاتب در پایان نسخه نوشته است: «تم الكتاب الموسوم بمکارم الاخلاق امر هذا الكتاب بالکتابه الصدر الكبير الخبير الموقر ملک اکابر العصر اکفی کفاة الدهر المتّصف بمکارم الاخلاق مشهور الآفاق نجم الدولة و الدین محمود رفع الله قدره... اقترح منه دام ظلّه ان يجعل هذا الكتاب انیس ساعاته و جلس اوقاته و هو مجاذب الیه کلّ حین و اوان تحریراً فی شهر ربیع الاول سنة تسع و سبعین و ستمائة...» در برگ اول

چند حدیث و یادداشت‌هایی در بیان واجبات نماز و معانی چند لغت و نسبت کتاب به زمخشری درج شده و در برگ دوم مهر بیضوی به سجع «العبد الفقیر عبد الله الشهیر ببهاء الدین» و یادداشت وقف از ابراهیم شریف حسینی بدین عبارت آمده است: «قد وقفها مع شروط بعض اخواتها الرمضانية سنة ۱۲۳۰، انا الواقف الاثیم الشریف الحسینی ابراهیم». مهر بیضوی کتابخانه «مدرسه نمازی» خوی به تاریخ ۱۳۶۵ نیز بر آن ثبت شده است. در حاشیه برگ ۸۷ (ابتدای باب هشدهم) دو بیت شعر فارسی در مدح خاموشی به خط عیسی بن ناصرالدین بن الحاج حاجی قطب‌آبادی به تاریخ ربیع الاول ۷۸۱ مشاهده می‌شود. ۳۵۶ صفحه، ۱۰ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «مدرسه نمازی» خوی، ش ۶۲۸، فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی، ص ۳۳۶.

(۱۰۱۲) نخبة المناقب الفاخرة فی مدح العترة الطاهرة (مناقب اهل بیت (علیهم السلام) - عربی) از: سید عبدالقادر بن محمد درویش حسینی مشهور به «ابن حمزه»^۱ (زنده در ۱۲۷۳ ق) رساله مختصری است در بیان فضایل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم (علیهم السلام)، با استفاده از آیات و احادیث و کلمات بزرگان، که به نام سلطان عبدالمجید عثمانی تألیف و به وی تقدیم شده است. تألیف این اثر در ۲۱ ذی‌قعدة ۱۲۷۳ به پایان رسیده است. مؤلف در مقدمه می‌گوید: «لما کان من اهمّ ما یجب علی الانسان القیام بشأنه بعد القرآن احترام آل بیت المصطفی - علیه الصلاة والسلام - اردت أن اذكر ممّا ورد فی شأنهم فی القرآن العظیم من الآیات الکریمه و ما هو مفرق فی الکتب من الاحادیث الشریفه، و الذی ذکره العلماء الاعلام فی کتبهم کالامام الشعرانی و تفسیر الامام البغوی و المواهب اللدنیة و شرحها و روح البیان و جامع الصغیر و ابوالسعود و شیخ‌زاده و الفتوحات المکیة و بعض مؤلفات بهذا الشأن عثرت علیها و جعلت ذلک خدمة لهذا الدین المتین و الحق المبین و تحفة لحضرت تاج السلاطین...».

۱. نام مؤلف در اهل بیت فی المکتبة العربیة، ص ۶۴۰، «عبدالرزاق بن محمد درویش الحمزوی الشهیر بابن حمزة الحسینی» درج شده، ولی در نسخه‌های خطی کتاب، از جمله نسخه حاضر، در متن کتاب نام مؤلف به طریقی که در فوق آوردیم، ذکر شده است.

حاشیه تصحیحات اندکی به چشم می خورد. نام کتاب در کتیبه صفحه اول به عنوان النخبة الفاخرة فی مدح الذریة الطاهرة ثبت شده است. ۲۴ صفحه، ۱۹ سطر.

(۱۰۱۳) اقاویل الاوائل فی معرفة البول و اقسامه

ودلایله (= معرفة البول = کتاب البول) (طب - عربی)، از: اسحاق بن سلیمان طبیب اسرائیلی قیروانی مصری (۳۲۰ ق) کتاب طبّی مهمی است در شناخت بول و بیان اقسام و علایم آن، برگرفته از مجموع اقاویل اطبا در این خصوص که شامل ده باب می باشد: ۱- مایة البول و هیولاه؛ ۲- لم صار بول اللیل اصدق دلالة من بول النهار؛ ۳- دلائل البول الدالة على الامراض؛ ۴- منفعة البول و مضرته؛ ۵- اختلاف البول و اقسامه؛ ۶- معرفة قوام البول؛ ۷- فیما یأثف من الوان البول مع الرقة او مع الغلظ؛ ۸- معرفة ثقل البول و اقسامه و دلایله؛ ۹- فیما یأثف من الوان البول و قوامه مع الانتقال و ما لا یأثف منها؛ ۱۰- فیما یختص به کل واحد من اشخاص البول و الثقل و ینفرد به من الدلائل دون غیره.

مؤلف کتاب، اسحاق بن سلیمان اسرائیلی، صاحب تألیفات متعدد، از اطبای معروف قرن چهارم هجری و از پزشکان خاص «عبیدالله مهدی» (خلافت ۲۹۶ - ۳۲۲ ق)، اولین خلیفه فاطمی مصر، بوده است. وی علاوه بر علم طب، در حکمت و منطق نیز تبحر داشته و در این زمینه نیز دارای تألیفاتی است؛ هم چون: الحدود و الرسوم، بستان الحکمة، کتاب المدخل الی المنطق، کتاب فی الحکمة شامل یازده میمر.

عناوین برخی از آثار طبّی وی عبارتند از: کتاب المدخل الی صناعة الطب، کتاب دلائل الاطبا که به زبان عبری در ۱۸۶۱ م به چاپ رسیده است، کتاب الحمیات، کتاب الادویة المفردة، کتاب اقاویل الاوائل فی طبائع الاغذیة و فوائدھا و اقربا ذین، کتاب الادویة المفردة و الاغذیة از وی به چاپ رسیده است.

نسخه دیگری از کتاب حاضر - که در موضوع خود، از امهات کتب محسوب می شود - در کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۱۴۶ شناسایی شده است و دو نسخه دیگر در کتابخانه «مغنیسا» و کتابخانه «ایاصوفیا» در ترکیه نگه داری می شوند. نسخه پنجم آن نیز در «دارالکتب الوطنیة» در تونس محفوظ است.

دو نسخه از این کتاب می شناسیم: ۱- نسخه ش ۴۹۲۷ کتابخانه دانشگاه «برنستون» در لس آنجلس امریکا، کتابت ۱۲۷۳ ق که احتمالاً نسخه اصل باشد. در فهرست مآخ، ص ۳۹۵ به عنوان النخبة الفاخرة فی فضل ذریة فاطمة معرفی شده است.^۱

۲- نسخه ش ۲۲۶۹ کتابخانه بزرگ آیه الله مرعشی نجفی (ره)، به خط مصطفی بن محمد بن احمد عرضی حلبی کتابت ۱۲۷۴ ق در دمشق.^۲



اقاویل الاوائل

آغاز: «الحمد لله على ما افاض من الجود والصلاة والسلام على سيدنا محمد افضل كل موجود حباه مولاہ بشرف عترته و جمع اشتات الفضائل فی فروعه و ازمنتہ و منحه من الفضل العظيم فی زويه و ذریته».

انجام نسخه: «لأن اخذ الاجر على تبليغ الوحي الالهی الذي هو اعز الاشياء لا يجوز للنبي لأن العلم جوهر ثمين و الدنيا خرف مهين على ان ذلك».

نسخ؛ بدون نام کاتب و تاریخ کتابت؛ قرن ۱۳ ق؛ تمامی صفحات مجدول؛ صفحه اول سرلوح و کتیبه کم کار؛ در

۱. محقق طباطبائی، اهل البيت فی المکتبة العربية، ص ۶۴۰.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۶، ص ۲۵۴.

منابع: فؤاد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه جهان‌داری، ج ۳ (پزشکی، داروسازی، ...)، ص ۴۱۲ - ۴۱۶؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۱۹۹؛ طبقات الاطباء والحکماء، ص ۸۷؛ عیون الانباء، ج ۲، ص ۳۶؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱۹، ص ۴۶۶؛ قاضی صاعد اندلسی، طبقات الامم، ص ۸۸؛ فهرس المخطوطات الطب الاسلامی باللغات العربیة و ترکیة و الفارسیة فی مکتبات ترکیا، ص ۱۳۴ - ۱۳۵؛ فهرس مخطوطات الطب و الصيدلة و البیطرة و البیطرة فی دارالکتب الوطنیة بتونس، ج ۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۶؛ فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربیة)، الجزء الثالث العلوم، القسم الثاني (الطب)، ج ۱، ص ۲۲ و ۷۷ و ج ۲، ص ۲۸.

آغاز: بسمله «وصلی علی محمد و آله و سلم تسلیماً کتاب مجموع من اقاول الاوائل فی معرفة البول و اقسامه و دلائله ممّا عنی لجمعه و تألیفه اسحق بن سلیمان الاسرایلی المتطبّب و صیّره عشرة ابواب ... الباب الاول فی مایة البول و هیولاه قال اسحق انّ البول هو مایة الدم».

انجام: «فی رغوۃ البول و زبده البول اذا کان علی وجهه زبد ... اذا کان علیه شبیه العنب کان دالّاً علی وجع الکلى، تمّ کتاب البول و الحمد لله...».

نسخ؛ بدون نام کاتب؛ ربیع الآخر ۳۴۷؛ برخی از کلمات معرّبند. عناوین به خط درشت؛ نام کتاب در صفحه عنوان کتاب معرفة البول درج شده است. در حاشیه صفحات تصحیحات اندکی به چشم می‌خورد. ۱۰۰ صفحه، ۲۷ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «واتیکان»، رم، ایتالیا، ش ۳۱۰، فهرست المخطوطات العربیة الاسلامیة بمکتبة الفاتیکان، لیفی دلا فیدا، ج ۱، ص ۲۶.

(۱۰۱۴) کنه الاخبار (= تاریخ عالی) (تاریخ - ترکی)
از: مصطفی بن احمد بن عبدالمولی گلیپولی رومی متخلص به «عالی» (۱۰۰۸ ق)

مصطفی عالی افندی دفتری، شاعر و نویسنده معروف ترک زبان در قرن دهم و یازدهم هجری، صاحب آثار بسیاری در رشته‌های گوناگون شعر و ادب، تاریخ و تراجم، اخلاق و آداب، انشا و مکاتبات، تصوّف و عرفان و ترجمه چند کتاب به زبان ترکی است.

از جمله آثار وی است: ۱ - سبحة العشاق؛ ۲ - تحفة الصلحاء؛ ۳ - مهر و ماه؛ ۴ - تحفة العشاق؛ ۵ - ریاض السالکین؛ ۶ - انیس القلوب؛ ۷ - حلیۃ الرجال و الاقطاب فی النجاء و الابدال؛ ۸ - نوادر الحکم؛ ۹ - محاسن الادب؛ ۱۰ - نصیحة السلاطین؛ ۱۱ - تاریخ انکروس؛ ۱۲ - منشأ الانشاء؛ ۱۳ - زبده التواریخ؛ ۱۴ - راحة النفوس؛ ۱۵ - نادر المحارب؛ ۱۶ - هفت مجلس؛ ۱۷ - مرآت العوالم؛ ۱۸ - روضة عرفان؛ ۱۹ - عزّة العصر فی تفسیر سورة النصر؛ ۲۰ - سبحة الابدال و بیش از سی اثر دیگر. از حلیۃ النبی و دیوان عالی در کتابخانه بزرگ آیه‌الله مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای وجود دارد.^۱

کنه الاخبار - که گاهی به سبب انتساب به مؤلفش، تاریخ عالی خوانده می‌شود - تاریخ اسلام و دولت عثمانی است به زبان ترکی عثمانی، مرتب بر چهار رکن:

رکن اول: در اول خلقت و اخبار امم و اقالیم؛
رکن دوم: در امتّ عرب و سیره پیامبر اکرم ﷺ و خلفا و امویان و عباسیان و مصنفان و علما و مشایخ و اطبا و حکما؛

رکن سوم: در ترک و تتار؛
رکن چهارم: در دولت عثمانی و اخبار ممالک روم تا سال ۱۰۰۳ ق.

عالی این کتاب را در ۱۰۰۶ ق به پایان رسانده و در سال ۱۲۷۷ ق در استانبول به چاپ رسیده است.^۲ نسخه‌هایی خطی از کتاب مذکور در «دارالکتب القومیة» قاهره مصر یافت می‌شوند.^۳

منابع: عثمانلی مؤلفلری، ج ۳، ص ۸۵ - ۹۴؛ قاموس الاعلام، ج ۴، ص ۳۰۵۰؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۴۳۸.
نسخه حاضر شامل رکن چهارم از کتاب است.

آغاز نسخه: «سپاس بسیار اول صانع بزرگوار و خالق لیل و نهار جناب اعلا سنه که اولاً نور محمدی مظهر عزّ سرمدی قیلوب خلقتنی انوار جمالتک».

۱. حسین متقی، فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه بزرگ آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ص ۹۳ و ۱۲۴، نسخه‌های شماره ۸۶۲ و ۹۲۳۶.
۲. فهرس المطبوعات ترکیة عثمانیة التي اقتنتها دارالکتب القومیة، القسم الثانی، ص ۳۱۵.
۳. فهرس المخطوطات ترکیة عثمانیة التي اقتنتها دارالکتب القومیة، القسم الثالث، ص ۳۱۰ - ۳۱۳.

انجام نسخه:

«ای زبانی جار باری سو محمد عشقنه

بایزیدی مشرب اول اولمه تباهیلرکی

تمّ المجلد الاول».

نسخ؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ قرن ۱۲ ق؛ عناوین:

شنگرف؛ در حاشیه تصحیح شده است. فهرست مطالب

این جلد در اول نسخه درج شده است. در اول نسخه چند

یادداشت تملک از جمله از محمد حمید در ۱۱۵۴ ق با

مهر بیضوی وی و نیز تملک سید احمد حسیب قاضی با

مهر بیضوی وی و مهر بیضوی به سجع سید ابراهیم دیده

می شود. ۴۹۰ صفحه، ۲۹ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «فاتح»، استانبول ترکیه، ش ۴۲۲۵

(منتقل شده به کتابخانه «سلیمانیه»، دفتر فاتح کتبخانه سی،

ص ۲۴۲.

(۱۰۱۵) شرح المفضّلیات

(ادب - عربی)

از: ابو محمد قاسم بن محمد بن بشار انباری (۳۰۴ ق)

مفضّل بن محمد بن یعلی بن عامر ابن ضبی، مکنی به

«ابوالعباس» و مشهور به «مفضل ضبی» (م ۱۶۸ ق)، از روات

شعر و عالم به ادب و ایام عرب و از مردم کوفه بود. منصور،

خلیفه عباسی، از وی خواست که منتخبی از قصاید عرب در

دوران جاهلیت و اسلام را برای پسرش مهدی گرد آورد.

مفضّل ۱۲۶ قصیده را انتخاب کرد و آن را الاختیارات نامید

و به «المفضّلیات» مشهور گشت.^۱ این کتاب بارها به چاپ

رسیده و شروح متعددی بر آن نگاشته اند؛ از جمله:

۱ - شرح ابی محمد قاسم بن محمد بن بشار انباری

(م ۳۰۴ ق) که قدیمی ترین شرح بر المفضّلیات است و به

تحقیق احمد محمد شاکر و عبدالسلام هارون به سال

۱۹۴۲ م در مصر به چاپ رسیده و نسخه ای خطی از آن در

«متحف عراقی» محفوظ است و نسخه دیگری نیز در

«دارالکتب ظاهریه» دمشق دارد و نسخه هایی نیز در

کتابخانه های ترکیه از جمله «لاله لی» و «ایاصوفیه» دارد.^۲

۲ - شرح ابی علی احمد بن محمد بن حسن مرزوقی

(م ۴۲۱ ق)؛ نسخه خطی آن در کتابخانه «توبنگن» آلمان

موجود است و تصویر آن در «معهد المخطوطات العربیة» در

قاهره نگه داری می شود.^۳

۳ - شرح ابی زکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی مشهور

به «خطیب تبریزی» (م ۵۰۲ ق)؛ نسخه ای به خط مؤلف در

«جامع زیتونه» تونس، ش ۵۳۱ محفوظ است و تصویر آن در

«دارالکتب» مصر نگه داری می شود.^۴ این شرح با تحقیق علی

محمد بجاوی در دو جلد به اهتمام «دار نهضة» مصر به چاپ

رسیده است.

۴ - شرح احمد بن محمد میدانی (۵۱۸ ق) که اکنون در

دست نیست؛

۵ - شرح ابو جعفر احمد بن محمد اسماعیل نحوی مصری

معروف به «ابن نحاس».

نسخه تصویری حاضر - که اصل آن در کتابخانه

«چستریتی» محفوظ است - بخشی از شرح قاسم بن محمد

انباری است که در فهرست آربری، شارح شناخته نشده است.

فؤاد سزگین وفات انباری را ۳۲۸ ق ثبت نموده، ولی در

بیشتر منابع مورد مراجعه، ۳۰۴ ق درج شده است.

آغاز نسخه: «ای همهم فی الحرب و اصلاح آدابها لا

یهتمون بملبس و لا مطعم و منه قول الاعشی:

تری همّه نظراً خضره

و همک فی الغزو لا فی السمن»

انجام نسخه:

«فالعين بعدهم کأنّ حداقها

سلمت بشوک فهی عور تدمع

قال الضبی اراد بالعين العینین جمیعاً لأنّه اذا ... و قال امرؤ

القیس: و عین لها جذرة ...»

نسخ؛ معرب؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ سده پنجم

هجری؛ ابیات متن به خط درشت در حاشیه تصحیح

۱. از تألیفات دیگر مفضّل است: الامثال، معانی الشعر، الانفاظ والعروض. نک:

لغت نامه دهخدا، ماده «مفضّل»؛ فؤاد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه

مهران ارزنده، ج ۲ (شعر)، ص ۹۵-۹۷؛ سرکیس، معجم المطبوعات العربیة

و المعربة، ج ۲، ص ۱۷۷۱؛ فهرس الکتب الموجودة بالمکتبة الزهریة، ج ۵

ص ۲۵۸.

۲. زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۱۸۱؛ معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۱۱۵؛ مخطوطات

الادب فی المتحف العراقي، ص ۳۹۷؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، قسم

الادب، ج ۱، ص ۳۳۹؛ تاریخ نگارش های عربی، ج ۲ (شعر)، ص ۹۷.

۳. فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربیة)، الجزء الاول (الادب)،

القسم الرابع، ص ۱۹۴-۱۹۶؛ زرکلی، الاعلام، ج ۱، ص ۲۱۲؛ معجم المؤلفین،

ج ۲، ص ۹۱.

۴. فؤاد سید، فهرست المخطوطات، ج ۲، ص ۸؛ زرکلی، الاعلام، ج ۹، ص ۱۹۷.

شده و علامت بلاغ دارد. حواشی اندکی دارد. ۳۷۴ صفحه، ۱۴ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دبلین ایرلند جنوبی، ش ۳۴۲۶، آربری، قائمه المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ج ۲، ص ۷۸؛ همو، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ترجمة محمود شاکر سعید، ج ۱، ص ۲۵۲.

(۱۰۱۶) العقد التلید فی اختصار الدرّ النضید (= المعید فی ادب المفید و المستفید)، (اخلاق - عربی)، از: عبدالباسط بن موسی بن محمد علموی دمشقی شافعی (۹۸۱ق) گزیده‌ای است از الدرّ النضید فی آداب المفید و المستفید بدرالدین محمد بن رضی‌الدین غزی شافعی (م پس از ۹۳۲ق) در فضیلت و آداب علم و عالم و معلم و متعلم و مفتی و مستفتی، شامل مقدمه و شش باب و خاتمه بدین تفصیل:

المقدمة: فی الامر بالاخلاص و الصدق و احضار النیة؛
الباب الاول: فی فضیلة الاشتغال بالعلم و تعلّمه و تعلیمه و نشره و حضور مجالسه درسه فصل؛
الباب الثانی: فی اقسام العلم، در سه قسم؛
الباب الثالث: فی آداب المعلم و المتعلم، در سه نوع؛
الباب الرابع: فی آداب الفتوی و المفتی و المستفتی، در چهار نوع؛

الباب الخامس: فی شروط المناظرة و آدابها و آفاتها، در دو فصل؛
الباب السادس: فی الادب مع الكتب و ما یتعلّق بتصحیحها و ضبطها و وضعها و حملها و شرائها و استعارتها و نسخها... شامل مسائل؛
الخاتمة: فی رقائق لطیفة مناسبة.

علموی این گزیده را العقد التلید فی اختصار الدرّ النضید، یا المعید فی ادب المفید و المستفید نامیده است. وی در آخر این رساله، شغل خود را واعظ جامع اموی معرفی کرده است. از دیگر آثار اوست: مختصر تنبیه الطالب و ارشاد الدارس فیما بدمشق من المدارس.

منابع: معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۶۹ و ۷۰؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۷۳۵؛ فهرس المخطوطات العربیة المصورة الموجودة بمکتبة المخطوطات بجامعة الكويت، ج ۳، ص ۱۹۱.

آغاز: «الحمد لله نحمده و نستعینه و نستغفره و نؤمن به و نتوکل علیه و نسأله الخیر کله ... اما بعد فهذه رسالة مختصرة جمعها العلامة شیخ الاسلام البدر محمد بن محمد بن محمد بن الرضی الغزی الشافعی طال بقاؤه فی فضیلة العلم و العالم ... ملخصاً لها من مقدمة شرح المذهب لشیخ الاسلام المحیوی النووی و من غیرها من الكتب المعتمدة و سماها بالدر النضید فی ادب المفید و المستفید و اختصرها کاتبها مسماً لها بالعقد التلید فی اختصار الدرّ النضید»^۱.

انجام: «واختم لنا منك بخیر و اصلح لنا شأننا کله ... علقه مختصراً لنفسه ثمّ لمن شاء الله من بعده المفتقر ... العلموی ثمّ الوقت الواعظ بالجامع الاموی».

نسخ؛ به خط مؤلف؛ قرن ۱۰ق؛ عناوین به خط درشت؛ در حاشیه تصحیح شده است و حواشی دارد. در آخر نسخه صورت نامه‌ای از شیخ بکارزعی به تاریخ دوشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۱۰۳ درج شده است. ۱۱۶ صفحه، ۲۳ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دبلین ایرلند جنوبی، ش ۳۲۱۱، آربری، قائمه المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ج ۱، ص ۸۶؛ همو، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ترجمة محمود شاکر سعید، ج ۱، ص ۱۲۱.

(۱۰۱۷) المجرد من تهذیب الکمال (رجال - عربی)

از: شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی شافعی (۷۴۸ق)

الکمال فی معرفة الرجال، از تقی‌الدین عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعلی (۶۰۰ق) درباره احوال رجال صحاح شش‌گانه اهل سنت و عده‌ای از ثقات متقدم است. این کتاب اصلی برای کتاب‌های بسیار قرار گرفته که در کشف الظنون (ج ۲، ص ۱۵۹) نام آن‌ها درج شده است؛ از جمله جمال‌الدین یوسف بن زکی مزی (۷۴۲ق) آن را تهذیب نموده و تهذیب الکمال نامیده است. این کتاب نیز اصلی برای تألیفات بسیار دیگر شده: از جمله شمس‌الدین محمد ذهبی چهار اثر متأثر از کتاب مذکور نگاشته است:

۱ - تهذیب التهذیب؛ نسخه‌هایی از تهذیب در کتابخانه‌های

۱. در هامش نسخه آمده است: «او تسمی بالمعید فی ادب المفید و المستفید».

ذهبی در این کتاب، رجال کتب صحاح ستّه را در ده طبقه و در هر طبقه به ترتیب حروف الفبا آورده است. طبقات ده گانه عبارتند از: ۱- صحابه؛ ۲- قدماء التابعین؛ ۳- التابعین الذين تأخروا و متوسطوهم؛ ۴- عصر الزهري؛ ۵- طبقة الاعمش و ابی حنیفه و ابن عون؛ ۶- طبقة الثوري و مالك؛ ۷- طبقة سفیان بن عیینة؛ ۸- طبقة الشافعی و عبدالرزاق و اقرانهم؛ ۹- طبقة احمد بن حنبل و علی بن مدینی؛ ۱۰- طبقة البخاری و صغار شیوخ الائمة.

نسخه‌های شناخته شده از المجرد:

۱- نسخه شماره ۵۲۳ کتابخانه «علی پاشا» استانبول (ف ۷۹۵)، کتابت ۷۱۷ ق، مقابله شده با نسخه ذهبی در تاریخ مذکور؛ تصویری از این نسخه در «معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية»، ش ۵۷۶ موجود است و به سبب افتادگی اوراق آغازین آن، در فهرس المخطوطات المصوّرة، فؤاد سید (تاریخ ج ۲، ص ۱۰) شناسایی دقیق نشده و به عنوان اسماء رجال تهذیب الکمال للمزی معرفی شده است.

۲- نسخه شماره ۹۹۳۸ کتابخانه سلطنتی برلین، معرفی شده در فهرست المخطوطات العربية بالمکبة الملكية فی برلین، ولیم الورد، ج ۹، ص ۳۹۲؛

۳- نسخه شماره ۱۰۳۲ کتابخانه «واتیکان» که تصویر معرفی شده حاضر از این نسخه اخذ گردیده است.

منابع: کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۰۹ و ۱۵۹۳؛ هدیه العارفين، ج ۲، ص ۱۵۴؛ مقدمه دکتر بشار عوّاد، معروف به «تهذیب الکمال»، ص ۵۳ - ۵۶؛ نجم عبدالرحمن خلف، استدرکات علی تاریخ التراث العربی لفؤاد سرگین فی علم الحديث، ص ۴۲۸.

آغاز: «الحمد لله المتفرد بالبقاء المستقل بالعتاء المتطول بالنعماء المتفضل برحمته علی من اتقاه حقّ الاتقاء ... اما بعد فانی طالعت کتاب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال و هم رجال الكتب الستة و ما انضم اليها».

۱. یوسف العث، فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية (التاریخ و ملحقاته)، ص ۲۱۵.
۲. فهرست المخطوطات (دارالکتب المصرية)، المجلد الاول (مصطلح الحديث)، ص ۱۷۶.
۳. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷.
۴. هدیه العارفين، ج ۲، ص ۱۵۴.

این تصویر از یک صفحه از نسخه خطی «تهذیب الکمال» است که در آن به رجال کتب صحاح ستّه اشاره شده است. در پایین صفحه، یک خطبه یا مقدمه به خط نستعلیق درج شده است که با «الحمد لله» آغاز می‌شود. در کنار خطبه، یک مهر یا امضاء به خط شکسته دیده می‌شود.

المجرد من تهذیب الکمال

«دارالکتب الظاهرية» دمشق^۱، دارالکتب المصرية قاهره^۲ و «طوب قایی» استانبول نگه‌داری می‌شوند و چند نسخه عکسی از بخش‌های گوناگون آن در کتابخانه بزرگ آیه الله مرعشی نجفی (ره) موجودند.^۳ صفی‌الدین احمد بن عبدالله خزرچی ساعدی آن را تلخیص کرده و به نام خلاصة تهذیب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال در مصر به چاپ رسیده است.

۲- الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة؛ نسخه‌ای به خط مؤلف، مورخ ۲۷ رمضان ۷۲۰ در کتابخانه «تیموریه» (رقم ۱۹۳۵) تاریخ) محفوظ است.

۳- المقضب من تهذیب الکمال؛ شمس‌الدین سخاوی از این کتاب یاد کرده و گفته است: «و للذهبی اسماء من اخرج لهم اصحاب الكتب الستة فی تالیفهم سواها ممن لم يذكرهم فی الکاشف».^۴

۴- المجرد من تهذیب الکمال؛ کتاب حاضر را سبکی در الطبقات (ج ۹، ص ۱۰۵) و حاجی خلیفه در کشف الظنون (ج ۲، ص ۱۵۹۳) به عنوان المجرد فی رجال الكتب الستة یاد کرده‌اند.

انجام: «آخر طبقة البخاری و باقی شیوخ الائمة الحمد لله وحده فرغ منه محمد بن احمد الذهبي فی سنة خمس عشرة و سبعمائة».

نسخ؛ احتمالاً به خط مؤلف در ۷۱۵ق؛ در حاشیه تصحیح شده است و متن خط خوردگی دارد. رمزهای اسامی کتابها در بالای اسامی رجال با مرکب قرمز درج شده اند. در آخر نسخه یادداشت یکی از شاگردان مؤلف بدین عبارت آمده است: «تناولت هذا المصنف من مصنفه الحافظ العلامة شيخ المحدثين ابي عبد الله الذهبي وصح في سادس و عشرين المحرم سنة خمس و اربعين و سبع مائة و كتب عبد الوهاب بن علا الشبلي (؟) الشافعي ...»، در اول نسخه یادداشتی به تاریخ ۱۲۴۴ ق آمده است. ۱۳۴ صفحه، ۲۷ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «واتیکان»، رم، ایتالیا، ش ۱۰۳۲، فهرست المخطوطات العربية الاسلامية بمكتبة الفاتيكان، ليفي دلافيديا، ج ۱، ص ۱۲۲.

(۱۰۱۸) المعالجات البقراطية (= الكتاش^۱ فی الطب)، (طب - عربی)، از: ابوالحسن احمد بن محمد طیب طبری (قرن ۴ ق)

احمد بن محمد ابوالحسن طبری مانند علی بن عباس مجوسی، شاگرد ابوماهر موسی بن یوسف بن سیرا بود و مورد توجه خاص رکن الدوله از سلسله آل بویه (۳۲۰ - ۳۶۶ ق) قرار داشت. احتمال دارد مرگ او در ۳۷۵ ق روی داده باشد. درباره طبری گفته اند: مطب داری برجسته بود و تجربیات بسیار و افکاری بدیع داشت. تعریفی که از بیماری های چشم به دست داده است کاملاً ناشناخته مانده، ولی جراحی نمی کرد. از جمله آثار طبّی وی: رساله فی ذکر القارورة، علاج الاطفال، مقالة فی طبّ العين، کتاب الفصد و کتاش فی الطب که به المعالجات البقراطية معروف است.

المعالجات البقراطية دارای تبویب خاصی است که متفاوت با کتاب های طبّی دیگر همچون منصوری و قانون است؛ به قول ابن ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء - که از همین کتاب نام برده و آن را از کتب جلیل و نافع دانسته - عبارت از کُنَاشی است مشتمل بر ده مقاله، هر مقاله مَبُوب بر ابواب عدیده (بجز مقالة اول که مَفْصَل بر فصول است) در

ذکر علل و امراض، منطبق بر مسلک بقراط و تقسیمات آن ها از جنس به نوع، تا برسد به نوع الانواع و بیان طریقه مداوا و علاج علی حده هر یک از امراض.

عناوین مقالات ده گانه عبارتند از:

المقالة الاولى: فی الفصول التي لا يستغنى الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها، شامل ۵۰ فصل؛
المقالة الثانية: فی الاعلال التي تحدث فی الاعضاء الباطنة

فأفوه صلبه... فصلاً أيضاً وأن لم يكن المزاج قد أخذ
والمزاج قد أخذ... فالغرض بالمزاج والعلاج...
النشوء المعسل للخلل... الأسود مع رب العسل...
ومنهم من يغذي الرطبة والبالدة...
الحكمة المتعددة...
لذا كان السبب...
العسل...
علاجه...
على المزاج...
بما بعد...
الورد...
على...
اعلال...
ان شاء الله تعالى

المعالجات البقراطية

من الرأس، در ۳۵ باب؛

المقالة الثالثة: فی الاعلال التي تحدث فی الاعضاء الباطنة

من الرأس، در ۴۳ باب؛

المقالة الرابعة: فی اعلال العين و ذکر طبقاتها و منافعها

و خلقها و مداواتها، شامل ۵۴ باب؛^۲

۱. «كتاش» (به ضم اول و تشدید ثانی) اصل و بیخ را گویند که از آن شاخ ها برآیند و فرع های متعدد از آن ناشی شوند و در اصطلاح اطباء، مجموعه ای است که یادداشت ها و ملاحظات طبیب را دربردارد. بعضی «كتاش» را به فتح اول خوانده و آن را به معنای حاوی و جامع دانسته اند.
۲. مقاله رابعة المعالجات البقراطية همراه با فردوس الحکمة به وسیله «مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی» در لندن به سال ۱۴۱۹ ق به چاپ رسیده است.

المقالة الخامسة: فی امراض الانف والاذنین، در ۳۴ باب؛
المقالة السادسة: فی اعلال الفم والسن واللهاة والعمور
والحلق والرقبة، در ۵۸ باب؛

المقالة السابعة: فی اعلال جلدة البدن، در ۶۰ باب؛
المقالة الثامنة: فی اعلال الصدر والرئة والغشاء
والحجاب وسائر آلات النفس والقلب وغلافه، در ۳۸ باب؛
المقالة التاسعة: فی وصف المعدة ووضعها وخلقها
واجناس اعلالها وعلاجات جميع ذلك، شامل ۵۲ باب؛
المقالة العاشرة: فی امراض الكبد والطحال والامعاء وذكر
خلقها ووضعها ومنفعتها، شامل ۴۹ باب؛

نسخه‌های متعددی از این کتاب در کتابخانه‌های جهان
شناسایی شده‌اند.^۱ برخی از نسخه‌های موجود در
کتابخانه‌های ایران عبارتند از: کتابخانه «مجلس»، ش ۱۹۷
و ش ۳۰۸ و ۵۲۶۸؛ کتابخانه «ملی»، ش ۱۱۵۱ و ۳۲۷۵۷؛
کتابخانه «آستان قدس رضوی» ش ۵۲۱۸ و ۵۲۱۹ و ۴۵۱۵۰.
منابع: الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۴۱ و ۱۹۶/۲۱؛ ابن ابی‌اصیبه،
عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ج ۱، ص ۳۲۱؛ فؤاد سزگین، تاریخ
نگارش‌های عربی، ترجمه جهان‌داری، ج ۳، ص ۴۳۴-۴۳۶،
فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱۹،
ص ۵۲۵-۵۲۹؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۱۲؛ مخطوطات
الطب فی المتحف العراقي، ص ۳۴۱؛ فهرست مخطوطات الطب
الاسلامی فی مکاتب ترکیه، ص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ فهرست مخطوطات
دارالکتب الظاهرية، (الطب و الصيدلة)، ج ۲، ص ۲۵۶.

تصویر حاضر، که از نسخه کتابخانه «چستربیتی» اخذ
شده، شامل مقالات رابعه و خامسه و سادسه است و فهرست
ابواب هر مقاله در ابتدای آن آمده است.

آغاز نسخه: «المقالة الرابعة من الكناش المعروف
بالمعالجات البقراتية فی اعلال والعین و ذکر طبقاتها
و منافعها و خلقها و مداواتها و هی اربعة و خمسون باباً الباب
الاول نذكر فيه خلقة العين ونذكر الطبقات والرطوبات...
الباب الاول فی خلقة العين و ذکر الطبقات والرطوبات
و عددها نحن نذكر انواع الرمد وسائر اعلال العين».

انجام نسخه: «انقطاع الصوت حتى تنتهي الى ذكر اعلال
الرئة وقصة الرئة فنشرحه هناك شرحاً بليغاً ان شاء الله
تعالی، تمت المقالة السادسة من الكناش المعروف بالمعالجات
البقراتية...».

نسخ معرب، عناوین به خط درشت، بدون نام کاتب؛ شب
پنج‌شنبه غره محرم ۶۷۴؛ در حاشیه اندکی تصحیح
و حواشی به چشم می‌خورد. در اول نسخه تملک «ناصر
رفول» و در آخر آن یادداشتی از «رفول بن یوسف بن
رفائیل» آمده است. ۳۴۱ صفحه، ۲۱ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستربیتی»، دبلین، ایرلند جنوبی،
ش ۳۹۹۴، آربری، قائمه المخطوطات العربية فی مكتبة تشتریتی،
الجزء الرابع، ص ۸۳؛ فهرس المخطوطات العربية فی مكتبة
تشتریتی، ترجمه محمود شاکر سعید، الجزء الاول، ص ۵۷۱.

(۱۰۱۹) [مسند ابن وهب] (حدیث - عربی)
از: ابو محمد عبدالله بن وهب بن مسلم فهری قرشی
(۱۹۷ ق)

ابن وهب، فقیه و محدث مالکی، در ۱۲۵ ق در مصر چشم
به جهان گشود، در مدینه به خدمت مالک بن انس رسید
و مدت بیست سال هم صحبت وی بود و از او فقه آموخت.
وی از محضر فقیهان دیگری هم چون لیث بن سعد و ابن دینار
نیز فقه آموخت. علاوه بر روایت از استادان یاد شده، او از
محدثانی هم چون ابن جریج، ابن عیینه، ابن لهیعه، حمید بن زیاد،
سفیان ثوری و عبدالرحمن بن زیاد افریقی نیز حدیث شنید. از
جمله کسانی که از او حدیث شنیده‌اند، می‌توان ابن مدینی،
ابومصعب زهری، ابوصالح کاتب اللیث، ربیع بن سلیمان مرادی،
سخن بن سعید، عبدالرحمن بن مهدی، محمد بن عبدالله بن
عبدالحکیم، یحیی بن عبدالله بن بکیر، یحیی بن یحیی لیشی
و برادرزاده اش احمد بن عبدالرحمن بن وهب را نام برد.

وی از نخستین کسانی بود که بین «حدثنی» و «حدثنا» و بین
«اخبرنا» و «حدثننا» فرق می‌نهاد و در روایت نحوه اخذ خود از
شیوخ را با دقت بیان می‌کرده است. منابع بر کثیر الحدیث
بودن او تأکید نموده و یادآور شده‌اند که وی یکصد هزار
حدیث روایت کرده است. وی در قرائت نیز دستی داشت
و قرائت «نافع» را به طریق «عرض» از او فرا گرفته بود.

۱. نک: فؤاد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه جهان‌داری، ج ۳، ص ۴۳۵.
۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ج ۱، ص ۵۹ و ج ۲، ص ۳۰۸ و ج ۱۶، ص ۹۰.
۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، ج ۹، ص ۱۴۱ و ج ۱۳، ص ۲۲۹.
۴. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱۹، ص ۵۲۵-۵۳۰.

آثار تألیفی ابن وهب - یاد شده در منابع گوناگون - عبارتند از: الجامع فی الحدیث^۱ که بخشی از آن بر روی پایپروس باقی مانده و داوید ویل این نسخه را در سال‌های ۱۹۳۹ - ۱۹۴۸ م با برخی حواشی در قاهره به چاپ رسانده است.^۲ الجامع مشتمل بر این مباحث است: کتاب انساب، کتاب سکوت، کتاب خاتم، احادیث مربوط به جنگ حنین و دعایی از ابن عباس؛ المجالسات عن مالک^۳؛ موطأ کبیر؛ موطأ صغیر؛ احوال القیامة؛ تفسیر القرآن^۴؛ نسخه‌ای که مشتمل بر احادیث ابن وهب به روایت ابوصالح عبدالله بن صالح است و در «دارالکتب» مصر موجود می‌باشد؛ تفسیر غریب الموطأ؛ کتاب القدر که در عربستان به چاپ رسیده است؛ المغازی؛ لاهام و لاصفر؛ البیعة؛ الردة.

هم چنین کتابی از ابن بشکوال در دست است که در آن از استادانی یاد شده که ابن وهب از آنان روایت کرده و نسخه خطی آن در یک کتابخانه شخصی در رباط دیده شده است. کتاب حاضر، که نسخه اصلی آن در کتابخانه «چستربیتی» محفوظ است، در فهرست مکتبه مذکور به عنوان الجامع فی الحدیث از ابن وهب معرفی شده است.^۵ در ابتدای این نسخه درج شده: «هذا الجزء لعل من موطأ الامام ابن وهب تلمیذ الامام مالک». هم چنین به خط قدیمی تر ثبت شده است: «هذا جزء لطیف من کتب الاحادیث الحسان اسکن الله مؤلفه اعلا الجنان انه رؤف منان امین».

در فهرست «دارالکتب ظاهریه» نسخه‌ای از کتابی به عنوان مسند ابن وهب معرفی شده که ویژگی‌های کتاب حاضر را دارد و گویا بخش دیگری از همین کتاب است. در فهرست مذکور آمده است: «الجزء الثامن من بقية المسند وفي الجزء من كتاب الرضاع والجهاد والعلم والفرائض والحج وكتاب الجهاد أيضاً رواية محمد بن عبدالله بن عبدالحکم المصري و بحر بن نصر بن سابق الخولاني و سماع لصاحبه على ابن ابراهيم بن احمد الراماني نسخة عتيقة من القرن الرابع»^۶.

در نسخه حاضر، که شامل کتاب الاطعمة، کتاب الاشربة، کتاب المناسک، کتاب الزکاة، کتاب الصلاة، کتاب النکاح، کتاب الصوم، کتاب القسامة و العقول و الدیات است، راویان از ابن وهب دو نفرند: ۱ - ابو عبدالله بحر بن نصر بن سابق خولانی؛ ۲ - محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری. نحوه روایت آنان و روایت ابن وهب از مشایخش بدین نحو است:

و ابن معلق فقد جاء طلاقه وان عتق فقد جاء عتاقه
عن محمد بن وهب قال اخبرني ابن لهيعة وابن سويان
عن عبد الرحمن بن عرج عن ابي هريرة ان رسول الله صلى الله عليه
فهو عن جمع بين المرأة وعتقها وبين المرأة وخالها
عن محمد بن وهب قال اخبرني ابن لهيعة عن
عبد الله بن هب عن ابن زريق التافقي عن ابي ذر عن رسول الله صلى الله عليه
من كتاب الصوم
حدثنا بحر قال قري على ابن وهب اخبرك مالک وعنده عن
حميد الطويل عن اسد بن مالك قال سألنا رابع رسول الله صلى الله عليه
رمضان فأتى ربع الصائم على المظفر ولا المظفر على الصائم
حدثنا بحر قال قري على ابن وهب اخبرك الحسن بن زيد
عن ابن زياد عن عيسى بن مالك قال وان كانوا ابرون من صام
فهو افضل قال بشر بن عروبة رابع رسول الله صلى الله عليه وسلم خبنا
فقال رسول الله صلى الله عليه من كان له ظمأ فافضل فليصم
حدثنا بحر قال قري على ابن وهب اخبرك عمرو بن الحرث عن
ابن اسود عن عروة بن الزبير عن ابي هريرة عن النبي صلى الله عليه
انه قال بر رسول الله اجدي قوة على الصيام في السفر

مسند ابن وهب

حدثنا بحر انا ابن وهب، قال: حدثني مالک بن انس ...؛ حدثنا بحر انا ابن وهب، قال: اخبرني ابن لهيعة، قال: اخبرني ...؛ حدثنا بحر قال: قرأ على ابن وهب اخبرني يونس بن زيد ...؛ اخبرنا محمد انا ابن وهب، قال: اخبرني يحيى بن أيوب ...

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۷۶؛ مخطوطات الحدیث النبوی الشریف و علومه فی دار صدام للمخطوطات، ص ۱۰۳، ردیف ۲۳۲ تصویر از نسخه قدیمی محفوظ در دارالکتب مصر.

۲. این کتاب اخیراً نیز با تصحیح دکتر مصطفی حسن حسین محمد ابوخیار در دو جلد به وسیله انتشارات «دار ابن الجوزی» به سال ۱۴۱۶ ق در عربستان به چاپ رسیده است. محقق از نسخه ش ۲۲۰۱ دارالکتب مصر - کتابت قرن سوم هجری - استفاده نموده است.

۳. ایضاح المکون، ج ۲، ص ۴۲۸.

۴. معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۶۲؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۴۰؛ ثعلبی در الکشف و البیان از تفسیر ابن وهب یاد کرده است.

۵. به یقین رساله حاضر غیر از الجامع فی الحدیث است. سبک و سیاق این رساله با کتاب مذکور متفاوت است. عناوین کتاب‌های الجامع عبارتند از: کتاب النسب، کتاب الاسماء، کتاب البر و العتق، کتاب الصمت، کتاب الغیبة، کتاب الطیرة و العدوی و الهام و الصفرة و القول، کتاب التفسیر.

۶. یاسین محمد سؤاس، فهرس مجامع المدرسة المعریة فی دارالکتب الظاهرية بدمشق، ص ۲۱۱.

ش ۳۴۹۷، آربری، قائمة المخطوطات العربية في مكتبة تشتریتی، ج ۲، ص ۱۱۱ (معرفی شده به نام الجامع فی الحدیث)؛ همو، فهرس المخطوطات العربية في مكتبة تشتریتی، ترجمة محمود شاكر سعيد، ج ۱، ص ۲۹۷.

(۱۰۲۰) الدلائل الباهرة فی المسائل الظاهرة، (كلام-عربی) از: قاضی شمس الدین جعفر بن احمد بهلولی سناعی زیدی (۵۷۳ق)

مؤلف از اهالی سناع واقع در جنوب صنعای یمن، فقیه، محدث، متکلم و ادیب زیدی بوده، صاحب تألیفات بسیار است که بیش از چهل کتاب از او در مؤلفات الزیدیه معرفی شده؛^۲ از جمله: ابانة المناهج فی نصیحة الخوارج، ابحار العدة، الاربعون الحدیث الجعفریة، اركان القواعد، البالغة، تحکیم الانصاف، تقویم المائل و تعلیم الجاهل، تیسیر المطالب من امالی ابی طالب، حدائق الازهار فی مستحسن الاجوبة و الاخبار، خلاصة الفوائد، الدماغ للباطل، ذم الاهواء و الوهم، الرسالة الجامعة، الرسالة الفاتحة، الرسالة القاهرة، الرسالة الناصحة، شرح قصيدة صاحب بن عبّاد، شرح نکت العبادات، شهادة الاجماع، الصامته الوفیة، العمدة، الفائض المحيط، قواعد التقویم، المؤاخاة، المسألة الشافیة، المسألة النافعة، المسألة الوافیة، المسائل الالهیة، المسائل الرفاعة، المسائل الفاسمیة، المسائل القاطعة، المسائل الكوفیة، المسائل المرتضویة، المسائل المسكنة، المسائل المطرفیة، المسائل المهدویة، المسائل النبویة، المسائل الهادیة، المسائل الهدویة فی مذهب الزیدیه، المصافاة، المطیعة السامعة، مقاود الانصاف، منهاج السلامة، نظام الفوائد و تقرب المراد للرائد، النقض علی صاحب المحيط، نكت العبادات و جمل الزیادات، الواقعة بالنتیبه بشبهات التمیوه.

نسخه های خطی برخی از کتاب های مذکور در مكتبة «جامع كبير» صنعاء در یمن محفوظ هستند.^۳

الدلائل الباهرة رساله ای کلامی است شامل مسائل ده گانه و برخی از مسائل، دارای فصول متعدد. مؤلف در اواخر این رساله فهرستی از تألیفاتش ارائه کرده است. نام رساله حاضر در فهرست مخطوطات مكتبة الجامع الكبير و مؤلفات الزیدیه، الدلائل الباهرة فی المسائل الظاهرة درج شده، ولی در طاووس

در بین روایات این رساله، روایت هایی از امام علی (ع) به چشم می خورند و نیز در کتاب «الصلاة» آن چند روایت درباره جمع بین الصلاتین آمده است؛ از جمله: «حدثنا بحر، قال: قرئ علی ابن وهب، اخبرني عمرو بن الحرث و غيره عن ابي بكر بن المنكر عن علي بن حسين أن رسول الله - صلى الله عليه - كان اذا اراد السفر يوماً جمع بين الظهر والعصر و اذا اراد السفر ليلة جمع بين المغرب والعشاء».

منابع: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۹۱ - ۹۳؛ معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۶۲؛ زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۹۵؛ كشف الظنون، ج ۱، ص ۴۴۰ و ۵۷۶؛ ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۴۲۸؛ فهرس المخطوطات العربية المصوّرة الموجودة بمكتبة المخطوطات بجامعة الكويت، ج ۲، ص ۱۸؛ مقدمة دکتر مصطفى حسن حسين محمد ابوالخير بر تصحيح و تحقيق الجامع فی الحدیث؛ دليل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعة، ج ۱، ص ۳۸۰ و ج ۲، ص ۵۶۱.

نسخه حاضر شامل کتاب الاطعمة تا کتاب الدیات است. آغاز نسخه: بسمله «اخبرنا محمدانا ابن وهب قال اخبرني يحيى بن أيوب عن ابي صخر المدني عن ابي معوية البجلي عن ابي الصهباء البكري قال قام ابن الكوا الى علي بن ابي طالب (ع) و هو علی المنبر فقال اني وطئت علی دجاجة ميتة فخرجت منها بيضة اكلها قال علي لا».

انجام نسخه: «فقال عمرو بن العاص او غير ذلك يا امير المؤمنين قال و ما هو قال او يرضيه قال او ذلك كتاب القراص».

نسخ؛ بدون نام کاتب و بدون تاریخ کتابت (گویا از سده چهارم هجری)؛^۱ عناوین به خط درشت؛ در آخر نسخه یادداشت سماع دارد: «سمع من اول الكتاب الى هنا من الشيخ الامام اصل الائمة ابي منصور بن ابي ... الهجیری فقراه صاحبه الحسين بن محمد العلوی الطبری الشيخ الامام ابوسعید نصر الخولانی و الشيخ ابوالفتح احمد بن ابي بكر الطوسی و صح سماعهم فی سنة ثلاث عشرة ...؟». در اول نسخه یادداشت هایی پراکنده از جمله چهار بیت عربی از ابي سلیمان خطابی بستی و شرح حال ابن وهب به خط عبدالقادر بن احمد مشهور به ابن بدران سعدی دومانی دمشقی درج شده اند. ۱۲۸ صفحه، ۱۶ سطر. نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دبلین ایرلند جنوبی،

۱. در فهرست آربری، این کتاب از قرن سوم هجری دانسته شده است.

۲. مؤلفات الزیدیه، ج ۳، ص ۲۸۹.

۳. فهرست مخطوطات مكتبة الجامع الكبير صنعاء، ج ۴، ص ۱۹۷۶.

يماني به عنوان الدلائل الباهرة في المسائل الطاهرة آمده است.

مسائل ده گانه کتاب عبارتند از:

المسألة الاولى: ما ظهر من مخالفة الله سبحانه بين عباده في صور الخلقة ...؛

المسألة الثانية: في مفاصلة الله سبحانه بين عباده في الارزاق والنعم وأن المساواة في ذلك لا يجب عليه؛

المسألة الثالثة: أنّه سبحانه يريد لجميع ما فعله من ذلك وقاصد معتمداً لفعله غير ساه عنه ولا غلط فيه؛

المسألة الرابعة: انّ جميع افعاله تعالى حكمة و صواب سواء كانت فيما يحبّه الناس او مما يكرهوه؛

المسألة الخامسة: أنه تعالى قد امتحن كثيراً من عباده بالنقائص في النفوس والاموال والاولاد...؛

المسألة السادسة: انه تعالى يعوّض كلّ من امتحنه بشيء من ذلك في الآخرة باعواض عظيمة ...؛

المسألة السابعة: أنّه تعالى رازق لعصاة خلقه كما أنّه رازق للمطيع من بريته ...؛

المسألة الثامنة: في حسنات العصاة؛

المسألة التاسعة: في نزول القرآن الكريم؛

المسألة العاشرة: في المتولّدات من افعال العباد.

منايع: معجم المؤلفين، ج ٣، ص ١٣٢؛ مؤلفات الزيدية، ج ١، ص ٤٧١؛ طاووس يمانى، ص ٤٢٨.

آغاز: «اما بعد فالحمد لله على ما منّ به من جزيل النعماء
ونثني عليه سبحانه بما يستحقّه من محامد الصفات والاسماء
ونسأله ان يصلى على نبيّه محمد اكرم انبيائه الكرماء
والشجرة الطيبة التى اصلها ثابت وفرعها فى السماء».

انجام : « و اتبع ما يوحى اليك واصبر حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين وسلام على المرسلين ... تمت الباهرة بعون الله ونصره ... فصل اجمعت الزيدية على ان جميع الاجسام بالضرورية فعل الله سبحانه لا فاعل لها غيره ... اولئك الذين هداهم الله واولئك هم اولوالالباب، تم ذلك وصلى الله على رسوله سيدنا محمد وآله وسلم ... يتلوا ذلك مقاود الانصاف في مسائل الخلاف ... ».

نسخ؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ، سده هفتم یا هشتم هجری^۱؛ در حاشیه تصحیح و در متن خط خوردگی‌های اندکی مشاهده می‌شوند؛ پس از اتمام کتاب، مسأله‌ای کلامی به عنوان «فصل» طرح شده که در انجام کتاب ذکر

و بعد سبل القلم و بفتح رفس التماسح بان من اسحق
تدبرك و قد عظمى اذا السحت و حوت و حل ما ذوق
الحل فيك ماله و مجاهد في اذ ابان فله و خالو
و الحمد لله رب العالمين

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

[illegible]

لواب قضاء حوائج الاخوان

شد. نام کتاب و مؤلف در صفحهٔ عنوان به خط درشت

ثبت شده‌اند. در اول نسخه دعایی در حقّ علی بن یحیی

بن محمد بن خط وی درج شده است. اصل این رساله

ضمن مجموعه‌ای است در برگ‌های ۱۰۶ تا ۱۷۰. ۱۳۰

صفحه، ۱۶ سطر.

نسخه اصل: «مکتبه جامع کبیر» صنعاء یمن، ش ۶۴۷،

فهرست مخطوطات مكتبة الجامع الكبير صنعاء، ج ٢، ص ٦١٨.

(١٠٢٢) ثواب قضاء حوائج الاخوان وما جاء في اغاثة

اللہفان، (حدیث - عربی)، از: ابوالغنائم محمد بن علی بن

ميمون، أبي نرسی کوفی (۵۱۰ق)

محدث، حافظ و مقری کوفی، کہ بہ سبب جودت قرائت

ملقب به «أبی» گشت، در ۴۲۴ ق چشم به جهان گشود و نزد

۱. در فهرست «جامع کبیر» کتابت نسخه در قرن هشتم هجری دانسته شده.

است؛ در طاووس یمانی کتابت نسخه ۶۲۳ ق درج شده است؛ هم چنین در

برکه ای که همراه با نسخه عکسی است، به فرینه رساله مفاود الانصاف که
همراه با رساله حاضر در یکی مجموعه قرار دارند، سال ۱۳۶۳ ق. ثبت

شده است.

میراث شهاب

مسأله موجب اشتباه برخی از فهرست‌نگاران و محققان شده است؛ از جمله در فهرست کتابخانه ملی پاریس، مؤلف رساله محیی الدین ابن عربی دانسته شده و عثمان یحیی نیز در مؤلفات ابن عربی، این رساله را ضمن آثار محیی الدین ابن عربی معرفی نموده و افزوده که نام دیگر آن رساله وعظ است.

این رساله را انتشارات «دارالبشائر الاسلامیه» در بیروت به سال ۱۴۱۴ ق، جزو سلسله الاجزاء الحدیثیه، با تحقیق دکتر عامر حسن صبری در ۱۱۲ صفحه به چاپ رسانده است.

منابع: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹۵، ص ۲۷۴ - ۲۷۶؛ فؤاد سید، فهرست المخطوطات، ج ۱، ص ۱۹۹؛ دی سیلان، فهرست المخطوطات العربیه، المكتبة الوطنية باریس، ص ۳۱۶، ش ۱۹۶۶؛ عثمان یحیی، مؤلفات ابن عربی، ترجمه احمد محمد طیب: ص ۲۶۴، رقم عربی ۲۱۰، رقم فرانسوی ۷۸۵؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریه، التصوف، ج ۱، ص ۳۵۲ - ۳۵۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۶۶؛ مقدمه دکتر عامر حسن صبری بر تحقیق رساله ثواب قضاء حوائج الاخوان ...

آغاز: بسمله «قال الفقیر محمد بن علی بن العربی الحاتمی الطایبی الاندلسی و اخبرنا الشیخ ابوالغنائم محمد بن علی بن میمون النرسی قراءة علیه أخبرنا ابوالحسن محمد بن اسحق بن محمد المعدل قراءة علیه أخبرنا ابوالقاسم ... سمعنا رسول الله ﷺ يقول من مشى في حاجة اخيه المسلم حتى يتمها له اظله الله عز وجل بخمسة آلاف ملك يدعون له و يصلون عليه ...»

انجام: «أخبرنا الحسين بن محمد بن الحسين الدهقان أنبأنا احمد بن علی الجعفری قال أنشدنا ابواحمد عبیدالله بن ابی قتیبة الغنوی:

ذهب الوفا وقد تعفَى رسمه

و تضرمت في الحُب كل واثاق

و تقطعت سُبُل المكارم و انطوت

نفس الصلاح على ضمير فاسق

كل يُعيرك وده بتخلَص

فإذا امتحنت وجدت فعل ماذق

من لم يصلك بماله و بجاهه

في النَّائبَات فليته في حالق^۱.

مشایخ بسیاری حدیث شنید؛ از جمله: محمد بن علی علوی، محمد بن عطار، محمد بن اسحاق، ابواسحاق برمکی، ابوالقاسم تنوخی، ابوطیب طبری، ابومنصور بن سواق، عبدالعزیز بن بندار شیرازی، ابوالحسن احمد بن محمد زعفرانی و احمد بن محمد قفّرجل.

جمع کثیری از وی روایت کرده‌اند؛ از جمله: فقیه نصر بن ابراهیم مقدّسی، ابن ناصر، سلفی، معالی بن ابی‌بکر کتّال، مسلم بن ثابت و محمد بن حیدرة الحسینی.

وی آثار چندی داشته است؛ از جمله: مشتهب الاسماء؛ غرائب الاسانید؛ انس العاقل و مهمترین اثر حدیثی وی معجم الشیوخ است.

شرح حال نرسی در کتاب‌های تاریخ و تراجم مسطور است؛ از جمله در: المنتظم، ج ۹، ص ۱۸۹؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۹۸؛ تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۲۶۰ - ۱۲۶۲؛ النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۲۱۲؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۵؛ شذرات الذهب، ج ۴، ص ۲۹؛ هدیة العارفین، ج ۲، ص ۸۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴ - ۲۷۶.

رساله حاضر جزء مختصری است در جمع احادیث مربوط به ثواب «قضاء حوائج اخوان» و آنچه در ثواب «اغاثة لهفان» وارد شده است. نرسی این جزء را گردآورده و از مشایخ خود روایت نموده و چند تن جزء مذکور را از وی روایت کرده‌اند از جمله: ابوالعلا محمد بن جعفر بن عقیل بصری و ابوالفضل عبدالمحسن بن تریک بن عبدالمحسن وقاضی القضاة ابی صالح نصر بن عبدالرزاق جیلی و سید تاج الدین ابی الحسن علی بن احمد حسینی غزافی که نامشان در صفحه عنوان نسخه درج شده است. شرح حال افراد مذکور در کتب تراجم آمده است.

رساله فصل‌بندی خاصی ندارد، روایات را با «حدّثنا» یا «أخبرنا» شروع می‌کند، احادیث را مسند می‌آورد و در پایان، چند بیت شعر مناسب با موضوع رساله آورده است.

قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده از این رساله در کتابخانه «چستر بیتی» محفوظ است و تصویر حاضر از نسخه مذکور اخذ شده است. مقابله و تصحیح این نسخه را عارف مشهور، محیی الدین ابن عربی، در ۱۸ رمضان ۶۲۵ در رباط نسوان به پایان رسانده است. نسخه‌های دیگری که از این رساله شناخته شده‌اند نوعاً از روی نسخه محیی الدین استنساخ شده‌اند و این

۱. تصویر نسخه خوانا نیست. ابیات مزبور با دقت بسیار بدین نحو قرائت شدند که خالی از اشکال نیستند. در نسخه چاپی نیز به همین صورت آمده‌اند.

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ مقابله با نسخه اصل به دست محمد بن علی بن العریب الاندلسی الحامی الطایی، در ۱۸ رمضان ۶۲۵ در رباط نسوان به اتمام رسیده است. در صفحه عنوان نام رساله و مؤلف و راویان رساله از مؤلف درج شده و در ابتدای نسخه دعای «نکاح» نقل شده است. عناوین به خط درشت؛ در حاشیه تصحیح شده است و علامت بلاغ دارد. در آخر نسخه سماع‌های متعددی وجود دارند که این رساله را از مشایخ اخذ نموده‌اند؛ از جمله: سماع بر سید تاج الدین ابی الحسین علی بن ابی العباس احمد بن عبدالمحسن حسینی غزافی که او از عمادالدین ابی صالح نصر بن عبدالرزاق جیلی شنیده و جیلی نیز از ابی الفضل عبدالحسن بن تریک و او از مؤلف اخذ کرده است و سماعی به تاریخ دوشنبه ۱۱ شوال ۶۸۷ و سماعی دیگر به تاریخ پنجشنبه ۱۱ شوال ۷۳۹. در پایان نسخه قطعه‌ای از صلواتیه که در صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انشا شده، آمده است. ۱۸ صفحه، ۲۵ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستربیتی»، دبلین ایرلند جنوبی، ش ۳۴۹۰، آربری، قائمه المخطوطات العربیه فی مکتبه تشتریتی، ج ۲، ص ۱۰۶؛ همو، فهرس المخطوطات العربیه فی مکتبه تشتریتی، ترجمه محمود شاکر سعید، ج ۱، ص ۲۹۰.

(۱۰۲۳) الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون (= اعراب القرآن)، (علوم قرآن - عربی)، از: شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن یوسف بن عبدالدائم سمین حلبی شافعی (۷۵۶ ق)

دانشمند، ادیب و مفسر شهیر سده هشتم هجری، احمد بن یوسف، مشهور به «سمین»، صاحب تألیفاتی در تفسیر و ادبیات عرب، از جمله: تفسیر القرآن در ۲۰ جلد، الدر المصون در اعراب القرآن؛ شرح تسهیل الفوائد و تکمیل المقاصد لابن مالک فی النحو، شرح الشاطبیه فی القراءات موسوم به «العقد النضید فی شرح القصید»؛ القول الوجیز فی احکام الکتاب العزیز؛ عمده الحفاظ فی تفسیر اشرف الالفاظ؛ المعرب.

الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون مهم‌ترین اثر سمین است که خود درباره‌اش می‌گوید: «و هذا التصنیف فی الحقیقه نتیجه عمری و ذخیره دهری». این کتاب از برجسته‌ترین

کتاب‌هایی است که در اعراب قرآن نگاشته شده؛ چنان‌که در کشف الظنون آمده: «و الدر المصون اجل ما صنف فی هذا الباب» و به گفته مؤلفش: «فانه لب کلام اهل هذه العلوم». از این کتاب به نام‌های متفاوت یاد شده است؛ از جمله در کشف الظنون، (ج ۱، ص ۱۲۲) و هدیه العارفین، (ج ۱، ص ۱۱۱)، «الدر المصون فی علم الکتاب المکنون» ثبت گشته و در اعلام زرکلی (ج ۱، ص ۲۷۴) و الدر الکامنه (ج ۱، ص ۳۶۰) به عنوان «الدر المصون» درج شده و در طبقات المفسرین (ج ۱، ص ۱۰۰) «اعراب القرآن» نامیده شده و در بسیاری از منابع از جمله در مقدمه خود مؤلف «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون» خوانده شده و به همین نام به چاپ رسیده است.

برخی از ویژگی‌های این کتاب:

۱ - جامع نظرات علمای گوناگون در اعراب آیات است مؤلف آراء قوی و ضعیف را با ادله آنها آورده است.

۲ - سرشار از بحث‌های نحوی است و در مناسبت‌های گوناگون به طور مفصل به بحث‌های نحوی و نظرات علمای نحو اشاره کرده است.

۳ - مشحون از مباحث لغوی است و به اصل و اشتقاق مفردات لغات و کلمات قرآن اشاره کرده و از این حیث در حد مفردات القرآن راغب، دارای اهمیت است.

۴ - قراءات قرآنی، اعم از شاذ و متواتر، و اصحاب قرائات را معرفی نموده است.

۵ - مؤلف از منابع متعددی بهره برده و از این رو، نصوصی در کتاب درج شده که اصل آنها از بین رفته و فقط آنچه سمین در این کتاب از آنها نقل نموده، باقی مانده است.

۶ - کتاب مشحون از شواهد عربی است. مؤلف در جای‌های گوناگون به شواهد شعری استشهاد کرده و به لحاظ وسعت اطلاعی که داشته، در برخی موارد شواهد نادری آورده که در منابع دیگر یافت نمی‌شوند. علاوه بر این به شواهد قرآنی و احادیث نبوی نیز استشهاد کرده است.

۷ - به مباحث بلاغی نیز در موارد بسیار اشاره نموده است.

۸ - در خلال بیان اعراب آیات، به جنبه‌ای از تفسیر آیات و اقوال مفسرین نیز التفات کرده است.

درباره زمان تألیف الدر المصون، در طبقات المفسرین (ج ۱، ص ۱۰۰) و الدر الکامنه (ج ۱، ص ۳۶۰) آمده است: سمین این

اول نسخه چند مهر بیضوی و کروی کوچک و بزرگ از جمله از حسین بن مظفر علی حسینی حک شده است. در صفحه عنوان آمده است: الثاني من الدر الثمین. ۵۲۰ صفحه، ۲۳ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دبلین ایرلند جنوبی، ش ۳۷۰۱، آربری، قائمة المخطوطات العربية فی مكتبة تشتریتی، ج ۳، ص ۸۹؛ همو، فهرس المخطوطات العربية فی مكتبة تشتریتی، ترجمة محمود شاکر سعید، ج ۱، ص ۴۲۴.

(۱۰۲۵) خلاصة الافکار (اصول فقه منظوم - عربی)

از: آقا میر ابوالحسن موسوی فالی (سده ۱۳ ق)
ناظم از علمای منطقه لارستان و مشهور به «آقا میر» بوده؛ منظومه‌ای در اصول فقه سروده که مراتب علمی و فضل وی از آن مشهود است. وی در این منظومه، بحث «استصحاب» از زبده الاصول شیخ بهائی را در قالب قریب دویست بیت عربی به شعر درآورده است. ناظم در اوایل نظم، به نام خود و نام منظومه تصریح می‌کند:
«و بعد فالعبد الاثیم المرتهن

الرضوی الموسوی ابوالحسن
يقول هاؤم احفظوا کتابیه
لزبده الاصول نظماً حاویه
سمّیته خلاصة الافکار
اوضحْتُ فيه غامض الاسرار»
آغاز:

«احمد من علّمنا البیان
ملهم شکراً اطلق اللسانا
مصلیاً علی النّبی العربی
وآله لاسیما نفس النبی ...
من الادلة لدى الاصحاب
ما هو معروف بالاستصحاب»
انجام:

«والحمد لله علی الهدایة
فی خاتم الامور و البداية

کتاب را در زمان حیات استادش، ابی حیان، تألیف نموده و در اواسط رجب ۷۳۱ به اتمام رسانده است.

نسخه‌های خطی بسیاری از این کتاب در کتابخانه‌های عالم یافت می‌شوند؛ از جمله نسخه‌ای به خط مؤلف در کتابخانه «شهید علی پاشا» در ترکیه، ش ۱۱۶ تا ۱۱۹ نگهداری می‌شود. در فهرس الشامل للتراث، بیش از یکصد نسخه خطی از الدر المصون معرفی شده‌اند.

عبدالرحمن بن عمر تواتی (زنده در ۱۱۷۲ ق) مختصر الدر المصون را نگاشته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه «ملی پاریس»، ش ۵۳۹۶ نگهداری می‌شود.^۱

الدر المصون با تصحیح و تحقیق دکتر احمد محمد خراط، در هفت جلد به وسیله انتشارات «دارالقلم» دمشق به سال ۱۴۰۶ ق منتشر شده و بار دیگر در بیروت به سال ۱۴۱۴ ق به وسیله انتشارات «دارالکتب العلمیه»، با تحقیق و تعلیق علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، دکتر جاد مخلوف جاد و دکتر زکریا عبدالمجید نوتی و با مقدمه و تقریر دکتر احمد محمد صیره در هفت جلد، به قطع وزیری بزرگ به چاپ رسیده است.

منابع: معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۱۱؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۲۲؛ فهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط (علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه)، ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۶؛ فهرس المخطوطات العربیه المحفوظة فی مكتبة الاسد الوطنیه، ج ۵، ص ۱۱۶ - ۱۲۲؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریه (علوم قرآن)، ج ۲، ص ۱۲۵ - ۱۳۰.

نسخه حاضر از آیه ۲۵۳ سوره مبارکه «بقره» تا آیه ۱۳۵ سوره مبارکه «نساء» را شامل است.

آغاز نسخه: بسمله «قوله تعالى تلك آيات الله مبتدأ وخبر و نتلوها فيه قولان احدهما ان تكون حالاً و العامل فيها معنى الاشارة و الثانى ان تكون مستأنفة فلا محل لها من الاعراب و يجوز غير ذلك».

انجام نسخه: «قوله و ان تلوا قرأ ابن عامر و حمزة تلوا بلام مضمومة و واو ساكنة و الباقون بلام ساكنة و اوین بعدها أولاهما مضمومة ... و هو ان لام الكلمة قد حذفت أولاً كما قررته فصار وزنه تفعلوا بحذف اللام ثم حذفت العين ثانياً فصار وزنه».

نسخ؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ سده هشتم هجری؛ در

۱. فهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط (علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه)، ج ۲، ص ۷۶۷.

صلّ علی الخاتم للنبوّة

ثمّ علی المخصوص بالاخوة

ثمّ علی الائمة الهداة

السادة القادة والولاة»

نسخ؛ هاشم بن حاج سید حسین موسوی قالی؛ ۲۸
ذی حجه ۱۳۰۹؛ در حاشیه تصحیح شده و دارای
حواشی اندکی است. در اول نسخه یادداشتی از سید
محمد تقی قالی درباره ناظم و منظومه حاضر درج
شده است. در آخر نسخه یادداشت‌های پراکنده‌ای
درج شده است، از جمله قصیده‌ای عربی درباره امام
رضا (علیه السلام) با مطلع

«فيا حبذا من طوس اذ كان مودعاً

بها حجة الرحمن في الخلق يسع»

صفحات نسخه تصویری حاضر در صحافی جا به جا

شده است. ۲۳ صفحه، ۱۱ سطر.

اصل نسخه نزد حفید ناظم محفوظ است.

(۱۰۲۶) مسالك الدين و محاج المجتهدین، (فقه امامیه

- عربی)، از: ؟

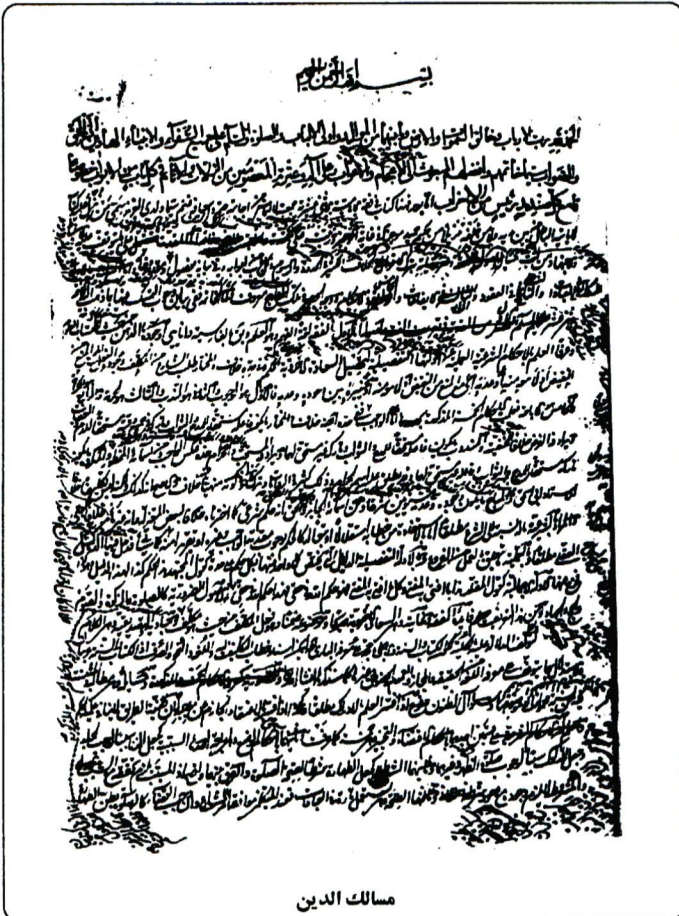
کتاب مفصلی است در اصول فقه و فقه شیعی مانند معالم
الدین شیخ حسن بن زین‌الدین عاملی، در دو بخش اصول و فقه،
شامل پنج مسلک: مسلک ۱- اصول فقه؛ ۲- عبادات؛
۳- عقود؛ ۴- ایقاعات؛ ۵- احکام.

مؤلف، که از دانشمندان ایرانی سده دوازدهم هجری یا
پس از آن بوده - چنان‌که از صاحب معالم با دعای «طاب ثراه»
یاد می‌کند - کتاب حاضر را برای فرزندش «محمد» نگاشته
است.

نسخه حاضر مسلک اول کتاب در اصول فقه را دربردارد
که شامل مقدمه و چند فصل دارای مباحث و مناهج و مسائل
و مطالب و خاتمه است. گویا مؤلف در این نسخه مسوده در
باره ترتیب و عناوین ابواب و فصول کتاب به تصمیم نهایی
نرسیده است. مؤلف مباحث اصولی را به صورت استدلالی، با
نقل اقوال و نظرات علمای شیعه و سنّی مطرح نموده است
و ردّ و ایرادهای بسیاری بر آن‌ها دارد. مقدمه در تعریف
«فقه» و «اصول فقه»، فصل اول در وجوب تفقه در دین...،
فصل پنجم در اجتهاد، فصل ششم در مفتی و مستفتی و مقلّد

و خاتمه در وجوب عمل و تمسک به مذهب ائمه
اثنی عشر (علیهم السلام) است.

در خاتمه این بخش از کتاب، مطالب مهمی در اثبات
حقانیت شیعه آمده که برخی از آن‌ها به زبان فارسی هستند:



مسالك الدين

از جمله ترجمه رساله امیر تیمور گورکان که درباره آن
می‌گوید: «و ممّا يؤید هذا المطلوب و یثید بنیان هذا المقصود
انّی بعد ما کنت فی بلاد الهند رأیتُ رساله مفردة جمعها
الملك المؤید امیر تیمور گورکان الملقّب بصاحب القرآن
و ذکر فیها کل ما وقع فی اوّل زمان سلطنته الی آخره من
الوقائع العجیبه الغریبه باللّغه التركیة و قد تصدّی لترجمته
بالفارسیة السید النجیب الحسیب امیر ابوطالب الترتیبی
و قابلها و صحّحها و لما اردتُ ان اذکر خلاصة واقعة منها
تُعین علی ما نحن بصدده من وجوب التمسک بما وصل الینا من
طریق اهل البیت (علیهم السلام)».

علامه تهرانی در الذریعه، همین نسخه را با استناد به نامه
آیه‌الله مرعشی (ره) معرفی نموده است.

منابع: الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۸۱.

شامل مسلک اول در اصول فقه.

آغاز: «الحمد لله رب الارباب و خالق السموات و الارض و ما بينهما من المواليد و اولى الالباب و الصلوة و السلام على جميع السفراء و الانبياء الهادين الى الحق و الصواب سيما خاتمهم و افضلهم ... اما بعد فهذا كتاب فى فقه الامامية الاثنى عشرية جمعه لالتماس من اجابته حتم».

انجام نسخه: «كما فعله شيخ الطائفة فى كتابيه هذا آخر ما اردنا ايراده من المسائل الاصولية و به يتم المسلك الاول من المسالك الخمسة و شرعنا فى المسلك الثانى ان شاء الله تعالى الحمد لله اولاً و آخرأ و الصلوة على محمد و آله الطاهرين».

نستملق؛ به خط مؤلف؛ بدون تاريخ؛ عناوين و نشانی‌ها؛ سنگرف؛ در حاشیه تصحیح شده و در متن خط خوردگی‌ها و تغییرات بسیار به چشم می‌خورند. با حواشی مؤلف؛ ۳۸۹ صفحه، ۱۸ سطر.

نسخه اصل: نزد مرحوم آیه الله مرعشی (ره) بوده است.

(۱۰۲۷) التصريف لمن عجز عن التأليف (طب - عربی)
از: ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی اندلسی (حدود ۴۰۰ ق)

خلف بن عباس در «مدينة الزهراء» در نزدیکی قرطبه، در خانواده‌ای از اهل دربار اندلس زاده شد و به احتمال، در حدود سال ۴۰۰ ق درگذشته است. زهراوی در شمار مشهورترین اطباء عرب است و پس از آنکه ژرار کرمونایی کتاب او را به لاتینی ترجمه و منتشر کرد، در مغرب زمین به عنوان جراح شهرت یافت. ابن ابی‌اصیبه وی را طیبی شایسته دانسته که در داروسازی زبردست و در درمان ماهر بود. زهراوی در جراحی عملی مهارت داشت و فصل سیام اثر جامع او درباره طب عمومی به جراحی اختصاص دارد که جراحی چشم را نیز در بر می‌گیرد.

التصريف لمن عجز عن التأليف^۱ کتاب طبّی مشهوری است مرکب از سی مقاله. بخش‌هایی از آن به چاپ رسیده است؛ از جمله ژرار کرمونایی ترجمه لاتینی آن را به چاپ رسانده و لکلر ترجمه فرانسوی آن را در پاریس به سال ۱۸۶۱ م منتشر نموده و بخشی از متن عربی آن به عنوان رساله درباره سنگ در کلیه‌ها و در مثانه به اهتمام پلی دوکونینگ در لیدن به

سال ۱۸۹۶ م چاپ شده و ترجمه فارسی بخش سیام آن با نام جراحی و ابزارهای آن، از احمد آرام و مهدی محقق در تهران به سال ۱۳۷۴ ش به چاپ رسیده و همین باب سیام به کوشش اسپینک و لويس تصحيح و به انگلیسی ترجمه شده است.

نسخه‌های خطی متعددی از این کتاب در کتابخانه‌های جهان یافت می‌شوند؛ از جمله در کتابخانه «ملی ملک»، ش ۴۴۷۸ و در کتابخانه‌های ترکیه مانند «ولی‌الدین افندی» رقم ۲۴۹۱ و «احمد ثالث» رقم ۱۹۹۰ و «حاجی بشیر آغا»، رقم ۵۰۲ و کتابخانه «ملی مادرید» اسپانیا و کتابخانه «جستریتی» و «دارالکتب قاهره».

کتاب متشکل از سی مقالة دارای ابواب و فصول است بدین تفصیل:

المقالة الاولى: تعريف الطب و تقسيمه و فصول فى الاسطقسات و الامزجة؛

المقالة الثانية: تقاسيم الامراض و علاماتها و علاجاتها من الرأس الى القدم؛

المقالة الثالثة: صفات المعاجين القديمة؛

المقالة الرابعة: فى صناعة الترياق؛

المقالة الخامسة: فى صفة الايارجات القديمة و الحديثة و ادخارها و تخميرها؛

المقالة السادسة: فى الحبوب المسهلة المُرّة؛

المقالة السابعة: فى الادوية المقيئة و الحقن و الشيفات و القتل و الفيروزجات؛

المقالة الثامنة: فى الادوية المسهلة المألوفة؛

المقالة التاسعة: فى الادوية القلبية؛

المقالة العاشرة: اطريفلات؛

المقالة الحادية عشر: ضروب من الجوارشنتات و صنوف من المعجونات التى جمعها المؤلف من كتب الاوائل؛

المقالة الثانية عشر: فى ادوية الباه؛

المقالة الثالثة عشر: الاشربة و السکنجینات و الربوبات؛

المقالة الرابعة عشر: النخاخ و النقوعات و المطبوعات؛

المقالة الخامسة عشر: عمل المربّيات من الفواکه و الازهار و الاحباق و العقاقير الرطبة و اليابسة؛

۱. در تاریخ نگارش‌های عربی، نام کتاب التصريف لمن عجز عن التصنيف ثبت شده، ولی در کشف الظنون و بیش‌تر منابع و فهراس نسخ خطی، به همان صورتی که ذکر شد، درج گردیده است.

المقالة السادسة عشر: في السفوفات؛

المقالة السابعة عشر: في الاقراص؛

المقالة الثامنة عشر: السعوطات و النجورات و الغراغر و الذرورات و القطورات و الفتل و الادوية و القاطعة للرعاف؛

المقالة التاسعة عشر: في الزينة و صناعات الغوالي؛

المقالة العشرون: الاكحال و الشياقات و لطوخت في علاج العين؛

المقالة الحادية والعشرون: في ادوية الفم و الاسنان و الحلق؛

المقالة الثانية والعشرون: في ادوية علل الصدر؛

المقالة الثالثة والعشرون: في العلاج بالاضمدة من الرأس الى القدم؛

المقالة الرابعة والعشرون: في ذكر المواد المعدنية في تركيب المراهم؛

المقالة الخامسة والعشرون: الادهان البسيطة و المركبة؛

المقالة السادسة والعشرون: في اطعمة المرضى؛

المقالة السابعة والعشرون: في معرفة قوى الاغذية و خواص الادوية و اصلاحها و منافعها؛

المقالة الثامنة والعشرون: في اصلاح الادوية في ثلاثة ابواب؛

المقالة التاسعة والعشرون: في تسمية العقاقير باختلاف اللغات و دولها في خمسة ابواب؛

المقالة الثلاثون: العمل باليد و الشق و البطر و الجبر و الكي و الخلع في ثلاثة ابواب.

منابع: كشف الظنون، ج ١، ص ٤١١؛ معجم المؤلفين، ج ٤، ص ١٠٥؛ فؤاد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ٣ (پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دام‌پزشکی)، ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری، ص ٤٥٦-٤٥٩؛ سرکیس، معجم المطبوعات، ج ١، ص ٨٣٣؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية (الطب و الصيدلة)، ص ١٤٨-١٧١؛ فؤاد سید، فهرست المخطوطات، ج ١، ص ١٦١؛ فهرس مخطوطات الطب الاسلامی فی مکتبات ترکیا، ص ٢٤٠-٢٤١؛ فهرس المخطوطات الطبية المصورة بقسم التراث العربی، ص ٥٠-٥٥؛ فهرست المخطوطات المصورة (معهد المخطوطات العربية)، الجزء الثالث (العلوم) القسم الثاني (الطب)، الكتاب الثاني، ص ٥٧-٦٠؛ فهرس مخطوطات الطب و الصيدلة فی دار الکتب الوطنية بتونس، ج ١، ص ١٥٥-١٥٨؛

فهرس المخطوطات الطبية العربية في مكتبة الدكتور سامی ابراهيم حداد، ص ٥٢-٥٣.

آغاز: «المقالة الاولى من كتاب التصريف لمن عجز عن التأليف قال خلف الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين الفاضلين اما بعد يا بُنَيَّ فَإِنَّ انفس العلوم بعد علم الدين و كتابه المبين علم الطب كما قال رسول الله ﷺ الفقه للاديان و علم الطب للابدان فقدّموا الطب و فقهكم الله».

انجام نسخه: ناخواناست.

نستعليق؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ تمامی صفحات مجدول؛ صفحه اول سرلوح مزدوج؛ در اول نسخه تملک حاج بشیر آغا در ١١٥٨ ق و یادداشت وقف نسخه با مهر بیضوی دارد. کیفیت تصویر مطلوب نیست و نیمی از صفحه آخر در عکس ساقط شده و نصف باقی مانده نیز خوانا نیست. ٢٩٥ صفحه، ٣١ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «بشیر آغا»، ترکیه، ش ٥٠٢، دفتر کتبخانه بشیر آغا، ص ٣٦.

(١٠٢٨) الموجز من موجز التفسير (تفسير - عربی)

از: احمد بن محمود بن محمد نعمانی (م پس از ٦٢٦ ق)

الموجز فی التفسیر تألیف منتجب‌الدین ابوالفتوح اسعد بن محمود عجلی اصفهانی شافعی (٦٠٠ ق)، تنقیح و تلخیصی از تفاسیر گوناگون است؛ هم‌چون تفسیر ثعالبی و تفسیر بشری. ابوالفتوح عجلی تألیفات چندی داشته است؛ از جمله: آفات الوعاظ، شرح مشکلات الوسيط و الوجیز للغزالی، شرح الكلمات المشکلة، تنمة التمنة.^٢ با وجود جست و جو در فهراس و منابع کتاب‌شناسی، اطلاعی درباره کتاب الموجز فی التفسیر به‌دست نیامد و نسخه‌ای از آن شناخته نشد.

کتاب حاضر یک دوره تفسیر مختصر قرآن کریم است از آغاز تا پایان که بیشتر، معانی لغات را بیان می‌کند و با عناوین «قوله - قوله» برگزار شده است. این کتاب از الموجز فی التفسیر عجلی استخراج شده؛ چنان‌که مؤلف در آغاز می‌نویسد: «هذا مختصر فی التفسیر اورد فیها من محض من

١. تاریخ کتابت نسخه در فهرس مخطوطات الطب الاسلامی فی مکتبات ترکیا، سال ٩٠٢ ق ثبت شده است.

٢. سیر اعلام النبلاء، ج ٢١، ص ٤٠٢-٤٠٦؛ زرکلی، الاعلام، ج ١، ص ٣٠١.

المعانی المتفق علیه الجمهور و مما فيه الاقایل اذکر قول بعضهم ثوناً للايجاز والاختصار و حذراً من التطويل والاكتثار ليصغر حجمه ويسير حفظه واستخرجته من كتاب الموجز فی التفسير للإمام العلامة حجة الاسلام ابی الفتوح العجلی الذی نقحه وخلصه من جميع كتب التفاسیر مثل الثعالبی والبشری وغيرهما».

نام کتاب در صفحه عنوان نسخه الموجز من موجز التفسير ثبت شده و کاتب نسخه احمد بن محمود بن محمد نعمانی است که در روز دوشنبه ۶ رجب ۶۲۶ کتابت آن را به پایان رسانده است.

آربری تألیف کتاب را به همین کاتب نسبت داده و نسخه را به خط مؤلف دانسته است. اما از متن کتاب دلیلی بر این انتساب به دست نیامد و در منابع کتابشناسی و ترجمه‌نگاری، نام و نشانی از احمد بن محمود بن محمد نعمانی یافت نشد.^۱

آغاز: «الحمد لله ذي الآلاء المتواترة والنعماء المتظاهرة والصلوة على خير خلقه محمد وعترته الطاهرة وبعد فهذا مختصر في التفسير اورد فيها من محض من المعاني».

انجام: «قل اعوذ برب الفلق معه حتى ختمها ثم قرأ قل اعوذ برب الناس وقرأت معه حتى ختمها ثم قال ما تعوذ بمثلهن احد، ثم الكتاب بحمد الله و منه على يد اصغر عباد الله احمد بن محمود بن محمد النعماني رزقه الله علماً نافعاً و...».

نسخ؛ احمد بن محمود بن محمد نعمانی؛ دوشنبه ۶ رجب ۶۲۶؛ اسامی سور و بسمله‌ها و عناوین به خط درشت؛ آیات معرب؛ تصحیحات اندکی در حاشیه به چشم می‌خورد و حواشی مختصری به نقل از «اللباب» دارد. در حاشیه برخی صفحات ترجمه فارسی کلمات درج شده است. نام کتاب در صفحه عنوان ثبت شده و چند یادداشت تملک در ابتدا نسخه دیده می‌شوند و فایده‌ای درباره اسامی قرآن به خطی کهن در صفحه اول نسخه آمده است. ۳۵۵ صفحه، ۳۰ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستربیتی»، دبلین ایرلند جنوبی، ش ۳۴۱۸، آربری، قائمة المخطوطات العربية فی مکتبة تشتریتی، ج ۲، ص ۷۳؛ همو، فهرس المخطوطات العربية فی مکتبة تشتریتی، ترجمه محمود شاکر سعید، ج ۱، ص ۲۴۶.

(۱۰۲۹) القوانين الكلية لضبط اللغة التركية (دستور زبان

ترکی - عربی)، گویا از: ابو حیان غرناطی، اثیرالدین محمد بن یوسف بن علی بن حیان نغزی (۷۴۵ ق)

کتاب متوسطی است در دستور زبان ترکی و وضع قواعد کلی لغت ترکی که به درخواست جمعی از برادران تألیف شده است، شامل مقدمه و سه باب دارای فصول و خاتمه. مقدمه در تعریف «کلمه» و «کلام»، باب اول: اسم؛ باب دوم: فعل؛ باب سوم: حرف؛ خاتمه: فعل امر مخاطب.

در مقدمه به اسم کتاب تصریح شده، اما نامی از مؤلف به میان نیامده است، جز این که مؤلف در ابتدای کتاب می‌نویسد: «عذری فی ذلك فانی لست من الترك ولا من اولادهم ولم ارحل الی بلادهم و انما اعتمادی علی السماع منهم لكثرة مخالطتی بهم و معاشرتی اياهم...».

این کتاب با تحقیق محمد فؤاد کوپر یلی‌زاده در استانبول به سال ۱۹۲۸ م در ۹۴ صفحه به چاپ رسیده و محقق نام مؤلف را به دست نیاورده است.^۲

در ابتدای نسخه حاضر، نام کتاب و مؤلف بدین صورت ثبت شده است: القوانين الكلية فی ضبط اللغة التركية لابی حیان.

از افراد موسوم به «ابو حیان» تنها «ابو حیان غرناطی» را می‌شناسیم که درباره زبان ترکی تألیفاتی دارد؛ هم چون الادراک للسان الاتراک، الافعال فی لسان الترك، زهو الملک فی نحو الترك. همو ده‌ها کتاب و رساله در رشته‌های تفسیر، صرف و نحو و اعراب و قرائت و علوم دیگر نگاشته است.

شرح حال ابو حیان در منابع متعددی درج شده است؛ از جمله: قاموس الاعلام، ج ۱، ص ۷۱۲ و ۷۱۳؛ رفعت افندی، لغات تاریخی و جغرافیه، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۳؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۸۱ - ۸۴؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۴۱۶ - ۴۲۲؛ هدیة العارفين، ج ۲، ص ۱۵۲. اما در منابع مذکور، کتاب حاضر جزو تألیفات ابو حیان ذکر نشده است. جز این که احمد رفعت افندی درباره وی می‌گوید: ابو حیان هنگامی که برای تحصیل وارد مصر شد، آشنایی به زبان ترکی نداشت و در آن‌جا زبان ترکی و قواعد آن را فرا گرفت و در این باره کتاب‌هایی تألیف نمود که از جمله آن‌هاست: الادراک للسان

۱. معرفی همین نسخه در فهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط (علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه)، ج ۱، ص ۲۴۳ آمده است.

۲. فهرس المطبوعات التركية العثمانیة، مصر، دارالکتب القومیة، ج ۱، ص ۲۹۹.

الاتراک. این سخن به انضمام آنچه از مقدمه کتاب نقل شد، احتمال انتساب کتاب به «ابوحیان غرناطی» را تقویت می‌کند. آغاز: «الحمد لله المسبح بكل لسان الموجود في كل مكان الذي من بعض آياته تعاقب الملوان واختلاف الالسنه والالوان وصلى الله على سيدنا محمد سيد ولد عدنان المبعوث الى الاحمر والاسود... وبعد فقد تكرر سؤال السادة الاخوان اعزهم الله تعالى في وضع قواعد كلية اللغة التركية تكون في معنى الترجمان».

انجام: «ولتعلم ان النظر في الكتب وادمان مطالعتها غير كاف ولا محصل لغرض بل لابد من مخالطتهم وكثرة مشافتهم بلغتهم فتم امور يعسر التعبير عنها والله الموفق وقد يسر الله اتمام هذا المختصر على يد مؤلفه... وصلاته على سيدنا محمد وآله وسلم والحمد لله وحده وحسبنا الله ونعم الوكيل تم بحمد الله وعونه».

نسخ؛ بدون نام کاتب و بی تاریخ؛ کلمات ترکی به شنگرف و اعراب گذاری شده اند. در حاشیه تصحیحات اندکی به چشم می خورد. در اول نسخه تملک مصطفی قاضی عساکر روم و مهر کروی بزرگ با سجع «مما وقفه الوزير الشهيد على پاشا رحمه الله تعالى بشرط ان لا يخرج من خزانته» و در آخر نسخه فوایدی در لغت ترکی درج شده است. ۱۷۶ صفحه، ۱۳ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «شهید علی پاشا»، منتقل شده به کتابخانه «سلیمانیه» استانبول، ش ۲۶۵۹.

(۱۰۳۰) ذیل تاریخ گزیده (تاریخ - فارسی)

از: زین الدین بن حمد الله مستوفی قزوینی (م پس از ۷۹۴ ق)

تاریخ گزیده تألیف حمد الله مستوفی قزوینی (۷۵۰ ق) تاریخ جهان است تا سال ۷۴۴ ق که به نام خواجه غیاث الدین بن رشید الدین فضل الله همدانی در یک فاتحه و شش باب و چند فصل تألیف شده و نخستین بار از روی نسخه خطی مورخ ۸۵۷ هجری به اهتمام ادوارد براون در لندن به چاپ رسید و سپس دکتر عبدالحسین نوایی در تهران به سال ۱۳۳۹ ش چاپ حروفی آن را منتشر کرد.

تاریخ گزیده حاوی اخبار تا سال ۷۴۴ ق است. زین الدین، فرزند حمد الله مستوفی، ذیلی بر کتاب پدرش نگاشته و اخبار

سالهای ۷۴۲ تا ۷۹۴ (مدت ۵۲ سال) و حوادثی را که به طور خاص در آذربایجان و اران (این سو و آن سوی رود ارس) پیش آمده، گزارش کرده است.

مطالب ذیل تاریخ گزیده اطلاعاتی هستند درباره دوره هایی که جلایریان و چوپانیان در آذربایجان و اران و بخش هایی از سرزمین روم تا شهر بغداد حکومت می کردند. زین الدین ذیل را براساس اطلاعات شخصی خود و آنچه از اشخاص دیگر شنیده بوده، به رشته تحریر درآورده است.

یکی از جنبه های ارزشمند ذیل تاریخ گزیده اطلاعاتی است که از آن در زمینه جغرافیای تاریخی دو منطقه آذربایجان و اران به دست می آید.

چاپ عکسی ذیل تاریخ گزیده با ترجمه های ترکی و روسی در سال ۱۹۹۰ م در باکو انتشار یافته است و چاپ حروفی آن به کوشش ایرج افشار در تهران، به سال ۱۳۷۲ ش ضمن مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی به بازار کتاب عرضه شده است.

آقای افشار در مقدمه، دو نسخه از کتاب معرفی نموده است:

۱ - نسخه کتابخانه «لنین گراد» که چاپ باکو از روی آن انجام شده و تاریخ کتابت ۸۱۳ ق دارد و نام کاتب آن علی بن شیخ محمود ابیوردی است.

۲ - نسخه ش ۲۴۰۲ «کتابخانه مرکزی» دانشگاه تهران، معرفی شده در فهرست دانشگاه تهران (ج ۹، ص ۱۰۲۳).

نسخه دانشگاه با نسخه قبلی تفاوت هایی دارد و در بسیاری جاها، بسط و گسترشی بیش از آن دارد. اما نسخه حاضر - که هنگام تصحیح کتاب در دسترس جناب افشار نبوده - نسخه ای خوش خط و قابل اعتماد است و در جاهایی که آقای افشار در نسخه چاپی نقطه چین گذاشته و مخطوط را نخوانده، مطلب به خوبی قابل دسترسی و خواناست.

منابع: منزوی، فهرست واره کتابهای فارسی، ج ۱، ص ۵۸۶ - ۵۸۸؛ مقدمه ایرج افشار بر تصحیح ذیل تاریخ گزیده.

آغاز: «الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين وسلم تسليماً كثيراً چون مرحوم سعید پدرم طاب ثراه تاریخ گزیده را تا اول زمان ملک اشرف رسانیده بود بنده کاتب این حروف زین الدین بن حمد الله القزوینی».

انجام : «سایه معدلت و آفتاب مکرمت بر سر عالمیان پاینده و تابنده دارد و دست حوادث زمان و مکاره دوران از ذات این دولت دور الی یوم النشور بمحمد و آله الطّیّین الطّاهرین و سلّم تسلیماً کثیراً».

نستعلیق؛ بدون نام کاتب؛ یکشنبه ۲۰ ربیع الاول ۱۰۲۴؛ تمامی صفحات مجدول؛ در اول نسخه مهر چند ضلعی به سجع «من کتب الفقیر علی غفر له» و تملک ابوالخیر احمد بدین عبارت آمده است: «استعاره من الزمان الفقیر الی ربّه المنان ابوالخیر احمد کان الله له ولاسلافه و اخلافه». در صفحه عنوان این کتاب، تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی معرفی شده است. ۴۲ صفحه، ۱۹ سطر.

نسخه اصل: «مؤسسه خاورشناسی لنین‌گرا» روسیه، ش ۵۰۱، آکیموشکین، کوشف، میکلوخو و ماکلای، نسخه‌های خطی فارسی و تاجیکی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، ج ۱، ص ۹۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، ترجمه عارف رمضان، ص ۵۹.

(۱۰۳۱) مناقل الذرر و منابت الزهر (تاریخ - عربی)
از: ابوالولید اسماعیل بن محمد ابن رأس غنمه شقندی
اشبیلی (۶۲۹ق)

مؤلف از ادبا و شعرای اندلس بود و در «شقنده» به دنیا آمد و در سال ۶۲۹ق در «اشبیلیه»^۱ درگذشت. وی تألیفاتی داشت؛ از جمله: فضل اندلس در وصف شهرهای اسپانیا که با ترجمه به زبان اسپانیایی چاپ شده است؛ معجم در تراجم که صاحب الفصون الیانه از آن بسیار نقل می‌کند؛ و کتاب حاضر موسوم به مناقل الذرر و منابت الزهر که نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه «چستریتی» نگهداری می‌شود و درباره چاپ آن اطلاعی به دست نیامد.

مؤلف در کتاب حاضر، حکایات تاریخی و ادبی از صدر اسلام تا سال ۶۲۱ق را آورده و از منابع ذیل استفاده کرده است: ۱- عیون الاخبار؛ ۲- مروج الذهب؛ ۳- الکامل؛ ۴- زهر الادب؛ ۵- البیان و التبیین؛ ۶- الفصوص؛ ۷- الموطأ؛ ۸- سبل الخیرات؛ ۹- المعارف، ابن قتیبه؛ ۱۰- انس الوحید؛ ۱۱- ادب الکتاب؛ ۱۲- تاریخ یعقوبی؛ ۱۳- تاریخ ابن خیاط؛ ۱۴- العروس؛ ۱۵- تاریخ الخلفاء؛ ۱۶- الواضحة؛ ۱۷- الامامة؛ ۱۸- بخاری؛

۱۹- مسلم؛ ۲۰- ترمذی؛ ۲۱- مسند ابن ابی شیبّه؛ ۲۲- کتاب ابی نعیم؛ ۲۳- دارقطنی؛ ۲۴- سیره ابن اسحاق؛ ۲۵- تاریخ ابن ابی غنیمه؛ ۲۶- مغازی ابی قتیبه و

مؤلف در این کتاب، به مناسبت‌های گوناگون، احادیث، خطبات و اشعار بسیاری آورده و در ضمن روایات کتاب، احادیثی در فضایل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به چشم می‌خورند.

اشبیلی به تفصیل به تاریخ امرای بنی‌امیه پرداخته و به تاریخ عباسیان نیز اشاره کرده و مباحث کتاب را تا زمان حکومت «الناصر لدین الله ابوالعباس احمد بن حسن» در سال ۶۲۱ق رسانده است. کتاب فصل‌بندی خاصی ندارد و مباحث مرتب به ترتیب تاریخی است.

منابع: زرکلی، الاعلام، ج ۱، ص ۳۲۳.
آغاز: بسمله «و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الحمد لله المتطوّل بالآله المتفصّل بنعمائه المنفرد بملکوته فوق سمائه العادل بین جمیع الخلق فی حکمه و قضائه احمده علی ما فضّلنا به من الاسلام و جعلنا من امة محمد صلی الله علیه و آله».

انجام: «الناصر لدین الله و اسمه احمد و یکنی اباالعباس بویع له یوم الاحد ثانی ذی القعدة قال ابوالفرج الجوزی بایعته یومئذ هکذا هو الوالی الیوم بیغداد فیما بلغنا و هو عام احدى و عشرين و ستمائة و الحمد لله و صلی الله علی خیر خلقه انتهى الديوان المبارك بحمدالله و حسن عونه ...».

مغربی معرب؛ حاج ابن ابی عیاض؛ جمعه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۱۹۳؛ در اول نسخه، یادداشت تملکی مشاهده می‌شود و در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف ثبت شده است. هم‌چنین اسامی منابعی که مؤلف در این کتاب از آن‌ها نقل نموده، درج شده‌اند. در آخر نسخه ۱۷ بیت عربی در وصف کتاب آمده است. ۲۶۵ صفحه، ۲۵ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه «چستریتی»، دوبرلین ایرلند جنوبی، ش ۴۲۵۴، آربری، قائمه المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ج ۵، ص ۷۸؛ همو، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة تشستریتی، ترجمه محمود شاکر سعید، ج ۲، ص ۶۹۶.

۱. «اشبیلیه» نام معرب ایالت «سویل» در جنوب غربی اسپانیا در کرانه رود وادی الکبیر است. نک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۷۵۲-۷۵۸.

ماده تاریخ

سید حسن فاطمی

اگر چه مخّل عبارت نیست، اما در عددی که به دست می آید، تأثیر می گذارد.

اینک هنرنمایی برخی ماده تاریخ نویسان برجسته را از نظر می گذرانیم.

۱. باقر قادری در قصیده ای به مدح رسول خدا (ص) پرداخته است. جمع عدد حروف نقطه دار در هر مصراع، سال رحلت حضرت (۱۱ ق) است و جمع حروف غیر منقوط، سال جلوس یکی از پادشاهان گورکانی هند، اورنگ زیب (۱۰۶۸ ق) می شود و مجموع اعداد منقوط و غیر منقوط، سال سرودن قصیده (۱۰۷۹ ق) است. آغاز:

مه مراد ازل، مهر مهید ابر بهار
سپهر حلم ابد، بدر مجد و مهر کبار
محمّد عربی، مهر ملک عدل و کرم
جلال و مجد رسل، ماه دهر جوهر بار^۱

۲. مولانا فصیح الدین، ترکیب بندی در پنج بند گفته که مصراعهای اول، تاریخ تولّد معاصرش امیر علیشیر نوایی است و مصرعهای دوم، تاریخ فوت اوست. آغاز:

ای فلک! بی داد و بی رحمی بدین سان کرده

۸۴۴

وی اجل! ملک جهان را باز ویران کرده

۹۰۶

کرده بر جانها کمین بنهاده دام عنا

۸۴۴

هر زمان از کینه جویی قصد با جان کرده^۲

۹۰۶

یکی از راههای رایج در ثبت تاریخ وقایع مهم، از قبیل جنگها، ولادتها، درگذشتها، اتمام بناهای مهم و...، استفاده از «ماده تاریخ» بوده است و در زمان ما نیز با رونق کمتر، ادامه دارد. در گذشته، این شیوه، راه مناسبی بوده است تا سال وقایع مهم، تحریف نگردد؛ چرا که کمتر می توان حرفی از ماده تاریخ را کم یا زیاد کرد یا تغییر داد. با فرض تغییر، عدد به دست آمده، معمولاً به گونه ای می شود که تغییر در عبارت، معلوم می گردد. از سوی دیگر، بیان سال وقوع حادثه با ماده تاریخ، راهی برای مهم نشان دادن رخداد است.

در میان ماده تاریخهایی که تا کنون نوشته شده، برخی از آنها بیشتر جلب توجه می کند و پدید آورنده، متحمل زحمت فراوانی شده، به گونه ای که می توان اثر او را در شمار شاهکارهای ادبی به حساب آورد. در این مقاله به ماده تاریخهایی از این دست می پردازیم. قبل از آن، مناسب است عدد ویژه هر حرف را یادآوری کنیم:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ
۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰
ذ	ض	ظ	غ				
۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰				

درخور توجه است گاهی در قصیده ای که مثلاً هر مصراع آن ماده تاریخ است، عدد مورد نظر از برخی مصرعها به دست نمی آید. این موارد، معمولاً در اثر لغزش در استنساخ و چاپ پدید آمده اند، چنان که گاهی متصل یا منفصل نوشتن دو کلمه

۱. استخراج تاریخ در نظم، محمّد ابراهیم خلیل احمد جامی، کابل، ۱۳۳۷ ش، ص ۶۱.

۲. مصاد الثورایخ، حسین نخجوانی، تهران: کتابفروشی ادبیه، ۱۳۴۳ ش، ص ۲۵ - ۲۹.

۳. بنای عمارت «هشت بهشت» به سال ۱۰۸۰ ق، باز می‌گردد. محمدطاهر نصرآبادی (ق ۱۱) به این مناسبت، اشعاری را سروده که از پنج بیت پایانی، ماده تاریخ این بنا به دست می‌آید:

چون شاه سلیمان شه اقبال بلند

۱۰۸۰

شد بانی این مسکن بهجت پیوند

۱۰۸۰

از جشن و نشاط و کامگاری دایم

۱۰۸۰

در وی جای پادشه، دولتمند^۱

۱۰۸۰

۴. بدیع الزمان، مثنوی‌ای در تاریخ تعمیر عمارت «چهل ستون» سروده که همه مصراعهای آن، تاریخ تعمیر را نشان می‌دهند. آغاز:

ز امر بانی رسم عدالت

۱۱۱۶

بهار جنت آباد ولایت

۱۱۱۶

فروزان گوهر دریای شاهی

۱۱۱۶

مه روشن ز اسرار الهی^۲

۱۱۱۶

۵. در تاریخ جلوس امیر عمرخان، والی فرغانه، جنیدالله هروی، متخلص به «حاذق»، رباعی‌ای سروده که آن تاریخ بارها به دست می‌آید. جمع اعداد هر مصرع ۱۲۲۶ می‌شود و حروف منقوط هر بیت و حروف بی‌نقطه هر بیت جداگانه نیز ۱۲۲۶ می‌شود.

شاهی گو شد چو مصدر علم و کمال

شعرش همه را داده هدایا چو لثال

گاهی شده ار چو مه هلال کز مش

جودش همه را چه شد زر مالامال^۳

۶. محتشم کاشانی در تاریخ جلوس شاه اسماعیل دوم، شش رباعی‌گفته که مجموع حروف هر مصراع، عدد ۹۸۴ است و نیز از کل شش رباعی، تاریخ ۱۱۲۸ به صورت زیر استخراج می‌شود: جمع اعداد حروف بی‌نقطه مصراع اول با سایر مصراعها

۲۳ می‌شود. از جمع حروف بی‌نقطه مصراع دوم با بقیه مصراعها نیز عدد ۲۳ به دست می‌آید. بدین طریق، تا پایان، جمعاً ۲۷۶ می‌شود. همچنین جمع حروف نقطه‌دار ۲۷۶ می‌شود و جمع حروف بی‌نقطه با نقطه‌دار هر رباعی چهار صورت دارد که هر یک ۲۷۶ می‌شود و روی هم ۱۱۰۴ می‌شوند. خود مصراعها هم هر کدام تاریخ است که ۲۴ عدد است و در مجموع، تاریخ ۱۱۲۸ به دست می‌آید. آغاز:

می‌شد چو ز صنع رازق پاک جلیل

۹۸۴

ملک و ملک و فلک بدارا تحویل

۹۸۴

هر ملک تجمل که اهم بود بملک

۹۸۴

دهر آن همه افکند بشاه اسماعیل^۴

۹۸۴

۷. سید ناصر علی نصیر در تهنیت و تاریخ جلوس امجد علی شاه، قصیده‌ای سروده که از هر مصراع، عدد ۱۲۸۵ برمی‌آید. آغاز:

ای جبینت آفتاب مطلع اقبال و جاه

۱۲۸۵

با رکاب تو دوان صبح و مسا این مهر و ماه

۱۲۸۵

بحر با لطف و نوال تو بسان قطره

۱۲۸۵

کوه با شان معلای تو کم از برگ کاه^۵

۱۲۸۵

۸. سید جمال علی در سال ۱۲۱۰ ق، درگذشت و فرزندش سید رحم رسول، متخلص به «بالا»، قصیده‌ای سرود که از

۱. تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، به کوشش: احمد مدقّ یزدی، دانشگاه یزد، اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۴۳-۷۴۶؛ ریحانة الادب، محمدعلی مدرّس یزدی، تهران: خیام، چهارم، ج ۶، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۲. تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، اول، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۷ (مقدمه).

۳. مواد التواریخ، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۳۸-۴۰؛ استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۷؛ تذکره نصرآبادی، تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، ص ۶۸۷.

۵. استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۴.

یا کوبی است سعد منور برآمده^۳

۱۲۱۸

۱۱. شیخ امیرابراهیم بن شیخ میر، از بزرگان سادات و مشایخ، در سال ۱۰۸۶ق، عازم حج شد. پانزده بیت در این موضوع سروده شده که به انضمام اعدادی که از فقره های عبارات نثر آغازین به دست می آید، ۱۷۷۰ بار آن تاریخ به دست می آید. آغاز:

«بسم الله الرحمن الرحيم الوهاب الباقي الحكيم»
«الحمد لله الواسع الرافع المشهود» «و درود نامعدود بر جهان پناه برگزیده معبود»...

رسیده ماه لواء، آفتاب علم و امان
هلال کام و آمل، یوسف سپهر توان
جهان عدل و یقین، بدر چهره حاجی شد
طرز کامروا آفتاب جود و مهان^۴

۱۲. اشعاری بی نقطه که از هر مصراع آن، عدد ۱۰۶۹، تاریخ جلوس اورنگ زیب عالمگیر، به دست می آید. آغاز:

مِه ملوک امم، مهر ساطع اسرار
۱۰۶۹

امام عهد و عمر، عدل و اسوه احرار
۱۰۶۹

سواد مردمک مُلک و سرور اسلام
۱۰۶۹

مِه ممالک ... حارس احصار^۵
۱۰۶۹

۱۳. شعری که حروف منقوط و غیر منقوط هریبت، جداگانه ۱۰۶۸ می شود که سال جلوس اورنگ زیب عالمگیر است. آغاز:

جهان به حکم تو باد ای امیر کون و مکان
عماد حلم و عطا، دستگیر اهل جهان
بزرگ پادشهان، ماه عهد اکرم ملک
شهاب جود و عطا، پادشاه ناموران^۶

مجموع حروف منقوط و غیر منقوط هر مصراع، عدد مذکور به دست می آید و جمع منقوط هر بیت و نیز غیر منقوط هر بیت، جداگانه ۱۲۱۰ می شود. همچنین جمع غیر منقوط هر مصراع با منقوطها یا غیر منقوطهای هر مصراع دیگر، این عدد به دست می آید و نیز منقوط هر مصراع با منقوط یا غیر منقوط هر مصراع دیگر، از ۱۲۱۰ حکایت می کند. آغاز:

مرجع اقبال و همت، عمده کون و مکان
اسوه مُلک سعادت، قبله هر انس و جان
قدوة اقطاب دهر و مجمع ارشاد حق
داور امجاد ملت، نامدار از قبالان^۱

۹. شاعری دوازده بیت در مدح ائمه اطهار (علیهم السلام) سروده که هر بیت به یک امام اختصاص دارد. از جمع اعداد حروف منقوط در مصراع اول هریبت، سال شهادت آن امام به دست می آید و از جمع حروف منقوط مصراع دوم، سال تولد وی استخراج می شود. گفتنی است از آنجا که سال تولد امام علی (ع) پیش از هجرت است، تنها به سال شهادت حضرت اکتفا شده و دو بیت پایانی به سال ولادت حضرت مهدی (ع) اختصاص دارد. آغاز:

علی، زیب ملل، زبده همه ابرار
۴۰

مهی ز اوج هدی، حیدر امم سالار
۴۰

دوم، امام حسن، مهر ساطع لولاک
۵۰

سراج اهل کرم، صدر آله الاطهار^۲
۳

۱۰. طلاکاری گنبد حضرت معصومه (س) در سال ۱۲۱۸ ق پایان یافت و میرزا محمد صادق ناطق اصفهانی قصیده ای در مدح آن حضرت، توصیف گنبد و... سرود که از هر مصراع آن، تاریخ ساخت گنبد به دست می آید. این قصیده در اطراف صحن عتیق آستانه حضرت با کاشی نوشته شده است. آغاز:

این قبه، گلبنی است بزبور برآمده
۱۲۱۸

یا پاک گوهریست پُر از زیور آمده
۱۲۱۸

این دوحه ایست کامده از جنت العلا
۱۲۱۸

۱. همان، ص ۷۳-۷۵.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. تاریخ قم، محمدحسین ناصر الشریعه، دارالفکر، ص ۸۱-۸۴؛ ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۱۱-۱۱۹.

۴. استخراج تاریخ در نظم، ص ۶۵-۶۷. جهت آگاهی از چگونگی ۱۷۷۰ بار استخراج این تاریخ، به مأخذ مراجعه شود.

۵. همان، ص ۶۴.

۶. همان، ص ۶۴.

۱۴. تاریخ وصال غوث الثقلین، ۵۶۱ ق، است که از ابیات زیر، ۱۳۲۶ بار این عدد استخراج می‌شود. آغاز:

«بسم الله الجلیل الرحیم» «الحمد لله المهیمن القوی
الموجود و سلام مکمل علی نبی معبود»...
اساس حلم و حیا، دین پناه قطب زمان
پناه اهل بقاء، ابر جود و نیک بیان
وحید و قلب زمان، دل کلیم احمد قلب
عزیز و قطب مکان، لب عهد و نوح جهان^۱

۱۵. سال ۱۰۸۲ ق، به دستور شاه سلیمان بر سر دشمن توپ ریخته شد و محمدطاهر نصرآبادی، قصیده‌ای سروده که از هر مصراع آن، تاریخ فوق به دست می‌آید. آغاز:

چه توپ قلعه جنگ و عناد را دهلیز

۱۰۸۲

بود ستون و کند منزل عدو ویران

۱۰۸۲

بود برزم عدو ازدهای آتشزاد

۱۰۸۲

به قلبگاه شود ازدری گشاده دهان^۲

۱۰۸۲

۱۶. در تاریخ فتح کجرات توسط اکبر شاه هندی، خان خانان، رحیم تخلص از دانشمندان هند، به چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و اردو، روز و ماه و سال این واقعه را گفته و در عین حال، بر اساس عدد ابجد، از هر کدام، سال فتح نیز استخراج می‌شود:

«یوم الأحد ثانی ربيع الأول»، «روز یکشنبه دوم ربيع الأول»، «یکشنبه گونی ربيع الأول آیونک ایکسی»، «اتوار ربيع الأول کی دوجی». ۱۰۱۳

۱۷. میرزا محمدصادق ناطق اصفهانی در تاریخ وفات میرزا حسن پسر بزرگ میرزابزرگ قائم مقام، چنین گفته است:

رفت از جهان، وزیر جهان و امین ملک

۱۳۲۶

صدر اجل، سپهر هنر، میرزا حسن

۱۳۲۶

دستور ملک و صاحب عهد و نجیب دهر

۱۳۲۶

فخر مهین، وحید زمان، زبده زمن^۴

۱۳۲۶

۱۸. در تاریخ فوت سردار محمدعلی خان، ولیعهد افغانستان، قطعه‌ای گفته شده که با کنار هم گذاردن حروف اول بیتها، «محمدعلی» به دست می‌آید و عددی که از حروف آخر مصراعها استخراج می‌شود، مدت عمر او (۲۳ سال) و از حروف اول مصراعهای دوم، سال فوت او (۱۲۸۲ ق) به دست می‌آید. آغاز:

مهتاب تابدار جهان رفت در سها

شور و شعف فتاد در ایوان کبریا

حق است گر فلک فتد از جنبش و شتاب

تا چشم کس نه بنگرد این سخت ماجرا^۵

۱۹. میرزا محمدصادق ناطق اصفهانی در مدح نواب نظام الملک، پنج بیت سروده که بارها عدد ۱۱۳۴ به این صورت از آن استخراج می‌شود: معجمهای هر مصراع با مهملات همان مصراع و مصراعهای دیگر، چندین بار این عدد را نشان می‌دهند. همچنین جمع معجمات با معجمات و نیز مهملات با مهملات، بارها نشان‌دهنده این تاریخ‌اند. آغاز:

کو جواهر کو که از تائید فرمان ازل

نیر اوج وزارت داده لطف لم یزل

جلوه‌گاه ناز فطرت یا کلید راز دل

فرد آگاهی ازو راز جهان یک دست حل^۶

۲۰. در تاریخ فوت عباس میرزا نایب‌السلطنه، قصیده‌ای گفته شده که هر مصراع، آن تاریخ را نشان می‌دهد. آغاز:

بسیر انجم و دور سپهر سقله گهر

۱۳۴۹

چه فتنه که برآمد ز پرده باز بدر.

۱۳۴۹

چگونه حادثه جانگداز هجران شد

۱۳۴۹

۱. همان، ص ۶۳ جهت آگاهی از چگونگی استخراج تاریخ‌ها به مأخذ مراجعه شود.

۲. تذکره نصرآبادی، تحقیق احمد مدقق، ص ۷۴۷؛ ریحانة الأدب، ج ۶، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۳. مواد التواریخ، ص ۱۴۰.

۴. همان، ص ۳۱۴.

۵. همان، ص ۳۱۵.

۶. استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۱.

از آن، زمین و زمان شد بحالت دیگر^۱

۱۲۴۹

۲۱. باقرخان گیلانی در وصف پیامبر اکرم، قصیده‌ای سروده که از هر مصراع، عدد ۱۰۶۸، سال جلوس اورنگ زیب عالمگیر به دست می‌آید. آغاز:

«بسم الله الرحمن الرحيم الوكيل القديم»، «الحمد

۱۰۶۸

الله الرب الكريم المشهود»، «و درود نامعدود بر

۱۰۶۸

هادی امم، برگزیده معبود»...

۱۰۶۸

بزرگ کلّ رُسل، رهنمای کون و مکان

۱۰۶۸

سپهر مجد محمد(ص)، شفیع عالمیان

۱۰۶۸

پناه اهل نبوت بر بهار علو

۱۰۶۸

گل مراد ملل، آبروی گلشن جان^۲

۱۰۶۸

۲۲. قصیده‌ای در مدح پیامبر اکرم (ص) که از جمع اعداد حروف هر مصراع، عدد ۱۰۶۸، سال جلوس اورنگ زیب عالمگیر، به دست می‌آید. قصیده، شامل سه غزل است که در غزل اول و سوم، جمع اعداد یک رقمی هر مصراع ۴۸ و جمع اعداد دو رقمی ۴۲۰ و جمع اعداد سه رقمی ۶۰۰ است که در مجموع ۱۰۶۸ می‌شود. در غزل دوم، جمع یک رقمی‌ها ۳۸، جمع دو رقمی‌ها ۴۳۰ و جمع سه رقمی‌ها ۶۰۰ است. شاعر در ابتدا با عباراتی مثنوی، درباره قصیده خود توضیحاتی داده که جمع اعداد هر فقره نیز ۱۰۶۸ می‌شود. آغاز غزل اول:

قوی وزین همه مکه عز و عرش مکان

علو جاه و عمل، زیب دین، سپهر توان

سحاب لطف ابد، مهر عدل و شوق کن ماه

شهاب عدل و یقین، بدر حلم معجز و کان^۳

۲۳. محمّد تقی بن محمّدهادی مازندرانی (ق ۱۲) ساکن

هند، عقدنامه‌ای به فارسی در عروسی عطاءالله خان هندی

از امرای هند نوشت که از هر فقره آن، تاریخ عروسی

(۱۱۳۰ ق) به دست می‌آید. آغاز:

«الحمد لله الذي احلّ سبل النكاح» «و نهی عن منكر

۱۱۳۰

الفحشاء و ازدواج السفاح» «و صلّى الله على النبي

۱۱۳۰

محمّد و آله و ائمة الطيّبين» «سَيِّما صهره أسد الله

۱۱۳۰

على أمير المؤمنين» «مطلب از تنمیق این کلام صدق

۱۱۳۰

انجام» «و مقصود از بیان مسرت بنیان»^۴

۱۱۳۰

۲۴. عزّتی در تاریخ ولادت شاهزاده محمّد ابراهیم میرزا،

برادر بایسنقر بن شاهرخ، قصیده‌ای گفته که هر مصراع، عدد

۸۴۳ را نشان می‌دهد. آغاز:

سحر نسیم صبا بوی گل بما آورد

۸۴۳

نوا چو سرو قدان سوی بینوا آورد

۸۴۳

هزار جان گرامی فدا کنم چو صباح

۸۴۳

ز شا بجملة آفاق، مژده‌ها آورد^۵

۸۴۳

۲۵. محمّد طاهر نصرآبادی، قصیده‌ای در تاریخ عمارت

«هشت بهشت» گفته است. آغاز:

چون بدوران شد اعلاشان

۱۰۸۰

که زدل گشته سلیمان زمان

۱۰۸۰

جان‌پناهی که مدیخش عامست

۱۰۸۰

مرشد و داد ده ایامست^۶

۱۰۸۰

۲۶. در سال ۱۰۷۷ کتابت مثنوی به پایان رسید. میرزا

امین نصرآبادی (ق ۱۱) قصیده‌ای در اتمام آن گفته است

و از مصراع «عزم دارم درس در نظمی از اوراق داج» چهار بار

۱. مواد التواریخ، ص ۳۰۵-۳۰۹.

۲. استخراج تاریخ در نظم، ص ۵۸.

۳. همان، ص ۵۸.

۴. مواد التواریخ، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۳.

۶. همان، ص ۶۶۵-۶۶۷؛ تذکرة نصرآبادی، تحقیق: محسن ناجی، ص ۷۰۶.

تاریخ فوق استخراج می‌شود:

اول، از جمع حروف متصل (عز، نظمی)، دوم، از جمع حروف منفصل (م، دارم، درس، در، از، اوراق، داج، سوم، از جمع حروف نقطه‌دار (ز، ن، ظ، ی، ز، ق، ج) و چهارم، از جمع حروف بی‌نقطه (ع، م، د، ا، ر، م، د، س، د، ر، م، ا، ر، و، ر، ا، د، ا). چنان‌که خود او گوید:

نقطه‌دارش اولین تاریخ و ثانی بی‌نقطه متصل حرفش سوم، تاریخ‌روشن چو سراج منفصل‌هایش چو تاریخی دگر گوهر نگار می‌شود شاید که بر سرداریش مانند تاج^۱

۲۷. خواجه حسین هروی، شاعر دربار جلال‌الدین اکبر شاه هندی، قصیده‌ای در ۲۹ بیت گفته که مصراع‌های اول، تاریخ جلوس اکبر شاه است و مصراع‌های دوم، تاریخ تولد فرزندش شاهزاده نورالدین محمد جهانگیر است. آغاز:

لله الحمد از پی جاه و جلال شهریار
۹۶۳

گوهر مجد از محیط عدل آمد در کنار
۹۷۷

گلبنی این گونه نمودند بر دور چمن
۹۶۳

لاله‌ای این گونه، نگشود از میان لاله‌زار^۲
۹۷۷

۲۸. شاهجهان هند در سال ۱۰۰۰ ق تولد یافت. سعیدی گیلانی ملقب به «بی‌بدیل‌خان»، دوازده بیت سروده که به عدد ابجد، هر مصراع، سال هزار را حکایت می‌کند. آغاز:

خدا وجود بقا داده عالم و امکان
۱۰۰۰

برای شاهجهان، پادشاه کل جهان
۱۰۰۰

ز لطف یزدان وز عدل و جود و هفت اقلیم
۱۰۰۰

بود بافسر و باگاه ازین سلیمان شان^۳
۱۰۰۰

۲۹. محتشم کاشانی در تاریخ جلوس شاه اسماعیل دوم، قصیده‌ای گفته که هر مصراع، عدد ۹۸۴ را نشان می‌دهد. آغاز:

به که درین گفته معجز بنان
۹۸۴

درج بود نام خدای جهان
۹۸۴

شکر که قیوم کریم احد
۹۸۴

جان ده پوزش طلب جان‌ستان^۴
۹۸۴

۳۰. پس از شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد صفوی در سال ۹۸۵ جلوس یافت. محتشم کاشانی قصیده‌ای گفته که هر مصراع آن، تاریخ ۹۸۵ است. آغاز:

یا رب از عز الهی قرن‌ها دارد نگاه
۹۸۵

جای شاهان جهان، سلطان محمد پادشاه
۹۸۵

صاحب عادل دل دین‌پرور دارا سپه
۹۸۵

مالک دریا کف فرمانده عالم پناه^۵
۹۸۵

۳۱. میرک، اهل سمرقند، قصیده‌ای سروده که هر مصراع از ده مصراع پایانی، تاریخ جلوس ولی‌محمدخان بهادر است. آغاز:

دور و جاه ولی محمدخان
۱۰۱۵

باد تابنده مقدم ایشان
۱۰۱۵

همه آسوده زیر فرمانش
۱۰۱۵

باد والی بدهر، خان زمان^۶
۱۰۱۵

۱. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۷۸.

۲. مواد التواریخ، ص ۷؛ استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۲.

۳. مواد التواریخ، ص ۱۰؛ استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۵.

۴. مواد التواریخ، ص ۳۷-۳۸؛ استخراج تاریخ در نظم، ص ۷۰.

۵. مواد التواریخ، ص ۴-۴۱.

۶. همان، ص ۸۶.

۳۲. سال ۱۳۰۱ ق، نظام الملک آصف جاه، میرمحبوب علی‌خان، پادشاه دکن، جلوس کرد و عزیزالدین، متخلص به «عزیز معلّم» قصیده‌ای گفته که از هر مصراع آن، تاریخ جلوس به دست می‌آید. آغاز:

نازم بکلیک قادر نقش آفرین دلا

۱۳۰۱

نقش مراد عهد نشانده بمذعا

۱۳۰۱

دیدى چه نقش ناز بکرسى نشانده‌اند

۱۳۰۱

یا گشته نازل آیه کرسى بصد دعا^۱

۱۳۰۱

۳۳. وحشی بافقی (م ۹۹۱ ق)، مثنوی‌ای به نام ناظر و منظور دارد و در معرفى آن، قصیده‌ای دارد که یکی از مصراعهای آن از حروف منقوط و بی نقطه و متصل و منفصل، جداگانه چهار بار تاریخ سرودن ناظر و منظور (۹۶۶ ق) به دست می‌آید:

دهى نظام در درج درس درج دول

وی چگونگی استخراج تاریخ را چنین به نظم گفته است:

گره‌گشای خیالم ز مصراعى که گذشت

چهار عقدۀ تاریخ می‌کند منحل

یکی ز جمله حروفی که داخل نقطه است

دویم ار آنچه در او نیست نقطه را مدخل

سوم از آن کلماتی که واصلند بهم

چهارم آنکه درآید ز عکس آن بعمل^۲

۳۴. سال ۱۰۳۷ ق، جهان شاه وارد اکبرآباد شد و به تخت

نشست. سال ۱۰۴۳ ق، تاریخ بازگشت او به دهلی است

و سال ۱۰۴۴ ق، جلوس او در تخت طاووس است. سعیدای

گیلانی، قصیده‌ای گفته که سه مصراع نخست، مربوط به ورود

و خروج جهان شاه از اکبرآباد و بقیه مصراعها، حکایت‌کننده

جلوس او در تخت طاووس است. آغاز:

به اکبرآباد از جهد کامران بسریر

۱۰۳۷

جلوس کرد به تأیید عالم مٹان

۱۰۳۷

هزار بود و چهل سه بسال از هجرت

۱۰۴۳

که شد بدهلی با شاهی و سپاه گران^۳

۱۰۴۴

۳۵. جلوس شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۷۷ ق، است.

حکیم عبدالله وحدت، قصیده‌ای گفته که هر مصراعش تاریخ مذکور را حکایت می‌کند. از آن قصیده، دو بیت زیر به دست آمد:

مژده‌ها از گلشن ایمان چو گل سر زد صفی

۱۰۷۷

دم چه صبح از نور و رای آل حیدر زد صفی

۱۰۷۷

سنبها گردون زشادی زد بمهر و مه بهم

۱۰۷۷

از دوال کام تا طبل سکندر زد صفی^۴

۱۰۷۷

۳۶. سید سبحان قلی‌خان بهادر، از سلاطین ماوراءالنهر، در سال ۱۰۹۲ ق، جلوس کرد و محمّدباقی در قصیده‌ای با تمام مصراعهای آن، تاریخ جلوس را بیان کرده است. آغاز:

مژده ای دل، آمده از جور لطف ذوالجلال

۱۰۹۲

از پی فرمانروائی مقبل دریا نوال

۱۰۹۲

وان سلیمان جاه، اسکندر اساس کی حشم

۱۰۹۲

افسر رای کیانی کسری والا منال^۵

۱۰۹۲

۳۷. میرزا طهماسب قلی‌افشار، از شاعران ایرانی در هند، در تاریخ عروسی سلطان محمد دارا شکوه (۱۰۲۴ - ۱۰۶۹ ق) چهل بیت سروده که هر مصراع از نوزده بیت آخر، ماده تاریخ عروسی (۱۰۴۳ ق) است. همچنین با کنار هم

۱. همان، ص ۸۸-۹۳.

۲. ریحانة الأدب، ج ۶، ص ۳۰۹.

۳. مواد التواریخ، ص ۸۰-۸۱.

۴. همان، ص ۴۵؛ تذکره نصرآبادی، تحقیق: محسن ناجی، ص ۷۰۰؛ ریحانة

الأدب، ج ۲، ص ۲۹۴.

۵. مواد التواریخ، ص ۷۵-۷۷.

قرار دادن حرف اول مصراعها، یک بیت دیگر استخراج می‌شود. آغاز:

بحمد الله که شد دیگر ز سعی نایب سلطان

۱۰۴۳

رواج التیام افزون حدود وصل آبادان

۱۰۴۳

صلای امن در دادند بهر طوی شهزاده

۱۰۴۳

قبول یک‌دلی یابی از این جشن عماد ارکان

۱۰۴۳

از حروف اول مصراعهای اول و دوم، بیت زیر به دست می‌آید:

بصد تزئین بلوح محمل شاه

۱۰۴۳

رقم دیدم قران مهر با ماه^۱

۱۰۴۳

۳۸. میرزا محمدصادق ناطق اصفهانی در تاریخ وفات آقا محمدعلی پسر آقا باقر وحید بهبهانی قصیده‌ای دارد که تمام مصراعهای آن، تاریخ وفات اوست. آغاز:

زین بکا آه که رفت افهم علم از عالم

۱۲۱۶

زین عزا آه که رفت اکبر دین از دنیا

۱۲۱۶

ای جهان! حیف که رفت احمد علم از عالم

۱۲۱۶

ای فلک! حیف که رفت اسعد دین از دنیا^۲

۱۲۱۶

۳۹. فاضل شریانی، از علمای آذربایجان، در سال

۱۳۲۲ ق، وفات یافت و میرزا علی‌اصغر محیط، قصیده‌ای گفته که هر مصراع آن ماده تاریخ است. آغاز:

سحرگاهان، بریدی با هزار انده رسید از در

۱۳۲۲

پُر از درد و نوان و ناتوانی و پیام‌آور

۱۳۲۲

نزار و زرد چون هاله، قرین با رنج همناله

۱۳۲۲

چو گریان ابروی ژاله، فشاندی جزع وی گوهر^۳

۱۳۲۲

۴۰. در تاریخ فوت مصطفی‌خان زند، از امرای آقامحمدخان، خرد مازندرانی این قطعه را به صورت ماده تاریخ گفته است:

از دادگر و شهرة ایران، صد حیف

۱۲۰۷

وز سرور حکم‌آور دوران، صد حیف

۱۲۰۷

از رشک بزرگان زمان، صد افسوس

۱۲۰۷

وز زیب زمانه، مصطفی‌خان، صد حیف^۴

۱۲۰۷

۴۱. عابد اصفهانی، تألیف روضة المؤمنین را در سال ۱۲۲۴

به پایان رسانده و در آخر آن، هفت بیت در ماده تاریخ اتمام کتاب سروده است. آغاز:

از خراب دل کفیده زرنج

۱۲۲۴

آمدت فتح باب چارده گنج

۱۲۲۴

مؤمنین را حدیقه‌ایست که در

۱۲۲۴

بگشاد از پی تو دور از رنج^۵

۱۲۲۴

۴۲. میرزا محمدصادق ناطق اصفهانی، در تاریخ بنای

مسجدی در کرمانشاه به امر میرزا عبدالمحمدخان، این قصیده را گفته است. آغاز:

میرزا عبدالمحمد، معدن جود و شرف

۱۲۲۰

قدوة اهل مروّت، مجد ارباب یقین

۱۲۲۰

۱. همان، ص ۱۰۹-۱۱۲؛ استخراج تاریخ در نظم، ص ۶۹-۷۰.

۲. مواد التواریخ، ص ۲۲۴-۲۲۶.

۳. همان، ص ۲۵۰-۲۵۴.

۴. همان، ص ۳۰۱.

۵. همان، ص ۴۹۵-۴۹۶.

آن که باشد در اطاعت، زبده اهل زمان

۱۲۲۰

و آنکه آمد از فتوت، انجب اهل زمین^۱

۱۲۲۰

۴۳. قصیده زیر از فتح‌الله خرم‌کردستانی است که مصراعهای نخست، ماده تاریخ آغاز بنای مسجد جامع کردستان است و مصراعهای دوم، تاریخ انجام آن است. آغاز: منت ایزد را ز عدل والی ایام شد

۱۲۲۷

این همایون سرزمین بس به ز فردوس برین

۱۲۲۸

آن که کرد از لطف و احسان، زنده نام سروران

۱۲۲۷

آن که باشد فرّ یزدانش طالع از جبین^۲

۱۲۲۸

۴۴. ناطق اصفهانی، در تاریخ بنای مدرسه‌ای گفته است. آغاز:

در عهد پادشاه جم اقبال جم نشان

۱۲۱۷

کز وی بلند آمده کاخ و سرای علم

۱۲۱۷

سلطان عهد، فتحعلی شاه آن کزو

۱۲۱۷

گردید استوار و منزّه بنای علم^۳

۱۲۱۷

۴۵. در تاریخ بنای مسجد شاه تهران، ناطق اصفهانی چنین سروده است. آغاز:

از سوی شاه دهر، بنا شد بنای علم

۱۲۲۳

از وی گرفت زیب، بنای و سرای علم

۱۲۲۳

زین ملوک فتحعلی شاه عادل، آن

۱۲۲۳

کز عدل وی به دهر روا شد رجای علم^۴

۱۲۲۳

۴۶. ناطق اصفهانی در تاریخ بنای پلی در کردستان توسط

امان‌الله‌خان گفته است. آغاز:

بحر الطاف و جهان جود، امان‌الله‌خان

۱۲۱۹

والی والا گهر آن کان احسان و سخا

۱۲۱۹

آن که باشد همچو جد در دهر از فرط جلال

۱۲۱۹

و آن که باشد چون پدر در عالم از عون و عطا^۵

۱۲۱۹

۴۷. ناطق اصفهانی در تاریخ اتمام عمارت میرزا احمد وزیر گفته است. آغاز:

بحر عز و عدل، حاجی میرزا احمد که هست

۱۲۲۰

منبع الطاف و اعطاء، معدن زیب و سخا

۱۲۲۰

میرزا احمد، جهان فهم و اوصاف، آن که هست

۱۲۲۰

ماه برج ملک و دانش، گوهر درج عطا^۶

۱۲۲۰

۴۸. همچنین ناطق اصفهانی در تاریخ بنای حمامی در سنندج به دستور امان‌الله‌خان، والی کردستان، گفته است. آغاز:

صاحب اقبال و یمن و دین، امان‌الله‌خان

۱۲۲۰

والی والا گهر، آن کان الطاف و سخا

۱۲۲۰

آن که آمد همچو جد در دهر از فرّ و شکوه

۱۲۲۰

و آن که آمد چون پدر در گیتی از ملک و عطا^۷

۱۲۲۰

۱. همان، ص ۵۳۳-۵۳۴.

۲. همان، ص ۵۳۶-۵۴۱.

۳. همان، ص ۵۶۱-۵۶۶.

۴. همان، ص ۵۶۶-۵۷۰.

۵. همان، ص ۵۷۱-۵۷۲.

۶. همان، ص ۵۷۳.

۷. همان، ص ۵۷۴-۵۷۵.

۴۹. صباحی کاشانی در تاریخ بنای عمارت محمدحسین خان کاشی چنین سروده است. آغاز:

دارای جم، همال محمدحسین خان
۱۲۰۶

کو را مدام ادهم توفیق باد رام
۱۲۰۶

بر مقدمش نهاده مهان روی سال و ماه
۱۲۰۶

از حمله‌اش سپرده کیان جز بصبح و شام^۱
۱۲۰۶

۵۰. میرزا مقیم تبریزی در تاریخ بنای قصر شاه عباس دوم، قصیده‌ای گفته که مصراعهای اول، بیانگر تاریخ آغاز و مصراعهای دوم، تاریخ انجام آن است. آغاز:
ببین قصر سلطان صاحبقران
۱۰۵۶

اساس رواق فلک توأمان
۱۰۵۷

بود جای شاه سکندر منش
۱۰۵۶

پناه سلاطین بشوکت مکان^۲
۱۰۵۷

۵۱. فتحعلی شاه قاجار در سلطانیه کاخی داشته که گاهی به آنجا می‌رفته است. میرزا عبدالوهاب نشاط، قصیده‌ای گفته که از مصراعهای آن، تاریخهای مختلفی به دست می‌آید که نشان دهنده سالهایی است که فتحعلی شاه به آن کاخ رفته است. آغاز:

بفال همایون فرخ بفال
۱۲۱۸

سر سروران، آن شه بی‌همال
۱۲۱۸

شه‌نشاه دریا دل و ابر کف
۱۲۱۸

بر طبع او چه گهر، چه خَرَف^۳
۱۲۱۹

۵۲. قطره اصفهانی در تاریخ بنای یکی از قصرهای فتحعلی شاه گفته است. آغاز:

ویحک ای قصر فرح مایه که در لطف و کمال
۱۲۳۴

آمد انباز و قرین بهر تو نایاب و محال
۱۲۳۴

سده دلکش تو قبله ارباب نجاح
۱۲۳۴

ساحت سده تو کعبه اصحاب کمال^۴
۱۲۳۴

۵۳. معصوم کوزه کنانی تبریزی، متخلص به خاوری، معاصر آقا محمدخان قاجار، در تاریخ ساخت توپ توسط آقامحمدخان گفته است. آغاز:

توپ شه، کان قهر یزدان آمده
۱۲۱۱

ازدهای آتش افشان آمده
۱۲۱۱

صاحب ایران، محمدخان که کس
۱۲۱۱

نی چو او بر خاک ایران آمده^۵
۱۲۱۱

۵۴. خادم در وصف مرقعی زیبا که خطوط میرعماد و تصویرهای نقاشان هند در آن جمع بوده، قصیده‌ای گفته که به تاریخ اتمام آن اشاره می‌کند. آغاز:

این نکو طلعت مرقع نام
۱۱۴۷

که شد از جلوه، شهره در ایام
۱۱۴۷

نیست نازش زدلبری بی‌جا
۱۱۴۷

نازنینی است چون نشاط افزا.^۶
۱۱۴۷

۱. همان، ص ۵۷۵-۵۷۶.

۲. همان، ص ۶۶۰-۶۶۱.

۳. همان، ص ۶۸۸-۶۸۹.

۴. همان، ص ۶۹۷-۶۹۸.

۵. همان، ص ۷۳۶-۷۳۷.

۶. همان، ص ۷۳۸-۷۳۹.

رساله‌ای در استخاره

تألیف ملا احمد نراقی

به کوشش علی رفیعی علامرودشتی

شرح حال مؤلف

حاج ملا احمد بن حاج ملا محمد مهدی بن ابوذر بن حاج محمد قمی نراقی کاشانی، متخلص به «صفایی» (۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ - ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ ق / ۱۷۷۱ یا ۱۷۷۲ - ۱۸۲۹ یا ۱۸۳۰ م)، عالم بزرگ، فقیه اصولی، محدث رجالی، منجم، ریاضیدان، عالم معقول و منقول، استاد ماهر و شاعر، ادیب نامور شیعی و معروف به «نراقی» و یا «فاضل نراقی»، در نراق از توابع کاشان و در ده فرسنگی آن، در چهاردهم جمادی آخر سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶، پا به عرصه هستی نهاد و در همان جا نشو و نما یافت و مقدمات علوم از صرف و نحو و جز اینها را نیز، در همان جا آموخت. سپس دروس منطق، ریاضیات و فلک را نزد اساتید فن فرا گرفت و در این رشته‌ها، سرآمد اقران خویش گردید و به درجات عالی رسیده، چنانکه موجب غبطه همدرسان و اقران خود بود.

همه کسانی که به شرح حال وی پرداخته‌اند، اظهار داشته‌اند که او بیشتر علوم، از جمله فقه، اصول، حکمت، کلام و فلسفه را نزد پدر خود، ملا محمد مهدی نراقی آموخت و بیشترین آموخته‌های او از پدرش بوده و معروف است که ملا احمد نراقی در اوایل عمر خویش به سبب فراست ذهن

نقاد و ذکاوت خاطر وقاد خود، به دریافت علوم عدیده نایل شده، چنانکه بسیاری از علوم و کتب را بدون استاد فرا گرفت. از این رو، برخی تأکید کرده‌اند که وی، اساتید اندکی داشته است و با فطانت و ذکاوت خویش، بدین مرتبه علمی رسیده و به گفته بعضی، در هنگام تدریس کتابهای معالم الأصول و المطول، هماره طلاب علوم دینی را در منزل خود جمع می‌کرد و با آنان به مذاکره و مباحثه می‌پرداخت و به گفته خوانساری، در حین تدریس و پرسش و پاسخ با شاگردان، غیرمستقیم از زبان آنان مطالبی را فرا می‌گرفت که خود شاگردان، قصد تفهیم آن مطالب را نداشتند و از این راه، در علوم به مدارج والایی رسید و بر هر استاد و بر همه فائق آمد. نراقی در سال ۱۲۰۵ ق، برای زیارت ائمه اطهار (علیهم السلام) به عتبات عالیات رفت، تا هم به زیارت نایل شود و هم تحصیلات خویش را پی گرفته، از حوزه‌های درس اساتید بزرگ و علمای اعلام و فقیهان نامدار شیعه در آن روزگار، دانش بیاموزد و بهره‌ وافر ببرد.

وی در نجف اشرف، نزد آیات عظام: سید محمد مهدی بحر العلوم، شیخ جعفر نجفی (مشهور به کاشف الغطاء)، حسین بن علی بن محمد بن علی بن محمد فتونی همدانی عاملی، فقه و حدیث و برخی علوم متداول آن روزگار را آموخت. سپس راهی کربلای معلّ شد و در آنجا نزد سید علی طباطبایی

تحصیلات او از طریق خواندن و مطالعه کتابها بوده، نه از زبان رجال علمی. از اینرو، تحقیقات وی در آن مکان و متانت علمی نیست.

نراقی پس از ۵۹ سال زندگی - که بیشتر آن در خدمت به علم و جامعه گذشت - در شب بیست و سوم ربیع ثانی ۱۲۴۵ (و به قولی ۱۲۴۴)، در نراق زادگاه خویش، بر اثر بیماری وبا، دیده از جهان فرو بست. جنازه وی، به نجف اشرف منتقل شد و در پشت سر حضرت و در صحن حرم امام علی علیه السلام در کنار قبر پدرش در ایوانی که در سمت باب طوسی واقع شده، به خاک سپرده شد.

داستان بیماری و ابتلای وی به وبا و درگذشت او را به این شرح نوشته اند که در ۱۲۴۵ ق، وبایی سخت و کشنده در ایران شیوع یافت و بسیاری در اثر این بیماری درگذشتند و مرحوم نراقی، برای فرار از این بیماری، کاشان را ترک کرد و به زادگاه خویش نراق رفت و در آنجا قدغن کرد که هیچ کس، خبر کسانی را که در اثر بیماری وبا درمی گذرند، به او بدهد. روزی زنی مستضعف برای کاری نزد وی آمد و مرگ برخی از بزرگان را به او خبر داد. نراقی به آن زن گفت: «مگر نشنیده ای که ما امر کرده ایم که کسی، خبر مرگ کسانی که از بیماری وبا درگذشته اند، به ما اطلاع ندهد؟» آن زن گفت: من هم به همین جهت، خبر را به شما ندادم و گرنه تا امروز، نزدیک ده هزار نفر به این مرض، وفات کرده اند! به محض شنیدن این سخن از آن زن، برخی علایم این بیماری از قبیل اسهال و قی کردن در مرحوم نراقی ظاهر شد و پس از چند ساعت، روح شریفش به فردوس اعلا پُر کشید و چنانکه اشاره شد، بدن شریفش به نجف انتقال یافت و در آنجا مدفون شد.

برخی نوشته اند که در هنگام انتقال جسد نراقی به نجف اشرف، به جهت التحام آن جسد مطهر و گرمی هوا می ترسیدند که بوی ناملایم از آن ظاهر شود؛ اما برخلاف، بویی خوش و پاکیزه، همچون بوی مُشک از آن ظاهر بود.

ملا محمدحسن جاسبی، یکی از شاگردان نراقی، قصیده ای در سوگ او سروده که ابیات اول و آخر آن، به این شرح است:

أضحی فؤادی رهین الکرب والألم
أضحی فؤادی أسیر الداء والسقم

(صاحب ریاض)، سید میرزا محمد مهدی شهرستانی و همچنین استاد کل، وحید بهبهانی، علوم یاد شده را فراگرفت و پس از اینکه به مراحل والای علمی رسید، به کاشان بازگشت.

فاضل نراقی در ۱۲۰۹ ق، پس از مرگ پدر خویش، به ریاست و مرجعیت رسید و مورد اقبال آنان واقع گردید، چنان که از هر سو و از هر شهر و دیاری، طالبان علم به نزد وی می شتافتند و از محضر او استفاده می کردند و دانش می آموختند، چنانکه شخصیت بزرگی چون فقیه بزرگ شیعه استاد الفقهاء، آیه الله شیخ مرتضی انصاری به نزد وی شتافته، از محضر او دانش آموخت. دیگر شاگردان معروف او: فرزندش ملا محمد نراقی، میرزا حبیب الله معروف به «بابا»، سید محمدتقی پشت مشهدی، برادرش میرزا ابوالقاسم نراقی و ملا محمدحسن جاسبی را می توان نام برد.

نراقی یک بار دیگر در ۱۲۱۱ ق، نیز به عزم زیارت عتبات و دیدار با شخصیت های علمی آنجا به عراق رفت، اما دیری نپایید که بار دیگر، به کاشان بازگشت.

صاحب روضات از صفات و کمالات اخلاقی وی چنین یاد کرده است:

آن جناب، بزرگواری بود وقور و غیور و شفیق و مهربان بر رعیت و زیردستان، و صاحب همتی عالی در کفایت مؤونات و تحمل زحمات آنان.

وی سپس افزود، که نراقی در سفر سامرا با شیخ جعفر کاشف الغطاء، استاد خویش، همراه بود و از ایشان، معجزه ای غریب از امامان بزرگوار مدفون در آنجا حکایت نموده است. معلّم حبیب آبادی درباره نراقی گفته است:

مرحوم حاج ملا احمد، از اجله علما و فقهای شیعه و فقیهی به غایت بزرگوار و فاضلی به نهایت نامبردار، بلکه اعلم و افقه و افضل و اشهر علمای عصر خویش بوده که علاوه بر علوم شرعیه، در سایر فنون و فضایل و مراتب ذوق و عرفان، بهره ای تمام داشته ... «فاضل نراقی»، باطلاقه، منصرف بدان بزرگوار است.

آقا بزرگ تهرانی، او را عالمی بزرگ، فقیهی بارع، مصنفی جلیل، جامعی متبحر و رئیسی مُطاع دانسته است.

سید محسن امین، از او به عنوان: «عالمی فاضل و جامع بیشتر علوم، بویژه اصول و فقه و ریاضی، و شاعری بلیغ به زبان فارسی» به شمار آورده؛ اما نوشته است که بیشتر

عام مضی قبل عام الحزن يظهر من
قولى «له غرف» تخلو من الألم

عبارت «له غرف» به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۳۱۵، که اگر کلمه: «الم» را که مساوی ۷۱ است، از آن کم کنیم، مساوی است با عدد ۱۲۴۴، درحالی که می‌دانیم سال فوت وی، ۱۲۴۵ ق، است، مگر اینکه بگوییم ناظم، سال مرگ وی را «عام الحزن» نامیده و می‌گوید سالی که پیش از عام الحزن، یعنی سال وفات گذشته بوده، سال مرگ وی است.

نراقی دارای چند فرزند بوده که عبارت‌اند از: حاج ملا محمد، پسر بزرگ وی، که عالمی فاضل بوده است و در ۱۲۹۷ ق، در کاشان درگذشت. دیگری میرزا نصیرالدین، که دارای آثار و تصنیفات از جمله شرحی بر الکافی است. سه دیگر، ملا محمد جواد نراقی عالم فاضل متقی و فقیه فطین که در ۱۲۷۸ ق، درگذشت و چهارمین فرزند وی، دختری بود که همسر حاج ملا احمد نطنزی از فرزندان میرزا ابوتراب بوده است.

فاضل نراقی، طبع شعر هم داشته و می‌توان او را در شمار ادیبان و شاعران برجسته‌ای دانست که اشعار فراوانی داشته است. ادوارد براون، درباره نراقی و طبع شعر او می‌گوید:

ملا احمد نراقی ... هم شاعر و هم فقیه بود و یک دفتر شعر فارسی به نام: «طاقدیس» به تقلید «مثنوی» از او به جا مانده است و تخلصش «صفایی» بود.

آثار نراقی

فاضل نراقی کتابهای زیادی در فقه، اصول، اخلاق و جز آنها تألیف کرد که برخی به چاپ رسیده و بقیه به صورت خطی در کتابخانه‌های مختلف باقی مانده است. در آغاز به آثار چاپ شده وی به ترتیب الفبا می‌پردازیم و سپس، آثار خطی وی را به همین ترتیب، ذکر خواهیم کرد.

آثار چاپی

آثار انتشار یافته نراقی - که برخی از آنها بارها به چاپ رسیده - عبارت‌اند از:

۱. أسرار الحج، که به سال ۱۳۲۱ ق، در تهران منتشر شده است.

۲. تصحیح المشبه، که به کوشش ابوالفضل میرمحمدی

زرندی به سال ۱۴۱۰ ق، در قم به طبع رسیده است.

۳. خزان (کتابی نظیر کشکول شیخ بهایی) که به سال ۱۲۹۰ ق، در تهران به چاپ رسیده و بارها پس از آن تجدید چاپ شده است. درواقع این کتاب، ذیل و تکمله‌ای بر مشکلات العلوم پدرش است.

۴. سیف الأئمة و شبهات الملة، که کتابی در رد بر کتاب پادری نصرانی و شبهاتی که وی بر دین اسلام وارد کرده بود. نراقی در پاسخ وی به تألیف این کتاب پرداخت و آن را به نام فتحعلی شاه قاجار و در سه باب، مرتب نمود و در روز شنبه هفدهم صفر ۱۲۳۳، به انجام رساند و فرزندش حاج ملا محمد نراقی، فهرستی مبسوط در اول کتاب به امر پدرش نوشت.

هنری مارتن پادری، مردی نصرانی بود که چند سال با لباس مبدل در نزد آخوند ملا علی نوری درس خواند و سپس شبهاتی بر دین اسلام وارد کرد و علما، کتابهایی در رد او نوشتند. مؤلف قصص العلماء درباره این سری کتابها می‌گوید: از میان آنها سه کتاب از همه بهتر است، یکی: مفتاح النبوة حاج میرزا محمدرضا همدانی، دیگری: حجة الإسلام، تألیف آخوند ملا علی نوری و سوم، کتاب سیف الأئمة نراقی که پس از مطالعه کتابهایی از یهود و گفتگو با علمای آنها، این کتاب را تألیف کرد.

این کتاب، نخستین بار در ۱۲۶۷ ق، منتشر شد و پس از آن، بارها تجدید چاپ شد. از جمله در سال ۱۳۰۰ ق، در تبریز و به کوشش حاج محمد نراقی، پسر مؤلف.

۵. طاقدیس که به لسان الغیب فی تمییز الصحة والعیب نیز معروف است و به سال ۱۲۷۱ ق، در تهران به چاپ رسیده و چندین بار پس از آن تا سال ۱۳۷۴ ق، به طبع رسید.

۶. عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام، که در تهران در سالهای ۱۲۴۵، ۱۲۶۶ و ۱۳۲۱ ق، به چاپ رسیده است.

۷. غزل نراقی، که توسط اختر نراقی گردآوری شده و به سال ۱۳۵۱ ش، در تهران منتشر شده است.

۸. قاعدة لا حرج، که به کوشش ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال ۱۴۱۰ ق، در قم همراه با چند رساله دیگر به طبع رسیده است.

۹. مستند الشیعة فی احکام الشریعة، که نخستین بار به کوشش ملا عبدالکریم و حاج شیخ بشیر دزفولی و سید محمّدعلی

کتابخانه مدرسه نمازی خوی به شماره ۳۱۶ و کتابت ۱۲۲۸ ق، و نسخه‌ای در کتابخانه آیه الله مرعشی رحمته به شماره ۷۱۴۷ کتابت ۱۲۲۸ ق، و نسخه‌ای دیگر در همان جا به شماره ۶۳۲۲ کتابت ۱۲۴۹ ق، و نسخه‌ای دیگر در همان جا به شماره ۵۱۹۳ کتابت ۱۲۵۷ ق، و دو نسخه‌ای در کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره‌های ۹۷۳ و ۲۹۲۶ موجود است.

۵. وسیلة النجاة، که دو کتاب به یک نام است، اما به دو زبان عربی و فارسی که فقط در اسم یکی هستند، اما در محتوا با هم مختلف‌اند؛ یعنی ترجمه همدیگر نیستند و شامل مسائلی در عبادات و درواقع، دو رساله بزرگ و کوچک، به شکل رساله‌های فتوایی و عملی است. نسخه‌ای از این کتاب در دو جلد بزرگ، در کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۹۱۱۴ موجود است.

۶. هداية الشيعة، که کتابی است مختصر در فقه و «کتاب الصلوة» آن در سیزدهم رمضان ۱۲۳۴ پایان یافته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیه الله مرعشی رحمته به شماره ۱۲۵، کتابت ۱۲۳۵ ق، موجود است که خود مؤلف بر آن حاشیه زده است. نسخه‌ای دیگر از این کتاب در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) به شماره ۲۲۲۴ و نسخه‌ای نیز در کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۴۴۰۷/۳ موجود است.

دیگر آثار

آثار دیگری که به مرحوم نراقی نسبت داده‌اند، اما تاکنون یافت نشده و در کتابخانه‌ها و فهارس نسخه‌های خطی اثری از آنها نیست، عبارت‌اند از:

۱. تذکرة الأجباب.
۲. جامع المواعظ.
۳. حجة المظنة، که در فهرست آثارش از آن یاد شده است.
۴. خلاصة المسائل، که درواقع رساله عملیه وی به فارسی در طهارت و نماز است که در اواخر آن، به کتاب دیگرش: تذکرة الأجباب حواله داده است و این، نشان می‌دهد که تذکرة الأجباب نیز رساله عملیه بوده است.
۵. دیوان اشعار فارسی، که صاحب کتاب مجمع الفصحاء، از آن نام برده و گفته که آن را دیده و نزدیک به یکصد بیت از آن را نقل کرده است.

لواسانی در دو جلد در فاصله سالهای ۱۲۷۳ و ۱۲۷۴ ق، در تهران به چاپ رسیده است. همچنین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ ق، به کوشش حاج محمدحسین و محمد مهدی، در تهران منتشر شده است. این کتاب اخیراً نیز به همت مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام تحقیق شده و جلد اول آن در ۱۴۱۵ ق، منتشر شده و چاپ سایر مجلدات آن ادامه دارد.

۱۰. معراج السعادة، نخست به سال ۱۲۶۵ ق، در تهران به چاپ رسید و پس از آن به کرات از جمله به کوشش محمد صادق بن ملا علی گلپایگانی به سال ۱۳۰۶ در تهران و نیز به کوشش ابوالحسن شعرانی به سال ۱۳۳۲ ق، در همان جا منتشر شده است. شیخ عباس قمی، این کتاب را تلخیص نموده که به سال ۱۳۶۱ ق، در تهران انتشار یافته است.

۱۱. مناهج الأحکام والأصول، که به سال ۱۲۶۹ ق، در تهران به زیور طبع آراسته شده است.

آثار خطی

اما آثار خطی به جا مانده از نراقی که در کتابخانه‌های مختلف موجودند، به این شرح است:

۱. اساس الأحکام فی تنقیح عمدة مسائل الأصول بالأحکام، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد، به شماره ۹۶۵ و نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره ۹۶۲۳ و دو نسخه به شماره‌های ۴۸۰۵ و ۶۴۲۸، در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم، موجود است.

۲. الرسائل والمسائل، به فارسی در جواب مسائلی که از کتابهای پدرش و از کتاب کشف الغطاء از استادش نقل کرده و در دو جلد است. در جلد اول، فروعی آمده است که فتحعلی شاه قاجار و دیگران از او پرسیده‌اند و پاسخ داده است و جلد دوم، در بعضی مسائل اصولی و حل مشکلات است. نسخه‌ای کتابت شده به تاریخ ۱۲۳۰ ق، در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف موجود است.

۳. عین الأصول فی أصول الفقه، وی این کتاب را در ۲۵ جمادی ثانی ۱۲۰۸ به پایان برده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) به شماره ۵۵۳۸، جزو مخطوطات سده سیزدهم، موجود است.

۴. مفتاح الأحکام فی أصول الفقه، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه شاهچراغ شیراز به شماره ۳۴۹ و نسخه دیگری در

پیش از این اشاره کردیم که نراقی در فنون شعری نیز مهارتی تمام داشته و به «صفایی» تخلص می‌کرده است و بویژه اشعار اخلاقی او بیشتر از سایر اشعارش است و اشعار عاشقانه و عرفانی وی نیز بسیار بوده و به عنوان نمونه، برخی از ابیات وی را که در منابع رجالی و تذکره‌ها آمده است، در اینجا می‌آوریم:

تاراج کنی تاکی، ای مغبچه، ایمانها؟
کافر تو چه می‌خواهی از جان مسلمانها؟
ای خضر مبارک پی! بنمای به من راهی
سرگشته چنین تاکی، مانم به بیابانها؟
دامن مکش از دستم، ای بت که به امدت
یکباره کشیدستم دست از همه دامن‌ها
پروانه صفت گردم، گرد سر هر شمع
از روی تو چون روشن، شد شمع شبستانها
مقصود من محزون از باغ، تماشا نیست
چون بوی تو دارد گل، گردم به گلستانها
* * *

بدین دردم طبیبی مبتلا کرد
که درد هر دو عالم را دوا کرد
خوشا حال کسی کاندل ره عشق
سری درباخت یا جانی فدا کرد
در میخانه بر رویم گشادند
مگر میخواره‌ای بر من دعا کرد
«صفایی» تا مرید میکشان شد
عبادهای پیشین را قضا کرد
* * *

تا مغبچگان مقیم دیرند
در دیر مغان، مرا مقام است
آن آیه که منع عشق دارد
واعظ بنما به من کدام است
و آن می که به دوست، ره نماید
آخر به کدام دین حرام است؟
گفتیم بسی ز عشق و گفتند
این قصه هنوز ناتمام است
از خانه ما نهفته راهی است
تا منزل او که یک دو گام است

در می‌کده ز آن شده «صفایی»
کاین مدرسه، منزل عوام است

* * *

این بیت را نراقی وقتی گفته که در کاشان، مدرسه‌ای علمیه می‌ساختند:

در حیرتم آیا ز چه رو مدرسه کردند
جایی که در آن می‌کده بنیاد توان کرد

۶. رساله فی اجتماع الأمر والنهی.

۷. شرح تجرید الأصول، که شرحی مفصل در هفت جلد است، مشتمل بر همه آنچه که متعلق به علم اصول است و آن را در ۱۲۲۲ ق، نوشته است.

۸. شرح «کتاب الحساب»، که شرحی است بر کتاب پدرش.

۹. شرح کتاب محصل که شاید منظور، کتاب محصل تألیف پدرش باشد و یا مقصود المحصل امام فخرالدین رازی.

۱۰. مشکلات العلوم، کتابی به سبک و سیاق کتاب پدرش که آن هم به نام مشکلات العلوم است و این غیر از کتاب خزائن است که چنان‌که اشاره کردیم، ذیل و تکمله‌ای بر کتاب پدرش است.

۱۱. منظومه‌ای به زبان فارسی که نام آن چهار صفر است. به این ترتیب، مجموع کتابهای چاپ شده، خطی و منسوب به وی و نیز رساله حاضر که اکنون پیش روی است، فاضل نراقی دارای ۲۹ عنوان کتاب و رساله است که برخی از آنها بالغ بر چندین جلد می‌شود.

اما رساله حاضر

گرچه از این رساله کوتاه و مختصر نامی در آثار خود مؤلف و در منابعی که شرح حال وی را نوشته‌اند، نیست و حتی در خود این رساله نیز به نام آن اشارتی نرفته است، اما با توجه به عنوان آن می‌توان آن را رساله‌ای در استخاره نامید.

اصل رساله مزبور در کتابخانه آیه‌الله مرعشی (ره) موجود است که توسط سرور گرامی و برادر ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید محمود مرعشی، کتابشناس و نسخه‌شناس بزرگ معاصر و تولیت آن کتابخانه در اختیار نگارنده قرار گرفت تا پس از تحقیق، منتشر شود. در همین جا فرصت را غنیمت شمرده، از این بزرگواری ایشان، تشکر می‌کنم.

استخاره

[سؤال:] هرگاه کسی استخاره نماید درخصوص امری مثل: خریدن مزرعه یا نکاح دختری یا اجاره دادن ملکی و استخاره بد باشد و مدتی مانند یک سال، مثلاً، بر این بگذرد و بعضی از حالات «مستخیر» تفاوت کند، مثل اینکه بولی [کذا فی الأصل] به جهت آن هم رسد، یا بعضی از حالات «مستخار فیه»، مثل اینکه آب مزرعه زیاد شود و در اول هم استخاره را مطلق کرده باشد، آیا بعد از یک سال که بعضی حالات، مختلف شده، دوباره استخاره کردن، مشروع است یا نه؟

جواب: تحقیق مقام، موقوف است بر بیان سه چیز: اول اینکه شکی نیست که تعدد استخاره، به اختلاف امور، جایز و مشروع است؛ یعنی هرگاه امور، مختلفه باشند، از برای هر یک استخاره جداگانه می‌توان نمود، خواه اختلاف این امور و تعدد آنها جنسی باشد یا نوعی یا شخصی؛ زیرا که خیریت و حکمت و مصلحت در امور مختلف می‌تواند شد، به اختلاف در جنس و به اختلاف فصول و به اختلاف مشخصات.

دویم نسبت اختلاف اموری که به جهت آن استخاره می‌شود می‌تواند شد، ضمّ قیود متخالفه باشد، مثل اینکه استخاره نماید که فلان امر را در فلان روز یا فلان حالت بکنم. در این صورت، این امر مختلف است با کردن همان امر در روز دیگر یا حالتی دیگر، و می‌تواند شد قصد مستخیر باشد، اگرچه ضمّ قید نکند، مثل اینکه استخاره کند که «فلان امر را بکنم» و مقصود او آن باشد که هرگاه خوب بیاید، در همان روز یا همان ماه بکند، در این صورت، کردن همان امر، در روز دیگر یا ماه دیگر، مختلف است با مستخار فیه و می‌تواند شد سبب اختلاف شیوع و عرف و عادت باشد، مثل اینکه استخاره کند که به دیدن فلان شخص بروم یا نه و ملتفت نباشد که در چه وقت، که در این صورت، متعارف و شایع و معهود از این در اوقات قریبه، به زمان استخاره است. پس اگر بعد از یک ماه دیگر، بلکه یک روز دیگر خواهد به دیدن آن بروم، غیر از دیدن اولیه است که مستخار فیه است و ظاهر آن است که این قسم هم از قصد تقیید منفک نشود.

سیم مخفی نماند که استخاره به معنای طلب خیر است و طلب معرفت خیر و طلب معرفت امری که در آن خیر است و ارشاد به آن.

این رساله گرچه بسیار کوتاه و مختصر است، اما با توجه به محتوای آن، در نوع خود، بزرگ و ارزشمند است که کمتر کسی به موضوع آن پرداخته است. اینجانب، هرچه در آثار موجود درمورد استخاره، جستجو کردم، ندیدم کسی به مطلبی که موضوع این رساله است، پرداخته باشد.

محتوا و موضوع این رساله عبارت است از پرسشی درباره «تجدید استخاره» در مواردی که حالات استخاره کننده (مستخیر) و یا مورد استخاره (مستخار فیه) تغییر کند. پرسش این است که: اگر چنین امری حادث شود، آیا استخاره مجدد، مشروع است یا خیر؟ مؤلف کوشیده با دلایل و براهینی ثابت کند که اگر شرایط و حالات مستخیر و مستخار فیه تغییر کند، استخاره مجدد، مشروع است.

درواقع و به گفته خود مؤلف، این مطلب، موضوعی است که کسی در منابع و مآخذ درمورد استخاره، به آن نپرداخته و حتی در احادیث و اخباری که از امامان معصوم علیهم السلام درمورد استخاره به ما رسیده نیز اشارتی به این موضوع نشده است و مؤلف، فقط به مقتضای دلیل عقلی، به تجزیه و تحلیل پرسش و پاسخ آن در شقوق مختلف پرداخته است. از این رو، می‌توان این رساله را در نوع خود، بی‌نظیر به‌شمار آورد و ادعا کرد که نخستین رساله در این موضوع است.

مقتضای مشروعیت عقلانی استخاره مجدد در صورت تغییر شرایط و حالات استخاره کننده و موردی و امری که برای انجام دادن یا ترک آن استخاره شده، معنا و مفهوم کلمه «استخاره» است که همانا طلب خیر و درخواست راهنمایی از خداوند متعال است که در امور مورد تردید، از درگاه حق، طلب یاری و راهنمایی بشود و از حضرت ربوبی استشاره گردد، تا او ما را یاری و راهنمایی نماید و راه خیر و شر را به ما بنماید و به مقتضای روایات و احادیث فراوانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده که همگی در ترغیب و تشویق امت اسلامی به «استخاره» در امور و طلب خیر از خداوند است، چنین می‌نماید و استفاده می‌شود که به اقتضای این دو مورد، می‌باید استخاره مجدد برای امر یا موضوعی که پیش آمده و قبلاً برای انجام دادن یا ترک آن استخاره شده و «بد» یا «خوب» آمده، در صورتی که حالات و شرایط ما نحن فیه تغییر یابد، حلال و شرعی باشد و این، مطلبی است که مؤلف درصدد اثبات آن است.

قال ابن الأثير في نهايته: «معنى قولك استخير الله، أطلب منه - سبحانه - أن يعرفني في أمري ما فيه الخيره ويرشدني الله». ^۱ و شكی در این نیست که خیریت امور، بی سبب و جزاف [گزاف] نیست؛ بلکه خیریت آنها، بسته و منوط به حکم و مصالح است و عدم خیریت و بد آمدن، مبنی بر مفاسد آن امور است و گاه است که نه در ضمن آن حکمت و مصلحتی است و نه بر آن مفسده ای مترتب می شود و شكی در این نیست که مصالح و مفاسد امور، مختلف می تواند شد، به اختلاف حالات راجعه به «مستخیر» یا به عوارض حادثه از برای «مستخار فیه». همچنان که شرب دوا در بعضی حالات شخص، متضمن مصلحت است و در بعضی حالات آن، متضمن مفسده و همچنان که ملاقات سلطان، مثلاً در حال غضب آن، متضمن مفسده است و در حال عدم غضب، گاه است متضمن مصلحت است، هرگاه این امور معلوم شد. پس می گویم که: کسی که استخاره می کند در امری، از چند صورت بیرون نیست:

اول اینکه آن امر را در استخاره، مقید کند به زمانی یا حالی، مثل اینکه استخاره نماید که فلان امر را در فلان زمان یا فلان حال بکنم و [استخاره] بد باشد و در این صورت، شكی نیست که بعد از گذشتن آن زمان، یا تبدل آن حال، می توان دوباره استخاره نمود؛ زیرا که حقیقتاً در این صورت، «مستخار فیه» متعدّد است و دانسته شد که تعدّد استخاره، به جهت امور مختلفه متعدده، جایز و مشروع است، ولیکن مادامی که آن زمان یا آن حال متبدل نشود، ظاهر آن است که دوباره استخاره نتوان نمود، اگرچه قبل از گذشتن آن زمان، یا تبدل، بعضی از حالات «مستخیر» یا «مستخار فیه» متبدل شود، مثل اینکه استخاره کند که بعد از یک ماه دیگر، مثلاً، به فلان سفر رود و [استخاره] بد باشد و در وقت استخاره، قافله [ای] نباشد و قبل از آمدن یک ماه، قافله [به] هم رسد، یا در وقت استخاره، راه مخوف باشد و قبل از تمام شدن یک ماه، راه امن شود؛ زیرا که «مستخار منه» - جلّ شأنه - عالم به این بود که بعد از یک ماه، راه امن خواهد شد و با وجود این، استخاره بد آمده. پس معلوم می شود که وجود قافله یا امنیت طریق، باعث رفع مفسده ای که به جهت آن استخاره بد آمده، نمی شود و معلوم می شود که مفسده با وجود قافله و امنیت است. دویم از صور استخاره آن است که استخاره را مقید نکند،

بلکه مطلق استخاره کند و این بر دو قسم است؛ زیرا که امری که در آن استخاره می شود، یا امری است که معهود و متبادر از استخاره کردن آن، کردن آن است در جزئی از زمان مخصوص، یا بعضی حالات مخصوصه، مثل اینکه کسی استخاره کند که به دیدن فلان شخص بروم و [استخاره] بد آید و بعد از گذشتن چند روز، باز اراده دیدن آن شخص کند، یا استخاره کند که فلان دوا را بخورم و [استخاره] بد آید و بعد از گذشتن یک سال یا دو سال، باز اراده خوردن آن دوا کند، در این صورت، ظاهراً شكی در جواز استخاره، بعد از اراده ثانیه نیست؛ زیرا که فی الحقیقه، استخاره اول، راجع به مقید است، به جهت اینکه معتاد و متبادر و شایع از استخاره اینک: «به دیدن فلان شخص بروم»، آن است که در این ساعت یا در این روز بروم و گاه است که به تفاوت مسافت، مدت تفاوت کند و همچنین، معهود از استخاره اینک: «فلان دوا را بخورم»، آن است که در این روز یا در این ماه یا در این سال بخورم، و یا امری است که متبادر و معهود از آن زمان معینی یا حالت معینه نیست و این، بر سه قسم است:

یکی اینکه در قصد او این بود که هرگاه استخاره، خوب آید، بلافاصله، یا به فاصله قلیله یا بعد از ده روز، یا در حالت معینه، مثلاً، آن کار را بکند و استخاره، بد آید و آن مدت یا حالت هم بگذرد، ظاهر آن است که بعد از آن، هرگاه باز اراده کردن آن امر را بکند، استخاره مشروع باشد؛ زیرا که چون دانسته شد که قصد «مستخیر» هم از جمله مقید است، پس امر مذکور، حقیقتاً مقید است به مدت یا حالت مقصوده. پس بعد از انقضای آن، آن امر «مستخار فیه» متبدل می شود.

دویم اینکه مقصود «مستخیر»، استخاره کردن آن امر باشد، مطلقاً؛ یعنی در وقتی از اوقات، اگرچه مدت مدیده بگذرد یا حالتی از حالات.

سیم اینکه استخاره را مطلق کند و ملتفت و مستشیر به اینکه در وقت معین یا بلافاصله یا حالت معینه، یا در جمیع آرمه و اوقات، یا جمیع حالات نباشد؛ بلکه استخاره کردن آن امر را نماید، مطلقاً، بدون التفات به زمان و حالت در قصد

۱. عبارتی که مؤلف از کتاب: النهایة فی غریب الحدیث و الاثر ابن اثیر نقل کرده است، در چاهای موجود، ذیل ماده «خیر» یافت نشد و حتی در یک نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی (ره) هم این عبارت دیده نشد.

به اعتبار فرد، بد، و دور هم نیست که گفته شود که هرگاه [استخاره] بد باشد، معلوم می‌شود که هیچ فردی خوب نیست و اگر خوب باشد، احتمال می‌رود که جمیع افراد خوب باشد، یا بعضی خوب و بعضی بد و به هر صورت، باز جایز است تجدید استخاره.

اما اگر بگوییم که استخاره در مهیت مطلقه بوده است، پس ظاهر است؛ و اما اگر بگوییم که خوب و بد استخاره اولی، به اعتبار آن فردی است که مطابق استخاره است، پس به جهت آن که چون آن فرد معین نزد ما نیست، باز در تعیین، محتاج به استخاره دیگر هستیم.

پس اگر گفته شود که هرگاه استخاره اولی خوب باشد، معلوم شود که جمیع افراد آن مهیت خوب است، و الا استخاره خوب نمی‌آید و اگر بد باشد، معلوم می‌شود که جمیع افراد بد است، می‌گوییم که اگر بعضی افراد خوب باشد و بعضی بد، باز استخاره یا خوب می‌آید و بد؛ زیرا که ممکن نیست که استخاره واحده، هم خوب باشد و هم بد، و اگر گفته شود که همچنان که تکلیفات شرعیه که منوط به مصالح و مفاسد است، جایز است. بنابراین قول اصح، که تعلق به مهیت لا بشرط بگیرد، همچنین استخاره که مناط در آن، استکشاف مصالح و مفاسد است، جایز است تعلق به مهیت لا بشرط بگیرد، می‌گوییم: بر فرض اینکه این صحیح باشد، باز دوباره استخاره کردن، مشروع و جایز خواهد بود؛ زیرا که همچنان که می‌تواند شد که مهیت، من حیث نفسها، متصف به حسن باشد و به انضمام بعضی قیود، حرام شود، مانند نماز در مکان غصبی، همچنین می‌تواند شد که مهیت «مستخار فیها» بد باشد و به واسطه انضمام بعضی قیود، یا حدوث بعضی حالات، خوب شود. پس دوباره استخاره کردن، ضرر ندارد.

و اما اگر بگوییم که در صورتی بد بودن استخاره معلوم می‌شود که جمیع افراد بد است و اگر خوب باشد، می‌تواند شد که بعضی افراد خوب باشد و می‌تواند شد که همه خوب باشد، پس با وجود خوب بودن، جواز استخاره معلوم است، به جهت معین کردن و با وجود بد بودن [استخاره]، باز، جواز دور نیست، نظر به احتمالات سابقه.

و در این مقام، مطلبی دیگر باقی ماند و آن این است که در بعضی مواضع ذکر شد که استخاره دوباره دوباره، مشروع نیست و گاه است که کسی بگوید که مطلقاً اصل جواز است.

و اراده، یا در تلفظ و خارج و «مستخار فیه»، مهیت مطلقه آن امر باشد و این دو قسم، خالی از این نیست، یا در مرتبه ثانیه، که اراده کردن آن امر و استخاره در آن را دارد، حالتی نسبت به «مستخیر» یا «مستخار فیه» حادث شده است که با وجود آن حالت، مظنه یا احتمال اختلاف مفسده یا مصلحت در آن امر، می‌رود یا نه. پس اگر چنین امری حادث نشده باشد، ظاهر آن است که دوباره استخاره، مشروع نباشد و وجه آن، ظاهر است و اگر چنین امری حادث شده باشد، پس محل اشکال است، خصوصاً در صورتی اولی و آنچه در بادی نظر ظاهر می‌شود آن است که بعد از تجدد حالتی نسبت به «مستخیر» یا «مستخار فیه» که جایز باشد، دوباره استخاره کردن؛ زیرا که «مستخار فیه» در اول الحال، مهیت مطلقه بود و در ثانی الحال، مهیت مقیده است، به آن حالت متجدده و مهیت آن به شرط غیر از مهیت به شرط شیء، است و با وجود تغایر امرین، تعدد استخاره، جایز است.

و آنچه نظر دقیق، حکم به آن می‌کند، آن است که استخاره در امری نمی‌باشد، مگر در ایجاد آن امر در خارج و ایجاد در خارج تعلق نمی‌گیرد، مگر به مهیت مقیده، یعنی به افراد؛ زیرا که مهیت لا بشرط، محال است در خارج موجود شود و «مستخار منه» - جل شأنه - نیز، عالم و مطلع به این هست و چون که افراد مهیت واحده، امور متغایره متعدده هستند و می‌تواند شد که ایجاد مهیت، در ضمن بعضی افراد، متضمن خیر و مصلحت باشد و در ضمن بعضی دیگر، متضمن شر و مفسده. پس دور نیست که گفته شود که معنا ندارد استخاره کردن در ایجاد مهیت مطلقه که محتمل باشد که بعضی افراد آن خوب باشد و بعضی بد؛ زیرا که استخاره، خالی از این نیست: یا خوب است یا بد یا میانه، و «مستخار فیه»، چون افراد مهیت است و چون بعضی از افراد می‌تواند شد خوب باشد و بعضی بد. پس یک استخاره، نسبت به جمیع افراد، یا واحده علی التّعیین، معنا ندارد و از قبیل آن است که دو بلد باشد که فی الواقع، سفر کردن به یکی از آنها بد باشد و سفر کردن به یکی خوب، و استخاره شود که مسافرت به یکی از آنها بشود بدون تعیین، و دور هم نیست که گفته شود که چون واحده علی التّعیین که فرد منتشر است در ضمن خوب و بد، هر دو موجود است. پس می‌تواند شد که اگر استخاره خوب باشد، به اعتبار آن فرد، خوب باشد و اگر [استخاره] بد باشد،

لهذا می‌گوییم که: شک در این نیست که استخاره کردن از مصحف یا سُبْحه، یا استخاره ذات الرِّقاع و امثال اینها. از امور توقیفیه است و بدون توقیف از شارع، معلوم نیست که مشروع باشد و آنچه از شارع رسیده، اگرچه مطلق استخاره کردن است، اما متبادر از احادیث و اخبار این است که در هر امر واحدی، یک بار استخاره شود و تعدّد، خلاف متبادر است. پس از جواز استخاره در امر واحد، حکم به جواز تعدّد استخاره نمی‌شود.

این است آنچه مقتضای دلیل عقلی است. فاما در احادیث و اخباری که درخصوص استخاره، از ائمه دین - صلوات الله علیهم - رسیده، به قدر امکان، در این وقت تتبع شد. حدیثی در این خصوص که اشعار بر این مطلب داشته باشد، اثباتاً و نفیاً، به نظر نرسید و بعضی رسایل هم که درخصوص استخاره، نوشته‌اند، مانند: فتح الأبواب^۱ از ابن طاووس، و یا مفاتیح الغیب^۲ از ملا محمد باقر مجلسی و مقالة «مقنعة»^۳ از میرزا علم الهدی کاشانی، مطالعه شد. در کلام ایشان نیز ایمانی به این مطلب دیده نشد. همچنین سایر کتبی که در آنها متوجه احادیث استخاره و ترجیح کیفیت آن شده‌اند، مانند: سرائر^۴ ابن ادریس و مصباح^۵ شیخ طوسی و مصباح^۶ کفعمی و ذکری^۷ و کتب اربعه^۸ ملاحظه شد و کلامی در خصوص این مطلب، به نظر نیامد، بلی، حقیر از یکی از ثقات که اعتماد تمام به قول او بود، شنیدم که نقل کرد از یکی از علمای معاصرین او که او گفت: هرگاه استخاره، مطلقه بشود، بعد از گذشتن سه روز از استخاره اول، می‌توان دوباره استخاره نمود، و الله العالم!

کتابه بيميناه الدائرة، العبد الاحققر، أحمد بن محمد مهدی بن أبي ذر، سامحه الله يوم العرض الأكبر.

کتابشناسی پیشگفتار

۱. اثر آفرینان، گروهی از نویسندگان، تهران، انجام مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ ش، ج ۶، ص ۳۲-۳۳.
۲. ارمغان (ماهنامه)، سال هفتم، ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ ش، ص ۶۰۲ - ۶۰۷.
۳. الأستاذ المصنفی إلى آل المصطفی، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، تهران: ۱۳۵۶ ق، ص ۷.
۴. الأعلام، خيرالدين الزركلي، بيروت: ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۰ (که به خطا نسبت وی را «الزاقی» به جای «التراقی» آورده است).

۵. أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين العاملي، به كوشش: السيد حسن الأمين، بيروت: ۱۴۰۶ ق، ج ۳، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.
۶. إيضاح المكنون، اسماعيل پاشا بغدادی، استانبول، ۱۹۴۵ - ۱۹۴۷ م، ج ۱، ص ۲۳۱ و ج ۲، ص ۳۵، ۱۳۰، ۴۷۸، ۵۲۳ و ۵۶۳.
۷. تاريخ اجتماعي كاشان، حسن نراقی، تهران: ۱۳۴۵ ش، ص ۱۶۱، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۸۳ و ۲۸۹.
۸. تاريخ ادبيات ايران، صادق رضازاده شفق، تهران: ۱۳۲۴ ش، ص ۲۰۱.
۹. تاريخ ادبيات در ايران (از صفويه تا عصر حاضر)، ادوارد براون، ترجمه: بهرام مقدادی، تحشیه و تعليق: ضياءالدين سجّادی و عبدالحسين نوایی، تهران: ۱۳۶۹ ش، ص ۳۵۷.
۱۰. تاريخ سياسي و ديپلماسي ايران، علي اكبر بينا، تهران: ۱۳۴۲ ش، ج ۱، ص ۲۰۰، ۲۱۱ و ۱۳۴۸ ش (مقدمه ج ۲).
۱۱. حديقۃ الشعراء، أحمد بن أبي الحسن شیرازی ديوان بیگی، به كوشش: عبدالحسين نوایی، تهران: ۱۳۶۴ - ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۱۰۲۷ - ۱۰۳۱.
۱۲. خزائن، ملا احمد نراقی، ترجمه: حسن حسنزاده آملی، تهران: ۱۳۴۸ ش، مقدمه.

۱. فتح الأبواب بين ذی الألیاب و بين ربّ الأرباب، تألیف علی بن موسی حلّی معروف به سید بن طاووس، که نخستین بار در بیروت و در سال ۱۴۰۹ ق، منتشر شده است.
۲. مفاتیح الغیب، تألیف علامه محمد باقر مجلسی، به كوشش: السيد مهدی الرجانی، مشهد: ۱۳۶۷ ش.
۳. از این مقاله که به نام «مقنعة» معرفی شده، در منابع و فهارس، اثری یافت نشد.
۴. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، اثر فخرالدین محمد بن احمد بن ادریس حلّی، نخست به سال ۱۲۴۷ ق، در تهران منتشر شده و سپس در همان جا به كوشش سید حسن بن احمد موسوی و حاج ابوالحسن بن مسیح، در سال ۱۲۷۰ ق، انتشار یافته است.
۵. مصباح المتبجد و ملاح المتبجد، تألیف محمد بن حسن طوسی، که در سال ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ ق، در تهران به چاپ رسیده است.
۶. این کتاب به نام: جنة الأمان الواقية و خنة الإيمان الباقية و مشهور به مصباح کفعمی، تألیف تقی الدین ابراهیم بن علی جبعی کفعمی، نخست به سال ۱۳۱۴ ق، در بمبئی و سپس در تهران و به كوشش شیخ فضل الله نوری، در سال ۱۳۲۱ ق، چاپ شده است.
۷. الذکری الشيعة في أحكام الشريعة، تألیف محمد بن مکی معروف به «شهيد اول»، که به كوشش ملا علی اکبر کرمانی به سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ ق در تهران به چاپ رسیده است.
۸. منظور، کتابهای معروف: الکافي في الفقه، ثقة الاسلام کلینی رازی و کتاب من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه قمی (شیخ صدوق) و الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار و تهذيب الأحكام شیخ طوسی است.

۱۳. الذریعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، بیروت: ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۱۴۵، ۱۶۳، ۲۶۷، ۳۷۱ و ۳۸۷ و ج ۲، ص ۴، ۴۳، ۱۸۵، ۲۱۱، ۲۱۸ و ۴۶۵، و سایر مجلدات (رک: فهرس أعلام الذریعة، ج ۱، ص ۱۴۱ - ۱۴۲).
۱۴. روضات الجنات، میرزا محمدباقر موسوی خوانساری اصفهانی، تهران: ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۹۵ - ۹۹.
۱۵. روضة البهية فی طرق الشیعیة، سید محمد شفیع بن علی اکبر جابلقی بروجردی شفیعا، تهران: ۱۲۸۰ ق، ص ۱۶.
۱۶. ریاض العارفین، رضا قلی خان هدایت، به کوشش: مهرعلی گرگانی، تهران: ۱۳۴۴ ش، ص ۴۴۸ - ۴۵۰.
۱۷. ریحانة الأدب، محمد علی مدرّس، به کوشش: علی اصغر مدرسی و محمد مدرسی، تبریز، ۱۳۴۶ ش، ج ۶، ص ۱۶۰ - ۱۶۳.
۱۸. سفینه المحمود، محمود میرزا قاجار، به کوشش: عبدالرسول خیامپور، تبریز: ۱۳۴۶ ش، ج ۲، ص ۴۱۹ - ۴۲۳.
۱۹. سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، عیسی صدیق، تهران: ۱۳۳۲ ش، ص ۵۶۷ و ۵۷۲.
۲۰. طاقدیس، ملا احمد نراقی، تهران: ۱۳۷۴ ق، مقدمه.
۲۱. طبقات أعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، نجف: ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۴ م، ج ۲، ص ۱۱۶ - ۱۱۷.
۲۲. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، علی اصغر بن محمد شفیع الموسوی الجابلقی، به کوشش: السید مهدی الرجائی، قم: ۱۳۶۹ ش / ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص ۵۷.
۲۳. فرہنگ سخنوران، ع. خیامپور (قاهباززاده)، تهران: ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۵۶۰.
۲۴. فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، تهران: ۱۳۲۷ ش / ۱۳۶۷ ق، ص ۴۱.
۲۵. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت و محمد وفادار مرادی، مشهد: ۱۳۶۹ ش، ص ۴۱، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۹۲، ۴۱۳، ۵۵۵، ۶۰۳ و ۶۷۴.
۲۶. فهرست کتابهای چاپی عربی، خانابا مشار، تهران: ۱۳۴۴ ش، ص ۶۴۰، ۸۴۲ و ۹۱۲.
۲۷. فهرست کتابهای چاپی فارسی، خانابا مشار، تهران: ۱۳۵۰ - ۱۳۵۵ ش، ج ۱، ص ۲۸۳ - ۲۸۴ و ج ۲، ص ۱۸۸۰ و ج ۳، ص ۳۴۳۱ و ج ۴، ص ۴۳۷۶ - ۴۸۱۶ - ۴۸۱۸ و ج ۸، ص ۳۶.
۲۸. لباب الألقاب، ملا حبیب الله شریف کاشانی، تهران: ۱۳۷۸ ق، ص ۹۴ - ۹۷.
۲۹. مجمع الفصحاء در تذکره شعراء، رضا قلی خان هدایت، به کوشش: مظاهر مصفا، تهران: ۱۳۳۶ - ۱۳۴۰ ش، ج ۲، ص ۳۳۰.
۳۰. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، به کوشش: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، قم: ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱ / تهران: ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ ق، ج ۳، ص ۳۸۲.
۳۱. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ملا احمد نراقی، به کوشش: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، قم: ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۴ - ۲۲ (مقدمه).
۳۲. مصفی المقال فی مصتفی علم الرجال، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، به کوشش: احمد منزوی، تهران: ۱۳۷۸ ق / ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۹ م، ص ۷۲ - ۷۳.
۳۳. معجم المطبوعات العربیة فی ایران، عبدالجبار الرفاعی، تهران: ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۵، ۲۰۱، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۴۲ و ۵۴۴.
۳۴. معجم المؤلفین، عمر رضا کحّال، بیروت: ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، ج ۱، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.
۳۵. مکارم الآثار، میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی، اصفهان: ۱۳۵۲ ش، ج ۴، ص ۱۲۳۵ - ۱۲۴۲.
۳۶. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، خانابا مشار، تهران: ۱۳۴۰ ش، ج ۱، ص ۴۸۱ - ۴۸۴.
۳۷. نجوم السماء فی تراجم العلماء، محمد علی آزاد کشمیری لکنهوی، لکنه، ۱۳۰۳ ق، ص ۳۴۳.
۳۸. نگارستان دارا، عبدالرزاق دنبلی، به کوشش: عبدالرضا خیامپور، تبریز: ۱۳۴۲ ش، ص ۱۰۴ - ۱۰۶.
۳۹. هدیه العارفین، اسماعیل پاشا بغدادی، استانبول، ۱۹۶۰ م، ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

بازتاب دیدار

در بهار سال ۱۳۸۲ شمسی، ۱۱۷ گروه (۳۳۸۵ نفر) از کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی بازدید کردند. از این میان، ۹۶ گروه داخلی، و ۲۱ گروه خارجی بودند. دیدارکنندگان خارجی این فصل از کشورهای یمن، سودان، اندونزی، آفریقای جنوبی، بحرین، سوئیس، آلمان، عربستان، مالزی، ژاپن، بوسنی، ترکیه، بنگلادش، قزاقستان، لبنان و عمان بودند که از وزرا، سفرا، استادان دانشگاهها، طلاب، نویسندگان، محققان، نمایندگان مجلس و رؤسا و معاونان مراکز فرهنگی می باشند.

دیدارکنندگان داخلی این فصل از شهرهای تهران، قم، کرمان، سمنان، دزفول، اراک، دلیجان، کاشان، ساوه، شهریار، بیجار، مازندران و ایلام و اردوهای از سراسر کشور بودند که از استادان دانشگاهها، دانشجویان، دانش پژوهان، طلاب، نیروهای نظامی و انتظامی، کتابداران، مرمت کاران، سرمیزیهای ادارات قم، جامعه الزهراء، فرزندان شاهد و دیگر شخصیتهای علمی و فرهنگی کشور می باشند.

آنچه در پی می آید، اظهارات برخی بازدیدکنندگان است که در دفتر یادبود کتابخانه به رشته تحریر درآمده است و شیفتگی به این گنجینه و آثار ماندگار آن را می نمایاند.

تاکه کازو کاوامرا، سفیر ژاپن

در ایران:

برای من بازدید از این کتابخانه عظیم فرصت بسیار مغتنمی بود؛ چرا که در این کتابخانه با تاریخچه صنعت چاپ، تحقیقات علمی و تاریخ گذشته ایران و سنتهای قم آشنا شدم. در عین حال، از نزدیک توجه و علاقه فراوان مردم شهر مقدس قم به فرهنگ و علم را مشاهده نمودم. برای جناب آقای دکتر مرعشی در توسعه کتابخانه و پیشبرد اهدافشان آرزوی موفقیت می کنم.

✱



کاوامرا، سفیر ژاپن، و همسرش

کارکنان این مرکز، جزای خیر را آرزو می‌کنم.

✱

محمدرضا نعمت‌زاده، مسئول بخش صنعت
پتروشیمی:

دکتر عبدالکریم بن عبدالرحمان الزید، نایب رئیس
کتابخانه ملک عبدالعزيز عربستان سعودی:

مایه افتخار است که توانستم از این بنای فرهنگی عظیم
بازدید کنم. آیه‌الله العظمی مرعشی عمر با برکت خویش را برای

خدمت به علم و علما و تمدن
اسلامی صرف کرد و از تراث
اسلامی محافظت نمود. از
خداوند می‌خواهم که شما را در
حفاظت از نسخه‌های خطی
ارزشمند و نادر یاری دهد. برای
همه کارکنان این مرکز آرزوی
توفیق و بهروزی دارم.

✱

محمد بن حسن الماضي،
رئیس شرکت پتروشیمی
عربستان سعودی:

خداوند را شاکریم که
مردانی را مأمور کرده تا از
تراث نادر و نسخه‌های خطی
فراوان محافظت نمایند. برای



عبدالکریم بن عبدالرحمان، نایب رئیس کتابخانه ملک عبدالعزيز

سپاس خدای را که امروز
توفیق زیارت کتابخانه حضرت
آیه‌الله مرعشی نجفی حاصل شد.
این بازدید به اتفاق مدیر عامل
و هیئت مدیره شرکت ساییک
عربستان صورت پذیرفت.
خداوند روح بلند مؤسس این
کتابخانه را شاد کند که برای
توسعه دانش و معنویت و دین،
این اثر ماندگار را پی‌افکند.
تلاش حضرت حجة الاسلام
مرعشی نجفی نیز مقبول حق
تعالی قرار می‌گیرد و موجب
شادی روح آیه‌الله مرعشی
می‌شود.

✱



محمد بن حسن الماضي، محمدرضا نعمت‌زاده و همراهان

عبدالهادی بن الحاج افراغ، رئیس حزب اسلامی مالزی
و عضو مجمع التقریب بین المذاهب:
از مسئولان و دست اندرکاران این کتابخانه عظیم که با
تلاش پیگیر خود برای حفظ تراث اسلامی می کوشند،
سپاسگزارم.

✱

دکتر صالح بن حسین
العابد، دبیر کل مجلس عالی
امور اسلامی:

احساس فخر و مباهات
می کنم که نسخه های خطی
فراوانی پس از قرن ها محفوظ
مانده و محققان می توانند از آنها
استفاده کنند. از درگاه پروردگار،
حفظ علوم مسلمانان
و کتابهایشان و توفیق
دست اندرکاران را در خدمت به
علم و عالمان خواهانم.

✱

دکتر محمد علی بن شیخ

منصور الستری، وزیر کشاورزی و امام جمعه ستره بحرین:
بازدید از بنای علمی بزرگی که مرجع بزرگوار، حضرت
آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) آن را تأسیس نموده است،
برای این جانب فرصتی ارزشمند بود. گنجینه نسخه های خطی
این کتابخانه را نمی توان با دیگر گنجهای دنیا مقایسه کرد.
کتابخانه آیت الله مرعشی نمایانگر عظیمترین تلاش بشری
است که به دست یک فرد انجام شده است.

✱

سید عبدالسلام عباس الوجدید، مدیر تحقیقات مؤسسه
فرهنگی امام زید بن علی، یمن:

فراوانی ذخائر جمع آوری شده در موضوعات مختلف
اسلامی و انسانی در این کتابخانه عظیم، مرا شگفت زده کرده
است. خداوند بنیانگذار آن را که با صرف مال و وقت خویش
و مجاهدت حقیقی توانست این گنجینه ارزشمند را برای امت
اسلامی به یادگار گذارد، غریق رحمت خویش گرداند.

✱

یوسف اودو، مسئول بخش عربی دانشجویان اسلامی
دانشگاه پرتوریا:

این گنجینه، دلالت بر غنی بودن فرهنگ و تمدن اسلامی
دارد. پیشرفته بودن روشهای حفاظت و نگهداری و مرمت



محمد علی بن شیخ منصور الستری، وزیر کشاورزی بحرین

کتابخانه آیه الله مرعشی، هر بیننده ای را به تعجب و تحسین
وامی دارد.

✱

دکتر ابوبکر القزبی، وزیر امور خارجه یمن:

هرکسی هنگام بازدید از این کتابخانه، احساس غرور
و شغف می کند. این آثار نفیس، موجب حفظ تمدن اسلامی
و سربلندی مسلمانان شده اند.

مطالعه کتابهای کتابخانه آیت الله مرعشی، موجب می شود
که دریافتها و برداشتهای نادرست برخی مسلمانان زدوده
گردد. امروزه جهان اسلام نیازمند توحید کلمه و ایستادن در
برابر چالشهایی است که امت اسلامی با آن روبه رویند.

✱

دکتر مصطفی عثمان اسماعیل، وزیر امور خارجه
سودان:

افتخاری بزرگ برای من بود که توانستم از این گنجینه
سترگ بازدید کنم. از خداوند برای آیه الله مرعشی و فرزند

دکتر ناصر الناصر،
جانشین دبیر کل مرکز
آرشیو و تحقیقات ملک
عبدالعزیز عربستان:

امیدوارم این سعادت
برای همگان حاصل شود تا
از کتابخانه بزرگ حضرت
آیه الله مرعشی نجفی دیدن
کنند؛ به ویژه محققان
و مسئولان جهان اسلام که
می توانند از قسمتهای
مختلف کتابخانه به صورت
تخصصی استفاده کنند.

✱



ابوبکر القزبی، وزیر خارجه یمن



مصطفی عثمان اسماعیل، وزیر خارجه سودان

دکتر محمد حمیدان العریصی، مسئول اداره بررسیها
و تحقیقات دانشکده دیپلماتیک وزارت امور خارجه
عربستان:

قله ای رفیع از قله های دانش و تراث اسلامی و انسانی را در

ارشدش دکتر سید محمود
مرعشی اجر جزیل مسئلت
دارم.

از مسلمانان و غیر
مسلمانان دعوت می کنم که
از این بنای بزرگ فرهنگی
بازدید کنند و از فیوض آن
بهره مند شوند.

✱

احمد هاشم مزادی،
رئیس کل نهضت مرکزی
علمای جاکارتا:

توفیق یاری نمود تا در
شهر مقدس قم حضور یابم
و از کتابخانه بزرگ آیه الله
مرعشی نجفی بازدید نمایم.

امیدوارم این سفر زیارتی برای تحکیم روابط میان دو کشور
برادر و مسلمان، ایران و اندونزی، سودمند باشد.

✱

گل آغا اوز، رئیس بنیاد حسین غازی، نویسنده و محقق ترکیه:

کتابخانه‌ها ارزشها را به نسلهای بعدی انتقال می‌دهند. با دیدن این کتابخانه، علاقه من به آیه‌الله مرعشی نجفی بیشتر شد. آثار کتابخانه آیه‌الله مرعشی، مشعل اسلام را در دنیا افروخته نگه می‌دارند و عشق مسلمانان به اهل بیت (ع) را شعله‌ور می‌گردانند.

✱

شهری تاریخی دیدم. تلاش آیه‌الله مرعشی نجفی شایسته قدردانی و احترام است. از دست‌اندرکاران این کتابخانه بزرگ، به دلیل حسن استقبال و اهتمام در توضیحات، سپاسگزارم و مزید توفیقات ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

✱

ژان کلود باست، استاد دانشگاه و کشیش پروتستان، سوئیس:

این کتابخانه بزرگ، از فن‌آوری پیشرفته برای حفاظت نسخه‌های خطی برخوردار است. بازدید از کتابخانه آیه‌الله مرعشی فوق‌العاده جذاب، و ارزش معنوی و قدمت آن، خیره‌کننده بود.

✱

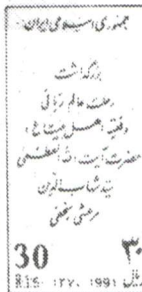


ژان کلود باست، استاد دانشگاه‌های سوئیس

نامه‌ها



ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN



است، احیای این‌گونه کتابها را چه سود؟ غافل از اینکه ارتباط انسانهای این عصر و آینده با قرون گذشته و تمدنها، جز کتاب چیزی نیست. طب جدید فرزند خلف بوعلی سیناست و دانش ریاضی زاده اندیشه فیثاغورث‌هاست. شناخت نوابغ گذشته جز بدین راه میسر نخواهد شد.

برای من بنده بسی شگفت آمد که فی‌المثل تجرید الاعتقاد حضرت خواجه نصیرالدین طوسی را دهها و صدها شرح و تحشیه باشد، تا چه رسد به یکی از شروح، یعنی شرح قوشجی که حداقل ۲۴ تحشیه بر آن نگاشته شده باشد که نام تعدادی از آنها را هم نشنیده باشم. آری،

از آنها که ماند اثرها به جای خداوندگاند خاص خدای

دریغا که هزاران کتاب نامشان باقی و اصلشان فانی است و در تُرکتازیهای مغول و طغول و دیگران طعمه حریق گشته‌اند؛ لذا این بنده از حضرت‌عالی استدعا دارم که در حد امکان در طبع و احیای کُتب منحصر به فرد بذل لطف فرمایید، که این جامعه زاده از عشق تحقیق بر قامت بلند همچون شمایی زیننده است؛ به ویژه شروحاتی از نهج البلاغه و کتب اخلاقی. در پایان، با سلام و سپاس مجدد، سلامت و سعادت جناب‌عالی و همکارانتان را همواره خواستارم. محمد تقی کتابی

*

جناب آقای دکتر مرعشی

چند نکته در الحاق به مقاله نسخه‌های خطی نفیس خریداری شده مندرج در شماره ۴ سال ۸ میراث شهاب عرض می‌شود:

۱. نزهة الکرام و بستان العوام، نسخه‌ای است که در روزگاری در تملک فخرالدین نصیری امینی بود و فرصتی پیش آمد که آن را در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان کتابی از مؤلف بصره العوام معرفی کنم و عکس یک صفحه از آن را در آنجا به چاپ رسانیدم. این نسخه در آن وقت حاوی ۶

جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی

با سلام و عرض احترام، شماره ۳۰ نشریه وزین و ارجمند میراث شهاب عزّ و وصول بخشید. مراتب سپاس ما را پذیرا باشید. جناب آقای مرعشی، کتابخانه حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی آنقدر سنجیده و رو به کمال حرکت می‌کند که تنها باید از قول حافظ گفت: بر این راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندد.

توفیق روزافزون شما، آرزوی هر ایرانی‌ای است که دل در گرو میراث گرانسنگ فرهنگ خویش دارد.

ضمناً نشریه هستی آمادگی دارد کتابهای منتشر شده از سوی انتشارات کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی را در صورت وصول، معرفی نماید.

ميلاد عظيمی

دبير اجرائی فصلنامه هستی

*

دانشمند دانش‌پژوه، جناب دکتر سید محمود مرعشی نجفی - دام عزّه العالی -

با سلام و عرض ارادت و سپاس فراوان از ارسال هدایایی گرانقدر: ۱. معجم الآثار حول الامام علی (ع)؛ ۲. القول الفاصل فی الرد علی مدعی التحریف؛ ۳. کتاب‌شناسی تجرید الاعتقاد؛ ۴. الحاشیه علی کتاب من لایحضره الفقیه؛ ۵. احکام السرقة؛ ۶. فرهنگواره امثال قمی؛ ۷. میراث شهاب.

سبع سنابل، فی کلّ سُنْبَلَةٍ مائة حَبّة.

ای باغ پر طراوت اندیشه‌های ناب پنهان به برگ‌برگ تو اعجاز آفتاب جان من و تو یک نفس از هم جدا مباد ای خوب جاودانه، ای دوست، ای کتاب

به‌راستی در احیای میراث علوم گذشتگان از علما، حضرت‌عالی گوی سبقت را ربوده‌اید؛ گرچه شاید برخی چنین گویند: «در عهدی که فیزیک و ریاضی جهان را درنور دیده

جزوه در ۴۸ ورق بود. نگاه شود به آن مجله، سال هفتم، شماره دوم (سال ۱۳۳۸-۹).

۲. مرحوم دکتر مهدی بیانی از کتابچه سیاق میرزا سلمان بیان السلطنه فراهانی نسخه‌ای در اختیار داشت که در صفحه اول آن نوشته است: «این نسخه اول و مسوده است که باید پاک‌نویس و تصحیح و نقل شود. تازه اصلاحات لازم دارد.» آن مرحوم این نسخه را در اختیار من گذاشت و به صورت عکسی در فرهنگ ایران زمین (جلد ۲۳) چاپ کرده‌ام. سنوات ارجاعی در شواهد مطالب سال ۱۲۸۷ قید شده است.

۳. سفرنامه سید علی حجازی ظاهراً همان جام جم هندوستان است که در تبریز در ۱۳۱۶ قمری چاپ شده است و بعد در ۱۳۲۳ در تهران. لقب او وقارالملک و از مردم تبریز بود. از سفرنامه‌های مشروح و مهم در باره هندوستان است.

۴. ظاهراً رساله اتحاد اسلام همان تألیف ابوالحسن میرزا شیخ رئیس حیرت قاجار است که در همان سال ۱۳۱۲ در بمبئی طبع شده است.

ایرج افشار

✱

جناب آقای دکتر مرعشی نجفی

از طرف کتابخانه‌های دانشگاه دولتی آریزونا، به‌ویژه از طرف دانشجویان و محققانی که از هدایای شما استفاده می‌کنند، مراتب قدردانی ما را به خاطر ارسال فهرست مخطوطات‌شناسی نسخ خطی ترکی و سه جلد از گنجینه شهاب بپذیرید.

هدایایی همچون هدایای شما، کتابخانه‌های ما را قادر خواهد کرد که از محققان ایالات متحده حمایت نماییم. به علت ارزش کتابهای جدید و مواد و ابزارهای علمی، هدایای شما به کتابخانه ارزش فوق‌العاده‌ای خواهند داد. تنها با لطف افرادی چون حضرت عالی ما می‌توانیم به ارزش و اهمیت مجموعه خود امیدوار باشیم.

طبق سیاستهای کتابخانه، چنانچه در اینجا استفاده‌کننده‌ای نداشته باشد و یا جایی برای نگهداری آنها نداشته باشیم، آنها را در جایی مناسب نگهداری خواهیم نمود.

از لطف حضرت عالی در حمایت از کتابخانه‌های ایالات متحده سپاسگزاریم.

شری اشمیت رئیس کتابخانه

✱

جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی، رئیس کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی

جلدهای ۱ و ۲ و ۳ گنجینه شهاب و اولین جلد فهرست نسخه‌های خطی ترکی موجود در کتابخانه مرعشی را دریافت داشتم.

از این هدایای بسیار ارزشمند صمیمانه تشکر می‌کنم. کتابخانه شما به راستی در حال انجام دادن کاری گرانبه در زمینه نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی است.

بسیار خوشحالم که می‌توانم از آن استفاده کنم و به خوانندگان نیز بدهم که از یک چنین کتابهای ارزشمند و فهرستهای مهم استفاده کنند.

فرانسیس ریچارد

رئیس بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی فرانسه

✱

حضرت حجة الاسلام، علامه سید محمود مرعشی - دام ظلّه الوارف -

سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته

امیدوارم در سلامت کامل بوده باشید. مایلم به عنوان کسی که مدت سی سال است به مذهب شیعه اثنا عشریه درآمده است، خودم را معرفی کنم که جوانی‌ام را در بمبئی هندوستان گذرانیده‌ام و عمیقاً با علاقه فراوان در راه توسعه علوم اسلامی‌گام برداشته و در مسیر خدمت به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشم. به همین دلیل، کتابخانه باقرالعلوم را تأسیس نمودم و از مجموعه شخصی خودم یک مرکز تحقیقاتی را راه‌اندازی نمودم و به منظور مشارکت در این امر، دو کتاب از محدث قمی از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده‌ام؛ به نامهای منازل الآخرة و نفس المهموم. و در نظر دارم کتابهای بیشتری را در باره مجتهدان، که پیوسته در حال جمع‌آوری اطلاعات در باره آنها می‌باشم، ترجمه کنم.

به پاس احترام به والد ماجد حضرت عالی، حضرت آیت‌الله آقای سید شهاب‌الدین مرعشی - طاب ثراه - که همواره الگو و سرمشق و ایده‌آل بنده بودند و بنده ایشان را می‌ستایم، چندین سال قبل به قصد زیارت به ایران آمده بودم. وارد کتابخانه شدم و فرصتی دست داد تا فاتحه‌ای بر مزار ایشان بخوانم و برگردم. آرزو داشتم که ای کاش شخصاً در زمان حیات آن حضرت بودم و موفق به زیارت و دست‌بوسی می‌شدم. واقعاً بسیار تحت تأثیر کتابخانه بزرگ ایشان قرار گرفتم و اطلاع یافتن که ایشان چه سختیها و مشقتهایی را

حضرة حجة الاسلام الاخ الاعز مولانا السيد محمود
المرعشى - اطال الله بقاءه و أدام عزة -
سلام عليكم ورحمة الله و بركاته

(اما بعد) يزورك الولد الاعزّ الاستاذ صادق العطار، سلالة مولانا العارف التقى، الشيخ محمد تقى العطار (قدس الله سره) وهو ينوب عنى في زيارة مرقد مولانا السيّد الوالد (قدس سره) ومكتبته العامرة مقدّمًا بعض ما يتيسر حمله من كتبنا هدية متواضعة اليها. والمرجو اتحافى بنسخة من كتاب الاجازات، ورسالة السيد فى دعاء السمات، ومجموعة الشهيد التى حققها الامينى وما نشر من كتب الانساب، ولاسيّما الاصيلى، وماترون ضرورته.

سلام عليكم، وعلى من فى المكتبة من المحققين والافاضل
وعلى ذوى الفضل كافة مع التحيات والامانى، ملتتمساً الدعا.
حسين علي محفوظ

سماحة العالم الجليل الفاضل، رئيس المكتبة المرعشية في
مدينة قم، الدكتور السيد محمود المرعشي حفظه الله تعالى و رعا.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
وبعد أقدم لسماحتكم هذه القطعة الشعرية، تمجيداً
لمكتبتكم المجيدة، المكتبة المرعشية، و تميناً و تقديراً،
و أرحو القبول.

المكتبة المرعشية الخالدة

جُنَيْنَةٌ فِيهَا شَجَرٌ
وَزَهْرُهَا حُلُو الْعَطَرِ
لَوْ سِرَتْ فِيهَا لِنَظَرٍ
مَكْنُونَةٍ فِيهَا سُفَرٌ
بِنَايَةِ الْحَبْرِ مَقَرٌ
الْمَرْعَشِيِّ شَادَ مَنْزِرٌ
لِلَّهِ يَا حَادِيَ الدِّيَرِ
فَزَادَهَا غَذُو الْبَسَرِ
لِلْعَقْلِ تَهْدِي الْفِكْرِ
كِتَابُهَا عِلْمٌ وَ دَرٌ
أَلْوَاخُهَا كَنْزُ الْقَدَرِ
قَدْ دَارَهَا الْأَبْنُ الْأَبَرُ
لِلْمَرْعَشِيِّ أَحْيَى الذِّكْرِ

صاحب ناصر سعيد الباقر
مؤسسة آل البيت لاحياء التراث

متحمل شدند تا توانستند یک چنان مجموعه عظیمی را تأسیس کنند و حالا می‌فهمم که ایشان چه مرارتها و مشکلاتی را در این راه تحمل فرمودند.

خواستم از شما تقاضا کنم لطف فرموده، زندگینامهٔ کامل حضرت آیه الله مرعشی را همراه تعدادی تصویر از ایشان در اندازه‌های مختلف، و تعدادی از کتب و آثار علمی ایشان را که می‌خواهم در کتاب سابق الذکر بگنجانم، برایم بفرستید. همچنین خواستم تقاضا کنم اگر ممکن است، کتابهای دیگری را در ترجمه و شرح حال علما، به هر زبانی که باشد، برای بنده بفرستید؛ چون برای کاری که در نظر دارم، بسیار مفید خواهد بود.

در پایان از خداوند بزرگ می‌خواهم به شما سلامت و طول عمر عطا کند تا بتوانید این میراث عظیم و ارزشمند را حفظ نموده، به اهل بیت (علیهم‌السلام) خدمت کنید، و بدین ترتیب، راه والد فقید عظیم‌الشان خود را ادامه دهید.

اعجاز علی ت. بوجوالہ (الحسینی)

محضر شریف تولیت محترم کتابخانہ بزرگ و گنجینہ جهانی
مخطوطات اسلامی حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی (رہ)
سلام علیکم

با احترام، ضمن گرامیداشت نام و یاد پدر بزرگوارتان که خدمات مفید ایشان به عالم اسلام و علاقه‌مندی خاصشان به اهل بیت علیهم‌السلام اظهر من الشمس بوده و نیازی به توضیح ندارد. گفتنی است آن مرحوم با اهدای قریب چهارصد جلد کتاب خطی به کتابخانه آستان مقدس، که اخیراً فهرست آنها تهیه و آماده چاپ گردیده است، نام خود را در زمره علاقه‌مندان به این آستان ثبت نمودند.

جای بسی خوشحالی است که خلف صالحشان نیز جز در مسیر پدر گامی برنداشته است و کتابخانه آستان مقدس را مد نظر دارد.

سه جلد کتاب با ارزش و مفید گنجینه شهاب، اهدایی حضرت عالی، وصول شد. امید است توجه جناب عالی به این کتابخانه، مقبول پیشگاه مقدس محدث علیم، حضرت عبدالعظیم رحمۃ اللہ علیہ قرار گیرد؛ ان شاء اللہ.

حسین مؤذنی
مدیر کتابخانہ مرکزی و مرکز اطلاع رسانی
آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیہ السلام

خبر

بزرگداشت سالگرد ارتحال آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)



شیفتگان حضرت آیه الله العظمی مرعشی هر سال در سالگرد درگذشت ایشان گرد هم می آیند و به سوگ می نشینند. آنان هیچ گاه نمی توانند کوششهای بزرگمردی را فراموش کنند که به تنهایی میراث گرانبهای اسلامی را پاس داشت. از این رو، در زندگینامه و آثار وی بیشتر درنگ می کنند و با زوایایی تازه از عظمت و فداکاری ایشان آشنا می شوند.

تجلیل از مقام والای آیه الله مرعشی، از آن روست

که فرهنگ مکتوب اسلامی را برای نسلهای آینده حفظ کرد و آنان را از اقیانوس دانش بهره مند گردانید. فرزند ایشان، دکتر سید محمود مرعشی، نیز در صیانت از این کتابخانه کم نظیر، هر آنچه داشته، در طبق اخلاص نهاده است. وی می کوشد این مرکز عظیم را بیش از پیش بالنده نماید، تا پژوهشگران در سایه سار آن بیاسایند و تشنگان خرد را سیراب سازند. مراسم بزرگداشت سیزدهمین سالگرد عروج ملکوتی

آیه الله مرعشی نجفی (ره) در بیستم فروردین سال جاری، در حسینیه ایشان، برگزار گردید. در این مراسم باشکوه و معنوی، همه طبقات، از جمله آیات عظام و مدرّسان حوزه و مسئولان، شرکت داشتند. شمار شرکت کنندگان به گونه ای بود که حسینیه از جمعیت آکنده بود. در این سوگواره، حجة الاسلام فاطمی نیا، از خدمات شایان آیه الله مرعشی به اسلام و مسلمانان تجلیل کرد.

MIIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

The world Treasur of Islamic Manuscripts

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

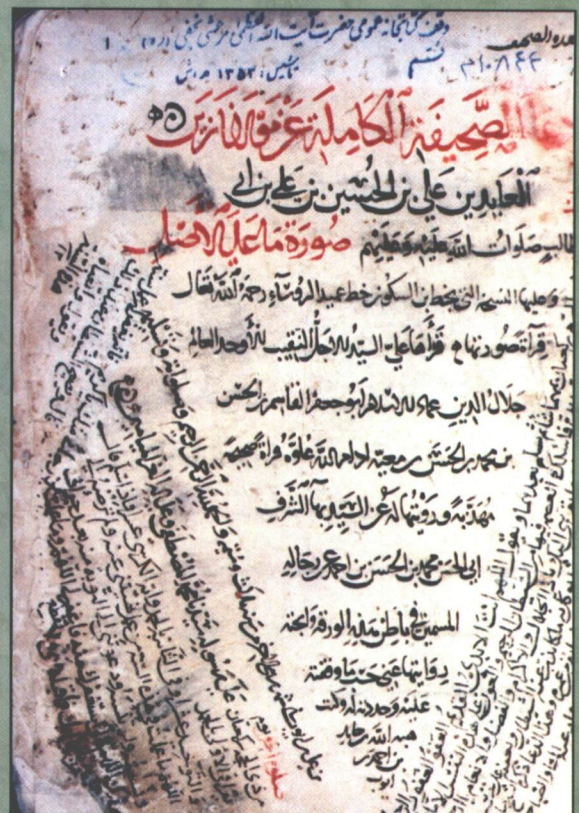
under the sapervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

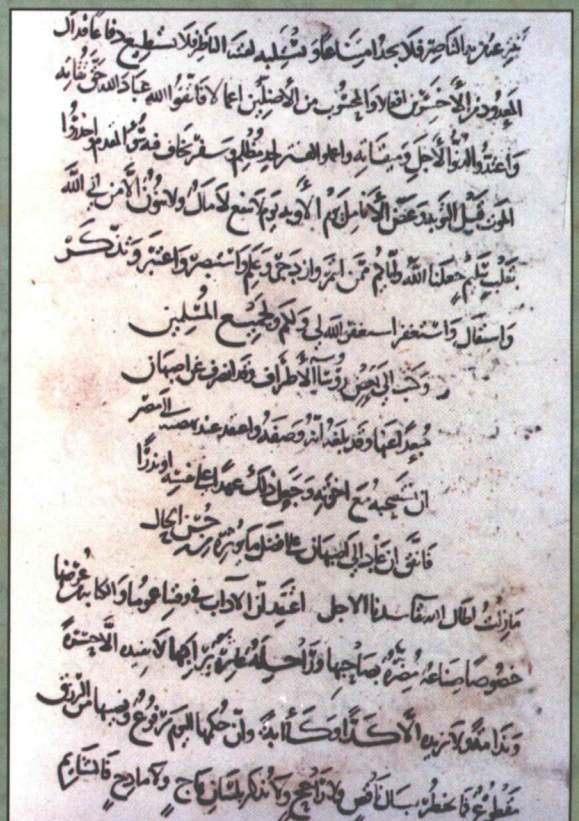
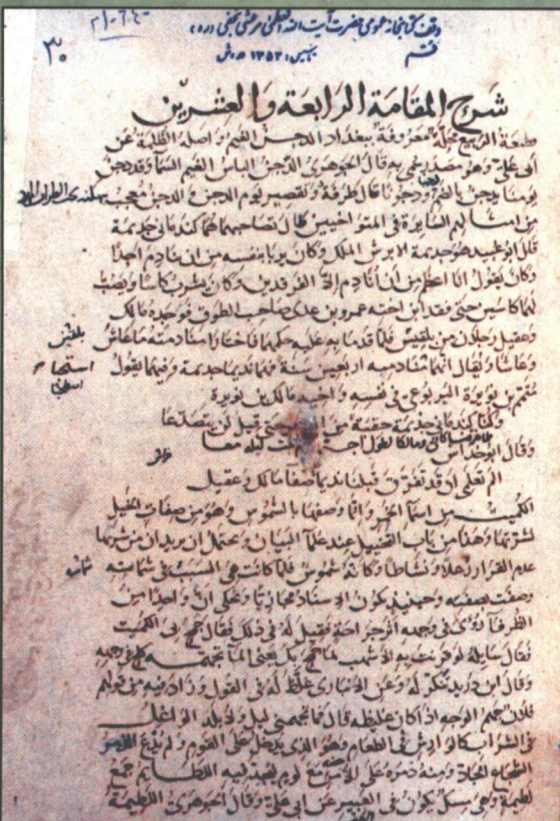
Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

- **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibiography.
- Articles on introducing various Libraries.

- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Miras-e Shahab** is published quarterly at the end of each season.



The first & End pages of *Shahife- ye- Sajādiyeh*, Very precious manuscript, dated of 1449/853 A.H. and checking & corrected with manuscripts of Ibn Al-Sakkūn & Ibn Edris, No. (10844 M)



Sharh-o- Maqāmāt ol-Hariri
by Ahmad Ibn 'Abdolm'omen -e-Qisi-e-Sharisi
The old manuscript, dated of 11th /6 th A.H.
Century, No. (10640M)

Rasā' l Šabi, The old manuscript, dated of 11th/
6th A.H. Century, No. ((10643 M))



The Journal of The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi
The World Treasur of Islamic Manuscripts

Vol. 9, No. 1, Spring 1382/2003



Tafsir-e-Sure-ye-Jum'ah, by müllâ Şadrâ
«Şadrolmutâllehin Shirâzi», the Original
manuscript & Handwriting by his author
No. (10575M) of this Grand library